15
A-P
77-938031
LIBRARY OF CONGRESS
6
APR 7 - 1980
COPY
ORDER DIVISION
15521/0271yoo

ژوندون

اطلاعات اوکلتور

شنبه ۱۸ حوت ۱۳۵۸
(۸) مارچ ۱۹۸۰
شمارهٔ (۵۱)
سال (۳۱)

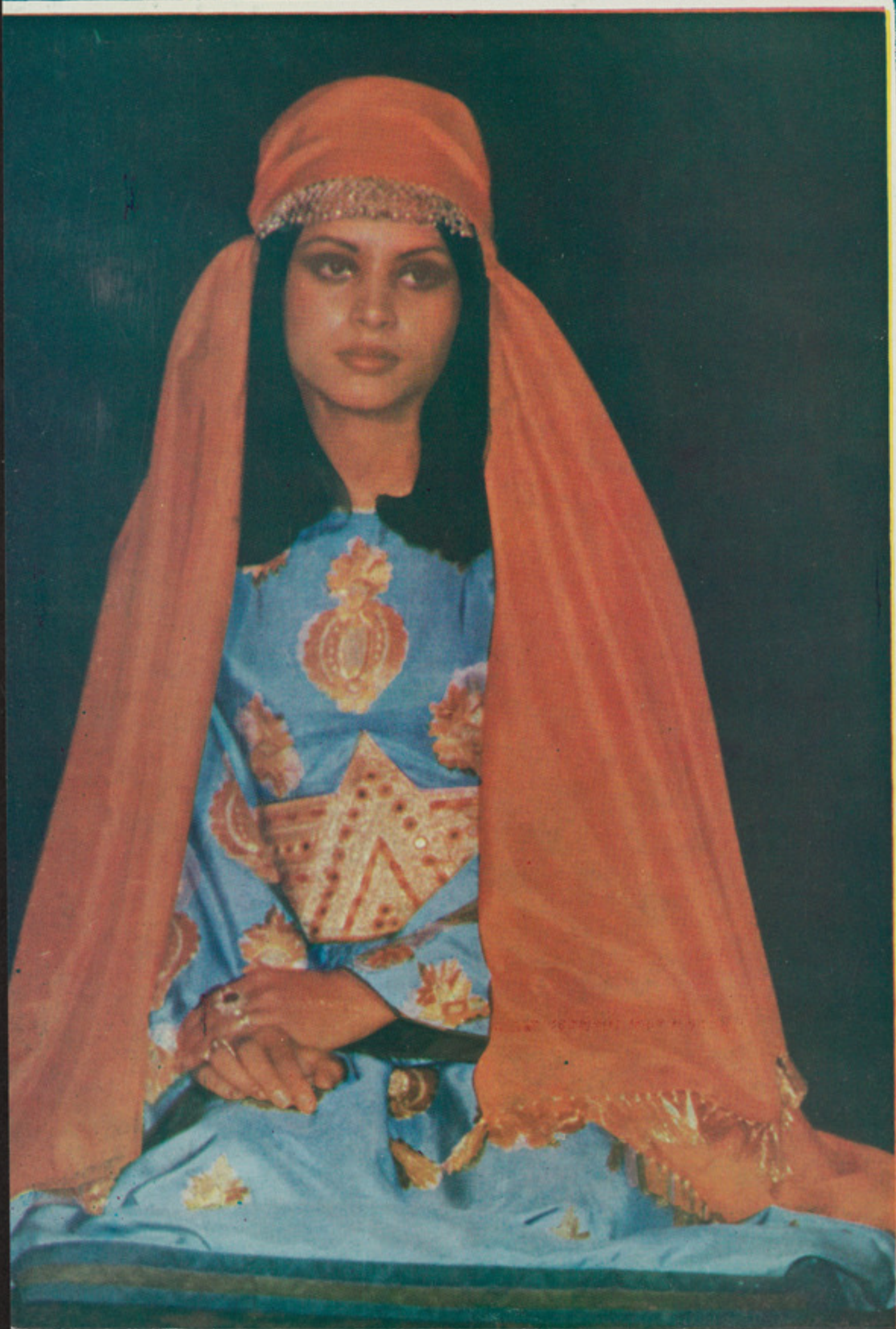

(۸) مارچ، روز همبستگی زنان در سراسر جهان

○

نظری به چگونگی تاریخ انسانهای نخستین

▽

حمله قلبی و ضد آن

△

استفاده از طبیعت به نفع مردم

قیمت یکشماره (۱۳) افغانی

اختصار وقایع هفته

مدیریت اطلاعات وزارت امور خا رجه‌خبر مید هد ببرک‌کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستا ن، رئیس شورای انقلابی و صد را عظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت پنج بعداز ظهر ۱۶حوت جلالتماب نمبو تایی سفیر ایتو پی‌در مسکو را که حامل پیا می از طرف رئیس دولت خو یش می با شد در مقر شورای انقلابی پذیرفتند.

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خا رجه خبر میدهد ازطرف ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیک‌خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهو ری دموکرا تیک افغانستان تلگرام تبر یکیه به منا سبت روز آزادی جمهوری گانا عنوا نی جلا لتما ب داکتر هیلا لیمان رئیس آن‌کشور به اکرا مخا بره گردیده است .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خا رجه‌خبر مید هد عنوانی ببرک‌کارمل منشی عمو مـی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک‌خلق‌افغانستان رئیس شورای انقلابی وصد راعظم جمهو ری دموکراتیک افغا نستان پیام جوا بیه ذیـل از جا نب نیلام سنجی واریدی رئیس جمهور هند موا صلت نموده است :

جلالتماب ببرک‌کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا تیک خلق افغا نستان، رئیس شورای انقلابی وصد را عظم جمهوری دموکرا تیک افغانستان از تمنیات نیک جلالتماب شماکه به مناسبت روز جمهـوریت هند بـه اینجا نب ومردم هند ابراز داشته ایدبدین وسیله تشکر می نما یم .

من از احسا سات دو ستانه که درپیام تان ابراز داشته اید اظهار امتنان نموده وبا استفاده ازین مو قع بهترین آرزو ها ی‌نیک خود را برا ی صحت و سعادت شما ا براز میدا رم .

نیلام سنجی واریدی رئیس جمهور هند.

• • •

در جلسه تاریخی شنبه ۱۱ حوت شورای وزیران که تحت ریاست ببرک کارمل‌منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی‌و صدراعظم جمهوری دموکراتیک‌ا فغانستان از سا عت چاروئیم تا ساعت هشت ونیم شب در مقر شورای انقلابی دایر گردید ، ضمن بحـث وغور روی پیشنها دات وزارت ها در باره یك سلسله مسایل فیصله صادر شد .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خا ر جه خبر مید هد که عنوانی ببرک‌کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دموکراتیک خلق افغا نستان ،رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری‌دموکراتیک افغـانستان ازطرف هنگـ سا مر ین رئیس جبهه متحد ملی بر ای رها یی کمپو چیاورئیس شورای انقلا بی‌خلق کمپو چیا پیام جوا بیه ذیل موا صلت‌کرده است :

به نما یند گی ازخلق ، شورای انقلابی وجبهه متحد ملی‌برای رهایی کمپو چیـا می خواهم مراتب امتنان صمیمانه خود را به رفیق ببرک کارمل به خا طر سلام های گرم شان به منا سبت اولین سالگرد تجلیل از پیروزی هفت جنوری خلق کمپو چیا ابراز نمایم .

ما حما یت‌جدی وکمك های ارز شمندخلق افغا نستان را با مبارزات انقلابی‌خلق‌کمپوچیا برضـد توسـعه طلبی های عظمت‌طلبانه‌و ارتجا عی پیکنگ به همکاری امپر یالیزم‌و توسعه طلبان مرتجع در راه استقلال وآزادی میهن کمپو چیا بدیده قدر می نگر یم .

به آرزوی انکشاف و تحکیم روز افزو ن علایق دو ستا نه موجود بین خلق کمپو چیا و خلـق ا فغا نستان هنگ سا مریـن،

رئیس جبهـه متحـد ملـی برای ر هایـی کمپو چیا و رئیس شورای‌انقلابی‌خلق‌کمپوچیا، پنوم پن .

۲۸ر۱ر۱۹۸۰

• • •

مدیریت اطلاعات‌وز ارت امور خا ر جه خبر میدهد از طرف ببرک کارمل منشی‌عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا تیك خلـق افغا نستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان تلگـرام تبر یکیه به منا سبت سالگرد جلو س اعلیحضرت ملك حسن دوم پادشاه المغر ب عنوا نی مو صوف به آنکشور مخا بره‌گردیده است .

• • •

تحت ریاست ببرک‌کارمل منشی عمو مـی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق‌افغانستان رئیس شورای انقلابی وصد را عظم‌جمهوری دمـوکراتیك افـغـانستان جلسه شـورای وزیران جمهوری دموکرا تیك افغا نستا ن در مقر ریا ست شورای انقلابی دایر گردید.

• • •

سلامهای گرم و صمیما نه ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابـی‌و صدراعظم جمهوری دموکرا تیك افغا نستان را روز ۱۱ حوت فیض محمد وزیر امـور سر حدات به مردم شریف لوی ولسوا لـی خوست ولایت پکتیا رسا نید .

وزیر امـور سر حـدات د ر محفلـی اشترا ك کرد که از طرف مشرا ن،موسفیدان ومردم زحمتکش لوی ولسوا لی خو ست به خا طر حما یت و پشتیبا نی از مر حله نوین تکا مل انقلاب ثور در مرکز آن لوی ولسوا لی بر گزار گردیده بود .

• • •

بتاسی از اعلامیه تاریخی ۱۱ حو ت‌مقامات امنیتی کشور که در آن تو ظیف کمیسیون را جهت غور و بررسی احوا ل متهمین توطئه خا ینا نه و ضد ملی ۲و۳ حوت اعلا م‌نموده بود ۲۰۲ متهم‌که فر یب تبلیغات دشمنا ن خاك ووطن را خورده بودند بعد از غور و بـر ر سی ، کمیسیون مـوظف پریروز آزاد شدند .

حزب دموکراتیك خلق افغانستان ودولت جمهوری دموکراتیك افغا نستان برا ی دفاع از حیثیت زندگی ونوا میس ملی ومقدسات دینی مردم با دیا نت افغانستان علیه تما م نیرو ها ی ارتجا عی خرا بکا را ن، دزدان، آدمکشا ن این جوا سیس زر خریـد امپر یالیزم امریکا انگر یز، چین وپاکستان تا سر حد ریشه کن سا ختن آنان از تمام نقا ط افغانستان پیکار پیگیر را دنبا ل مـی نما یند .

• • •

طبق اطلاع واصله از برلین مرکزجمهوری دموکراتیك آلمان پیام ببرك کارمل منـشـی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا تیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابـی‌و صدراعظم جمهوری دموکرا تیك افغا نستان

قبل از ظهـر ۱۶ حـوت تـوسط دکتـورس اناهیتا راتب زاد عضو بوروی سیا سی‌کمیته مرکزی حزب دموکرا تیك خلق افغا نستان عضو شورای انقلابی ووزیر تعلیم و تر بیه ضمن ملاقاتی به جلالتماب ایر یش هو نیکر منشی عمومی حزب متحده سو سیا لست‌آلمان ورئیس شورای انقـلابـی دولت جمهوری دموکراتیك آلمان سپرده شد .

مجید سربلند وزیر اطلا عات وکلتورهنگام‌سخنرانی درجلسهٔ سازمان اولیه وزارت‌اطلاعات‌وکلتـور

«برای بلند بردن سطح زندگی ، رفاه وآرامی‌مردم شریف کشور سعی ومجاهدت به عمل می‌آید تا اولادوطن‌ما ازفقر و بدبختی،بیسوادی‌وبیماری که‌دامنگیر شان است، هرچه‌زود تر نجات یابند»*

«ببرك كارمل»

شنبه ۱۸ حوت۱۳۵۸ه.ش برابر با ۸مارچ۱۹۸۰

هشت‌مارچ روز همبستگی زنان

بخاطر دفاع از حقوق انسانی

امروز ۸ مارچ مصادف با هفتاد مین‌سالروز بین المللی همبستگی زنان است .

زن این موجود شر یف و سازنده که نیمی از پیکر جا معه بشری را تشکیل میدهد همواره در پو یه زمان در لابلای فور ماسون های گونا گون اقتصادی وسنت ها ی‌حاکم بر جا معه رنجهای بیکران وطا قت فرسای را متحمل شده ودر پنجه ها ی شو م‌بیداد گران زمان در تلا بوده است .

از زنده بگور کردن تازنده سو ختا ندن با جسد شوهر ، از عا جز شمردن تا ما ل مور وثی واز محصور نگهد اشتن درچار دیوار اسارت تا متاع وار عرضه کردن‌ببازار همه و همه گو یا ی این واقعیت است که در ادوار مختلف زمان حقوق انسا نی و حقه زنان زیر پا شده وقر بانی هو سها ی شوم‌تنگ نظران وزرپرستان گردیده واصلا ارزش انسانی وسا زنده این مو جود پرتوان ودر عین حال صبور ،در بقاوتکامل بشر یت بی اهمیت پندا شته شده است وعلیرغم آنکه مستبدین زمان با تلا شهای مذبو حانه وغیر انسا نی کو شیده اند تا تا رو ل انسانی وتعیین کنندهٔ آنرا درجامعه بتاق فرا موشی گذارند و متا ع وار با آن معا مله نما یند ، زنان مبارزو قهرمان درراه احقا ق‌حقو ق حقه شا ن در فش آزادیخواهی رابلند نگهداشته وبه مبارزات‌خستگی نا پذیر شا ن ادامه داده اند که‌بالا خره در سا ل ۱۹۱۰ـ این مبا رزات پرا گنده ، بعدی تازه یی بخود گر فت ودر اثرپشنهاد کلا را از تکین بود که هشتم ما رچ به عنوان روزبین‌المللی همبستگی‌زنان‌درمیسر معین خود بمقیا س جها نی قرار گر فت و بر سمیت شنا خته شد .

از آن است که این روز همه سا له‌از طرف زنان مبارز وقهر ما ن وهمه زنان‌آزادی پسند در سراسر جهان تجلیل وبزر گداشت میشود که کشور عزیز ما ن افغا نستا ن نیز در پهلوی همه سر بلندی وغرورش از اینگو نه افتخا رات نیز بر خوردار بوده و سینه تاریخ در خشانش مالامال از چنین خاطرات می با شد .

قهرمانی آسمیه‌استبدادشکن که امروز کوه مغرور آسما یی با نام نا می آن‌افتخار میکند در سنگسار نمودن حاکم مستبدزمانش خط کشید ن را بعه بر سنت ها ی اسا رت بار عصر ش ، قهرمانی ملالی در دفاع از میهن عزیز ش و صد ها مثال دیگرهمه شواهد عینی قهرمانی ها ی زنان آزادمو قهرمان ما ست که تاریخ پر افتخار افغانستان سر بلند آنرا در اوراق زر ینش جا ودان نگهد اشته وابدا فرا مو ش نمیکند .

ولی باتا سف باید اظهار داشت که باآنهمه فدا کاریها زنان جا معه ما در اثر تسلط نظامهای استبدادی وغیردموکراتیک علاوه برستم طبقاتی ، رنج‌ستم‌نابرابری با مردان را نیز بدوش میکشید ند و یارایی آنرا نداشتند تا ریشه ها ی ستم را ازبیخ وبن نابود سازند زیرا مبارزات شان فرد ی وپرا گنده بود تاآنکه با ایجاد ساز ما ن دمو کراتیك زنان در تحت رهبری حزب دموکرا تیك خلق افغانستان مبا رزات زنان افغانستان واردمرحله نوین‌کیفی‌گردید وعلیه هرگونه ظلم و بیعدالتی پیگیر وبی‌امان‌به‌پیش رفت که این نقش خلاق وسازنده درراه‌تامین حقوق دموکراتیك زنان ، بیداری شعور و بلند رفتن سطح آگا هی آنهادر ریشه کن کردن ستمهای گونا گون ، نزد هردیده رو شن و ضمیر آگا ه قابل درك وانکار نا پذیر است .

اعضای سازمان دموکرا تیك زنا ن افغانستان که از زمان تاسیس همواره درفش آزادی را دو ش بدوش برادران همر ز م و پیکا ر جوی شا ن بر افراشته نگهداشته واز سنگر گرم مبا رزه علیه دشمنا ن‌آزادی ووطن شا ن یك قد م به عقب نگذا شته اند باعث افتخار همه خلق افغانستان‌بالخاصه زنان آزاده افغانستان است که‌تاریخ مبارزات طبقاتی ما به آن می‌بالد .

نقش پیکار جو یانه وآزاد یخوا ها نه این مبا رزان راه آزادی‌را بخصو ص‌میتوان در دوران ترور وا ختناق امین خون اشام ودارو دسته خود کام آن مشاهده کرد که چگونه آنها پیچ‌وخمهای راه پرخطر مبارزه را پشت سر گذاشتند ود ر برابر خونکار یها و ستم‌پیشگی‌های‌امین‌ووابستگانش سر تسلیم خم نکردند و شجا عا نه به‌پیش رفتند از تعقیب وتخویف نهر اسیدند،زجرو شکنجه را بخاطر آزادی متحمل شدند ، سلولهای مرگبار زندان امین را به‌آغوش بازیدیرا گشتند وبابرادران‌شان تاآنجا به پیش رفتندکه‌امین‌خونریزرا باشرکای‌جنایاتش‌به دیار عدم فرستاد ند .

مادر حالیکه قهر مانی های زنان مبارزوآزاده رامی ستائیم‌این‌سالروزپرافتخاررا به‌زنان‌مبارز وقهر مان افغا نستان وسرا سر جهان تبریك وبه موسس آن شادباش میگوییم، خواستار آنیم تازنان پاك نهاد وقهرمان پرور افغا نستان عزیز در دامان پرمهر وپر عطوفت شان که‌اولین‌مکتب‌تربیت‌سازندگان‌فردای‌کشوراست فرزندان شان را چنان بار آوردند که شور مردم دوستی ووطن پرستی‌را در سر داشته با شند وخا طرات نیا کا ن قهر ما ن خو یش را در راه سر بلندی افغانستان شکو همند برای ابد زنده وجاودان نگهدارند .

۸ مارچ روزجهانی همبستگی زنان

• • •

نظری به‌چگونگی وتاریخ انسانهای نخستین

• • •

حملهٔ قلبی وضد آن

• • •

سرزمین طلا

• • •

چشم اندازی برپهنای برخی جشنواره‌های بالت

• • •

سوزن دوزی یکی از صنایع دستی ظریف کشورما

• • •

آب سرچشمهٔ زندگی

• • •

الکول والکولیزم

• • •

استفاده از طبیعت به‌نفع مردم

• • •

روی‌جلد: یکی‌از دوشیزگان کشور در لباس مقبولیکه ظرافتکاریهای سوزندوزان مو سسه‌نسوان را منعکس میسازد .
راپورمکمل سوزن دوزی در صفحه (۷) .

• • •

پشتی چهارم:چند منظره ازمناظر زیبای افغانستان شکوهمند

۸ مارچ روز جهانی همبستگی زنان

به مناسبت تجلیل از هشتم مارچ روز جهانی همبستگی زنان وبزرگداشت ازین روز پرافتخار با محترمه لیلادامون عضو هیات رهبری سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان که از ده سال به اینطرف افتخار عضویت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را دارند مصاحبه یی به‌عمل آوردیم:

اولین سوال خودرا در مورد تاریخچه‌سازمان دموکراتیک زنان افغانستان مطرح نمودیم ، در جواب اظهار داشت :

ـ بادرك ضرورت تاریخی وبا استفاده از امکانات ومساعدت وبخاطر پاسخ مثبت به خواستهای زنان کشور ، سازمان دموکراتیك زنان افغانستان جهت انعکاس مطالبات سیاسی اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی زنان کشور در هشتم جوزای ۱۳٤٤ به ابتکار زن مبارز و پیشرو افغانستان دکتور اناهیتا راتبزاددر کار ومبارزه شرافتمندانه بخا طر احیای حقوق زنان، دموکراسی، استقلال ملی، ترقی‌اجتماعی صلح ونجات خلقهای تحت ستم وبخصوص زنان کشور بوجود آمد وبپروز مندانه عرصه های‌مختلف مبارزه سیاسی، اقتصادی‌وسازمانی راپیموده وموفقانه در حال پیمایش مراحل رشد وتکامل خود است .

س ـ فعالیت های عمده سازمان درطول همین مدت چگونه بوده ؟

ـ باجرئت میتوان متذکر شدکه سازمان دموکراتیك زنان افغانستان در طول پانزده سال عمر پر از تلاش وپیکار انقلابی خویش جهت احیای حقوق زن در میهن ما، در کنار سایر نیرو های سیاسی ، هیچیك از عرصه های مبارزه اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وکلتوری را بخاطر ندارد که درآن بطور شایسته وفعال سهم نگرفته باشد .

سازمان دموکراتیك ز نا ن افغانستان از آنجاییکه مبارزه زنان را جز لاینفك تلاشهای خستگی ناپذیر همه خلقها جهت رهایی ازستم میداند به‌همین منظور ازبدو تشکیل دو وظیفه عمده واساسی را در برابر خود قرارداد .

ـ مبارزه در راه احقاق حقوق زن در همه عرصه های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، کلتوری وفرهنگی .

ـ اشتراك وسیع وفعال سازمان دموکراتیك زنان افغانستان در همه مبارزاتی که علیه ارتجاع وامپریالیزم جهت رهایی خلقها ی افغانستان ، صورت گرفته بخاطر ایجاد یك افغانستان آزاد ومستقل با فردای شکوفان اتمانی .

جهت برآورده شدن ایندو آرمان بزرگ سازمان دموکراتیك زنان افغانستان بمثابه یگانه گردان رزمنده وپیکارجو مسئولیت تاریخی خود را در برابر خلق افغانستان بطور عام ودر برابر زنان کشور بطور خاص انجام داد .

کلاراز تکین مبارز پرشور ویکی از برجسته‌ترین رهبران جنبش زنان. دراثرپیشنهاد این مبارز دلیر وپیشرو بودکه هشتم مارچ‌به‌عنوان‌روز بین المللی همبستگی زنـــان بر سمیت شناخته‌شد

در جریان مبارزات یازده ساله سازمان ، ازطریق واحد های اساسی سازمان و فعالین آن حتی الامکان با قشر های مختلف زنان تماس برقرار گردید ودر زمینه های دفاع از حقوق وآزادیهای دموکراتیك زن توضیح وضع رفتبار زن در کشور ودر نظامهای مختلف

صفحه ٤

پیام سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

مادران وخواهران شرافتمند !

هموطنان ارجمند !

سازمان دموکراتیك زنان افغانستان این‌سازمان رزمنده پیشاهنگ زنان مبارز و زحمتکش افغانستان جشن پرجلال هشت مارچ‌روزبین المللی زنان جهان را برای همه زنان وطن پرست، برای همه زنان رنجبروزحمتکش‌کشور شادباش میگوید .

روز هشتم مارچ در تحت شعار بیداری‌شعور سیاسی زنان افغانستان ، بهم فشردگی

دکتورس اناهیتا راتب زاد، مبارز خستگی‌ناپذیر راه احقاق حقوق زنان ستمدیده کشور که‌در شرایط دشواری سازمان دموکراتیك‌زنان‌افغانستان را بنیاد نهاد.

مادران وخواهران تمام ملیتها ونیرو هـای‌وطنپرست کشور در اطراف ح.د.خ.ا. شورای انقلابی ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان‌بخاطر تشدید مبارزه علیه دشمنان، ارتجاع وعمال امپریالیزم وکاسه لیسان آنها بخاطرتحکیم همبستگی زنان افغان بازنان زحمتکش ممالك دوست وسایر کشور های‌جهان تجلیل‌میگردد .

درآوانیکه زنان مادران اعم اززنان‌کارگر.زنان روشنفکر وتمام زنان زحمتکش وطـن دریك صف واحد باسازمان دمو کرا تیـك‌زنان افغانستان این یگانه سازمان با تقوا ورزمندهٔ زنان کشور وپاسدارناموس و شرف‌خلق زحمتکش وطن ما هشت مارچ روزپیکار ورزم زنان ، روز همبستگی بین المللی زنان‌را تجلیل مینمایند از همه زنان وهموطنان خواسته می شود که :

ـ درراه تطبیق دستاوردهای زندگی آفرین‌مرحله نوین انقلاب ثور، در راه تامین نظم وآرامش، در راه رفاه وترقی کشور مبا ر زه‌نمایید .

مشت نیرو های ضد انقـلاب، دزدان واخلالگران ، آدمکشان این جواسیس چاکر- پیشهٔ امپریالیزم امریکا ، انگلیس ، چین، ارتجاع پاکستان ، مصر واسرائیل را بـاز کنید وآنانرا به کمیته های حزبی وادارات‌امنیتی معرفی دارید .

ـ فریب تبلیغا ت دروغین اخواگـــرانه‌جواسیس ، اخلالگران ، امپریالیزم امریکا ومتحدین جنایتکار وآدمکش آنرا نخورید .هوشیاری انقلابی ووطنپرستانهٔ خودرا حفـظ کنید .

ـ در صف متحد، با حزب د.خ.ا. شورای‌انقلابی وجمهوری دموکـراتیك افغانستان ، علیه دشمنان جنایتکار صلح وآرامش، رفاه‌وترقی مردم شرافتمند ما متحد شوید .

ـ فرخنده باد جشن (هشت) مـارچ روزبین المللی زنان جهان .

ـ به پیش در راه تطبیق اهداف انقـلابی‌دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان در راه حفظ صلح وآرامش ، نظم وامنیت، در راه‌حفظ استقلال ، دموکراسی، تمامیت ارضی، ترقی اجتماعی کشور محبوب مان افغانستان .

ماعلیه مقررات ارتجاعی پوهنتون.

اجتماعی کشورهای جهان وارائه راهها ووسایل مبارزه نجاتبخش زنان ومسئولیتهای جهانی آنان وظایف مقدماتی خودراانجام داده وواحد های اولیه سازمانی راتحت عنوان « انجمن » تشکیل داد .

ـ در جوزای ۱۳٤٥ در اجتماع وسیع ا ز زنان جهت تجلیل از نخستین سالگردتاسیس سازمان، روی‌اصول ومدازین مرامی، سازمانی رهبری ومشی سازمانی، بحث آزادوتبادل نظر دموکراتیك صورت گرفت .

ـ اشتراك سازمان در تجلیل از روز های بزرگ تاریخی در کنار حز ب دموکراتیك خلق افغانستان .

ـ چون اشتراك همه‌ساله درمظاهره‌سه‌عقرب (روز جوانان افغانستان).

تجلیل از اول می روزبین المللی کارگر، که بد ینو سیله خصلت کارگری سازمان متبارز شد .

ـ اشتراك سازمان در تحت درفش حز ب دموکراتیك خلق افغانستان در تجلیل از روز پشتونستان .

ـ اشتراك در مارشها، میتنگها وسخنرانی

ـ ابتکار برگزاری وتجلیل از هشتم مارچ روز بین المللی زنان در سال ۱۳٤٦ توسط سازمان برای نخستین بـــار در کشور ، و تجلیل ازین روز در سالهای بعد .

ـ ایجاد تظاهرات ومیتنگ‌های‌بزرگ زنان به رهبری سازمان در اعتراض علیه دسایس و ترور ارتجاع سیاه در برابر آزادی زنـــان

وهمچنان ایجادمیتنگ های اعتراضیه سازمان به اشتراك وسیع دختـــران پوهنتون علیـــه پیشنهاد وکلای مرتجع بغرض تحدید حقوق قانونی زنان وشرکت در تظاهرات ۵۲ روزه پوهنتون ومعارف .

ـ علیه حملات وحشیانه ارتجاع و پـولیس بحریم پوهنتون ودارالمعلمین .

ـ اشتراك فعال سازمان در تظاهرات شدید دوش بدوش ح‌د‌خ‌ا علیه مسافرت اکنیو‌ـ دلال امپریالیزم بکابل .

ـ اشتراك نماینده سازمان در جبهه متحد بخاطر آب هیرمند .

ـ فرستادن نامه تسلیت آمیز عنوان رئیسه سازمان کل زنان عرب بخاطر حمله اسرائیل به مکتب غزه .

تشکیل کنفرانسهای متناوب محلی جهت دادن شعور وآگـــاهی بیشتر بزنان در راه مبارزه صنفی وسیاسی شان وایجاد یکتعداد کورسهای سواد آموزی از طرف سازمان .

ـ سازمان‌دموکراتیك زنان افغانستان جهت آگاهی وبیداری زنان ، فعالیتهای و سیعی در زمینه تبلیغات ونشرات انجام داد چنانچـــه برعلاوه ترجمه، تالیف وتکثیر یکسلسلـــه مواد ومقالات تیوریك ومعلوماتی‌سازمان‌به‌شمول دونشریه دیگر که هم‌داشت .

۱ـ نشریه دو هفتگی زیر عنوان گزارش از ۱۳٤٦ـ۱۳٤۹ .

۲ـنشر وپخش ماهنامه بنام«زنان‌افغانستان» به‌عنوان ارگان مرکزی سازمان از ۱۳۵۰ـ۱۳۵۱

س‌ـ در دورهٔ امین فعالیت‌های سازمان به چه‌شکل بود ؟

ـ سازمان دموکراتیك زنان افغانستان با تشخیص چهره سیاه امین، ایـن جـا سو س معلوم الحال امپریالیزم‌امریکاوباند تبهکارش، موضعگیری غیر اصولی وسرسختانه رادربرابر باند اتخاذ نمود وبخاطر تثبیت اصولیت ونجات دست آوردهای انقلاب سترگ ثور از چنگال امین وباندش، بی هراس وشجاعانه رزمید در برابر به بند کشیدنها، شکنجه دادنهـــا، تعقیب وتهدید ها، دلیرانه مقاومت نمود و کوچکترین خدشهٔ در ایمان آهنین ز نـان و دختران رزمجوی سازمان نسبت به پیروزی اصولیت وپیروزی جنبش های رهایی بخش‌ملی ایجاد نگردید .

رفقای سازمان، وقتی عرصه را برای‌پیکار انقلابی محدوددید واحساس کرد که باند در صدد ایجاد فضای ترور واختناق است ، با دلاوری فعالیت های خودرا مخفیانه تنظیم‌نمود وبا استفاده از اشکال گوناگون وشیوه های مختلف مبارزه مخفی بارها پولیس درنده امین را اغفال وقهرمانی های چشمگیری در جریان مبارزات مخفی از خود نشان داد .

س‌ـ مشکلات وپرابلم هایی که‌سازمان‌درین مدت به آن مواجه شده چطور بوده ؟

دریك کشور عقب مانده فیودالی پرابلم های فراوانی دربرابر نهضت بطور عام و در برابر نهضت زنان بطور خاص وجود دارد .

دولت های جبار گذشته به کمك ارتجـاع سیاه و بااستفاده ازوسایل گوناگون،عمـــده ترین مانع درراه رشد نهضت زنـــان کشور محسوب میشدند ولی باید متذکر شد کـــه زنان بلا کشیده میهن ما بخاطر اشتراك شان درمبارزات صنفی وسیاسی خود نه تنها ا ز طرف سیاه ترین عناصر مورد تهدید قـــرار میگرفتند بلکه اکثریت خانواده ها جدا ا ز اشتراك زنان ودختران درین مبارزات وطن ـ پرستانه جلوگیری می نمودند . در کنار این مشکل بزرگ ، سازمان دموکراتیك ز نـــان افغانستان با پرابلم اساسی دیگری نیز مواجه بـــود و آن بیسوادی ا کثر یت زنـــان کشور بود که عمده تـرین و ظا یف‌رفقای سازمانی مارا با سواد ساختن این زنان و دختران تشکیل میداد در کنار همـــه این مشکلات سازمانی، ما به مثابهٔ یك ساز مـان مسوول در برابر زنان افغانستان وظـایف خودرا در راه احراز حقوق زنان کشور د ر کلیه شوون زندگی، حق‌کار وصحت، حـــق سواد وفرهنگ ، حقوق اقتصادی، مدنـی و سیاسی درراه احراز مقام شا یسته زن افغان در خانواده وجامعه بطور خستگی ناپذیر توام بافداکاری ها وبدون ترس ا ز دشواریهـای مبارزه ، بوجه احسن انجام داده است .

س‌ـ درمورد ۸مارچ و تجلیل ازین ر و ز معلومات دهید ؟ بعد دو باره میخواهم دربارهٔ زنان افغانستان صحبت کنید ؟

ـ در هشتم مارچ ۱۸۵۷ حادثه بس عجیب توجه باشندگان شهر نیویارك را بخود جلب کرد . گروهی از زنان در حالیکه لباسهای کهنه کارگری بتن داشتند جاده های شهر را باشعار های :

مامزد مناسب میخواهیم ! ده ساعت کار درروز عادلانه نیست ! مارش‌کنان عبورنمودند. این اولین مظاهره زنان کارگری بود ، که بیش از سی سال منبع کـــار ارزان برای صاحبان آزمند صنایـــع نساجی محسوب میگردیدند .

لطفا ورق بزنید

اوزنی کوتون ازبنیاد گذاران بـــر جستهٔ‌فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان، ایـن دژ استوار مبارزه زنان جهان درراه کسب‌حقوق‌مسلم وبلاتردید.

انجلا دیویس مبارز دلیری‌که‌درلانه‌امپریالیزم‌یانکی در فش مبـارزه رهایی سیاه پـوستان امریکایی اززیر یوغ سرمایه‌وستم رابرافراشته‌نگهداشت.

«فرایده براون» رهبر نهضت زنان‌آسترالیاورئیسهٔ فدراسیون دموکراتیك بین المللی‌زنان.

برخورد پولیس نیویارك با ین مظاهـــره مسالمت آمیز غیر انسانی واسفناك بود .

ولی پنجاه ودوسال بعد از حادثه اسف ـ انگیز، در اثربیشنهاد کلارازتکین زن رزمنده آلمانی در دومین کنفرانس زنان سوسیالست منعقده کوپن هاگن هشتم مارچ بخاطر یادبود از زنان قربان شده کوره راههای نا منکشف پیکار در مبارزه برای آزادی صلح و ترقی اجتماعی توسط زنان مترقی جهان پذیرفتـــه شد. وبرای اولین بار ازین روز در سال۱۹۱۰ توسط زنان امریکا وآلمان تجلیل صـورت گرفت ..

بخاطر تجلیل ازین روز در اغلب کشورها مجالسی برپا میدارند وکار های یکساله ، پیروزیها وناکامیهای خودرا ارزیابی میکنند ونقش خودرا در نهضت عمومی دموکراتیـك ودر جامعه خویش محاسبه مینمایند و طرق نوین را برای موثر گردانیدن اشتراك خویش درین نـــهضت جستجومی نـــما یـند.

بدینجهت میتوان به اهمیت روز جها نی زنان نه تنها از لحاظ رشد جنبش برای وحدت وهمبستگی زنان ، بلکه از لحاظ اهمیت اشتراك آنان در مبارزه عمومی مردم بی برد .

س- در باره زنان افغانستان وموقف‌اجتماعی شان صحبت کنید ؟

زنان که نصف‌جمعیت کشور مارا تشکیل میدهند با وصف اینکه شاقه ترین کار ها را بعهده دارند وهمه امور مربوط بمنزل، نگهداری و تربیت اطفال وهمچنان کار های پر مشقـــت خارج از منزل رادر عرصه های‌کشت وزراعت مالداری، هیزم شکنی، باربری ودهها نوع‌کار دشوارو‌شکنجه دهنده دیگررا انجام میدهـــند باوصف اینهم ازحقوق وآزادیهای دموکراتیك چه‌در خانواده وچه در اجتماع، ظالمانه محروم بودند. نه‌تنها عملا به‌بی حقوقی کـا مـل‌مواجه بودند بلکه تحت جابرانه ترین وسخت ترین شرایط حیات بسر میبردند وبار ستم دوگانه راهم بدوش‌میکشیدند. بحیث‌زنان‌کارگر ودهقانان یکسو موردستم‌واستثمارقرار میگرفتندوازسوی دیگر اولاازلحاظ قانونی‌از برابری‌کامل درعرصه های مختلف زندگی بی بهره بودند وثانیا بـه اساس رسوم کهن و خرافی عملا بمثا به بـرد گـا ن بـا قـی مـانـده بـو د ند.

به اساس درك همین واقعیت انکار ناپذیر، که زنان از همه حقوق های دموکرتیك محروم اند سازمان ماجهت انعکاس مطالبات، سیاسی اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی زنان ایجاد شد وبصورت خستگی ناپذیر وپیگیر جهت احیای حقوق زن‌از قید ستم کار وپیکارنمود.

س- نقش‌زنان افغانستان‌درفدراسیون جهانی زنان چگونه بوده وآیا زنان کشور ما در آن اشتراك دارند یا خیر ؟

ـ سازمان دموکراتیك زنان افغانســتان مبارزات قهرمانانه ومساعی خستگی نا پـذیر وانسانی فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان راکه از نخستین روز هـای تاسیس و تنظیم پروگرام خود در سال ۱۹٤٥ «در ـ پاریس» تا کنون آرزوی زنان رادر همه جـا بخاطر مبارزه متعهد علیه جنگ، ستم، فقـر، وبنای یك جهان مترقی، آزادی، استقلال ملی ودموکراسی، عدالت وصلح پایدارابرازداشته است ، تحسین وپشتیبانی میکند.

سازمان دموکراتیك زنان افغانستان بـــه اساس پروگرام فعالیت خود که مطابقت به پروگرام واساسنامه فدراسیون دموکراتیـك زنان دارد، پس از پیروزی انقلاب ثـــور و واژگون شدن نظام مطلقه ودکتاتوری داود، نماینده رسمی خودرا بغرض کسب عضویت اصلی این فدراسیون ،ارسال‌داشت، که نتایج آن مثبت بود وسازمان ما فعلا عضوفدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان است .

س- یکدختر مبارز چطور واز کدام راه‌مصدر خدمات ارزنده برای جامعه شده می تواند ؟

ـ از آنجاییکه هر عمل اجتماعی ضرورت بیك سازمان دارد وبدون موجودیت یك‌ارگان متشکل رزمنده دست زدن به هر عمل‌اجتماعی کاربی ثمری خواهد بود ، من معتقد به این امر هستم که کار وپیکار یکدختر مبارزکه جهت برآورده شدن آرمانهای بـــزرگ و مقدس انسانی بخاطر ایجاد میهـــن آباد و مستقل وبخاطر احقاق حقوق زنان محـــروم میرزمند، وقتی می تواند مثمر واقع شود که این مبارزه وتلاش با مبارزات نیرو های‌اصیل وطنپرست توام گردد .

از آنجاییکه سازمان دموکراتیك ز نا ن افغانستان یگانه گردان متشکل زنان میهن ماست، زنان ودختران آزاده وآگاه وطن‌فقط در تحت رهبری این سازمان می توانند جهت برآورده شدن خواستهای بزرگ اجتماعـــی شان برزمند، وهمراه با سازمان دموکراتیك زنان افغانستان به نبرد بر افتخار علیه‌ارتجاع استعمار وامپریالیزم از یکسو وبخاطر تحقـق خواستهای عادلانه زنان از سوی دیگـــر ، بپردازند .

س-شـــرایط شمولیـــت زنان در سازمان دموکراتیك زنان افغانستان چگونه است ؟

ـهمه زنان آگاه وزحمتکش کشـــورماکه مُرامنامه واساسنامه سازمان دموکراتیـــك زنان افغانستان را خوانده وآنرا تایید کنند، حق العضویت خودرا منظما بپردازند ودریکی از ارگانهای سازمان فعالانه شرکت جویند، دساتیر وپرنسیپهای سازمانی را قبول نموده ودرراه تطبیق مرامنامه مجدانه فعالیت کنند، میتوانند افتخار عضویت سازمان دموکراتیك زنان افغانستان را کسب نمایند .

ـ در آخر صحبت میخواهم اگر تعریفی از یك زن مبارز واینکه دارای چه صفاتی باشد بنمایید ممنون میشوم.

ـزنان ودختران مبارز همراه با نیروهای اصیل وطنپرست کسانی اند که بخاطرآزادی دیگران زندان وبخاطر زندگی دیگران مرگ را می پذیرند . انسانهای مبارز مشحون از فداکاری، تلاش خستگی ناپذیر وعشق عمیق نسبت به‌انسان ووطن خود دارند .آنـــهادرراه عملی شدن آرمانهـــای خویش جانبازانـــه میرزمند واز هیچگونه فداکاری دریغ‌نمیکننـد.

محترمه لیلا دامون عضو هیات رهبری‌سازمان‌دموکراتیك زنان افغانستان

محترمه نفیسه شایق مبارز مدیره عمومی‌صناعتی ریاست کودکستان هادرحال مصا حبه‌باخبرنگار ژوندون

سوزن دوزی یا این صنعت ظریف در کشور ما

زنان کشور ما در تمام ساحات حیات‌رول بس مهم وارزنده یی را دارا می با شـــد ، مخصوصا مهارت واستعداد زنان افغان ر ا میتوان در سوزن دوزی ها و قالین بافی آنها تعیین نمود . کلك های هنر آفرین زنان افغان تکه های عادی رابا مهارت خـــاص و پشتکار ی که در هنر خود دارند بازیبایی خاصی از زیر دست کشیده و تقدیم هموطنان هنر دوست خو د می نمایند . هریك از کار هایشان در جای خود از هنر زیبایی وظریف‌کاری برخوردار است . چنانچه بازار خرید این سوزن دوزی ها نه تنها درداخل کشور علاقمندان وخریداران فراوان دارد بلکه در خارج از کشور نیز علاقمندان این صنعت دست دوزی خیلی زیاد است .

صحبتی داریم با محترمه نفیسه شایق مبارز مدیره عمومی صناعتی ریاست کودکستانها که مـــدت بیست وهفت‌سال درخـــدمـــات اجتماعی وتربیوی خدمت نموده اند ، ازایشان خواستم تا در مورد شعبات صناعتی که‌البته شعبه سوزن دوزی یکی از شعبات آن میباشد معلوماتی برای خوانندگان ژوندون بد هنـــد تاخوانندگان مجله با سوزن دوز های ماهر و فعالیت های مدیریت صناعتی آشنایی حاصل نمایند .

– مدیریت عمومی صناعتی در چوکـــات ریاست کودکستانها وجود دارد که شا مل مدیریت سوزن دوزی ها ، مدیریت فرمایش وقرار داد های البسه موسسات دولت، شعبه تولید ضروریات بافت ودوخت طفلانه وشعبه فروشات است هـــدف عمده این مدیریت حفظ صنایع ظریف واصیل کشور است که از هنر های زیبا وباستانی مابوده وزنان هنر-آفرین کشوراین صنایـع منحصر به ایـــن منطقه جهان رااز نســـل به نسل سپرده‌وحفظ کرده اند ، جمع آوری ، احیا ، حفظ وترویج وتبلیغ این صنایع منحصر به فرد هدف این مدیریت است .

در پهلوی حفظ وانکشاف هنر ظـــریـف سوزندوزی ، هدف مهمتر پیدا کردن کـار ومساعد ساختن زمینه کار برای زنان بیکار ومستعد جامعه ما است . که ممد اقتصـــاد فامیل های خود می باشند ، البته با دریافت کار های مثمر تولیدی، خواهران ما چـو ن عضو فعال وکارگر فعال ومطلوب در اقتصاد خانواده وجامعه سهم بگیرند ، به این‌ترتیب هنرمندان سوزندوزی در حالیکه یك خدمت هنری را انجام میدهند، در واقع و ظیفـــه فرهنگی واقتصادی را نیز انجام مـیدهنـد. چنانچه در صورت تولید کافی وتثبیت دریافت بازار های خارجی در ساحه اقتصاد ملی‌کشور نیز مفیدیت دارند . با توسعه این‌صنعت‌تعداد زیاد دختران وزنان کشور را جذب و تحت تربیه ورهنمایی قرار داده ایم .

چنانچه گفته میتوانیم که این مدیریت منحیث یك‌کانون تربیوی و فرهنگی نیزوظیفه خودرا انجام میدهد . در پرتو مرام های مفید جمهوری دموکراتیك افغانستان ومرحله نوین انقلاب شکو همند ثور ، این مدیریت فعالـیت های خودرا به صورت گسترده وانقلابی به پیش خواهد برد .

– راجع به تشکیل وتنظیم کـــارگـران معلومات دهید؟

– درین مورد باید گفت : ما برای کارهای تولیدی وصنایع ظریـــف سوزندوزی‌اصیـل کشور خود که محتوی سر میزی های‌دوازده نفره، هشت نفره، شش نفره، سیت ها ی روی میزی ۲۵ تکه، ۱۹ تکه، ۱۳تکه، سر-جایی ها، لباس های ملی ومحلی زنانـــه، مردانه، بچگانه، واقسام ضروریات خانه است ومادر دو شرایط کارگرداریم .

۱– کـــارگـــران اجیر دایمی که‌استخدام شده انـد بـه تعداد چهارده نفر اند. آنها معاش ماهوار اخذ می کنند، بدرجه هـــای مختلف نظر به سابقه کار ومهارت فنی شان تثبیت شده اند که از حقوق وامتیازات‌اجیران دولت انقلابی ما مستفید می‌شوند وتشویـــق میگردند .

۲– کارگران غیر رسمی که ایشان نظـر به مهارتهای به خصوص سوزندوزی شان‌نزد ما فورمه ومشخصات شان ثبت است که‌تعداد شان به (۳۰۰) نفر می‌رسد . برای کار آنها دیزاین ها ترتیب وایشان را رهنمایی وآموزش میدهیم ، آنها در خانه کار می‌کنند واجرت شانرا مطابق‌لایحه می‌پردازیم، البته کارگران ماشین دوز نیز در جمله این تعداد شامل اند. کارگران دایمی واجیر آنعده از دختران و زنان ماهر وکار آزموده اند که با مهارت های مشخص ونخبه تحت تربیه گرفته شده اند، امروزهمه یی شان تجارب بیشتر ازبیست سال و پـانـــزده سال دارنـــد در ر شته های مختلف صنایع سوزندوزی مهارت کامل را یافته اند . هر آنها از یك نوع الی ده‌نوع سوزندوزی را آموخته اند اما دریك رشتـه

بقیه‌درصفحه۲۶

دختر استعدادیکه‌گنگ‌بودنش مانع‌رشدواستعداداودر هنر سوزندوزی نگردیده است

محمدطاهر

بوبوگل

آزادی حق هر انسان است که غریب و معتبر نمی شناسد

زمان امین وباند جنایتکارش بود که آزادی مردم ماسخت تهدیدمیگردیدوحتی هزارهاهموطن مامحکوم‌به‌مرگ گردیدند.

به سلسله گفت وشنود هایکه با مردم **تجیب ،شریف ورنج دیـــــده ما بعمل‌آمد** ایـــن بـار نیـز بـایـــك عده از خلـــق **زحمتکش مابه گفتگو پرداختیم که اینك از نظرشما خواننده گان ارجمند میگذرد :**

زنـی میانه سالی بـــه اسم بـوبـو گـل در مـورد مظـالـم بی شمار امین و بـــا ند **جنایتکارش وهمچنان در بارهٔ مرحله نوین تکامل انقلاب ثور چنین گفت :**

چه خوب است که زندگی بیك حال باقی نمی ماند واگر قرار می بود که زندگی‌بیك **حال می ماند وهیچگونه تحولی درآن پدید** نمی آمـد روز گـار مردم و سرنوشت توده ها **به‌کجا میکشید وملت چه میشد.**

خوشبختانه همانطور یکه هرچه تغییر می باید زمان مانیز تغییریافت والی اگر ایـــن **تحول منظورم از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور است که در ششم جدی صورت پذیرفت وخلق نجیب وستم دیدهٔ مارا از بلای عظیمی نجات داد صورت نمی گرفت سر نوشت صد** هاهزار انسان بکجامیکشید.

امین این میر غضب تاریـــخ د ر دورهٔ فرمانروایی خود چنان ظلمی برمردم بیچاره **وبی پناه مانمود که تاریخ بیاد ندارد . د ر** وزندگی شیرین خودرا باتمام آرزوها ییکـــه **دردل داشتند بگور بردند . این همه ظلـم وبی دادگری که در دوران امین وباند وی** بر مردم بلاکشیدهٔ ما تحمیل میشد هر گز **فراموش مردم وخلق بلاکشیدهٔ مانمیگردد . امابا پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب ثور تااندازه زیادی این دردها وناراحتی هافروکش کرد وفراموش گردید .**

بلی این فروکش کردن وفراموش نمودن بخـاطر کارهای پر ثمـر وبا ارزش دولت‌مـا است .

بابه میان آمدن این تحول تازه زندگی مردم شکل تازهٔ یافت ودر حقیقت روح تازهٔ درزندگی وحیات خلق ماپدید آمد .

در گذشته خانودهٔ نبودکه داغدار نبا شد تمام خانواده ها وفامیل هایك یادو ویا چندی بندی داشتند که در زندان مخوف پلچرخی بسرمی بردند .

ـدرمورد آزادی های که‌بعد از مر حلـــه نوین تکامل انقلاب ثـــور به‌مردم داده شده **چه نظر داری ؟**

من‌یك کارگـــر سادهٔ هستم کـــه‌بیش از **یازده سال سابقه خدمت دارم ، در طول این یازده سال شما اولین کسی است که ازحال ما وامثال ما می‌پرسید وبه درد دل های مـا به مشکلات ما وخواست های‌ما گوش میدهید ونظر می خواهید ، وما نیز با آزادی تمـام گفتنی های خود را میگویم پس این است** معنـی عدالت و دموکراسی کـــه حـــق هـر انسان است وجز از زندگی او محسوب‌میگردد پس ازمرحله نوین تکامل انقلاب ثورآزادی‌به بهترین شکل آن به مردم رنج دیدهٔ ما کـه درزمان امیـن وباندوی تهـــدید شده بـــود ارزانی شده است .

خداوند هرانسان وهر بنده خـــودراآزاد خلق کرده البته این آزادی در حدود معین آن است ولی امین وباند جنایتکارش ایـن آزادی را از ماگرفته بود ، پس اودرحقیقت خلاف حکم وداد خداوندی رفتار میکرد . اما از آن جاییکه ظلم وبی عدالتی هر گزنمیتواند برای همیشه پایدار بماند ، امین ودارو دسته اش نیز از این امر مستثنی نماند وحق‌بجایش قرار گرفت .

ـآیا خاطرهٔ که‌برایت ناراحت کننده باشد در زمان امین داری ؟

ـزندگی درزمان امین وباندوی هـــــمه‌اش خاطره بد است تمام مردم ، در رنج و عذاب عجیبی قرار داشتند .

گفتید خاطره بد ، بلی من نیزمانندهزاران انسان این خاك خاطرات زیاد ازظلم وجبـر این ستمگر تاریخ دارم .

قصه از این‌قر ار است :

یك روز که از کار خلاص شدم طبق‌معمول به سرویس قرار دادی بالا شدم ودر جـای همیشگی خویش نشستم مدتی گذشت تاهمه راکبین سرویس در جاهای شان قرارگرفتند وسرویس به حرکت افتاد . موتر طبق برو- گرام معین خویش‌به خط سیر سابق به‌حرکت ادامه داد تا اینکه در چاراهی دهمزنگ‌رسید ناگهان راکبین سرویس گفتند که چون‌راه دار لمان مسدود است هر کس که خانه‌اش آنطرف است میتواند پیاده شود ، تصادفاً خانه من در دار الامان بود ، در آن روز یك

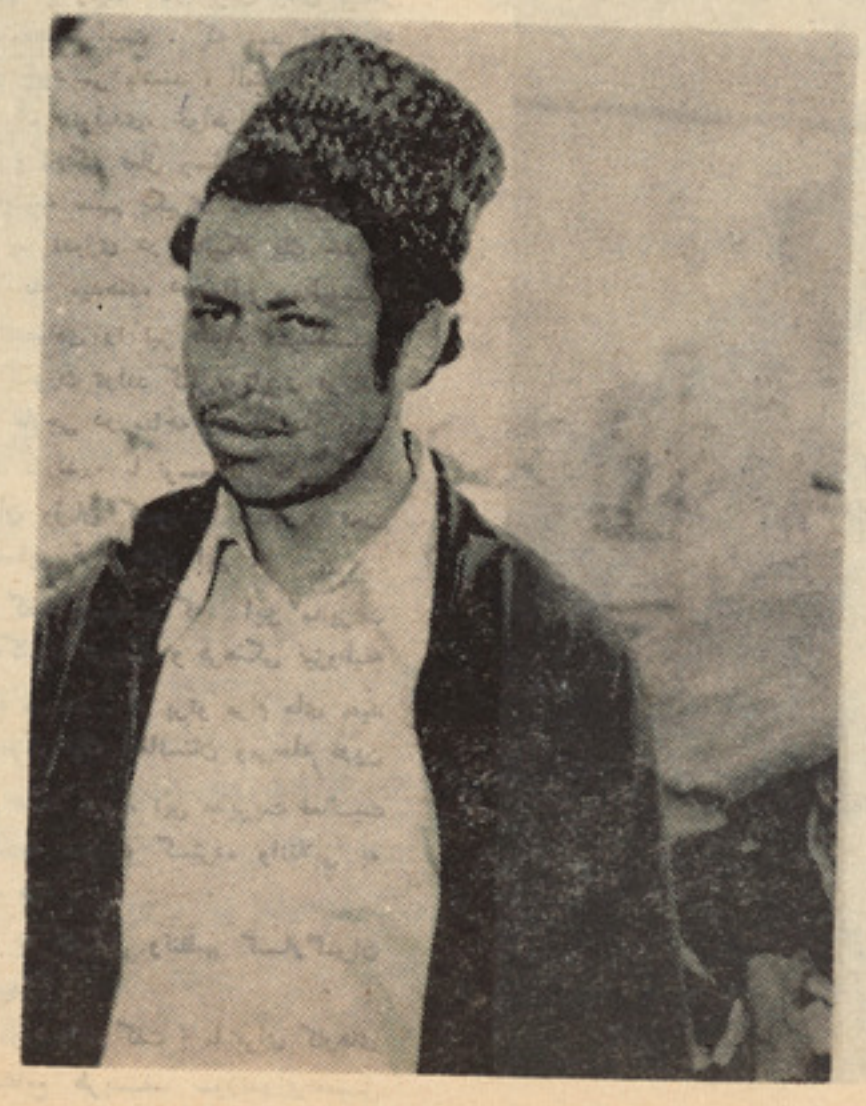

شیرآقا

پول در جیب خود نداشتم که در سرویس های دیگر بروم به موتر وان گفتم منکه پول ندارم تابه دیگر سرویس بروم ، یکی از راکبین موتر که در جایش نشسته بود و از باند امین بود گفت ، چطور شود که پول نداری نمی بینی که امین صاحب : قصر دار لامان می رود ، وراه همه مسدود است پیاده برو گفتم این همه‌رامن بی‌چاره وناتوان پیاده بروم ، آیا انصاف شما همین است ؟

گفت بسیار گپ نزن از موتر پیاده شو زیرا ما وقت نداریم .

گفتم که یک افغانی کرایه سرویس را ندارم گفت من چطور کنم که پول‌نداری ، ازخانه‌ات پول میگرفتی . بهر صورت ازموتر پیاده‌شدم وبه سوی خانه روان شدم‌چون روز های‌زمستان بود هوازود تاریک‌میگردید وبرف هم می‌بارید راه منزل را به چندین ساعت طی کردم‌وقتیکه به خانه رسیدم شب شده بود وهمه در ناراحتی بس می‌بردند، زیرادر وقت‌امین جلادهیچکس مصونیت نداشت و همه تصور میکردند که بلای سرمن آمده است وقتیکه مرا باآن‌سر ووضع دیدند ماجرا را ازمن پرسیدند امامن یاری حرف زدن نداشتم وتب سختی مرا فرا گرفت ودیگر هیچ نفهمیدم . روز ها در بستر بیماری افتادم تااینکه کمی حالم خوب شدو توانستم سر کار بروم .

بلی این بود حکایتی از زندگی مامردم در زمان امین وباند جنایتکارش .

از جوانی که خود را محمد طاهر معرفی میکند وفارغ لیسه شیرشاه سوری است می پرسم که در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب ثور چه نظر دارد میگوید :

من پسر یك دهقانم وخودنیز دهقان‌میباشم، در پهلوی دهقانی درس نیز می خواندم تا اینکه از مکتب فارغ‌شدم آرزوداشتم به پوهنتون شامل شوم ولی درزمان امین امید زندگی برای کس نمانده بودچه رسد به‌ادامه تحصیل اگرامین بیش ازاین‌دوام‌می یافت بر علاوهٔ اینکه راهی به پوهنتون نمیداشتیم‌شاید به زندان افگنده میشدیم ودر آن جامی پوسیدیم .

به چشم سر مشاهده میکنیم که هزاران جوان ما شامل پوهنتون شده اند وبر علاوه برای یکعده زیاد چانس خارج داده شده که من نیزدراین جمله هستم‌از نظرت‌کار های چشمگیری که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور صورت گرفته کدام ها اند ؟

تمام کارهای‌دولت مادر این مدت کوتاه چشمگیر وباارزش است . ولی من عقیده‌دارم که آزاد شدن زندانیان سیاسی از کار های پر ارزش وچشمگیر است . زیرا احترام به انسان واحترام به حقوق فردی واجتماعی او که در زمان امین سفاك وباند جنایتکارش سخت تحت محدودیت قرار گرفته بود کنون با آزادی های که به خلق داده شده است کرامت وشخصیت پامال شدهٔ مردم اعاده گردیده واین کار باارزش دولت در این‌مدت کوتاه خیلی چشمگیر است .

البته‌باید این نکته را علاوه کنم که قضاوت ها در بارهٔ کار های دولت ما نظربه دید اشخاص فرق میکند یك عده شایدمسترد نمودن اموال وجایداد های مردم را از کار های با ارزش بدانند وعدهٔ دیگر چیز دیگر را از دیدگاه یك متعلم شاید چانس یافتن به پوهنتون از کار های پر ارزش باشد .

ولی بصورت عموم میتوان گفت که همه اجراآت دولت در طول مدت دوماه چشمگیر وباارزش است .

ـاز چوب فروشی که نامش شیرآقااست می پرسم که کار وبارپس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور چطور است میگوید :

تنها مساله تجارت نیست که بعد از قیام ملی ششم جدی رونق زیادی یافته بلکه در همه زمینه های حیات اجتماعی وفردی تحولات چشمگیر رونما گشته که‌هریك آن بذات خود با ارزش است .

در مورد کار وبارم پرسیدید، میگویم امروز دیگر ناراحتی ندارم زیرا مطمینم که زندگی ام تا مین شدنی است وکسی نیست‌که مزاحم کارم شود .

آیا در گذشته مخصوصا در دوران امین وباندوی کس باعث‌اذیت وآزار شمامیشده؟

عجب سوالی میکنید . امین وباندوی بکدام کار نبودکه غرض نداشته باشند، یك روز به بهانه اینکه وزن سنگ هایم کم است مرا با خود می بردند وپس از اینکه جیب هایم را خالی میکردند اگر زیاد لطف می میداشتند آزادم‌می نمودند ، درحالیکه‌تمام سنگ هایم مطابق معیار های قبول شده بود. هیچگونه‌کم وکاست دروزن هایم وجودنداشت اما آنها بخاطر این که مردم را آزار داده باشند دست به این تهمت هامی زدند والبته از این کارشان منظوری داشتند که علت را قبلا برایتان گفتم ، عدالت نبود جای نبودکه شکایت خودرا بریم ودر مورد ما دادرسی نمایند در هرجا ودر هرمورد عمال امین وجود داشتند وباعث اذیت وآزار مردم میگشتند .

خان آقاشریك دیگرچوب فروش میگوید: راستی که در زمان امین چقدر ظلم بود ، انسان وقتی که آن روز ها را بیاد می آورد موبراندامش راست میگردد .

روزی نبود که نشنویم‌که فلان کس را بردند وبه زندان افگندند ویا نابودش‌کردند. بندی کردن وکشتن برای امین وباند جنایتکارش مانندآب خوردن بود، آن ظالمان فکر نمیکردند که تمام این انسان ها جان دارند ، نفس دارند وبااین مردم صدها فامیل بسته است بیاد دارم که یکی از همسایگان مارا در زمان امین بردند نمیدانم که علت بردن اوچه بود اما هر چه بود همه اش‌دروغ بود آن بی چاره پیاده یك وزارت خانه بوده آن هم پیرمردی که به سختی میتوانست روزگارش را با چند طفل قدونیم قد بگذراند ازرفتن او چند روز وبالاخره چند هفته‌گذشت اما او هرگز به زندگیش به خانه اش باز نگشت زن پیرش با چند طفل رنجور و گرسنه اش هرچه راکه داشتند بفروختند تا زندگی آنان خیلی فقیرانه بود تمام اموال وزندگی شان در ظرف یکی دو هفته فروخته شد ودیگر چیزی باقی نماند که بفروشند تااز درك آن شکم خودرا سیر کنند . سردی زمستان ازیك طرف وتنگدستی از جانب‌دیگر آنها را به هلاکت رسانیده بود، تا جای امکان همسایه گان کمك کردند ولی در آن وقت هرکس از جان خود می ترسیدند از این رو این فامیل بدبخت دست به تکدی زدند. بلی از این مثال هادر زمان امین و باند جنایتکارش زیاد وجود داشت . خوشبختانه بعداز پیروزی قیام ملی ششم جدی زندگی مردم ماشکل دیگر گرفت وحیات مردم وکار وبارشان سیر عادی خودرا باز یافت و امروز ما با فکر آرام به زندگی خوش و مسعود خویش ادامه میدهیم .

آصفه مسجدی :

بابه میان آمدن تحول تازه ومرحله نوین تکامل انقلاب ثور زندگی مردم ما در مسیری قرار گرفت که مردم خواهان‌آن بودند در حقیقت مردم ما با این تحول تازه جان تازه یافتند .

در گذشته در زمان امین وباند اوهزاران فامیل داغدار بودند، در هیچ خانهٔ نبود که یکی دو نفر از ایشان بندی نباشند . بدروزگاری بود، روزگاری‌که بیاد آوردن آن انسان را متاثر میسازد .

وقتی که زندانیان سیا سی ا ز زندان پلچرخی آزاد گشتند واز مظالم بی شما ر امین وباندوی قصه هاکردند بیشتر برناراحتی های ما افزوده گشت .

اما از آن جای که خداوند همیشه یا ر ومددگار مردم بی چاره وبی پناه است مرحله نوین تکامل انقلاب ثور در وقتی به پیروزی رسید که امید هابه نا امیدی و یاس مبدل گشته بود .

خوب شکر است که امروز زنده هستیم وبا شما آزادانه صحبت میکنم ودرددل های خودرا میگویم .

• زندگی امروز تان با گذشته چه فرق کرده واین تفاوت درچه میباشد ؟

مافامیل غریبی هستیم ولی هر فامیل وهر انسان می خواهد که آزاد زندگی کند واین چیزی است که غریب ومعتبر نمی شنا سد همه اورا می پسندند وبه آن احتیاج دارند در گذشته مخصوصا در زمان امین این آزادی را نداشتیم . جگر خونی، بیچارگی بندی داری وهزار ها مشکل دیگر گریبانگیر مردم ما بود .

ولی امروز با این که مدت کوتاهی ا ز مرحله نوین تکامل انقلاب ثور میگذرد ، احساس آرامش وآزادی میکنم . آزاد حرف می زنیم، آزادمی رویم ومی آییم وبالاخره آزادزندگی میکنم واین بزر گترین نعمت‌ست برای مردم رنج دیده‌ما .

آصفه مسجدی

خان‌آقا

در حاشیه حوادث اخیر کابل م : مانی

جهانخواران و غاصبان و دشمنان واقعی اسلام

همیشه دین را برای پرده‌پوشی اعمال خویش وسیله و دست آویز قرار داده‌اند

درحوادث غم‌انگیز اخیر کابل کی‌ها دست داشتند و کی ها از این‌گونه آشوب ها و آشفتگی ها و ایجاد وحشت و ارعاب سود می برند ؟ پاسخ ها روشن است ! انقلاب زنجیر شکن و هستی آفرین ثور وبه ویژه مرحله یی نوین آن آتش در جان سیا هکاران و کا سبکا ران امپریا لیزم وابسته به سرما یه داری افگنده است . و این جای شگفتی نیست ، با از میان رفتن دست نشا ند گان ار تجاع جهانی که در لباس ظاهر شاه ها و داود خان ها و امین و امینی ها درمیهن ما ظهور کرده بودند تیر های امپر یا لیسم لگام گسیخته یی دیوانه و در راس امریکا به خاك نشست . استعمار ویرانگر و سود پرست به وحشت افتاد و در پی‌آن گردید که از آخرین کلید هایی که در دست دارد سود جوید . تاباشد که کارگر افتد این آخرین کلید آخرین حلقهٔ لعنت امپر یا لیسم‌بود یعنی حفیظ الله امین (!) و دار و دستهٔ انسان کشس او که در سر زمین ما جنایت های هول انگیز را مرتکب گردید ند که تاریخ نظیر آن را یا ندیده بود ویا کمتر دیده بود . در هیچ گوشه ای از جهان امپر یا لیسم و استعمار این گونه تر دستانه عمل نکرده بود .یعنی بااستفاده ازاندیشه های انقلابی ! کشتن وطن پر ستان و انقلابی‌های راستین ، باری استعمار و امپریا- لیسم از آخرین کلید و آخرین دروغ ستفاده کرد. گر گ وحشی و غولی آد مخوار را با نوطئه و دسایس در سر زمین ما به‌قدرت رسانید تا با استفاده از نقاب ها و پو شش ها خلق ها را اغوا کند و فریب دهد و به پرتگاه‌نیستی شان بکشاند .

این آخرین تدبیر امپریا لیسم که ما هرانه در کاخ سفید طرح ریزی گشته بود برای مد تی کوتاه، توانست‌در کشور ما کار بر دی پیدا کند . اما عمر جها نخوا ران و فریب انگیزان و درو غگو یان کوتاه است ، فر زندان راستین این سا مان به زودی به توطئه های که در دست اجرا بود ،یعنی پارچه پارچه کردن و متلاشی نمودن افغا- نستان متشکل و متحد پی بردند. در جستجوی چاره بر آمدند ، وآن آخرین حلقه یی لعنت را در هم شکستند و برای توده ها آموختند که استعمار غولی است هزار چهره و امپر یا لیسم ماری است خوش خط و خال که در سر آرزوی به‌غیر اززهر پراگنی و ویرانی و تبا هی بشریت ندارد . در لفظ و در قول خود راپاسبان بشریت می دا ند و اعلامیه حقوق بشر را امضا می نماید اما در کردار و عمل ، حقوق مسلم انسان را لگد کوب می نماید. برای فریب ، نواهای انسان دوستی سر می دهد اما ما هیتی پلید و متجاوز دارد . برای فروش اسلحهٔ خویشس بازار می جوید و در هر گوشه ای از جهان را که تشخیص دهد آنجا آرامشس و صلح بر قرار است نا امنی به وجود می آورد و آتشس جنگ را می افروزد .

امپر یا لیسم و استعمار که می کوشند آقایی جهان از آن آنها باشد ، دولت هایی راکه ماهیت از تجاعی دارند تابن دندان مسلح می نماید . تا با وطن پر ستان انقلابی ها و فرزندان راستین ودل سوز که در سر هوای خدمت به میهن و امر صلح و ترقی اجتماعی دارند ، به مقابله بر خیزند .

باری استعمار و امپر یا لیسم می خواهند در زیر نقابی از (دفاع از حقوق بشر) چهره بپوشند و به غارت و تاراج هرچه بیشتر ملت های ضعیف بپر دازند . از روز گاری به اینسو استعمار را و امپر یا لیسم راتب تفوق طلبی و سیطره جویی گرفته است و تشنهٔ قدرت است . در حالی که تاریخ بر عکس آن را نشان داده می رود هرروز که می گذرد ،امپریا لیسم گامی به سوی نیستی بر می دارد ، پیمان ها و پایگاه های خویشس را ازدست می دهد وآفتاب زرده یی گشته وبیمار عمر استعمار بیشتری به‌زردی وا فسرد گی می گراید واین قانون تغییر نا پذیر جوامع انسا نی است، پوسید گی هاجای خودرا به تازه ها وبالنده ما می دهد ودر این اصل دیا لکتیک جای هیچگو نه شک وتر دید نیست، اما امپریالیزم دیوانه لگام گسیخته‌همیشه ازواقعیت ها فرار می نماید تاب رو بروشدن، با حقایق را ندارد. استعمار بیمار وامپریا لیسم خو نخوار از گذ شت روز گار نمی آمو زند. وپند زما نه را آویزه‌ی گو ش نمی نما یند، در طویله ی ذهن خویش سم می کوبند وبر منطق پو سیده و زما ن زده‌ی خود تکیه می نما یند .

بی شرمی ، و قاحت ودیده درایی هم حد ی دارد واندازه ای ، استعمار وامپریا لیسم بااین شکست ها یی که در جهان با آن رو برو می‌شوند. خمی هم به ابرونمی آورند . هرروز قامت افرا خته تر می نمایند و به تبلیغات بی بند و با رانه و لگام گسیختهٔ بیشتر می پر دازند و همچنان سر مست از باده‌یی نخوت اند وحقاکه‌مستکبر ان اندمستکبران محکوم به نا بودی و شکست اند.

جامه های رنگا رنگ به تن می نمایند . نماینده ها ودست آمو ز ها و پرور دگان خویشس را درچهره ها و قیافه ها و نقاب های گونا- گون به سر زمین ها گسیل می نمایند تا از پرواز آن که یك سده پیش ازین به افراز اروپا به گردش آمده بود جلو گیری نمایند . و بی خبر ازاینکه آن شبح دیگربه نیرویی بزرگ بدل گشته است و پروازی بسس بسیار اوج گیر نده یافته است واین جوجه مر غکان را تاب مقابله با آن بزرگ نیست .

پسس ازین تلاش ها ، این کو ششس ها ، این تقلا ها بی حاصل است و بی نتیجه و ثمره‌یی به جز از رسوایی و سر افگندگی به بار نخواهد آورد زیرا این هابر خلاف جریان آب و بر خلاف سمت حرکت تاریخ را در پو یایی اند و این کاری است ابلهانه و بی‌حاصل تاریخ سمت حرکت مشخص دارد و در جهت مخالف حرکت آب نیز نمی توان به شنا وری پرداخت .

استعمار و امپر یا لیسم مشت در تاریکی می کوبند و این عملی است بیهوده ور نهایت احمقانه زمانه سالاری و سر داری ، دیگر گذشته است . دوران یکه تازی ها و کشور کشایی نیز به‌پایان رسیده است و اینك گردونه یی تاریخ از سر نعشس فا تحان کذایی . اسکندر ها ، هیتلر ها و نا پلیون ها می گذرد ، این غاصبان که افتخا رات را بیهوده وبا بی شر می به نام خود کرده اند . فا تحان راستین سپا هیان گمنام اند توده ها اند که باقهر خود قهر مان اند نه فاتحان افسار گسیخته یی دیوانه که امیال سر کوفته یی خویشس را با تاراج و غارت و چپاول ارضامی نمایند . اینان نفرین را سزاواراند نه ستایشس را .

استعمار و امپر یا لیسم این‌همه پوند و دالر برای چه مصرف می نمایند ، آیا در کشور های شان فقیری ، بیکاری ، ناداری پیدانمی شود آن پول ها در سر زمین خود شان مورد مصرف نمی یابد ؟ البته که در کشور های غار ت گرانه‌هنوز مساله فقر حل شده است نه گر سنگی و بی کاری و هر روز جنایت هایی غم انگیز هم به‌خاطر پول در آنجا ها صورت می پذیرد. پس این همه کشاده دستی ها ازچیست ؟ پاسخ‌روشن‌است برا ی غارت کشور های دیگر برای دست یافتن به ثرو ت هاو سرما یه ها ی

بقیه‌درصفحه۵۳

ترجمه : ح ع ،آهنگر

نظری به چگونگی وتاریخ انسان های نخستین

دا نشمند ان‌عقیده دا رند که نخستین اجداد آدمیزاد در قسمت های جنوب وجنوب شر ق آسیا می زیسته اند که در زمان دوران یخچال هاآنها مجبور شد ند که به طرف شمال حر کت نما یند. اما اینکه آنها چگو نه به منطقه سپت‌بر گن منطقه سرد ویخچا لی که هزا ران هزار کیلو متر بدور موقعیت دارد رسیده اند .

هنسن دا نشمند نا روی و لل دانشمند آلمان فد رال میگو یند که اجداد انسان ها در قد یم‌ازمناطق جنوب شر قی به سوی منا طق وا یگاچ نو وایا ،زیملیا که در حدود دو هزار وپنجصد کیلو متر فاصله دارد حر کت نمود ند . آنها عقیده دارند که اجداد آدمیزاد در منطقه سپت بر گن که یك منطقه یخچالی ودر عین زمان یك منطقه شکار گاه خوب حیوا نات بحری اند انتقال یافته اند تا در عین وقت دوره گرمای تابستان را در آنجا بگذ را نند .

برای عده دا نشمندان دگر چون سلو یودا این یك امر غیرقابل قبول‌جلوه میکند برا ی‌اینکه‌چراچنین فاصله زیا دی را بدون داشتن‌وسایل ابتدا یی سپری نمایند . اینکه‌مناطق زیملیا ونودایا یك منطقه سر سبز بوده جای تردید با قی نمی ماندامااین سوال نزد محققین خلق میشود که چگو نه انسان های اولیه‌که هیچگو نه‌وسا یل ابتدا یی سفرو یا قا یق های خورد شنا وری هم‌ندا شته اند توا نسته اندچ نین فر سنگ فاصله را پیموده وخودرا از یك منطقه به منطقه دیگر کشانیده اند در حا لیکه گذشتن از یخچال ها امروز برای محققین ودا نشمندان که وسایل مجهز را در اختیار دارند تاحدودی مشکلا تی را ایجاد می نماید .

عده را عقیده بر این است که در طول زمستان که همه‌سطوح‌ابحار را یخ پو شانیده بوده اجداد انسان های امروز توا نسته اند با استفاده یخهای روی ایبحار از یك جا به جای دگرواز یك منطقه به منطقه دگر گذشته با شند .

محققین میگو یند که عبور از ممالك سکند ناویا تا منطقه سرد و یخچال سپت بر گن دوروز متوا لی رااحتوا میکند . روی این لحاظ ابها مات پرپیچید گی های شگفتی

این هم گو شه یی از زند گی‌مالداری انسان های قدیم

این تابلو یکی از صحنه های‌انسان های قدیم را نشان میدهد .

در ذهن آد میزاد مبنی برش حل دقیق این مسله خطور میکند واین راهم میگو یند در آن زما نی که انسا نهای او لیه زند گی میکرد ند بحیره خورد هم وجود ند است.

دا نشمند بشر شنا سی معروف به اسم ملز ید جوف اینطور اظهار عقیده میکند که در عهد قد یم‌قسمت های پائینی بحیره بیر نگ تا قسمت منطقه سپت بر گن یك‌پار چه بوده وجز از خاك ارو پا حساب‌می شد تحقیقات جیو لو ژ یك امرو زی که در قسمت تا ریخ زمین‌مطالعه می نماید نیز نظر دا نشمند موصوف را تا کید نموده است .

با آنهم این نظر آنقدر معقول‌و قا بل قبول جلوه نمیکند زیرابا یست عوا مل دگر را مبنی بر مها جرت انسان‌ها از یك نقطه به نقطه دگر نیز در نظر دا شت واین عا مل، همان عا مل فشار اجتما عی و زدوخورد هابوده که همیشه یك قبیله بر قبیله دگر حمله نموده آنها را مجبور به ترك وطن آبا یی شان مینموده است که مها جرت انسان های او لیه در منطقه سپت بر گن نیز روی اصل می چر خیده است اما این که چگو نه در چنین یك منطقه سرد زمستا نها را سپری نموده اند جای شگفتی آور است.

محققین میگو یندکه تنها در ین اوا خر بود یك گروپ‌محققین‌اتحاد شوروی به سختی تو انستند شش هفته را در این جاسپری کنند اینکه دو هزارو پنجصد سال قبل انسانها در آنجا می زیسته اند جای‌تعجب است .

هنسن ولل هردو را عقیده بر این‌است که انسان های او لیه چهار هزار سال قبل در آنجا زیست می‌نمود ه‌اند. دا نشمند دگر سلو نا که بقا یای فر هنگی‌آنزمان رامطا لعه نموده است میگو ید که از مطا لعه چنین آثارو آبدات تا ریخی معلوم میشود که انسان های او لیه قبل‌از چهار هزار سال نیز در همان مناطق امرار حیات می نمود ه‌اند .

جیو لوژیست ها اظهار نظر می نما یند که منطقه سپت بر گن درحدودهفت هزار سال قبل‌یك‌منطقه گرم بوده روی این لحاظ بوده که انسان های او لیه به آسا نی میتوانستند در شکار حیوا نات وجمع‌آوری غذای شبا رو زی شان کارو فعا لیت نما یند .

ستا ر کوف دا نشمند دگر بشرشنا س را عقیده بر این است که انسا نهای او لی که در آنجا مشغول زند گی شد ند وبتد ریج وآهسته آهسته از سا یر منا طق تجر ید گرد یده هو یت وگروه مستقل رابه وجود آوردند ومنطقه سپت بر گن بعدها بتد ریج به اثر حملات وطغیان ابحار از بد نه خشکه منا طق دگر جدا گرد یدوانسان های او لیه نتوا نستند تما س های لازم را بر قرار میگرد ند .

انسانها ی‌اولیه به مرور زما ن توا نستند توا فق وتطا بق با محیط را حا صل نموده در همان شرا یط ناگوار وبرو دت هوا توا نستند درمغاره ها آتش افرو خته بدن شا نرا گرم نگهدا رند که بتد ریج هو یت وطرز زند گی جدا گا نه را پی ریزی نمود ند که طرز زندگی مختص به خود انسا نهای همان منطقه بوده است .

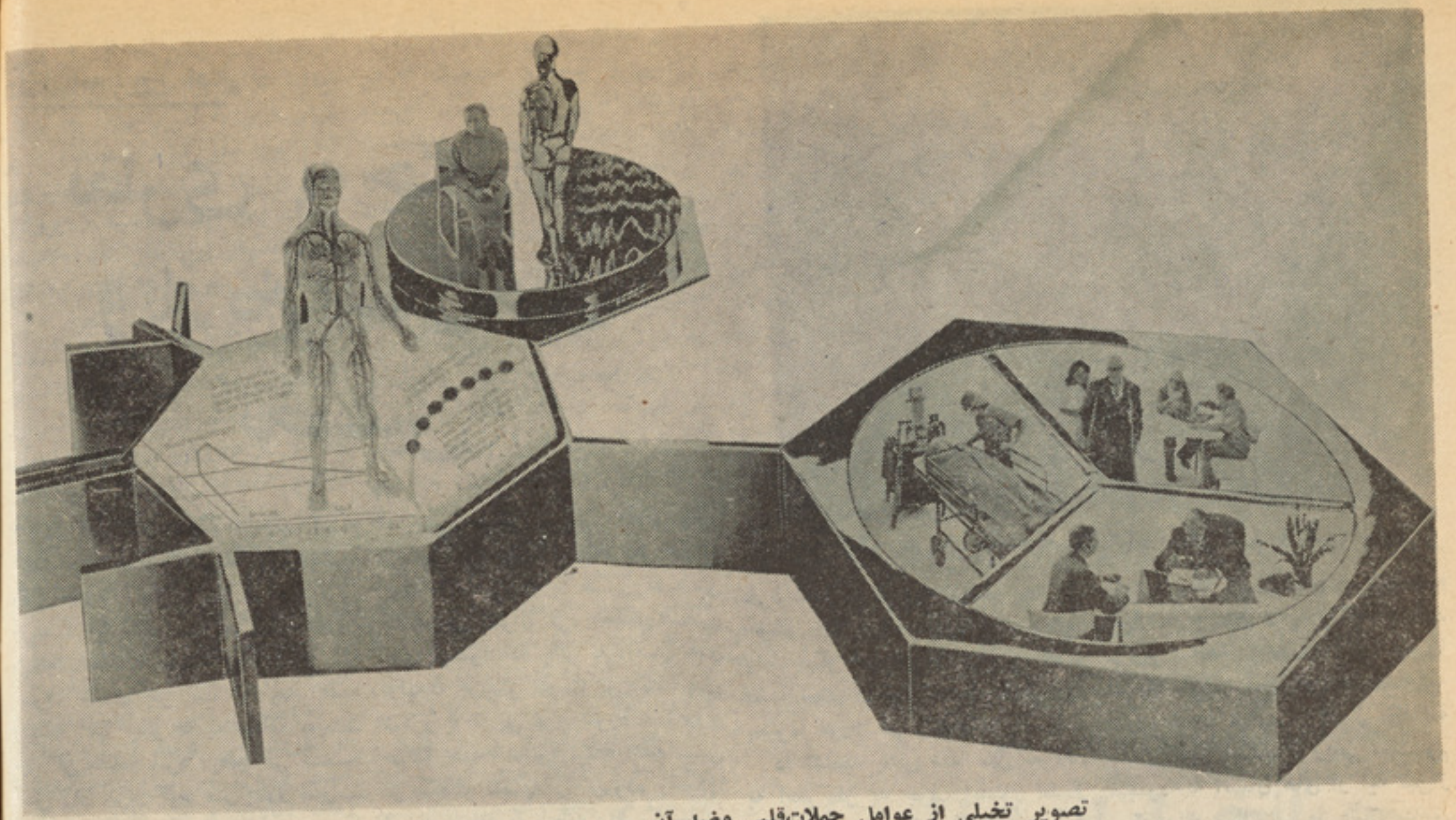

تصویر تخیلی از عوامل حملات‌قلبی وضد آن

تنظیم وبر گردا نی از بری ابوی

حمله قلبی وضد حمله قلبی

چرا قلب‌هزا ران تن بیمار گشته‌است ؟

• • •

دود کردن سگرت و سیگار یگانه‌عامل بز رگ حمله قلبی است .

• • •

تنها روش‌های پیشگیری میتواندقلب شما را سا لم بجا گـذا رد .
چرا مردان بیشتر نسبت به خانمهادچار حمله قلبی میشو ند ؟

چرا امروز بیما ری قلبی افراد زیادی را رنج میدهد ؟ واز نگـــاه تلفات این‌بیما ری در رد یف اول **است . پیشاپیش یکعده از بیما ری ها ونا سلا متی های که دا منگیـر** گروه کثیری است. واز آنجا ئیکـــه برخی از عوا مل خرد کننده محیطی **همراه باناامنی عمومی بدن‌به مخوف** تر ین شکل آن به صحت جها نیان **کمین وسلامت آنهارا بخطر انداخته** است لازم میدا نیم از یك بهم خوزی وعدم تعادل سخن بگوئیم اینهـــا بیما ری های قلبی اند که همر دیف با خیلی از ناجوری هاظاهر می‌شود.

وبه‌تاییدآن حمله قلبی مهمتراز همه بیماری هاتلقی‌شده وحلقه‌های علمي وکارشناسان رابیشتر ازپیش‌واداشته تاسدی جلو آن بگستر انند .

بیما ری آشنای با لابودن فشار خون که اینروز ها بعلل مختلف **همه گیر شده است بیماری تازه و** نوظهور نیست‌وعده زیادی‌به آن‌مبتلا استند . این بیما ری خود با عـث به‌میان آمدن‌دیگر ناسلامتی‌های‌میشود. **ازجمله‌جمع‌شدن چربی‌درجداررگ‌ها** (تصلب شرا یین) سکته های مغزی وقلبی (انفار کیتو س) اگر چه این بیماری مسری نیست ولی‌چون مور-

یانه بی سرو صدا جان انسان را می گیرد خیلی از زشس مهم تحقیقـــی **دارند . علایم ظاهری این بیمـاری** بسیار کم وگاه غیر قا بل تشخیص است همین نا را حتی بظا هر سا ده قربا نیان خود رابا صبروحوصله‌از میان دوستان ما انتخاب می کند . وچون مهما نی نا خو انده سر زده‌و بی خبر از راه میرسد . با وجـــود **تحقیق‌وبر رسی های دامنه دار دیگر** نکته ابها می در تشر یح علل‌وچگو- نگی پیدا یشس این بیما ری وجود ندارد طب امروز ادعا میکند کـــه **رژیم نا منظم غـذایی ، ندا شتـــن** برنا مه صحیح ور زشی ونا را حتی های مو جوددر خا نوا ده یگا نـــه عا مل فشار خون بالا وسکته های قلبی است . بر علاوه یك دلیل مهـم وغیر قا بل انکار دیگر را با ید افزود وآن فشار عصبی نا شی از زند گی مدرن امروز ودر گیری آنست .

زیرا هر کدام از ما درزند گی روزانه با تغییرات خو شس‌وناخوشی رو برو می شو یم مثـلا دو ستی‌را از دست مید هیم ویا نا گاه وارد **کشمکش‌واختلاف‌میشویم‌همین‌تغییرات** وپیشس آمد هاو تغذی که ما بـرای **تطا بق رو حـــی و جسمی خود با** موقعیت جد ید می کنیم با عـــث **ایجاادفشار عصبی‌میگردد. مخصوصا**

امروز تعداد زیاد بیما ری های‌روان **جسمی ، کشید گی های روحی کار** بیشس از حد ونبودن استرا حت،نو- شیدن مشروبات الکو لی ،ودودکردن سگرت ... باآن همپا شده وبا عث خستگی قلب ودر نها یت سکته قلبی **میگردد . در شرا یطی که ما می‌زییم** بنابر پایه های زند گی‌مد رن نه‌تنها در وقوع امرا ض قلبی تزاید رو نما- ست بلکه تلفات خا صتا در گـروه جوا نان ونو جوا نان افزا یشس مـی یابد .

همچنان نا سه لامتی های زیر در یك روند سکته های قلبی‌رول اولتر دارند :

۱ـ ها یپر ولای پیما
۲ـ ها یپرو کلسترول امیا
۳ـ اوترو سکلر وزسس
٤ـ بیما ری های‌مز من قلبی

امروز طب پیشگیری نسبت بـه طب معا لجه یی اثرات شفا بخشس زیا دی دارد از ین جا ست که ایـن بخشس طب در مما لك‌عقب‌نگهداشته **شده همه گیر تر بوده وبا ستواری** با این سلسله معیارات راهی بطرف سلامت می گشایند . چنا نچـه در طب پیشگیری میگو یند که‌بهتر ین تدا وی ، تدا وی‌نکردن است، ازجا- نب دیگر اینکه بدن‌انسانهای‌امروزی انبا ری از موادکیمیا یی شده اسـت

زیرا این افراد سخت گیر با یجاد جزیی تر ین نوع‌بیما ری به سراغ **دوا های قوی میروند . بدون اینکه** بدانند چه خوا هد شد؟ باید خا طر نشان سا خت که حتی امروز همه سلو لهای تن ما از وجوداین‌سمها اشباع گرد یده است وبه وی‌خستگی **و کسا لت ونا توانی داده است.پس** بایداین‌هاسلامتی ایشا نرا در یك چنین خود دا ری وپیشگیری بیابند. باوجود اینکه‌دود کردن سگرت و **استفاده از پایپ ازز مره عادات** مضرجا معه قبول گشته است‌و لی وارد آوردن در چگونگی‌شیوه‌وروش **ز ند گی بخد مت** گیری وا کسن های ایمنی ساده‌بوده نمیتوا ند .آمار نشان مید هد در اشخاص پابه سن گذاشته اختلال در سیستم قلبی وعرو قی در۴۳فیصد مردان ودر خا نم‌ها ۲۹٫۳ در صد ضبط گرد یده‌است وامروز به یقین ثابت شده‌است که‌حداوسط‌عمردرآقا یان هشت سال کو تاه تر از وسط عمر زنان است . بیست‌و هشت‌فیصد وقا یع سکته قلبی اعتیاد به سگرت بیست‌و یك‌فیصد فشار خون بالا و سیزده فیصد چر بی وکلسترول در مواد خو را کی وخون‌تثبیت گرد یده است. سکته های قلبی در مردان‌پا **به سن گذاشته بالای سن چهل زیاده** تر دیده میشود واین جا ست که زنگ های خطر بصدا در میا یند وزند گی‌آنا نرا دستخو ش‌بیما ری ومرگ می سا زد .سن آنطرف مرز چهل حدود پیشر فت روحی، جسمی وشخصیت مرد است . اصولا یك مردچهل سا له یا بالای آن شخصیت کا ملی‌است‌که مسوولیت زندگی‌خود **واطرافیانش رابه شا یستگی به** عهده دارد .

امرفردی است خیلی حسا س و میخواهد در طول روز مرد مو فقی باشد . **نا کا می و نا هنجا ر ی** در جریان فعالیت روز اورا خسته **میسازد واین‌کشید گی‌روحی‌به مرور** بیمارمیسا زد وسلا متی اش را ازاو می گیرد .

مهم است بدا نیم که در ین سن غفلت در نا جوری خطرات زیا دی‌را درپی‌خوا هد داشت اما طب امروزی **با استفاده از وسیله های مدرن می** خواهد بدور بیماری های قلبی مهار بکشد. چنا نچه امروز عمل‌جرا حی قلب به شیوه باز صو رت می‌گیرد جلوگیری نا سلامتی بالااستواری‌بیك **سر کوبی‌شنا خته‌شده منبع‌وعواطف** بیماری آنرا دارد (مشرو بات‌الکولی اعتیاد به سگرت ،سر خوردگی‌های روحی ، بیخوا بی، سر در دی، درد های قلبی) عوا مل بیما ری زا نه **تنهابه قلب صد مه میزند بلکه‌سیستم** عصبی را نیز خردمیسا زد .

در نتیجه بیش از جمله تقریبا چهل فیصد بیما ران دچار عار ضه (فشارعصبی‌و ضر به عصبی رو حی) شدید میگرد ند. نبودن پیو ند های عا طفی وفضای نا آرام ،مغشو ش‌و **جنجالی فا میلی میتواند بحیث** یگانه تر ین عا مل‌دیر پای بیما ری باشد. همراه با پابه سن گذا شتن سلول های بدن ما آنهمه ظر فیت وظیفه را که در جوا نی دار ند از دست مید هند وفعا لیت های‌ترمیمی **روبه کندی میروند خصو صاًانساج وعضله قلب خاصیت ارتجاعی اش** رااز دست داده وجدار آن سخت می گردد . که گا هی منجر به فشارخون بالا (هایپر تو نی) میگردد.یکا نه **درمان نا سلامتی ، دوری از روان پریشی ها است یعنی میتوان با در مان تدا وی های خود سر انه به جنگ نا جو ری های قلبی** قدمی فرا تر نهاد . در مورد میتوان **خلسه روانی وتمدد اعصاب را** مثال زد . که عین مو ثر یت استرا حت جسمی ورو حی را دارد .رسیدن بیك سطح فکری خوب‌یك‌استراحت جسمی نیز بد نبال دارد که به تعاقب آن انر ژی تحلیل‌نر فته‌دوباره **دیده میشود** .آزما یشات وتحقیقات نشان مید هد که بسی از ین‌ناجوری هادفعا قر با نی اش را در دام می‌اندازد. واینکار اوخیلی خاموشانه وجدی است به عنوان مثال هایپر- **تونی وقتی محسوس است که** بیمار شس را فلج کند در اوا یل این علایم در وی قا بل‌تظا هر نمیباشد . در ین‌راه از زشس ها **پیشگیری نباید فرا موش خا طر** گردد. داکتر وهم بیمار شس باید **بداند** که علا یم بر خی ازناجوری هامشترك اند چنا نچه علا یم‌و عارضه های سر دردی ،بی حا لی، ضعف در سر ما خورد گی وها یپر- تونی همقدم پیشس میرو ند .

مرین ها نیز می توا نند ایجاد نارا حتی قلبی نمایند چنا نچه دیفتری میتوا ند ازشمار نا جو ری های بیمار گر قلب تلقی گردد درضمن آماری که اخیرا ضبط شده است دانسته شده که در یك اپید یمی

بقیه‌درصفحه ۴۹

از : سکول بلیتن
ترجمه‌ی : د . ز

سرزمین طلا

زیبایی ها وقشنگی های «بولیوا» انسان را سرشار از شادی وشادمانی می گرداند و توریست ها ومسافرینی که از ین سرزمین دیدن می نمایند بیشتر از باشندگان‌آن دیار درآن سرزمین احساس خوشی وفرحت‌میکنند وهنگامیکه بادلهای سرشار از شادی ومسرت بولیوا را ترك وبه شهر ودیار خود برمیگردند قصه ها وافسانه ها ی شادی آفرین آنجارابرای دیگران حکایت مینمایند .

اگر شما نیز بخواهید به بولیوای زیبا و قصه آفرین، مسافرت نمایید وبرای بازد ید تان ازآن سرزمین پلان وپروگرام مشخصی طرح کنید حتما هوای لطیف وروان پرور «هلینی‌پلینو» را تنفس خواهید نمودواز زندگانی‌پرکیف باشندگان آن‌که به ارتفاع دومیل از بحر زیست می نمایند اطلاع حاصل خواهید نمود ودیگراین احساس‌حیات‌بسر خواهید برد که هوای پاکیزه آن جا را از صندوق بدن وخاطرات نیکش را از کامه سرتان، دور نمایید وباری دیگرنیز ازبولیوا دیدن کنید .

همچنان اگر باری دیدگان تان به جلگه های مرتفع وپوشیده از برف «هلینی پلینو» آشنا گردد چنان کیفی بشما دست‌خواهد دادکه یاد آنرا دیگر هرگز فراموش نموده نخواهید توانست .

برعلاوه ای که در قلب این منطقه زیبایی موج میزند، مینار های درآن دیده میشودکه بیش از ۲۱۰۰۰ فت بلندی دارند وهمه ای در جهان توریستی برپا کرده اند .

بعداز طی مسافه کمتر از پنجاه میل سرك بین «اندمس» و «یانگامی» انسان از نگاه ارتفاع، تفاوت قابل یادآوری را، ملاحظه می کند، این تفاوت بعداز پنجاه میل فا صله ۱۴۰۰۰ فت تخمین گردیده که در انجام آن قریه جات سبز وخرم ، قرار دارند .

برخی از دهکده ها وقصبات ، در کناره های کوه های سبز ومملو از جنگلات‌موقعیت داشته واز تمدن قرن بیست اثری‌هم‌در آنها نگریسته نمیشود .

اهالی جنوب این منطقه که خارج ازسرحد بولیوا در قلمرو برازیل زندگی دارند ، حملات وحشیانه ای را، بالای خلقهای این ناحیه انجام میدهند وزندگانی ساده وپر کیف آنها را دستخوش هراس وتشویش‌میگردانند. ازاین رو مردم قریه جات مذکور، شبها وروز هارا، در حفظ وحراست میهن وناموس شان سپری مینمایند .

بالر همین حملات بیگانگان، یك تعداداز ساکنان ، آن منطقه قشنگ ورویایی ، ازسر زمین اصلی شان کوچ کرده ودر کنار جنگلات انبوهی که باران زیاد دارد زندگی مینمایند .

این منطقه نیز سر سبز، پر نمروخوش آب وهوا بوده ومناظر زیبا ودلچسپی دارد که‌نظر سیاحان را بخود جلب نموده است.

سیاحانی که از هلینی پلینو میگذرند و باین سرزمین قدم میگذارند مینگرند که مردم آنجادر حالیکه بوی ازتمدن هم نبرده اند چگونه اشجار را قطع‌مینمایندورابر حمل ونقل موادی که توسط این مردم تهیه میشود توسط خطوط هوایی صورت می گیرد زیرا سرکهای منطقه مذکور برای عبورومرور موتر ها وسایر وسایل نقلیه مساعدنمی‌باشد.

گوشه یی ازسرزمین سرسبز طلاکه سیاحان را بخود مشغول نموده است

اگرچه که این کشور در سال ۱۸۸۳ امتیازات بحری خویش را به چلی واگذار شده اما امروز اعتراضات رسمی وقانونی مینماید تا امتیازاتش را مجددا بدست آورد. روی این منظور همه ساله درماه مارچ ، هزاران عسکر، متعلم، کارگر به تظاهرات واعتصابات می پردازند وخواهان حق وحقوق بحری شان میشوند وشعار میدهند :

«ماحقوق دریایی خویش را می طلبیم» .

این تظاهرات واعتصابات عموما در ناحیه

بقیه‌درصفحه۵۴

سیری در جهان هنر

ترجمهٔ حفیظ الله عمادی

هنر ، بازتابی از زندگی

بشر اولیه قرار شواهد تاریخ، زندگی‌خیلی ساده وابتدایی داشته بصورت گروپی امرار حیات میکردند زیرا انسانها وسایل لازم و ضروری برای دفاع شان از شر حیوانات‌درنده نداشتند ولازم میدانستند که جهت بقای شان بصورت دسته جمعی وگله وار امرار حیات نمایند.

این نمونهٔ مجسمه ایست که انسانهای‌باستان آنرا بحیث «سمبول تقدس» پرستش میکردند

ازطرف دیگر این انسانها هم باطبیعت و هم با حیوانات درنده مقابل بودند از وجود آنها خیلی می ترسیدند ، آرامش وجود نداشت ،طوفان رعد وبرق ،سیلاب‌همه وهمه حیات انسانها را تهدید میکرد ، سطح زندگی مادی آنها خیلی پائین بود، مرگ ومیر به شدت جریان داشت، طفل‌قبل ازینکه به‌مرحله بلوغ ویا به سن پیری برسد به کام مرگ فرومی‌رفت . چون زندگی انسانها در سطح خیلی نازل قرار داشت وسایل تولید ونیرو های مولده که در جهت رشد وتکامل سطح زندگی مادی‌وهم چنان در رشد وتکامل‌پروسه انکشاف تجارب برمغزآدمیزاد نقش ارزنده دارد نیز به‌حدکافی رشد نکرده بود همین امر سبب گردیده بود که شعور انسانها نمیتوانستند استقلال نسبی خودرا حفظ کنند. بنا این انسانها باوجود پائین بودن سطح زندگی وعدم رشد کافی نیرو های مولد نمیتوانستند به علل علمی پدیده‌هادسترسی پیداکنند بلکه علت آن رادروجود همان پدیده ها می پنداشتند که در طبیعت وجود داشت همه اشیا را حاوی ارواح می‌دانستند وهمین ارواح را مسوول اعمال وکردار شان تصور میکردند .

لوکرسیوس میگوید: همین ترس ازطبیعت وپدیده هابودکه برای نخست ترس وپرستش واطاعت از آنها را ایجاد نمود .

لوکرسیوس میگوید که اگر توته کاغذی جلوی سنگ انداخته شود بادکاغذ رابه‌حرکت درمی‌آورد اماسنگ فکرنمیکند که‌باداست و به نظرش‌میرسد که‌این کاغذهم‌دارای روح استو چنین‌امری رابه اصطلاح‌علمی‌آن نمییزم‌میگویند.

جزیره نشینان مالیزیاروح‌پرستی وانی‌میزم رابه لسان خویش بنام مانا وبومیان امریکایی آنرا مانی تویاد میکنند. به‌نظر بومیان‌امریکایی قطع درخت ها از طرف سفید پوستان چنین تصور می شد که به زندگی آنها خاتمه داده می شود. درجزایر ملوکا، بادرختان‌شگوفه‌دار طوری معامله میکنند که بازنان باردار . میگویند وقتی که‌ازنزدیك درخت بار دار وشگوفه دار می گذریم باید فریاد و چیغ نکشیم که مبادا مثل زنان باردار سقط جنین کنند ویامیوه شان به‌زمین بیفتد.

درجزیره اموی تاوقتی که‌مردم نزدیك مزارع برنج میشوند به بسیار آهستگی از کنار مزرعه دور می شوند از کشیدن هرنوع صدا خودداری میکنند تصور میکنند که بافریاد وچیغ وناله روح که در دانه برنج موجود است قطع میگردد لهذا با تکریم و احترام از برابر آن میگذرند وبا این کار تصور میکنند که ارضای خاطر ارواح که در دانه های برنج موجود است حاصل میگردد .

همین پرستش در قسمت ستارگان هم موجودبوده است چنانچه بابلی ها ستارگان سبعه را مشخص کرده واز ترس آنها ایام هفته را نیز بنام آنها مسمی کرده بودند چنانچه :

یکشنبه : سندی = سن یعنی آفتاب .
دوشنبه : مندی = مانا
شنبه : ساتردی = ساترن .

روز های متباقی هفته سه شنبه، چار شنبه، پنجشنبه وجمعه رابنام رب‌النوع سکاندنیاویا یادمیکنند چنانچه :

سه شنبه : تیوزدی = تی ویس .
چارشنبه : ونزدی = وودیم .
پنج شنبه : ترس دی = توری .
جمعه : فرایدی = فریکا .

آری پایین بودن سطح زندگی وعدم رشد کافی نیروهای مولده تاثیر به‌سزا یی درافق درك وسطح دانش وشعور آدمیزادداشت. علاوه برآن انسان های گذشته اعضای تناسلی را نیز احترام میگذاشتند وآن را رب‌النوع‌تکثرو از دیاد نسل پنداشته چنانچه قدیمترین‌اسناد مصری نشان میدهد که در گذشته مصری‌ها به پرستش آلات تناسلی اشتغال داشته و رومی ها هم شکل آلات تناسلی رابه پارچه های کاغذ وپوست ترسیم نموده به جاهای بلند می گذاشتند تامایه باروری گردد. این مراسم جشنواره های‌درروزهای دوشنبه وجمعه در قبال داشت که درین روز ها مردم به کار نرفته مصروف تفریح وخوش گذرانی می بودند ودر روز گاران قدیم این روز را بنام روز کلوخ انداز می نامیدند درین روز ها مردم به نوشیدن مشروبات مصروف بوده و میکوشیدند به این طریق ارواح را از خود راضی نگهدارند. چنانچه حکیم سنا یی اشاره به‌این موضوع نموده میگوید:

«باده مارازین‌سپس رسم‌کلوخ‌اندازده»

ریناخ میگوید: انسانهای اولیه برای ارضای ارواح شیوه ها واسلوب های دیگری نیز بکار می‌برند که‌عمده ترین این شیوه‌فن جادوگری است. به‌نظر ریناخ جادوگری فن جنگ روح پرستی یا انی میزم است. جادوگری وسیله همدردی با ارواح بوده که پایه آن پرتلقین روانی استوار است او میگوید در گذشته‌ها وقتی که‌زنی حامله دار می‌شد و یا مریضی به کسی پیدا می‌شد جادو گر می‌آمد چند سنگ را به سینه زن‌زده وآن را بدور می انداخت وبا بدور انداختن سنگ تصورمی‌شد که تکالیف نیز مرفوع میگردد .

در آتن یونان باستان هنگام بذر افشانی زمین جوانان راقربانی نموده وباریختن خو ن آنها ارواح زمین را راضی نگهمیداشتند وهر سال در جشن تراجیلیا دونفر بلا گردان‌برای قربانی انتخاب می شدند، مردم آن دو نفر را آنقدر سنگباران میکردند که از بین میرفت واین کار به مثابه بلا گردان وکفاره گناهان مردم انگاشته می‌شد .

در کشور های شرق میانه وآسیای وسطی مرغ ویا گوسفند را ذبح نموده شش ودل آن را در چار راهی ها می انداختند وبه این طریق می کوشیدند کفاره گناهان شخص مریض راباذبح حیوانات بدست می آوردند که تا چند دهه گذشته در بعضی قریه های این کشورها هنوزهم این‌کار دیده‌می‌شود . اسطوره مرگ و بعث الهه در شکل انسان جز همه ادیان آسیایی وافریقایی بود با کشتن و خوردن آنها انسان های

اولیه تصور میکردند که قدرت آنها در وجود آنها متبلور میگردد روی این لحاظ بود که گوشت قربانی راتوزیع ومی‌خوردند و خون شان را می نوشیدند این عمل را که بعد ها صورت گرفت بنام کنابولیزم یاد میکنند که کنابولیزم یا حیوان‌راذبح کردن وخوردن‌گوشت آنها بجای گوشت انسان یك جهش تاریخی شمرده میشود .

اسطوره حضرت ابراهیم که فرزندش اسمعیل را میخواست در راه خداوند (ج) و بفرمان خداوند (ج) ذبح کند وبعدا به‌دستور الهی عوض پسرش گوسفندی را قربانی کرد در مراسم دینی مردم مسلمان در سراسر جهان‌دیده می شود .

دانشمندان عقیده دارند که انسان ها با گذشت سالیان به این فکر شدند که روح بزرگ در وجود حیوانات بزرگ و نباتات

آهسته آهسته هرقدر از زندگی انسان ها بروی کره ارض میگذشت تجارب انسانها های تولید افزایش وبهره دهی زیاد ژرفترو عمیق تر میگردد.

های تولید افزایش وبهره دهی زیاد ژرفترو مورخین می گویند که در گذشته ها بعد از مردن حتی مرده هارامومیایی میکردند چنانچه مصریان این کار را برای نخست انجام دادند انسان ها در آن زمان فکر می کردند که روزی این مرده ها دو باره زنده می شوند رهبری مردم را بدوش می گیرند. چون مردم در زندگی ازین انسانهای متنفذ هراس داشتند همین آدم های بانفوذ صاحب اقتدار درزندگی انسانهای مظلوم را مورد شکنجه، آزار وکشتن قرار می داد مردم‌ناچار به تبعیت از آنها می پرداختند حتی در شب حین خواب نیز کار های گذشته به نظرش مجسم می‌شد. بنابرهمین ترس بود که پایه

دانشمندان عقیده دارند که‌انسان هاباگذشت‌سالیان به‌این فکر شدند که‌روح‌بزرگ‌دروجود حیوانات بزرگ ونباتات است

مقدس است به این طریق آنها این‌حیوانات راکه چنین تصور می شد احترام میکردند وفکر میکردند که بااز بین رفتن آنها قبایل ومردم بدون رهبری باقی می مانند چنانچه در دین یهود امروز گوشت ماهی، بره، کبوتر ممنوع بوده ودر جامعه هندی خوردن گوشت گاو ازجمله مقدسات است. بنابر همین امر است که هندی ها گاو را احترام نموده و وسیله مهم تولید آن وقت جامعه شمرده می شد که بعد ها با گذشت سالیان این‌اسطوره ورسم شکل تقدس دینی مسلط همان مردم گردید این امر را در تاریخ بنام توتم یا توتمیزم یاد میکنند .

های روح پرستی اجداد رادر میان آورد که کلمه ری لیجن انگلیسی از کلمه ریلیگاری ویا ریلیگار که بنام مواظبت ومراقبت است ماخوذ گردیده است .

امروز به اثر حفریات ، کاوش هاوتحقیقات باستان شناسی آثار وآبدات زیادی را در گوشه وکنار جهان کشف نموده اند که موید دوره های تکاملی و انعکاس کننده جهات مختلف زندگی فرهنگی ،اجتماعی دوره های‌پار بوده وبرای محققین تازه وجوان امروزی کلید شناخت فرهنگ وکلتور دوره های پاروانسان های اولیه می تواند باشد .

دتولستوی پرادبی شهکار جنگ اوسوله باندی لنډه تبصره

دتولستوی ددی ستراثر پیښی د ۱۸۰۵ څخه تر ۱۸۱۳ کال پوری منځ ته راغلی او تر ۱۹۳۰ کال پوری پای ته رسیدلی دی . دپیښو ځای کله په مسکو او پترزبورك کی دروسی اشرافی محفلونه وی او کله هم د (استرلیتز) او (مسکوا) دجګړی ډګرونه یاد مسکو او داخیستی ښار او یا هغه‌دواوری ډك دښتو ته چی فرا نسوی لښکر په هغه کی په شاتګ او نابودی ته مجبوره شوی وی . جنګ او سوله داخلاقو عاداتو او روح پوهنی له حیثه یو تاریخی رومان دی . ددغه رومان (چی پنځه یا شپږ بیلا بیلی پیښی یوپه بل کی وهل شوی او تشریح شوی دی) لنډول اویایی مطالبو زیات تشریح‌کول امکان نلری. درومان دوه اصلی قهرمانان لری چی یویی (پی‌یر بزوخوف) نومیږی دغه قهر مان ځوان یوساده هوښیار دغټ اندام څښتن، عینکی زړه ور او دناممکنو مسایلو سره علاقه لرونکی او ضعیف النفس انسان دی دغه قهرمان تل په دی لټه کی دی چی‌دژوندانه دلوړو او زورو حتی اخلاقی پیښو او هغه بندیزونه او دامونه دژوندانه په جریان کی ورسره مخامخ کیږی سره سره خپل ایدیال هدف ته ځان ورسوی . اودرومان بل قهرمان هم (پرنس اندره باکلوسکی) دده دملګری څخه عبارت دی . دی یو ډیر ښه افسر او عسکری صاحب منصب دی او دخپلو نورو همقطارانو په څیر ژوند کوی خوپه باطن کی زیات ارزښت لری دی ځوان دی خو ربړونه اوتکلیفونه یی زیات لیدلی دی ښځه یی مړه شوی ده او زوی یی ده ته پاتی شوی دی دخپلی ماندینی دمړینی څخه . څه موده وروسته د (ناتاشاروستوف) چی یو ښکلی اوجذابه پیغله وه سره نامزد اوکوژده شوی دی . لاکن (ناتاشا) دیوه بل ځوان چی (اناتول ګورا ګین)نومیدی‌سره لرله یعنی هغه ځوان چی دایی بدنامه کړی اوخپل اړیکی یی ورسره شلولی وه .

(اندره نیرا) هغه پریږدی (پرنس اندره) چی یوغوره منصبداردی او په (ستر لیتز)کی سخت ټپی کیږی په ۱۸۱۲کال‌ددوهم‌خل لپاره دوطن څخه ددفاع په مقصد وظیفی ته چمتو کیږی او دمسکو ا په جګړه کی دیو شمیر عسکر ورهبری او قوماندە په غاړه اخلی .

چی همدلته دسولی او جګړی درومان څخه دمسکو دجګړی یوه برخه دنمونی په توګه وړاندی کوو :

دشاهزده لښکرتر دوویجوپوری دسیمونوفسکی په کلی کی پرته دهر ډول فعالیت څخه ددښمن دتوپچی قواو تر سختو ډزو او یرغلو نو لاندی پروت و . وروسته له دولسو بجو څخه دغه لښکر چی څه‌دپاسه دوه ویشت تنه غړی یی‌دلاسه ورکړی وه دسیمونوفسکی کلی ته ورننوزی چی په دغه وخت کی یعنی په تیره بیا دغرمی ددولسو بجو ورسته‌ددښمن دتوپچی قواو دسختو ډزو په اثر زرتنه تلف اوله منځه ځی .

نوموړی لښکر پرته له‌دی چی یوفیر هم وکړی اویا دهغه ځای څخه ښوروخوری تقریبا دخپلو لښکر ویوه دریمه برخه دلاسه ورکوی. توپونه دمخ‌له‌خوا په تیره بیا دښی اړخ له‌لوری دتوردودوتو په منځ کی په فعالیت لګیا وه کله به داسی پیښه شوه چی دتوپونو مرمی به دلس پنځلسو دقیقو لپاره دهدف څخه لوړی یاکښته لګیدی‌اوکله به هم دیوی دقیقی په جریان کی دنوموړ و لښکرو زیات شمیر مړه او ټپیان شول او عسکر به‌په مسلسل ډول دټپیانو په ټولیدو بوخت شول سره له دی هم دلښکرو ترمینځ یوه واحد، روحیه موجوده وه . ټولو خاموشی اوچپه چوپتیا اختیار کړی وه دغه لښکرو د خپل وخت زیاته برخه دمنصبدارانو ددستور رارسیدوبه انتظار کی تیره کړه . دوی منظر ناست وه‌یوه به په‌خپله پیك‌لرونکی خولی‌ځان مصروفه کړی و کله به یی ایسته اوکله‌به‌یی پرسر کړه بل به‌دګلانو او بوټو په وچوشوو پاڼو باندی دتوپك دنیزی په‌پاکولواو سیقلولو ځان اخته کړی و ځینی به بیا دکمربند په ټینګیدو لګیاوه بعضی به هم د توپك په پاکولو دبوټو دګیټس په تړلو بوخت وه .

لنډه داچی ټول عسکر په یوه اوبل شی مصروف اوپه چورت کی غرق ناست وه حتی کله‌کله چی به زخمیان اومړی ددوی مخ ته وړل اوراوړل کیدل اویانور عسکربه‌دجبهی دخط څخه راتلل اویابه ددودونو په منځ کی زیات شمیر دښمنان لیدل کیدل ددوی هیڅ ډول پاملرنه یی نه جلبول لاکن هغه بهر نی پیښی چی دجګړی سره به یی هیڅ اړیکی نه درلودی ددوی دزیاتی توجه اوپاملر نی وړ ګرځیدی داسی معلومیدل چی د جګړ ی ټوله پیښی ددوی دژوندانه هغه عادی پیښی‌دی چی تل یی ددوی ذهنونو او روحیاتوته‌شکنجی ورکړی دی .

دغه راز کله چی یواس په داسی حال کی چی پښه یی زخمی ده وینی دټولودتوجه وړ

پاتی په ۱۷ مخ کی

دکنفرانس یو شمیر برخه وال د(همبوت) دپوهنتون په څنګ کی یاد ګاری عکس اخلی.

دسانسکرت دغونډی یوه برخه والـــه دسانسکرت په ژبه دیوه آهنګ داورولو پـــه حال کی .

دعبدالعزیز ژباړه

دسانسکرت دژبی دخیړنو خلورمه نړیواله غونډه

. . .

دیونسکو په مرسته **دسانسکرت دژبی دخیړنو** خلورمه نړیواله غونډه دیوزرو نهه سوه نهه اویا وم کال داکتوبر دمیاشتی له درویشتمی نیټی څخه تر دیرشمی نیټی پوری دآلمان د دموکراتیک جمهوریت د(ویمار) په ښارکی جوړه شوه .

. . .

دسانسکرت دژبی دمطـــالعاتو پەدغەنړیوال کنفرانس کی چی دبرلین د(هومبورت)دپوهنتون په همکاری جوړشودسانسکرت دژبی دمطالعاتو دسازمان په دوه سوه درویشت تنو غړیو علاوه دنړی دبیلابیلو هیواد ونو څخه چی شمیریی (۲۸) تـه رسیږی پنځه ویشت تنو پوهانواو محققینو دکتوونکو په توګه هـم برخه اخستی وه. په دغه نړیوال کنفرانس کی چی پخپله نوع کی دنړی دسترو علمی ، تحقیقاتی او فرهنګی غونډوڅخه شمیرل کیږی دلومړی خـــل دپاره دوه شپته تنه پوهانو دآلمان د دموکراتیـــک جمهوریت څخه ، یودیرش تنه دهند څخه،اووه ویشت تنه دشوروی اتحاد څخه، شل تنه دآلمان داتحادی جمهوریت څخه ، لس تنه دایتالیاڅخه او اوه تنه په ترتیب سره دپولنډ، دامریکا د متحده ایالاتو او فرانسی څخه ګډون وکړ.

دآلمان د دموکراتیک جمهوریت دبرلین دپوهنتون یو نامتو شخصیت اودسانسکرت دژبی دمطالعاتو محقق پروفیسر (ارن- ان -داندیکار)چی په دغه جرګه کی دیولړ کنفرانسونو په ورکولو علاوه دغونډی دانسجام په چارو کی هم ستره ونډه واخسته دسانسکرت دژبی دمطالعاتو دخـلورم نړیوال کنفرانس دجوړیدو داهدافو په باب لاندنیو پوښتنو ته ځواب ورکوی:

پوښتنه :

دسانسکرت دژبی دمطالعاتو خلورم نړیوال کنفرانس دغوره تر تیباتو په نیولو سره دآلمان ددموکراتیک جمهوریت د(ویمار) په ښکلی او افسانوی ښارکی دنړی دڅه دپاسه خلورسوه تنه استازو په ګډون جوړ شو که لطفا ددغه نړیوال کنفرانس څخه دلاس ته راغلی نتیجو پـه باب معلومات راکړی ؟

ځواب :

دسانسکرت دژبی دمطالعاتو نړیوال کنفرانسونه داساسنامی له مخی دسانسکرت دژبی دنړیوال سازمان په غړیو هیوادونوکی چی البته اروپایی هیوادونه هم پکی شامل دی جوړیږی .ددغه راز کنفرانسونو لړی په هندکی شروع شوه اوبیا وروسته په ترتیب سره دسانسکرت دژبی نړیوال کنفرانسونه دتورین اوپاریس پەښارونوکی جوړ شو. ددغو نړیوالو کنفرانسونو دجوړید لو څخه اهداف دوه شیان دی :

-لومړی: دسانسکرت دژبی دتاریخی او فرهنګی اړخونو خیړل.

-دوهم : دسانسکرت دژبی په باب دغړیو هیوادودپوهانو اومولفانو له خوا په برابرشوو اثارو او تالیفاتو باندی بحث او خبری کول.

دسانسکرت دژبی دمطالعاتوپه خلورم نړیوال کنفرانس کی دنړی په بیلابیلو هیوادونو کی دسانسکرت دژبی دافاقیت اوپه فرهنګی،تعلیمی او کلتوری چاروکی له دغی ژبی څخه دژباتی ګټی اخستلوپه باب بحث اوخبری وشوی همدارنګه ددغه نړیوال کنفرانس په بیلابیلو غونډو کی د سانسکرت دژبی دګرمردتعدیلاتوپه باب خبری وشوی . .

دسانسکرت دژبی دمطالعاتو خلورم نړیوال کنفرانس دآلمان ددموکراتیک جمهوریت د(ویمار) په افسانوی ښارکی څکه جوړشو چی دغـــه ښار په طبیعی ښکلا علاوه دتاریخی او لرغونو اثار و در لودونکی هم دی . په دغه ښارکی دپخوانیوپیړیو یو زیات شمیر کلاسیک آثـار موجود دی .

پوښتنه :

آیا دهند او آلمان ددموکراتیک جمهوریـــت پوهان مولفان او محققین دسانسکرت دژبی د پوهان مولفان او محققین دسانسکرت دژبی د مطالعاتو په برخه کی په کمه ګډه پروژه کـــی کار کوی ؟

ځواب :

دسانسکرت دژبی دمطالعاتو او نورونړیوالو تحقیقاتی سازمانونود جوړ یدلو څخه یوستراو مهم هدف دادی چی دنړی دبیلابیلو هیوادونو پوهانو او مولفانو دپاره دشریکو تحقیقاتی پروژو امکانات برابر کاندی . دمثال په ډول دبرلین د(هومبوت)دپوهنتون پروفیسر(مورګنراد) دهند د (مهاباتهارا) په پروژه باندی کار کوی

دسانسکرت په ژبه دپوسترو دنندارتون یوه گوښه .

په داسی حال کی چی زه هم دکال په زیاتر و وختونو کی په‌هندکی دسانسکرت‌دژبی‌دمطالعاتو په پروژه کی برخه اخلم .

کله چی زه څوکاله دمخه دهندد(پونا)ښارته لاړم هلته ددی وخت پیدا شو چی دسانسکرت دژبی په گډون دیو شمیر نور و لرغونو ژبو په باب دهندی پروفیسرانو ، مولفانو او محققینو سره وگورم .

پوښتنه:

که لطفا دآلمان په دموکراتیک جمهوریت‌کی دسانسکرت دلرغونی ژبی دمطالعاتودانکشاف او افاقیت په باب معلومات راکړی ؟

ځواب :

دسانسکرت ژبه او دهغی مطالعاتی‌پروگرامونه دآلمان په دموکراتیک جمهوریت کی لرغونی مقام او تاریخی دریځ لری . څلورکاله پخوا دبرلین په ښارکی دلومړی ځل‌دپاره دسانسکرت دژبی دمطالعاتو دپیاوړتیا دصندوق‌دجوړیدو (۱۵۰) کالیزه دسترو مراسموپه‌ترڅ ونمانځله شوه دغه کار څخه داخبره په ډاگه سره جوتیږی چی‌دسانسگرت دژبی دمطالعاتوموضوع دآلمان د دموکراتیک جمهوریت په بیلابیلو پوهنتونونو او فرهنگی مرکز ونوکی ځان ته (۱۵۰)کلنه سابقه لری.په‌برلین کی‌دسانسگرت دژبی دمالعاتو لو مړ نـــی پروفیسر اومحقق (فرانز بوپ) نو میږی اوباید وویل شی چی دسانسکرت دژبی‌دمطالعاتو د(۱۹۷۵)کال‌نړیوال کنفرانس دسانسکرت دژبی دیوه بل نامتومحقق اوڅیړونکی البرت ویبر)دزیږیدولـــه (۱۵۰) کالیزی سره سمون خوری . (البرت ویبر) او (فرانزبوپ) دواړه په گډه سره د سانسکرت د لرغونی ژبی په باب یو شمیر اثار ولیکل اوپه زړه پوری کنفرانسونه یی ورکړل . په‌هند کی دسانسکرت دژبی لومړی‌علمی کنفرانس د(پونا) په ښارکی ورکړ شواو دلته دآلمان ددموکراتیک جمهوریت پوهانو او محققینوته زمینه برابره شوه چی خپلی مقالی دسانسکرت‌په ژبه‌ولولی که څه هم په اروپا او دنړی په نورو براعظمونو کی دنازی دفاشستی قواوو دیر غلونو په‌وخت کی‌دڅه مودی‌له پاره دسانسکرت دژبی‌دمطالعاتو په پروگرامونو کی څنډ پیښ شو خوبیا هم‌د جگړی څخه په وروستیوکلونوکی ددغی لرغونی ژبی په‌باب دپوهانواو محققینو له خوادمطالعاتو دوره بیاپیل شو ه .

دسانسکرت دعصر دلر غونو اثار و دنندارتون یوه څنډه .

د۱۵ مخ پاتی

دتولستوی پرادبی...

گرځی اوپه ویش او اخ پیل کوی او داچی بل ځلی دټولو عسکرو توجه هغه سبی ځان ته را اړوی چی په ناڅاپی توگه راپیدا کیږی اودیوی مرمی دلگیدو په‌نسبت کړنـج کـو ی اوسوړ پور اوړی چه‌دغه پیښه د عسکـــر و دښورماښور سبب گرځی خودارنگه توجه‌اړول او تفریحات تریوی دقیقی زیات وخت نه‌نیسی او دغه لښکر چی څه دپاسه داتو ساعتولپاره په انتظار لوږه مړینی او دوحشت سره لاس

په گریوان پاتی شوی دی . څیری ژړی او رنگونه یی الوتی دی چـــی په دغه لړکـــی سریی کښته اچولی دی اوهم کله دیوه ځای څخه بل ځای ته په پیاده تگ سره ځـــان مصروفه ښیی اصلا نه کارو چی ویی کـړی اونه هم فرمان و چی صادر یی کړی تو له کارونه په خپله سرته رسیدل دمړو جسدونه

عسکرو په شاوړل اوتیت اوپرك عسکر بـه بیرته منظم شول اوکله کله که به عسکر تښتیدل بیرته به ژرپه وارخطا یـی ســره راگرځیدل اودپاچازوی (اندره) به په مسلسل ډول هڅه کوله چی دلښکرو دزړه ورتیا او شجاعت روحیه پیاوړی کړی اودسرښندنـی او زړه ورتیا یوه نمونه اوبیلگه هغوی تـه وروښیـی له همدی امله یی په خپله هـم دعسکرو په منځ کی چکر واهه څو وروسته دڅه وخته څخه پوه شوچی په دی کار سره نشی کولی چی دعسکرو روحیه لوړه کـړی اویا هغوی ته دزړه ورتوب نمونه څرگنـده کړی .

ده په داسی حال کی چی ښیی یی پروښو باندی موښلی او ورو ورویی گامونه واچتول اوکله کله به یی خپل گامونه شمیرل اویا به یی دگلانو او نورو بوټو پانی په لاسونو موښل او بیا به یی بیرته خپل لاسونه‌بویول اودتیری ورځی څخه یی هیڅ‌شی هم په‌یادنه‌و اودهغو په‌هکله یی فکر نه کاوه، په‌دغه‌وخت کی یومرمی په‌ډیر سرعت پـه مخکه‌ولگـیده بی اختیاره په لړزیدو شو اوبیایی دعسکرو صفوفوته پاملرنه راوښتل او دځانه سره یی وویل : (رښتیاچی ډیرزیات یی راڅخه وژلی دی) په دغه موقع‌کی یو شمیر زیات عسکر سره راټول شول . اندره ناری جوړی کړی چی :

یو ځای مه سره راټولیږی په دغه و خت کی یو زیات شمیر لاسی بمونه دهـــوایـی مرغانو په څیر ددوی په لوری راوټوغول شول ټولو پروت وکړ دشهزاده اندره څنگ ته هم یوبم وچاودی . دهپه داسی حال کی چـــی دپخو په خلاف یی دهیلو او اوښکو په ډکو سترگو خپلی شاوخواته‌کتل سوگلی‌یی وهلی اوویل یی :

(آیادامرگ دی ! نه زه نه غواړم چـی مړشم پرماباندی ژوند گران دی دغه واښه دغه مځکه اودا هوا راباندی گرانه ده ....) دی په دغه فکرکی ولاکن په همدغه وخت‌کی هم متوجه و چی نور عسکـــردده سترگوته دعبرت او سر مشق په سترگه گوری نو یی وویل ښاغلی صاحب منصبه ته خجالت نـه باسی چی ... ده به لاخپله خبره پای ته نه‌وه

رسولی چی ناڅاپه دبم دچاودلو ږغ پورته شو اندره هم خپل لاسونه پر سر ونیول اوپـــه لغړیدویی پیل وکړ څو عسکروپه ده پسی وروڅغستل هغه وینی چی دده دنس د ښیی اړخ څخه توی شوی وی واښه یی رنگارنگ کړی وه دغو عسکرو شهزاده اندره یوه‌کلی ته وړی اوهلته یی جراحی عملیات سرتـــه رسوی دعملیاتو په کوټـه‌کی‌په‌تصادفـی ډول دده دڅنگ پرچپرکت‌باندی (اناتول‌گوراگین) پروت دی دده هم‌پښه پری شوی‌ده.

دپاچا زوی دده په لیدو خوښ شو ناتاشا شهزاده ته راځی او دهغه څخه بخښنه‌غواړی اوپه پرستاری یی لاس پوری کوی . (برنس) خپلی مینی ته ځی هلته ناتاشا او دهغه‌کورنی چی دمسکو او ایران څخه یی کوچ کړیدی د(پاچاه دزوی دښځی ماری) چی داندره‌مشره خورده او دناتاشا سره تینگه دوستی لـــری سره ملیمنه ده لاکن داندره مزاجی حالـــت ورورو مخ په خرابتیا ووده دخپلی لور اوخور پرمړوندو بلندی سرایښی او مری دغه راز (پی‌یربزوخوف) چی دمسکو داوراخستلو پـه مساله کی‌متهم شوی اودفرانسویانو په لاس ورغلی او دعدام حکم پرراوتلی و په‌وروستیو لحظوکی بخښل کیږی .

لیکنه او څېړنه

احسان آرنیزی

قهرمانه چیلی

دامپریالیزم په خونړیو منګولو کی

چیلی دلاتینی امر یکی یو ورو-سته سا تل شوی هیواد دی چی ۷۶۰ زره کیلو متره مر بع پراخوالی اویوو لس میلیو نه اوسیدو نکی کری . سانتیا ګو ، الپاریسو ، کونسپسیون او آنتا فګا ستا ددغه هیواد ستر ښا رو نه دی . دچیلی خلك په اسپا نوی ژبه خبری کوی او درو من کاتو لیك مذهب پیروان دی. ددغه هیواد کر نیزه ځمکی محدو دی خو صنا یعو یی ښه وده کړی ده. دمسو ، اوسپنی ، منګنیزو، بیرایتو او قلعی ستری زیرمی لری . دغه هیواد مس اوسپنه او نا یتر یت صادر وی . دچیلی دپیسو وا حداسکو دو نو میری .

د۱۹۷۰ کال څخه دمخه په لاتینه امر یکا کی دچیلی هیواد دبین المللی ار تجاع او امپر یا لیزم دانحصاری پا نکو او وسلو په توره لو مه کی یو ورو سته سا تل شوی ترستم لاندی اوښکیل هیواد وو چی کور نیو مر تجعینو - فیو ډا لانو- پانګه وا لو او کمپرا دو را نو خپل طفیلی ژوند امر یکا دامپر یا لیزم په ملا تړ دچیلی دزیار ایستو نکو خلکو دپرا خو پر ګنو بز ګرا نو، کار ګرا نو ،کسبګرو ،کو چنیوما- مورینو اونور ملی او متر قی قشرونو اوطبقو دبیر حمانه استثمار له لاری پر هغوی تحمیل کړی او دوی یی له خپله ستو ما نه ژوند څخه بیزاره کړی و .

د۱۹۷۰ کال دسپتمبر په انتخاباتو کی دخلکو دیو والی دجبهی انقلا بی کاندیدډا کتر سلوا دور آلیندی بریالی شو او په دی تو ګه دچیلی دتاریخ په او ږدو کی دلو مړی خل له پاره دخلکو یوه رښتیا نی استا زی دچیلی ددو لتی قد رت وا ګی تر لاسه کړی .دخلکو دیووا لی دجبهی تاریخی بر یا لیتوب چی دچیلی د سو سیا لستانو ، کمو نیستانو او مسحیی دمو کرا تا نو له ائتلاف څخه منځ ته را غلی وه په ډاګه وښوده چی دچیلی خلکو په ملی او بین- المللی سطحه کی خپل دو ستان او دښمنان پیژ ند لی او له خپل هیواد څخه یی دبین المللی ار تجاع،امر- یکا یی لوټماری پا نکی او امپریا- لیزم دنفوذ دشړ لو له پا ره متهی را نغښتی دی .

له انتخا با تو څخه دمخه هم امر- یکا یی سنتر وانحصا ری کمپینوددغه هیواد دجا سو سی دخو نړی شبکی «سیا» په مر سته اود چیلی دکورنیو مر تجعینو په مـلا تړ دآلیندی د ټاکنی اود خلکو دیو وا لی دجبهی د بریالیتوب دمخنیوی له پاره ډیری هلی ځلی وکړی دمثال په ډول دامر- یکا دتیلفون او تیلګراف بین المللی کمپنی په یوا زی تو ګه یو ملیون ډا لر ولګو ل.

دخلکو دیووا لی دجبهی له بر یا- لیتوب سره جو خت دچیلی کور نیو مر تجعینو دهیواد داقتصا دی ژو- ندانه دفلجو لو پلان طرح کړ او امر یکایی انحصا را تو له چیلی څخه دخپلو پانګوایستنه پیل کړه .امریکا دخپلی جا سوسی دشبکی ۳۸۰ تنه آزمو یل شوی جا سو سان چیلی ته وا ستول او فدرا لی آلمان دغه هیواد ته خپل ۵۰ ملیون ډا لری پور فسخ کړ .

ډا کتر الیندی اود خلکو دیو والی دجبهی حکو مت فورا په کار لاس پوری کړ .دټولی چیلی ما شو ما نو ته دور ځی نیم لیتره وړ یا شودی منظور اود زده کوو نکو له پاره د جا مواو کتا بو نو بیه را ټیټه شوه.د دسمبر په میاشت کی ډا کترالیندی دچیلی دمسودځوکا نو نو اودمسود ویلی کو لود هغو تا سیسات دملی کولو فرمان لاسلیك کړ چی ټو لو په امر یکا یی انحصاری پا نګه پوری اړه در لوده د ۱۹۷۱ کال په جنوری کی په چیلی کی ۲۳ خصو صی بانکو ته ملی شول . له دی سره جوخت دلو تااو شوا ګر دسیمو کا نوته هم ملی اعلام شول د۱۹۷۱ کال به جریان کی له بیسوا دی سره پرا خه مبارزه پیل شوه .دهمد غه کال په اپر یل کی دکور نیو او بهر نیو مر تجعینو دورا نکا ری -ترور -دخلکو په مینځکی دنا وړه تحر یك اوحتی د حملی له ګا و ندیو سره دسر حدی شخرو توره توطئه کشف شوه دغه توطئه دښا روا لیو دانتخا با تو دځند ولو له پاره جوړه شوی وه،په انتخاباتو کی دخلکو دیو والی جبهه بیا هم بریا لی شوه .

د۱۹۷۱ کال دمی په میا شت کی دمسو هغه تر ځمکی لاندی ګا نوته جی دامر یکا په برادن ګو بر ګمبنی پوری یی اړه در لوده .دچیلی دخلکو په ګټه ملی شول ،همدغه رازدنساجی ټولی خار جی مو سسی ملی شوی.

دچیلی دمتر قی حکو مت دپر له پسی بریا لیتو بو نو سره ګام په ګام امپر یالیستی توطئی هم زیا - تیدی .دخلکو دیووا لی په جبهه کی د درز اچو لو په منظور سیاسی ترور زیاتوا لی ومو ند او امر یکا چیلی ته خپل ۳۱۰ ملیون ډا لری پورو- ځنډ اوه - چیلی ددغه کار په بد له کی دامر یکا په دو پن کنسرن پوری مر بوط دانفجا ری موادو کار خا نی ملی کړی . همدغه راز داوسپنی ټول کانونه اوداوسپنی دویلی کولو ټول تا سیسات دامپر یا لیستی انحصا ری پا نګی له واك څخه راو- یستل شول ، دسمنټو کار خا نی او ځلو یښت نوری بیلا بیلی فابریکی ملی شوی . دځمکو عا دلانه ویش پیل اوله متر قی دو لتو نو سره دیپلو ما تیکی اړ یکی ټینګی شوی. سو سیا لیستی هیوادو چیلی ته ۴۰۰ ملیو نه ډا لره پور برابر کړ، له دی سره جوخت دامر یکا فد رال محکمی په امر یکا یی پا نکو نو کی د چیلی شتمنی مصا دره کړه اودچیلی په وړا ندی یی اقتصا دی بلو کاد اعلام کړ.

د۱۹۷۲ کال په مارچ کی د«سیا» په طرا حی یوه ار تجا عی کود تا کشف اود ډاکتر الیندی دوژلو پلان شنډ شو . داو خت دچیلی حکو مت دامر یکا دټلفون او ټلګراف بین المللی شر کت (ای . تی ،تی) ملی کړ بیکا ری له څوار لس فیصدو څخه د۷ر۳ته را کمه اود نهه ملیو نه هکتاره مصا دره شوی ځمکی دبریالی ویش خوږ خبر خپور شو .

لنډه ده دا چی چیلی دانقلاب په سیو ری کی اود خلکو دیو وا لی د جبهی دحکو مت دپرو ګرام له مخی دژورو اوپرا خه ټو لنیزواواقتصادی اصلاحاتو لارپه مخکی ونیوه، دفیو- ډا لیزم محو کول پیل اود کا نو نو اوصنا یعو ملی کول ګړ ندی شول اوپه دی تو ګه په چیلی کی د کپیتا لستی سیستم او امپر یا لیستی تړ لتوب ریښی غو څی اود انقلابی ژورو پر مختګو نو لاره او را ه شوه. دچیلی دحکو مت دغه رو ښا نه متر- قی دریخ نړیوا له ارتجاع او امپریا- لیزم دنو یوار تجا عی پلا نو نو طرا حی ته مجبور کړل . دوړ لو را وړ لو دخصو صی ترا - نسپور تی شر کتو نو ما لکین د تطمیع له لاری دکار پر یښودو ته وهڅول شول اود خورا کی موادو په ویش کی ستو نزی را پیدا شوی.

د۱۹۷۳ کال تر جنو ری پوری دولت داته سوه نو یو ښوو نځیو اود ۱۴۰ زره نو یو کورو نوپه جوړ- ولو بر یا لی شو په مقا بل کی د فا شیستی عنا صرو ترور ،اختناق، او وحشت زیاتوا لی ومو ند او په ټوله چیلی کی ضر بتی وسله وا لی فا شیستی ډلی جو ړی شوی دمی په میا شت کی په دا سی حال کی چی دسا نتیا ګو په شمول دچیلی په سلو ښا رو نو کی دیووا لی دجبهی دحکو مت په مـلا تړ ستری مظاهری روانی وی امپر یا لیستان دبیو په زیا توا لی -دتور با زار په رواج اود قاچا ق او انفلا سیون په پرا ختیا بریا لی شول .

دجون په ۲۹ نیټه یوه ار تجا عی کود تا کشف او شنډه شوه . دا وخت په ټول هیواد کی دوړلوراوړلو دخصو صی شر کتو نو فعا لیت بند او دسړ کو نو پلو نو ، نفتی پایپ لاینو نو اود بر یښنا ،اورګا- ډیو او دنفتو دزیرمو چو ولو ادا مه در لوده .په مقا بل کی دخلکو له خوا له دو لت څخه ددفاع کمیټی جوړیدی او په ټوله چیلی کی دخلکو دژوندانه دعا دی کو لو له پاره دمقا ومت داو- طلبا نه ډلو فعا لیت کاوه .

په ملی او بین المللی سطحه کی دچیلی دخلقی حکو مت دغو انقلا بی

بقیه در صفحه ۵۲

مترجم : ع (غیور)

الکساندر ون همبو لت :

دانشمند، بشر شناس و محقق معروف

در جهان امروز هستند عـــده کثیری از شخصیت های که نه‌تنها در دوره حیات نام شان زنـــده‌و جاوید میباشد بلکه پس از مـرگ نیز زبانزد خاص و عام میبا شند.

الکساندر ون همبولت نیز یکی از آن عده شخصیت های بشمار میرود که در نیمه اول قرن نزدهم‌خدمات بس بزرگی را در رشته هـــای بشر شنا سی و ریسرچ انجام داده است. الکساندر ون همبولت ایـن دانشمند ، بشر شناس و محقـــق معروف بتا ریخ ١٤ سپتا مبر سال ١٧٦٩ چشم بدنیا کشود و پس از یك دوره پر از تلاش و انجـــام خد مات بشر خوا هانه بتاریـــخ ششم ماه می سال (١٨٥٩) بدرود حیات گفت . مو صوف نخستیـــن مرا حل زندگی اش را در شهـــر برلین سپری نموده و در آنجا امور تدریس سا ینس و تحقـق را در پوهنتون آنجا پیشه خود گر دانید او مانندبرادرش (ولیم ون همبولت) یك دانشمند متر قی و نطاق چیره دست بود . برادرش نیز مانند اوبه تدریس مضا مین سا ینـــس و تکنا لوژی علاقه فراوان داشـــت دانشمند معروف هنگا میکـــه‌در پو هنتون برلین مصروف تدریس بود با انقلاب کبیر فرانسه عـلاقه فراوان از خود نشان داد . پس‌از آنوقت وی به در یافت طریقه های خیلی پیشر فته در ساحات مختلف ساینس و تکنا لو ژ ی گر دیـد . نا مبرده سعی ورزید تا سا عـــات تدر یس علوم‌تکنا لوژ یکی را در نصاب تعلیمی بگنجا ند به عقیـده وی سا ینس تعلیم و تربیـــه با یکدیگر ارتباط نا گسستنـــی دارند وی عقیده دارد که سا ینس وعلوم تنها مربوط به یك کـــلاس و یا صنفی محدودی نبوده بلکـــه بحیث یك ثروت ملی به همـــه طبقات یك جامعه تعلق دارد بـــه تاسی از این اید یا لوژی وقـــت بیشتر خود را صرف امور اکتشافی و ریسرچ مینمود .

الکساندر همبو لت بحیث یـــك شا گرد مشهور (ور نر) کـــه در آنوقت در رشته جیا لوجـــی در پوهنتون فرا یبر گ بحیـــث پرو فیسور مصرو ف تدریس بود پس از انجام یك سلسله تحقیقات در رشته های نبات شناســـی و حیوانی موفق به کشف طریقه های جدید در رشته های جغرا فیـــه، اقلیم شنا سی هاید رو گرافـــی و بشر شناسی گردید . وی درسال (١٧٩٠) بهمرا هی یك تـــن از پرو فیسوران معروف (جـــارج- فور ستر) بکشور های هالینـــد ، بلژیك ، انگلستان و فرا نســـه سیا حت نمود که در آنجا پیرامون زیست شنا سی به سیاحـت نیز مطا لعات عمیقی را انجام داد وی پس از مرا جعت به بر لین بحیث پرو فیسور در رشته جیا لوجـــی مصروف کار شد . دانشمند معروف ومحقق چیره دست قرن نـــز ده تصمیم گرفت تا در (پرو سیـا)به مطا لعات بیشتر در رشته جیالوجی و سروی معادن بپر دازد که ایـن تصمیم وی در طی سال هـــای (١٧٩٢ و ١٧٩٧) جامـــه عمـل پو شید .

الکساندر ون همبولت در زمـــره آنعده از دا نشمندان محســـو ب میگردد که رشته های حرا رتـــی هیدرو گرا فی و معادن شناسی را از نظر جنبش های بشـــری و تحو لات اجتماعی بصورت عمیـــق مطا لعه نموده است نخستیـــن اثرش در سال (١٧٩٧) در رشتـــه مشا عرات امور علمی مقنا تسیت زمین و سروی معادن بنشر سپرده شد .وی پس از آن ارتباط خیلـــی نزدیکی را با مو سسه تحقیقا تی گویته بر قرار نمود . در آغـــاز سال (١٧٩٩) از طریق پاریـــس سفرش را به ایالات متحده امریکا آغاز نمود این سفر پوره مدت پنج سال را در بر گـرفت (١٨٤٠) . الکساندر همبو لت طی این سفـــر تاریخی از کشور های کیـــو با، کو لمبیا ، مکسیکو ، پیـــرو و وینز ویلا نیز دیدن نمود در کشور زیبای کو لمبیا در کنار در یـــای معروف (مگدا لینا) در وادی زیبای آن سر زمین به انجام یك سلسلـه امور تحقیقا تی پر داخته و سپس در کشور (ایکوا دور) امروزی بـه کشف قلعه کوه (گم بارازو) موفق گردید . وی پس از توقف معینه در ایالات متحده امریکا دو باره به اروپا مراجعه نموده‌نتایج مسافرتش را در سی جلد بد ست نشـــر سپرد وی دریکی از آثارش چنیـن نگا شته است :

مردم سر زمین امریکا مـــردم عجیبی اند با او جوره کم میتوان ایشانرا در معادن بزرگ استخدام نمود .

وقتی در اتحاد جما هیر شوروی سو سیا لستی در دوره تســـار تحولات نوین روی کار آمد بـــا همرا هی سه تن از دا نشمنـدان پوهنتون بر لین از طریق بحیـــره کسپین به اتحاد شوروی مسا فرت نمود وقتی از وی سوال شدعقیده اش را در باره زیست شناسی‌ابراز نماید چنین گفت : بشر بحیث یك موجود کنجکاو نباید تـــلاش را از دست داد بکار های انجام شـــده قناعت نماید بلکه زندگی را بایـد بحیث یك بحر بی پایان تصـــور نموده سعی بخرج دهد تا در پرتو مساعی خستگی نا پذیر این بحربی پا یان را تسخیر بکند .

کالیه اسمعیلوا، هنر پیشهٔ بالت وعبدالولی‌تولیاکانوف خوانندهٔ اوپرایی مربوط علی‌شیر نوایی واقع تاشکند درحال تمرین‌برهبری‌استاد باله.

قسمت دوم

چشم اندازی بر پهنای برخی جشنواره‌های بالت

در نخستین بخش این مبحث راجع‌بمفاهیم‌بالت ازنظر هنرهای زیبا ونگاه عمومی یی بر زوایای متقدم آن توا م با معرفی«چند بالت معروف » و «برخی بالرین های نامدار » در جهان مطالبی ارا ئه شد که‌اینك درین بخش پیرامون هنر بالت اتحاد شوروی و بعضی سر زمینهای آسیای میانه‌و حوزهٔ قفقاز (محیط پریان کوه قاف)بحیث نمو نه و مما ثلی از پذیرش وگستر ش‌این‌هنر خیا ل انگیز طور فشرده وبهمرسیده، معلو ما تی پیشکش میشود .

جشن بالت :

مسا بقات جهانی هنر پیشگان با لت در مواقع معین بخاطر تشو یق وحما یت از هنر مندان وبسط وتوسعه بیشتر آن، در ما سکو انعقاد میشود . مثلا :طبق‌رویدادهای منتشرهٔ مطبو عات کشور شوراها برگزاری کا نکور بین‌المللی هنر پیشگان بالت در پایتخت آن مملکت پهناوریك امر سنتی شده وبه جشن هنر رقص جها نی مبد ل گردید ه است که یکی از نمونه ها ی آن جشن ، بسا ل ۱۹۷۷ موقعی برگزار شد که همه مردم شوروی برای تجلیل ازروزتاریخی شصتمین سالگرد انقلاب اکتو بر آما د گی میگر فتند .د رین میان «اولگا پشینکا یا» هنر پیشهٔ ملی اتحاد شوروی ورئیس کمیته تدارك وبر گزاری سو مین‌کا نکوربین‌المللی هنر پیشگان باله مسکو تحت عنوان «جشن رقص»تبصره کنان در آباره گزارش دادکه: انقلاب کبیر اکتوبر ، تماشاگ نند گا ن‌تازه ایرا به بالت هدیه داد و محافل و سیع جا معه کشور شوروی رابه این نو ع خلاقیت هنر ی جلب کرد .

کارگران وزار عا ن وسا یرزحمتکشانیکه به تیاتر باله آمدند، هنرپیشگا ن ومربیان رقص آنا نرا وا داشتند تاروی این امر که چگو نه هنر خود را میتوان بمردم نزدیك سا خت ، فکر کنند . این جر یا ن‌بتدریج ونه یکباره ونا گها نی انجام گرفت ، بطور یکه ما از مو ضو عهای افسانه ای، خیا لی و قصص به‌نما یشها ی رسید یم که از روی آثار پو شکین ، لو به دووگا، شکسپیر و دیگر نو یسند گا ن و شعرا ی بزرگ تهیه شده بود .

این نما یشها مسا یل فلسفی را منعکس میکرد و حیا ت وزندگی انسا نرا نشا ن میداد . چنا نچه نه تنها در نهاد مرد م انگیزهٔ میل بد رك زیبا یی را بو جودآورد، بلکه احسا سات میهن پرستا نه ساز ندگان آنها را مجسم نمود و موضع‌تربیت‌اخلاقیشان را نیز عیان وآشکارا سا خت . تجسمها ی خلاق گرو هها ی هنری مشهو ری ما نند انسامبل دولتی رقصهای خلقی اتحاد شوروی برهبری «ایگور ما ئیسه یف » ،آنسا مبل دولتی رقص «بریوزگا »وغیره نیز به رقص خیلی رنگینیها دادند . ولی مابه این امرکه مروارید میراث کلاسیك را حفظ وتگهداری میکنیم ، نیز افتخار مینما ییم ، نا گفته‌نماند که در پرو گرامهای مرتبه بالت های شوروی همیشه آثاری از آهنگسا زا ن بزرگی مانند چا یکو فسکی،گلا زونو ف، مینکو س ودیگران وجودد ارد .

هنر پیشه یاد شده ،جای دیگر ابرازنظر کرده است که فر هنگ رقص کثیر المله شوروی ، روی تو سعه باله (بالت)درسراسر جهان تاثیر داشته و دارد . این امرنه تنها از نما یشها ی‌پرموفقیت وظفر نمون‌گروهها، تك نوازان وتك خوانند گان شوروی که‌در خارج بر گزار میشود ، بلکه از آنجا پیدا ست که مربیان و استادان با له‌و نما یشنا مه نو یسا ن شوروی در کشورهای گو نا گو ن جها ن کا ر میکنند و سرگرم احیا ی مکتب باله ها ی ملی میبا شند فر ستاد گا ن تقر یبا همه قاره ها نیزبنوبهٔ خودبه اتحاد شوروی میا یند تا فن رقص‌را فرا گیر ند . لذاپیدا یش سنت بر گزا ری کا نکور بین المللی هنر پیشگان بالت‌در مسکو قا نو نمند وطبیعی است ، ولی این کا نکور تنها یك مسا بقه ساده رقا صان جوان با له کشور ها ی گونا گو ن‌نیست، بلکه تما سها ی دو ستا نه را گستر ش مید هد، جهت آشنا شدن با مکا تب‌مختلف با له کمك میکند ، تصور ما را در با ره سنن پیشر فت فر هنگ رقص جها نی غنی میسازد والبته امکا ن مید هد که رقاصان بااستعداد جدید را شنا خت ودو ستشا ن داشت . همچنا ن کسا نیکه بدر یافت جوایز این جشنواره موفق شده اند وهم آ ن هنر پیشگان جوانی که در این مجمع در ردیفها ی اول قرار نگر فتند ، چیزی‌نباختند زیرا که در چنین مسا بقا تی مغلو بوجود ندارد ، بلکه برا ی آنا ن پیشر فت‌خلاقگری وآن مکتب همه جا نبه و بزر گیکه آنرا میبینندا‌همیت غیر قابل انکاری دارد.

این جشن که در بلشوی تیا تر مسکو دایر شده بود، هیات ژوری (حکم) مر کب از مشهور ترین استادان هنر باله بود که ریا ست آنرا «یوری گر یکو روویچ»استاد ارشد بالهٔ بلشوی تیاتر وبر ندهٔ جا یزهٔ لینن بعهده داشت .

از جهره های ممتاز این جشن که هنر نما ییها ی چشمگیر شا ن بیشتر مورد توجه و قدر دانی قرار گر فت ، اینان را بر شمرده اند :

«کارولین لور کا» ، بالرین‌جوان‌فرانسوی، «آلامیخا لچنکو »سو لیست بلشوی تیا تر مسکو ، برندهٔ جایزهٔ اول ومدا ل طلا ،«او دور بیا رنا دوتیر » ،بالرین آیسلندی ، «نینا سمیز ور وا »

صحنه‌یی از بالت «کوپلیا» اثر دلیب‌آهنگساز معروف فرانسوی که‌توسط شاگردان مکتب اکادمیك فورپوگرافی (فن‌ترتیب رقص)واقع مسکو بسال ۱۹۷۸ در صالون مجا لس قصر کریملین برگزار شده‌بود «ایرینا‌پیاتکینا»و«ولادیمیردیریویانکو» هنر پیشگان جوان‌برندهٔ سومین مسابقات بین المللی بالت در اجرای‌آن سهم گرفته بودند .

مروری میکنیم.

نظر بمادهٔ (٤٦) قانون اسا سی اتحاد جماهیر شوروی مصو به ماه اکتو بر۱۹۷۷ «اتبا ع اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لستی دارای حق استفاده از دستاوردهای فر هنگ هستند .این حق بوسیله دستر سی عمو م به ارزشها ی فر هنگ میهنی وجها نی که درذخایر دولتی واجتماعی نگهداری می شود بو سیله تو سعه وتقسیم بندی متنا سب موسسات فرهنگی وآموزشی در خاك کشور وبو سیله تو سعه تلو یزیون ورادیو وامور چاپ وانتشار کتب ومطبو عات متنا وبوشبکه کتا بخانه های رایگان وبوسیله تو سعه مبا دله فر هنگی با کشور ها ی خا رجی تامین میگر دد .» لذادر چو کا ت امور فر هنگی مسا له «هنر بالت» نیز مورد نظر میبا شد که همه اتبا ع وباشند گا ن ملیتها ی مختلف در جمهوریت های مختلف آن سرزمین در چوکات این حقوق معنوی خود را آزاد و شادان میدا نند . بطورمثال:

«نیناسموزو زوا» ،سمولست (هنر پیشهٔ یکه‌تاز) اوپرا وبالت «شفچنکو» واقع کیف، برنده جایزه اول

سو لیست تیا تر او پراو باله کیف(پایتخت او کراین) بنام «شفچنکو »، برندهٔ جایزه اول و مدال طلا و «میخا ئیل کز ایبو ین» استاد بالهٔ تیاتر موز یکال استا نیسلاوسکی ودیگران .

بر علاوهٔ مسکو پایتخت کشور شورا ها، در لیننگراد شهر معرو ف قهرمان ، کیف (پا یتخت او کراین)،مینسك (پا یتخت بلو روسی یا روسیه سفید)، کشینو ف (پا یتخت جمهوریت ملداوی شوروی)ومراکز جمهو ر یت ها ی حوزهٔ با لتیك شور و ی (لیتو ا نی ا ستو نی، لتوی)واکثر شهر های بزرگ وپایتخت‌های جما هیر شوروی منطقهٔ قفقاز (آذربایجا ن، گر جستا ن ،ارمنستان)هنر بالت نیزباشیوه های موزون‌آ ن انکشا ف وگستر ش‌یا فته ودر هر جمهوریت دسته های ملی هنر رقص و بالت تشکیل گردیده است . چه این دسته ها در جمهوریتها ی ارو پا یی آن سر زمین یا جمهور یتها ی آسیا یی، همه و همه از کیفیت واهمیت این‌هنر دوستداشتنی بر خوردارند وهوا خواها نش نیز روز افزون میبا شد . چنا نچه همین اکتو ن در اتحاد شوروی چهل تیا تربالت ونزده هنر سنا ن باله کار میکنند واردوی عظیمی از شر کت کنند گا ن درگروه‌های رقص با له وجود دارند که برا ی اثبا ت تذکرات این مبحث، بسر ا غ بر خی با لتها ی جمهوریت ها ی آسیا یی آن نیز میرو یم وبرد ستا ورد ها ی‌مهم آن مختصر

دوصحنه ازبالت «وادی افسانه‌ها» که‌ازروی شعر «نغمهٔ کشمیری» پی‌ریزی شده وموزیك‌آن توسط الغ‌بیگ‌موسایف آهنگساز وکمپو زیتور معروف ازبك ترتیب گردیده است. درکمپوز موزیك آن ازمیلودی های ازبکی وهندی برداشتهایی شده وبرناره قاریوا، جی. خامرایووا،ن، یا کوبو اوش ، تور سونوا هنرپیشگان ملی ومعروف اوزبك در اجرای آن نقش ماهرانه رابازی کرده‌اند. پروفیسور «یوگریگورو ویچ» استاد بالت بلشوی تیاتر مسکو برندهٔ جایزه لینن‌وجوایز دولتی اتحاد شوروی درتهیهٔ آن بالت صرف مساعی کرده است

در ازبکستان شوروی :

در شهر تا شکندپایتخت‌جمهوری‌ازبکستان شوروی تیاتر بزرگ دولتی او پرا با له مو سوم به «علیشیر نوایی » نما یشگا ه هنر با لت است که‌به استناد معلو ما ت‌مرتبه وتهیه شده «فرو نزه جورایف »مدیر آن‌تیاتر منتشرهٔ مطبو عات ازبکستان اکنون بیش‌از سی سال است که هرشب هزاران تماشاگر درین بنای عظیم وزیبا ی نقطه مرکزی شهر گرد میا یند . تیاتر مذکور که‌به اسم «علیشیر نوایی »وزیر دانشمند ، شاعرو فیلسوف معروف عهد تیموریان هرا ت‌مسمی است ، یکی از بهترین مظا هر معما ری‌ملی معا صر در آسیا ی‌میا نه بشمار میرود که بسا ل ۱۹٤۷ طبق طرح آکادمیسین معما ر «آ.و. شچو سف» باشرکت استاد کا را ن ملی ازبك ساخته شده است .به اسا س گزا رش مدیر تیاتر یاد شده ، در سا ل ۱۹۲۵ برهبری «محیط دین قاری یعقو بوف» یکی از استادان ورزیدهٔ فرهنگ موزیکا ل ازبك ،«انسا مبل مو سیقی ازبکی » ایجاد گر دید و باین ترتیب‌پیدا یش تیاتر اوپراو باله ازبکی اسا س وآغاز نهاده شد . ازروز روی صحنه آوری اوپرای « بوران» اثر «مختار اشرفی »و «س.او سیلنکو » در ین تیا تر بیش از چهل نمایش او پرایی وباله بسا بقه تشکیل یافته است . اوپرا های «دلاآرام »اثر مختار اشرفی ، «گلسارا »از رینگو لد گلی یرو طالب جا ن صا دقو ف باله های «آرزو »اثر اکرام اکبر وف ،«در جلگه حما سه ها » ازالغ بیگ مو سا یف ،«پلنگ سغدی » اثراکرام‌اکبروف،«پیروزی» از سیلمان یو داکوف علیه فا شیزم‌هنگا م جنگ دوم جهانی وغیره درآن شما رند.او پرا ها و با لتها ی ازبکی و دیمه ها ی فرا وا نی را در فر هنگ کثیر الملل آن سر زمین گذاشته است .

گروه کار کنان آن تیاتر در خلا ل‌کار های ابتکاری خود از تجربه های غنی فرهنگهای ملی ملتها ی‌براد ر اتحاد شوروی استفاده وبر داشتهای میکنند . تما شاگران، آثار آهنگسازان روسی ، او کرا ئینی ، تا جیکی ، آذربایجانی ، قرغیزی ، گر جی، بلورو سی وقزاقی را مشاهده کرده‌وشنیده اند . همچنین به آثار کلاسیك توجه دایمی مبذول میگردد. در تیا تر متذکره آثار مو زارت ، گلینکا ،وردی ، چایکو فسکی، بیزه ،موسور گسکی ما سنه ، ریمسکی گوخ سا گوف وبسیاری دیگر طنین میافگند هنر پیشگان وهنر مندان ملی (نوازند گان، آواز خوا نان ورقصند گا ن) در رو نق افزایی صوری ومعنوی ومادی‌ه نر با لت واین تیاتر نقش فعال وهنر پیرا یی دا رند ما نند : میر من‌حلیمه نصیر وا، میر من برنارا گا ر یوا ، مختار اشرفی میرمن مکر مه تور گو نبا یوا ، پیغله گا لیه اسما عیلوا ، پیغله سعادت قبو لوا پیغله دلبر عبدالرحما نوا، کریم زاکروف میر من گلا رایو سو یوا ود یگران نه تنها در ازبکستان وسراسر اتحاد شوروی بلکه دراکثر کشور های جهان ازشهرت زیادی بر خورد دارند و بیش از سی کشور جهان باگروه کارکنان تیاتر آشناهستند.

دو چهرهٔ برا زنده :

از جمله چهره های بر ازنده باله از بکستان میر من «بر نارا کاری یوا» رقاصهٔ شهیر که بسال۱۹۵۹ در باله«ماسکارا» مسکو روی صحنه پدیدار شد ودر پا رتی «نینا»وارد تالار بزرگ‌کاخ‌پتر زبورگ گردید ، بیشتر از دیگران استعدادهنری خود را تبارز داده است . مثلا: وی با احسا سا ت ظریفی ، سیمای جذاب «نینا ی لرمنتوف «شاعر وسخنسرای نامدار شوروی رادر با لت مجسم کرد . منا بع هنری‌و نشراتی آنکشور خا طر نشان کرده اند که هنر پیشه مذکور میتوا ند احسا سا ت هنر آفر ین خود را در ورای رقص ما هرانه تجسم دهد ، بطوریکه الها م درو نی اش باظرا فت شا عرانه رقص در هم میا میزد و اصا لت کلاسیك با حجب حیای رقص‌زنانه ازبکی مخلوط می شود. چنانچه نخستین پدید آیی هنروی درتیاتر ، ایفای نقش «ماریا » از باله «فواره باغچه سرا » بمثابه سمبو ل صفا ی دو شیز گی بود. سپس‌در باله «افسا نه ملکه مرده » تمام ریزه کاری های ظریف و لطیف رقص زنا نه رو سی را انجا م داد و در نقش «سو خا نی» با له مختا را شرفی بنام«آمولت‌عشق»بانوق‌سرشار، خطوط هنری را مجسم کرد . «کاری یوا » در نقش «فر نگیا » باله «اسپا رتاك »ازآرام خا چا طوریان حالات پیکرهٔ را چنا ن‌بحد کما ل نشا ن داد که گو یی از نمونه های پیکره ها ی قد یم الهام گرفته است .او

میرمن برناره قاریوا هنر پیشهٔ ملی بالت درتیاتر اوپرا وبا لهٔ علیشیرنوایی تاشکند مرکز ازبکستان

ناتمام

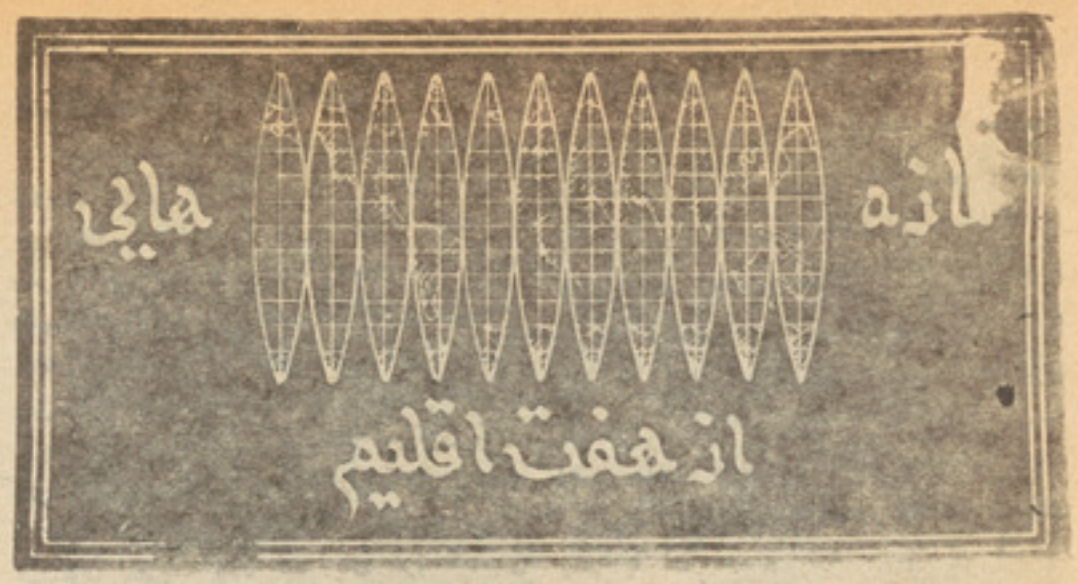

تنظیم وترجمه : میرحسام الدین برومند

دالفین پرحرف ترین وزرنگ ترین موجودات بحری

ماهی هاهمین موجودات بحری که بظاهر آرام مینماید علی الرغم مفادی که از نگاه گوشت آن به انسانها میرسد، مفاد دیگری نیز دارند . ماهی ها حساسترین موجودات بحری لقب یافته اند . البته این لقب رااخیرا عدهٔ از محققین که درین زمینه ریسرچ هایی نموده اند به این موجودات قایل گشته‌اند.

باید گفت: ماهی ها همانسانیکه بظاهرساکت وبیصدا معلوم میشوند ، موجودات گنگ نبوده، برخلاف ازیك سیستم مکالماتی خاص برخورداراند چنان سیستمی که برای انسان غیر قابل سمع است . تحقیقات تازه نشانداد که ماهیان ناله وزوزه میکشند ، آه بر می آورند، جرجر وغدغد مینمایند، پر حرفی میدارند ، چیغ برمی آورند ، بسان گوسفند بع‌بع مینمایند البته این اصوات در حالات مخصوص مثلا باشنیدن صدای مرغ ویا گذشتن گوسفندی از ساحل بحر ....

این تحقیقات در انستیتوت لابراتوار های (بیواکوزتیك) برای هفولو سیون‌مورفیولوژی) انجام پذیرفته است . گوش های ماهیان بحدی حساس است که حتی از تحت‌الارضی ها واز جنگلات دور صداها را شنیده وثبت میدارد . دالفین هاکه از جمله موجودات بزرگ بحری اند . بموجب گزارش یك بیولوجست امریکایی موسوم به (اف. فود) ، موجودات شگرف، تیز هوش وبا فراست اند. این حیوان هرگاه صدایی راکه در پانزده‌ماه قبل از فواصل دور از بحر شنیده باشد به خوبی چنان آنرا زمزمه مینماید که ازصدای اصلی هیچ فرق نمیشود ، پس در قسمت اخذ صدا و تقلید صدا دالفین ها بمراتب مقلد تر از طوطی اند . وازآن سبقت‌جسته اند . بیولوژست ورزیدهٔ بتازگی هاگزارش دادکه توانسته (۸۰۰) نوع زیگنال مخصوص رااز بحر ثبت وبردارد که توسط دالفین‌ها تولید میگردد . این امریست قابل تعجب و ناباوری . هر دالفین حداقل روز ۵۰۰_۷۰۰) کلمه رد وبدل میدارند . هرگاه دو دالفین باهمدیگر حرف بزند وقتی صدای آدمی‌درین میان بلند شود دالفین بر حرکات مخصوص وعلایم مشخصه چنان علا مه میدهد که بیولوژست بوضاحت مطلب شانرا از خلال حرکات شان درك میکند .

دالفین هانیز هرباری که بخواهند صدای عوعوسگ، هیاهوی مستدام، وحتی صدای خرخر ویا هم اشپلاق تولید میکنند ، دیده شده که دالفین ها در برابر بیولوژست ها عکس العمل مشابهی نشانداده اند .یکی از متخصصین لابراتوار (بیواکوستیك) راعقیده بر اینست : جهان دالفین ها جهان تسخیر ناشدنی است همانسانیکه مشکلست جها ن ماهی را در یك فرصت کوتاه ارزیابی کرد وشناخت بنظروی ممکنست بزودی وی بتواند به نحوهٔ زبان ماهی هاو دالفین هایی برده ومقصد شانرا از لابلای کلمات شان درك و در حدود امکان حتی با آنان مکالمه نماید . مغز دالفین هانظربه محیط های مختلف زیست ازهم متفاوت میبا شد . «یفگینی رومانکو» عقیده اش را در مورد این موجود بحری چنین وانمود گردانید : با وصف اینهمه نظریات میتوان حکم کردکه ساختمان‌فزیکی مغز دالفین ساده ترین نوع ساختمانی است که دیده شده . دکتور (آ. تومیلین) اخیرا کتابی رابنام (دالفین هابه انسان‌کمك‌میکنند) نوشته که پارهٔ از فعالیت دالفین ها، سخن‌گویی وغیره خاصیت های موجودات بحر ی راتمثیل ومعرفی میکند . موصوف در ین کتاب مینویسد :

در بحر نمایشاتی انجام می پذیرد که در واقع دایرکتر وگردانندهٔ این نمایشنامه ها همانا دالفین هاست چون تیز هوش و حرفزنی را خوب بلد است . اگر د قیق نگریسته شود حرکات موزون حیوان، جهش در سطح بالای آب درهوا، همه وهمه سنجیده شده ا ست که به کمك بالهایش صورت می پذیرد .

در مورد شناخت بهتروبیشتر تمام موجودات بحری، بیولوژست های کار آزموده جها ن فعالیت‌های تازه اما پیگیر را رویدست دارند.

چند دالفن از طرف یك بیولوژست در حال‌مطالعه دیده میشود .

همبستگی نیروهای مترمی جهان با لاوس

در لاوس همه اقشار اعم از پیرو جوان همه از همبستگی نیرو ها ی مترقی جهان با کشور خویش قدردانی مینمایند . این همبستگی ها خصوصا در مرحله با لادس‌اعلام گردیدکه فعالیت های استعمارگران اجنبی و امپریالیستان امریکایی همراه با ارتجاع داخلی لاوس، شدت یافت واین نیرو های مترقی جهان بود که به میهن پرستان فرصت بخشید تا بیشتر برای خنثی ساختن استعمار-گران برزمند. پیروزی انقلاب‌لاوس در دسمبر ۱۹۷۵، در واقع دستیابی به‌استقلال‌وحاکمیت ملی، استحکام صلح وتقویه بنیه اقتصادی برای خلق لاوس بوده واهمیت فوق العاده و جهانی آن همانا همبستگی برادرانه و رفیقانه نیرو های مترقی وکشور های سوسیالیستی جهان، رسیدن بدین پیروزی است .

در ۲۶ دسمبر سال مزبور میان سران اتحاد شوروی ولاوس در مورد پروبلم های خلق لاؤس ، تلاش های مثمر برای اعمار سوسیالیزم در حالیکه عناصر ضد انقلاب که توسط قوه های ارتجاع بین المللی تحت‌الحمایه قرار داشتند ، مباحثاتی صورت گرفت . رهبران دولتی وحزبی کمپوچیا و بلغاریا نیز بنوبهٔ خود در مورد نحوهٔ همکاری که موثر تر باشد، به لاؤس ومردم آن می اندیشیدند . پیروزی کمپوچیا بر نیرو های امپریالیستی واهریمنی ، برای هر لاؤسی الهام بخش بوده واثر گذاشت . گرچه بلغاریا از لاؤس هزاران کیلو متر فاصله دارد امالاؤس باعمیق شدن‌به‌مبارزهٔ بلغاریایی ها در می یابد که آنکشور در اثر پشتوانه وحمایه بیدریغانه اتحاد شوروی وسایرکشور های سوسیالستی چگو نه بر نا ملایمات اقتصادی چیره میشود . مباحثات شخصیت های بر جسته دولتی لاؤس باشوروی، کمپوچیا وبلغاریا در عرصه های سیاست، اقتصاد ، علم وکلتور آنکشورمرحلهٔ نوی ایجادمیدارد چه روحیهٔ این همکاری بر مفکورهٔ انترنا ـ سونالیزم بین المللی وتساوی کامل حقوق استوار میباشد. به‌عبارهٔ دیگر همبستگی‌کشور های سوسیالیستی خود به منزلهٔ یك قوهٔ بزرگی است که‌در برقرار ی صلح‌گیتی معجزه میکند وبرای رفع عقبماني اقتصادی و محو کامل مناسبات فئودالی کوشیده وبه نابودی استعمار گران منجر میشود . در سال های ۱۹۷۵_۱۹۷۹ بموجب قرار داد ها وموافقت هاییکه در عرصه های اقتصادی ، کار ها ی مشترك علمی وتخنیکی لاؤس با اتحادشوروی جمهوریت سوسیالیستی ویتنام و جمهوریت دموکراتیك آلمان بعمل آمد، چهرهٔ اقتصادی وسیاسی لاوس را بکلی تغییر داد وبیقین نظربه پلان‌سه ساله (۱۹۷۸_۱۹۸۰) چهرهٔ اقتصادی لاؤس بکلی عوض خواهد شد و از یك اقتصاد پیشرفته برخوردار خواهدگردید. برای استخراج معادن نفت، اعار کار خا نه های ترمیم موتر، آجرپزی، کارهای‌ساختمانی پل ها واعمار سرکها، باستانشناسی، تر بیه جیولوژست ها، ساختن وسایل ترانسپورتی، تجهیز مواد کار خانه ها ، کار های سودمندی صورت گرفته است .

در ماه اگست ۱۹۷۶ با امضای موافقتنامه های در زمینه های اقتصادی، کلتوری، علمی وتخنیکی لاؤس با ویتنام انجام پذیرفت‌مسلما استخراج ذخایر طبیعی وساختن اشیای‌صنعتی وپروژه‌های ساختمانی ، کشیدن راه‌های ترانسپورتی کارهای قابل توجهی‌درلاوس‌انجام می‌پذیرد صدهامتخصصین‌ویتنامی امروزدرلاوس باجدیت کارمینماید . از آنجاییکه لاوس یك کشور زراعتی است‌برای‌مودرنیزه ساختن‌زراعت تلاش های همه جانبه انجام یافته جمهوریت کیوبا ومنگو لیا مواشی‌قابل تربیه را به‌لاوس کمك میکند تاسطح مالداری درینجا رشد بیابد کیوباو منگولیا اخیرا فارم های مواشی برای لاوس ساخته اند واین بلغاریااست که‌برای خلق لاوس میوه وسبزیجات مورد نیاز را

رامی‌فرستد. اثرات ناشی ازاستعمار باعث پائین نگهداشتن سطح سواد وبیسوادی گردیده که‌بزودی این پروبلم نیز درلاوس مرفوع خواهد گردید چه تاپایان سال ۱۹۸۰ قرار است همه آنانیکه میان سن (۱۵ـالی ٤٥)ساله قرار دارند خواندن ونوشتن تماما فرا گیرند. برای تحقق بخشیدن برنامه های عمرا نی وانکشافی لاوس به‌کمک‌کشور های‌سوسیالستی ودوست کادرهای تخصصی ،لابراتوار های آموزش برای فرا گیری علوم دریك پروژه۶۰۰ نفری درساحه باستانشناسی ،انرژی و معدن کار ادامه دارد، قرار است درسال۱۹۸۰ـ۱۹۸۵ بیشتر از (۲۰۰۰) محصل در مکا تب تخنیکی اتحاد شو ر و ی تحصیل بنمایند بهمین منوال تربیهٔ کادرهای‌اقتصادی‌و کلتوری فزونی گرفته ودرحال حاضر (۲۵۰۰) محصل درممالك سوسیالستی تحصیل‌مینمایند با ارتباط بدین موضوع پروبلم صحت نیز بزودی مرفوع خواهد گردید دکتوران‌فند لندی وکیوبایی دربرگردانیدن صحت مریضان‌درلاوس ازهیچگونه مساعی ابا نمیورزند. این فقط نمونه‌های چنداز همبستگی نیرو های مترقی وکشورهای سوسیالیستی باخلق‌لاوس است‌که برشمرده شد. پس چه‌بزرگ وارزشمند است همبستگی ملل‌مترقی باهم که‌هدفی جزسعادت جاودانی وصلح پایدار نداد‌ند.

بازیگران سرکس اکنون دیپلوم مدال طلاوجایزه اسکار میگیرند

نمایشات سرکس یکی از مصروفیت های سرگرم کننده است که‌درمارکیت های مزدحم، دکان های چوبی وبسی مکان‌های دیگر اجرا میگر دد که دایر کنندگان سرکس هارامعمولا انسان های چابك ،ریسمان بازها ،خلاصه اشخاصی میسازد که باقیافه های عجیب‌و مضحك وکار روایی های شگرف خودمیتوانند برای تما شا گر سرور آفرین باشند. بازی سرکس راهم میتوان سرگرمی کهنه و هم سرگرمی مدرن نام گذاشت بدین تفسیر که مثلا حرکات بندبازی درشهر کیف اتحاد شوروی درنیصد سال‌قبل اجرا میشدواگربه تاریجهٔ این بازی های سرگرم کننده برگردیم درمی‌یابیم که‌سرکس ها هزاران سال‌قبل‌عرض

شهکاری یکی از سرکس ها .

وجود نموده وتماشاگرانی داشته اند. بهمین ترتیب بازی سرکس یك سرگرمی مدرن‌است بدین مفهوم که ریکارد ارتیستیك جدید قایم گردیده وفعالیت های دیروزی بشکل متکاملتر وبهترآن امروز شکل تازه تری پیدا میکند. سرکس بسان سکه گرانبها واصلی است که هرقدریکه ازعمرآن بگذرد جلایش و صیقل آن‌فزونی می‌یابد همین امروز تنها در اتحاد شوروی تماشاگر ان سرکس به ۷۵ میلیون میرسد که‌بهمین تناسب‌میشود شمارتماشاگران سرکس هارا درسایر نقاط جهان محك‌زدوتخمین داشت. در ۱۸۷۳ برادران نیکیتین دریکی از ماکیت های اتحاد شوروی در (پنزا) او لین سرکس افتتاح گردید. کارکنان سرکس هااز روی بازار ،ازدکان های تخته ای فعالیت خویشرا آغاز وتاامروز که‌روی سن هاومکان های مخصوص سرکس باتجهیزات خاص‌اجراء میگردد. وتخنیکر مغلق ونسبتا علمی رانیز شامل میگردد. همراه باچراغ ،ایفکت های‌بکر وتازه مسلما راه پرفراز ونشیب را پیموده است تابشکل سرکس امروزی درآمده‌است. در۲۲ سپتمبر ۱۹۱۹ بودکه درمسکو سر کس دولتی که درواقع‌اولین سرکی دولتی جهان میباشند ، افتتاح گردید.

لاکن امروز فعالیت‌سرکس‌ها دراتحادشوروی منحصر به یك سرکس نمانده بلکه در ٦٦مکان مخصوص شام ها چراغ‌های مخصوص سرکس روشن وفعالیت‌های سرکس‌ها ازسرگرفته‌میشود که‌شمار نمایشات‌سالانه‌به (٤٠٠٠٠) نوع‌نمایش رسیده و (۵۰۰۰) آرتیست تنها درمسکودر سرکس های دولتی فعالیت‌مینماید . نمایشات سرکس روی یخ‌وسرکس بالای‌آب زیادتماشایی ومهیج است تنها در سال ۱۹۷۹ ، (۱۲۰۰) آرتیست سرکس شوروی درکشور های چون ایتالیا، بلجیم، جاپان، هندوسایر کشور های اروپا وآسیا، اضلاع متحدهٔ امریکا، افریقای مرکزی وامریکای لاتین دعوت‌وهنرنمایی کردند ومنتقدین سبك های مخصوص سرکس مجال نقادی بیشتر یافتند . آرتیست ها ی کنونی‌در واقع آرتیست هایی اند که‌باروش ومیتودهای جدید ظاهر گردیده وطبعا فعالیت هایشان به مذاق دوستان شان برابرست، وبی جهت نیست که (اناتولی‌لوناتشازکی)اینهمه شهرت یافت و(هولك پوپوف) جایزهٔ اسکار رابخاطر درخشش نیك خود در سرکس ،دریافت‌داشت تمایل بازیگران سر کس به‌نمایشات دراماتیکی روز تاروز بیشتر شده میرود. در جریان‌سال گذشته (و.وتشانسکی) در برازیل بحیث بهترین آرتیست سرکس قرن لقب گرفت. از پنرویك دیپلوم ویك مدال طلا بدست آورد. واقعا نمایشاتی راکه اورزی ورهبری میکند همه دراماتیکی گفته شده است.سرکس یقینا امروز یك صنعت است، سرکس های معاصر سکون رانمیشنا سند، از خرافات می‌پرهیزند وواقعا هنرشان هنراست. دراتحاد شوروی آرتیست هاپس ازبیست سال فعالیت زندگی شان گرنتی میگردد چه آرتیست ها مکلف به فراگیری اساسات نمایشات‌سرکس، رژیسوری ،دیکور، صحنه سازی دست‌یازیده، سرکس های امروزی درکار هایشان وارد و معمولی وبی پروگرام نیستند امروز اکادمی های سرکس درجهان تاسیس یافته است. ندرتا تقدیم کنندگان تیاتر،سینما وغیره‌محافل هنری از سرکس هانیز انتخاب میگردند تا مقابل تماشاگربدرخشند، نه‌به عنوان یك سرکس بلکه به‌عنوان یك بازیگر خو ب سینما وتیاتر مهارت واستادی درفن،عضلات آهنین ،قلب‌قوی، حوصله فراخ و بی پایان کارکنان سر کس ها یقینا قابل تحسین است.

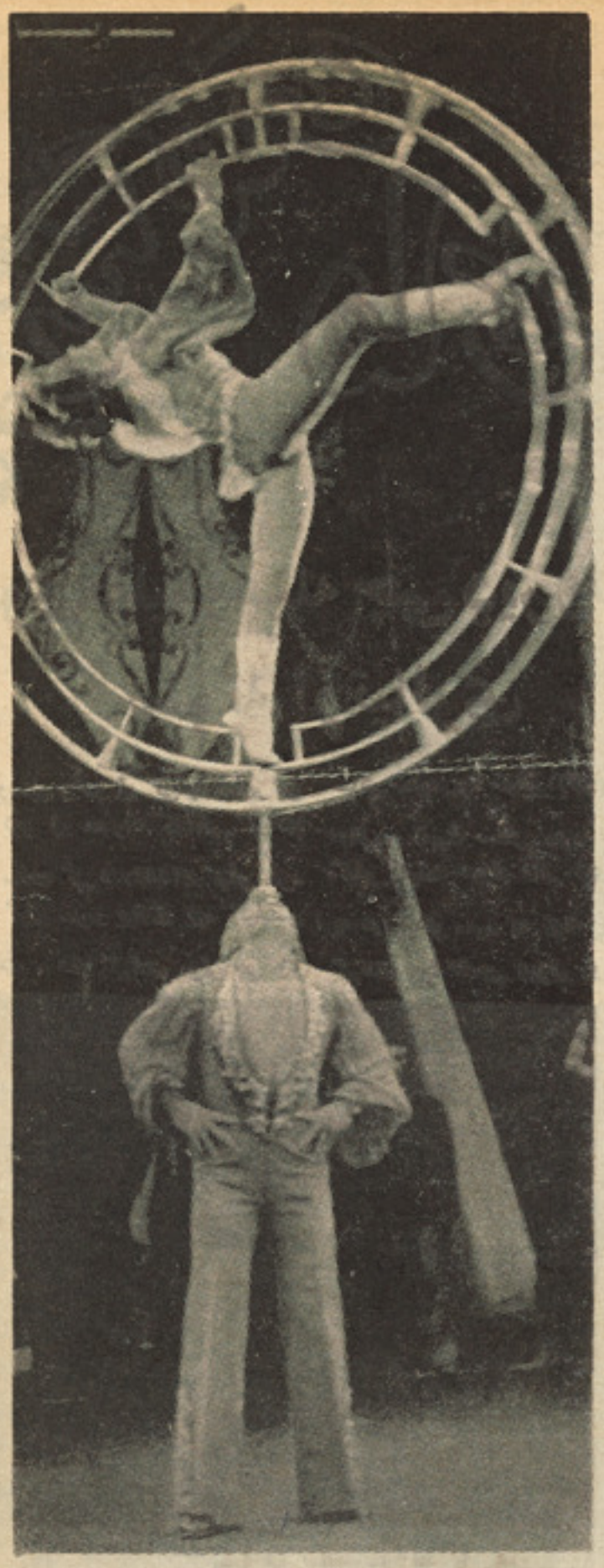

یکی از نمایشات جالب سرکس .

از شگفتی های رنگارنگ جهان

نوی نقلیه وسیله چی ډیرولږو تیلو ته اړتیالری

په دی وروستیو وختو نو کی په نړۍ کی د روغنیا تو ډیر لږ مصرف کونکی گړندی موټر په یوه ساعت کی د (۱۲۸٤) کیلو متره واټن په طی کولو سره یوازی یوه گیلن ډیزل لگولی دی . دغه گړندی موټر چی ۳۷ سانتی متره پرا خوالی (تورم) دری متره اوږدوالی ، شپیته سانتی متره لوی والی او(٤۹) کیلو گرامه دروند والی لری د دریو ارابو په در لودلو سره په ټوله نړۍ کی لومړنی گړندی موټر دی چی ډیرلږ روغنیات مصرفوی .

نوی ثقیله وسیله

د دغه گړندی موټر ډیرور چی په اصل کی دفدرالی المان له اتباعو څخه دی او «فرانک مایر» نومیزی د روغتیا نو د لگښت په برخه کی دخپلو نظر یاتو د څرگند ولو په ترڅ کی ویلی دی چی د انرژۍ د نړیوال بحران دپه نظر کی نیولو سره دنړۍ دټولو گړندیو او باروړوونکو موټرونو او نقلیه وسایلو په جوړولو کی باید دپترولیوم، ډیزل، موبلا ئیل اونور و روغنیاتو دلگښت فکتور په نظر کی ونیول شی . دفرانک مایر ددغه نوی اقتصادی او لږ لگښت گړندی موټر د نورو تخنیکی ښیگڼو څخه یوه هم داده چی دډیزل او پترولیوم په لگښت کی دکم والی درامنځ ته کولو دپاره کیدای شی چی دمتحرک او اتوماتیک اکسلینټر څخه په کار اخستلوسره دتگ په وخت کی ددغه نوی گړندی موټر دسرعت اندازه په یوه ساعت کی شپا لس کیلو متروته چی لس میله کیږی راښکته شی . دتخنیکی جوړښت له نظر ددغه نوی گړندی موټر د روغنیاتو لگښت په (۲۰۰۰) کیلو متره واټن کی یوازی یوه لیټر ته تعدیل اوراښکته کیدای شی . ددغه بخش اومحاسبی له مخی ددغه موټر د روغنیاتو دلگښت اندازه په هرو (۵۰۰۰) میلو کی یوازی یوه گیلن ته رسیږی .

کله چی نوموړی موټر څو موده دمخه دفرانک مایره په ډریوری ددوسلاروف په واټونو کی تجربه کولو ته وړاندی شو ثابته شوه چی دمصونیت له نظره دغه نوی گړندی موټر دنورو عراد جاتو او نقلیه وسایلو په په پرتله په سلو کی پنځوس زیات مطمئن او د ډاډ وړدی. څرنگه چی دضرورت په مواردوکی ددغه نوی گړندی موټر انجن خپلی بیطری په اتومات ډول پخپله چارجوی نو ځکه په هرو دریو کلونو او حتی څلوروکلونو کی یوازی یو ځلی دی ته اړتیا لیدله کیږی چی ددغه نوی موټر بیطری تجدید شی . دا خبره د یادولو وړده چی دمرسدس دفابریکی دموټر جوړولو دطراحانو او انجینرانو دغه نوی ابتکاری نقلیه وسیله ځینی نیمگړ تیاوی هم لری دمثال په توگه دلنده بل په مقابل کی ترزیات وخت پوری ټینگار نه شی او دبرک کولو په وخت کی ډریورته سخت ټکان ورکوی. ددغه طرحی څخه وروسته چاپانی موټر جوړوونکو او انجینیرانو اعلام وکړ چی هغوی هم دنویو اقتصادی اولږ مصرفو موټرونو دانکشاف او جوړولو په لټه کی دی خو تر اوسه پوری دچاپانی ماهرانو له خوا دغه راز یوه نقلیه وسیله جوړه شوی نه ده.

تداوی از طریق خطوط ساحه مقناطیسی

تجارب بیشماری درکشور های مختلف صورتگرفته که نشان میدهد، خطوط ساحهٔ مقناطیسی بطور موثروفعال درارگانیزم موجودات زنده اثرنیك بگذارد ودربسی موارد بحرانی کمك کرده، مریض را ازهلاکت وارهاند. هرچند بعضا اتفاق افتیده که نوسانات ساحهٔ مقناطیسی زمین، وضع مریض مبتلا به مرض قلب را منقلب گردانیده است که اغلبا همین مریضی فشار خون حدودی بی‌ارتباط بدین موضوع نمیتواند باشد. مشاهدات وتجربیات درکلینیك هادرسالیان‌اخیر بطورواضح‌نشانداده ،همچنانیکه زمین وقوه‌کشش وجاذبه بعضی‌هارا که از نگاه ساختمان فزیکی موازنه وجودخویش رانمیتواند حفظ بدارد ، مریض میسازد . بطور قطع دربسی موارد استثنایی‌شفابخش ودرمان کننده نیز است .باقرار دادن مریض‌درساحه مقناطیسی با خاصیت شگرف خود درمریضی نفوذ نموده وبا عث‌غناوکثرت آکسیجن دروجود مریض گردیده ودر اطراف سیستم مرکزی درکنترول وجود کمك بسزایی مینمایند.بعباره دیگر درمواردیکه بنابر حکم دکتور معالج ورزیده ایجاب بدارد، قرار دادن مریض در ساحهٔ مقناطیسی خودتنظیم کنندهٔ سیستم مرکزی وجود مریض یعنی درنواحی قلب‌ودماغ میباشد. نتایج حاصله از تداوی خطوط ساحه مقناطیسی زیاد دلچسپ بوده که ازطرف متخصصین باجدیت بررسی گردیده که‌درحال

حاضر توسط دکتوران ورزیده واشخاص خبره طبی در انستیتوت های علمی (تراوماتولوگی) واورتوپیدی واقع در (ریگا) وهمچنان بعضادر عملیات‌های جراحی انستیتوت مزبور از مقناطیس کارگرفته ومریضان تداوی میگر دند که درتداوی مریضان البته که‌معجزه میکند. به اساس طبابت جدید، تداوی مقناطیسی بعضادر مریضی های مبتلا به فشار خون، ریز ش خون کمك کرده ومغز راکه قرار است‌متلاشی وفلج وعلیل‌گرداند بابکار بستن میتودوطرق تداوی مقناطیسی که ازطریق بکار گر فتن وسایل مغلق مقناطیسی تداوی میگردد،مریض راحتی ازمرگ حتمی میرهاند. بترتیبیکه ازهر سی‌نفر مبتلا به‌مرض بیست نفر آن ازمرگ نجات یافته چانس زندگی دوباره می‌یابند.

**البته بعضا دراثر نرسیدن موادلازم درجدار مغز ،این جدارها سائیده شده وبحدی‌میرسد که‌به یك پردهٔ نازك مبدل وبعداً کنار این جدار ها پاره گشته وخون راخودش در داخل مغز میرساند. خونریزی وفزونی سرعت‌حرکت خون بسوی مغز باعث میگردد که مریض در یك‌چشم بهم زدن، حواس خودرا از دست داده ولکنت زبان وفلج شدن نیزبسراغ‌مریض بیاید. لاکن باوصف آن هم‌خونریزی شدیدکه باعث بهم خوردن سیستم فعالیت قلب ودماغ محض ازطرق محافظوی و بکار بستن‌مقناطیس های طبی . باوجود درمان های عاجل دومین وسومین حملهٔ خونریزی نیز مریض راتهدید میدارد که دروهلهٔ اول یگانه راه نجات همانا عملیات قلب ویا اگر خونریزی از ناحیهٔ سر باشد ، عملیات دماغ وجدار های دماغ‌را که بنام (انویروزما) یاد میگردد ، ایجاب میدارد که در جراحی جدیده این نوع عملیات ها رفتن جدار دماغ ویا مختل شدن جدار قلب صورت میگیرد بفرنج ترین نوع عملیات یاد گردیده است چه این نوع عملیات مستقیماً به دو عضو بر جسته وشماره یك وجود یعنی قلب ودماغ ارتباط میگیرد . این عملیات دوالی سه ساعت را در بر میگیرد . بنظر ریموند لیکوت که بسمت رئیس جراحان کار میکند محض از طریق تداوی خطوط ساحهٔ مقناطیسی میگردد . بعلاوه تداوی موسوم به ساحهٔ مقناطیسی از طریق ساحهٔ الکترو نیکی که‌در اثر نزدیك ساختن مریض با قطب اودمورت میگیرد . از خونریزی جلو گیری بعمل‌آمده میتواند پس باید طب عصری مدیون علم فزیك مدرن باشد چه بدون آنکه کاسهٔ سر جدا ساخته‌شود ویا قلب بیرون آورده شود، جلو مریض گرفته میشود . اینك متخصصین مقناطیس های جدید طبی میسازند ومودل‌های جدید تجربوی آنرا به مریضان متذکره با نظر داشت نکات خاص تجویز مینمایند تا باشد که وضعیت مریض کنترول وحتی از خونریزی ها ووکنری فعالیت قلب ودماغ‌جلو گیری بدارد . در سال ۱۹۷۳ ابتداء این تجربه بکار گرفته شد . به کمك یك الهٔ جدید الکترو مقناطیس بنام (مولنا) که‌تازه ساخته شده ازبروزو دست دادن حالتی به مریض که وضع اش را منقلب گرداند ، جلو گیری مینماید. مریض آنابه سر دردی شدید مبتلا وحواسش را ازدست مید هد و وضع مزاجی وصحتش ناامید کننده می‌گردد. هرچند اشعهٔ ایکس نیز میتواند مریض راکمك کند امانه به اندازه تداوی مقناطیسی .

تداوی مقناطیسی مسوولیت دکتوران رابیشترساخته وآنهارابه تلاش‌فراوانتروامیدارد.

جشنواره‌قربانی اژدها

در هریکی از کشور ها جشنواره‌های به خصو ص به منا سبت تجلیل از بعضی روز های سا ل صورت میگیرد که این جشنواره ها کیفیت های بخصوص دارد چنا نچه بازی مشهور اسپا نیا همان با ز ی با گاو میش - سکی در مما لك سکند ناو یا یی و مسابقه بزکشی در افغا نستا ن درجهان ،زبان زدخاص وعام است .

گر چه جنگ ، این هیولای خطرناك باعث از بین رفتن و خرابی تمد ن ها،فرهنگ و کلتور معین(وبخصوص از دوره های تاریخی که انسا ن ها با زحمات پیگیر شان ایجاد نموده بودند)گردید در جریا ن همین زدو خورد ها آثار و آبدا ت تاریخی ملل جهان طعمه حریق و عده هم به تاراج رفت .

آنچه که تا امروز از گذشته‌هابه‌ارث مانده و به مرور زمان تغییرات و تحولات در آ ن ایجادگردیده‌جشنواره ها است که در مما لك و منا طق بخصوص به اشکال مختلف آن‌هنوز هم دور نمای تاریخی را انعکا س میدهد بازی مشهور در آلما ن همان پهلوانی و کشتن اژدها است که یکی از بازی های مشهور و تاریخی شمرده میشود .

تابلوی که نما یا نگر مبارز ه‌گرد هاو یلان نامدار آلمان با آژد هااست قدامت خیلی تاریخی‌داشته‌واولین تابلوی مذکور درسال ۱۴۳۱رسامی گردیده است . هم چنان این تابلو نشان میدهد که زما نی نیرو ها ی جنگ طلب بهامی به خاك آلما ن سر از یر گردیده حین سرا زیر شدن عسا کر مذ کور جنگ وزد و خوردد های خو نین بوقوع پیوست. دهاقین و کار گران پیش از اینکه مال وثروت وغنا یم شان به تاراج رود خون ریزی و قتل صورت گیرد و همه طعمه حلقوم اژدها ی بی شرم و سبعی گردند فرار نمودند .

عده زیاد دیوار های بلند و استنا دی برای حفاظت شان بوجود آوردندوهم‌عده‌یی به‌این‌نظربودند که برای نجات شان حاضر به هر نوع قربانی گردیده بودند . اما در آخر شخصی بنام اودو از حصا ر بر آمد معشو قه اش را به آغوش گر فته به جنگ علیه اهریمن پر داخت .

از همین روایت ها است که مردم وبا شند گان شهر مذکور افسا نه‌را باز گو میکنند که این افسانه قدامت پنجصدساله‌رادارا است‌ازسال۱۸۸۶

به‌این طرف است که جشنواره کشتی اژدها هر روز یکشبه در ما ه آگست صورت می گیرد و تعدادزیاد مردم به این جشنواره ها و یامهرگان ماه حضور بهم می رسا نند .

بل نا مور سنانش را چنان به سرعت در کام اژدها فرو می بردو خون سرخ از کام او جریان می یابد که اژدها ی خون آشام یکبار به زمین می‌افتد غر یو شادی ونعره هااز هر گوشه بالا می شود هلهله بی مانند همه جا را فرا می گیرد . این یکی از مشهور ترین ومعروف ترین بازی ها یی است که بصور ت‌واقعی آن در آلمان فدرال هنوز هم مرو ج است و سالانه تعداد زیاد تما شا - چیان به دیدن این جشنواره عا زم آن دیار میگر دد .

منظرهٔ از جشنواره کشتن اژدها

بقیه صحه ۷

سوزن‌دوزی یا این ...

اختصاصی سوزندوزی مانند یك تخصص‌فن مهارت دارند . مثلا در رشته دوخت های کلاسیك ومدرن قند هاری دوزی ، گراف‌دوزی وطنی ، دوخت های «گوبلن»چشمك دوزی‌و خامك دوزی ، تار شماری (دوخت فوق‌العاده مشکل ومقبول مناطق مرکزی افغانستان‌است) بخیه دوزی وپرتك دوزی ، تـوربخیه‌وورد‌ك دوزی ، که هر فرد کارگران دایمی ما دریکی ازین رشته ها مهارت کامل وعالی دارد .

ـآیا این ساخته‌هامطـابق‌نورم‌واستندرد است یا چطور ؟

ـ سر میزی های زیبا ومنحصر به فردی را که این کار گران تولید می کنند همه مطابق بانورم واستندرد بوده وکمترین‌نقصی در آنها مشاهده نمی‌شود . ایـن تولیـدات ابتکاری درکلکسیون‌موزیم صنایع‌سوزندوزی موجود است که روز به روز ارزش هر یـك آن بالا تر می‌رود . همه بدون عیب از پارچه های‌مقاوم کتان بارنـك‌پخته ودمس یاسـند اصل کار شده است که از نگاه مقاومـت سالهای طولانی حفظ شده می‌تواند . در هـر روی میزی سه مترو پنجاه سانتی طول یك مترو هشتاد عرض تکه در حدود چهار صد الی سه صدو پنجاه لچه‌دمسـ هشت متـره شش تار مصرف می‌شود که جمعاً از چهارده هزار متر الی نوزده هزار متر دمس در آن مصرف میگردد ، هر روی میزی به صورت اوسط بیست الی پنجاه هزارتك‌سوزن میخورد. کارگران سوزندوزی ما آنقدر به هنر های زیبا واصیل خود علاقه دارند که حتی در روز های تعطیل وبعضی کسالت های که عایـد حالشان بوده است ، حتی باوجود ممانعت و جلوگیری، ما، دربستر مریضی‌نـیز به‌تکمیل کار های هنری خود پرداخته اند . ومیگویند: برای ماایـنکار یکنوع سر گرمی است ، نـه خسته کننده !

برای صحت‌وسلامت کارگران‌تان تجویزی گرفته اید ویا خیر ؟

ـ از لحاظ اهمیت صحی وارزش کار این کار گران ، ما دقیقاً متوجه صحت وسلامت ومراقبت جدی چشم های شان هستیم وقتاً فوقتاً کار گران ما به موسسات صحی‌بـرای مراقبت های مختلف صحی معرفی‌مـی‌شوند عینك های مخصوص کار برای بعضی ازآنها که ضرورت احساس میکردند تهیه کرده‌ایم، با پدید آمدن مرحله نوین انقلاب ثور زمینه تشویق ودلجویی کامل برای کار گران‌میسر گشته است .

ـدر مورد شعبات دیگـر این ریاسـت معلوماتی ارایه نمایید !

ـ تولیدات لباس طفلانه وبافت یکی دیگر از شعبات‌این موسسه است‌اما بصورت‌کوچك وابتدائی . در شعبه مذکور شش نفر کارگر مصروف کار انـد که برای نوزاد البسه‌وجاکت وجای خواب تهیه می کنند .

مدیریت فرمایش وقرار داد هاست که‌این شعبه فعال وعایداتی بوده زمینه کار ودر یافت مزد مشروع را برای هزاران نفر زن و دختر جامعه ما مساعد ساختـه است . ضروریات والبسه لیلیه های معـارف، کـار گـران، مستخدمین بعضی از وزارت ها ، مخصوصاً لباس های سپورتی ،ترتیبت بـدنی وبیرق‌ها ها درین مدیریت دوخته می‌شود .

شعبه فروشات ومغازه وموزیم ، این شعبه مسوول اخذ تولیدات صناعتی ، ترتیب موزیم صنایع ملی وفروشات اموال تولیدی اسـت‌که به سیستم اصولی با پرداخت بل به اساس سه پارچه های معین به فروشات پرداخته و مسایل حسابی را نیز به مجرای اصولی آن توصل میدهد .

ـدر موردپلان ها آینده وانکشاف‌بیشتـر یااین شعبه حساس چه در نـظر دارید؟

پلان های آینده مدیریت عمومی صناعتی مطابق با روحیه دوره تکامل انقلاب ثور این است : که ما بتوانیم از یکطرف رصالت‌صنایع ظریف سوزندوزی را حفظ کنیم واز طرفـی انقلابی را با پدید آوردن ابتکـار در آن ، صنایع مذکور را غنی تر سازیم . دیزاین های قدیم را حفظ کنیم ودیزاین های جدید ابتکاری را باآن بیافزائیم ، البته حفظ‌صنایع کلاسیك با رصالت شان جز واهداف حفـظ صنایع باستانی است ، اما باخصوصیات عصر، تصرفی در نحوه اصیل سوزندوزی‌نه‌بلکـه با شکل ودیزاین مدرن ابتکاری در آن پدید خواهیم آورد .

چنانچه این مردم با در نظرداشت کیفیت اصل کار وتغییر کمیت کار مطرح‌وعملی‌شـده است .

در شعبات خیاطی طفلانه وقرارداد وفرمایش ما فعالیت هایی وجود دارد اما تحولی کـه باید مطابق با روحیه انقلاب به عمل‌بیاوریم اینست که شعبات مذکورسعی نمایند تولید صنایع بی نظیر ومقبول مابه مرور زمان ازبین نرود، وحتی صنایع مرده نیز احیا وترویـج شود .

البته برای این کار تبلیغ وسیع ایـن صنعت باستانی در کلیه وسایل ارتباط جمعی در صورت امکان به منظور ترویج سوزندوزی هاوتشویق کارگران ماهرسوزندوزبه تقاضای ماحتمی وضروری ست ، البته‌با معرفی چهره های ورزیده این هنر در محضر توده ها و مردم شریف هنر پرور مایه تشویق وتوسعه کار میگردد .

ـ عموما دست دوزی های این موسسه‌قیمت گزاف دارند که‌هموطن های ما کمتر قـا در به خرید آن میگردند درین قسمت چه تجویزی گرفته اید ؟

مادر نظرداریم لایحه جدیداجرت هـا ی مناسب وفروشات متناسب با قدرت خریـد مردم را با تغییر سیستم کار مجددا طـرح وتنظیم کنیم . البته تاجایی‌که به عوایدصدمه نزند، چون کلیه تولیدات مابا استندرد های بین المللی مرادف هستند و هیچگونه نقصی ازنگاه فن وثقافت درآن مضمر نیست . لـذا چانس فروش ودریافت بازار هـا ی خارجی میسر است . تشبث به دریافت بازار ها به مساعدت وزارت تجارت تولید مارا بیشتر و زنان را چانس این خواهد داد تادرتـقویـه صنایع ملی واقتصاد ملی سهیم شونـد. تربیه کدر وسیع فنی که در بالا متذ کـر شدیم ایجاب می نماید، تا شعبات تربیوی‌سوزندوزی وبافت را در داخل دستگاه توسعه بد هیم . یکی دیگر از اهداف مادرسال آینده ترتیب نمایشات البسه مختلف ملی ومحلی وسوزن‌ـ دوزی های نایاب اصیل وباستانی ماست‌کـه وقتا فوقتا باید انجام شود .

در ضمن با چند تن از ین زنان سوزندوز مصاحبه به عمل آوردیم تا تقدیم خوانندگان محترم ژوندون نماییم :

شان زیاد ساخته شود ، تا برای زنان بیکار ونیازمند با توسعه فعالیت کار پیدا شـو د تعداد بیشتر جذب گردد .

تاحال به لباس طفلانه در کشور مـاکـدام توجه به عمل نیامده است در حالیکه اطـفال درکشورما صاحـب هرگـونـه امتیـازات هستند وباید همه جانبه رسیدگی شونـد . مادر نظر داریم که با استفاده از پارچه های داخلی به اصطلاح دنیا ی کودك را بوجود بیاوریم وبرای اطفال لباس مورد نیاز را از شیر خوار گی تامرحله هفت سالگـی‌تولیـد کنیم ، پلان کار را روی همین هدف درکانون حمایه طفل ومادر طرح وترتیب می کنیم ، زیرا انقلاب شکوهمند ثور که وارد مرحله تکامل خود گردیده وجیبه یی را به همه‌وارد کرده که در کار خود پیکار به نفع مردم به عمل بیاوریم . هدف باید رفع نیازمندی مردم ماوشکوفانی اقتصاد وفرهنگ کشور ماباشد .

ـ برای حفظ وبقای این صنعت آیا تدابیری اتخاذ نموده اید ؟

ـ مادر نظر داریم تا کدر ماهر وفنی برای حفظ صنایع اصیل افغان‌که در ثقافت ما ارزش عالی دارد تربیه کنیم . تا خدای نا خواسته

ظرافتکاریهای زنان زحمتکش ما درصنایع‌دستی نمایانگرثبات وتحمل شان درکاراست.

اولین صحبت با سابقه دار ترین سوزندوز بود، از وی خواستم تا در باره کارش ونوع سوزندوزی هایـش گفتنی های خودرابامادر میان بگذارند : نامم ماهـره است و۲۷ سال است که درین جاسوزندوزی می کنم، دراول به صورت اجوره یی کار می کردم بعد ازآن وقتی پدرم فوت کرد مجبور شدم تا خـرج فامیلم را تهیه کنم همان بود که به شعبـه سوزندوزی شامل گردیدم واز همان وقت تـا حال بیست وهفت سال می گذرد . از طرف دیگر چون علاقه زیاد به سوزندوزی داشتم خواستم تا درین موسسه کـار هایم تنظیم شود واز روی کتلاك ورهنما خـوبتر بتوانم سوزندوزی نمایم . در بارهٔ نوع سوزندوزیش گفت : به تمام سوزندوزی ها آشنایی دارم

امابه‌اوك دوزی بیشتر از همه مهارت دارم ، پرسیدم : درچه مدتی یك سر میزی بادوازده دستمال آنرا تکمیل می نما ئید ؟ در جواب گفت : نظربه تعدادگل وریزه کاری های آن فرق می کند گاهی به هشت ماه ویاهفت ماه کار خودرا تکمیل می نمایم . بعضی اوقات تکمیلی آن یکسال را در بر می گیرد. ماهره از درجه یازده شروع بکار نموده وفعلا درجه شش است‌سرمیزی‌که سردست داشت واقعا با خیلی مهارت ولیاقت کار نموده بود .

فاطمه یکی دیگر از زنان سوزن دوزاست که اوهم مدت بیست سال عمر خودرا به سوزن دوزی درین موسسه صناعتی گذرانده است ونظربه کار های زیاد وضعیفی چشمانش حال به حیث‌رهنمای کار ، ایفای وظیفه‌میکند وی تصدیقنامه درجه اول نیز نظر به مهارتی که در کار سوزن دوزی داشت از طرف مقامات مسوول بدست آورده است .

نوع‌کار فاطمه توربخیه وتار شماری است، گرچه چشمانش ضعیف است اما با آنهم نظربه ذوق وعلاقه اش به این هنر وهمچنان وفاداری‌که به مدیریت صنایع دست دوزی دارد بعضا به کار هایی‌که ریزه کاری‌کمتری داشته باشد مشغول می شود . چنانچه وقتی بااو صحبت می نمودم، پیراهن پشه‌بی دوزی روی دستش قرار داشت که بادقت وحوصله‌مندی زیاد قسمت زیادی ازدوخت آنرا تکمیل نموده بود .

دربین این همه زنان هنرمند، دخترآرام و مشغول سوزن دوزی دیده می‌شد، هریك از زنان سخنانی درمورد کارهای شان و نوع کارهایشان ارایه نمودند اما اوباتبسم وتکان سربه سخنان آنها گوش میداد ،خواستم تابا اوهم صحبت نمایم، امامتاسفانه معلوم شدکه اوهم کنگ بودوهم کر، اماکمبود این‌دوحس هیچ کم وکاستی به‌مهارت واستعداد او بسار نیاورده بود وخیلی ماهرانه ، چشمك دوزی واوك قندهاری را به‌روی سرمیزی ودستمال های آن انجام میداد. مدت چهار سال است‌که شامل مدیریت صنایع سوزن شده‌بود وکارش رابا علاقمندی زیاد دنبال می نماید ، میخواستم شعبه سوزن دوزی را ترك نمایم که‌زن خنده رویی که علاقه زیاد داشت تامهارت اورا در فن سوزن دوزی که بنام (پرتك دوزی) یاد میگردد نیزببینم در مورد کارش بااوصحبت‌کنم.اونمونه یی ازدست دوزی اش را نشان داد که واقعا ازدیدن‌آن‌واز طرز کارش که‌با چه مهارتی ولیاقتی هنرش را روی تکه کتان پیاده ساخته بود. استعدادش راقابل قدر می‌دانیم. وی که تا هنوز خودرا معرفی ننموده بودخواستم تا اسمش رابگوید بعدا زیادتر درباره کارش صحبت نماید.

وی خودرا سیماگفت وازمدت ۱۸ سال‌است که‌به‌سوزن دوزی مشغول می‌باشد. علا قمندی او به کارش باعث گردیده که‌خیلی ماهرانه وباحوصله مندی فوق العاده کارش ر ا پیش ببرد او عموما بالاتنه هارا باطرزکارخودمی‌دوزد، معمو لا رسامی گل ها رابه‌روی تکه خودش تنظیم می‌کند، برعلاوه‌دوخت ،انتخاب رنگ‌دمس وطرز کاریکه اومی‌کند قابل ستایش است از دمس های رنگه برای گل هاو برگ‌ها قسمی کارمی گیرد ودردوخت‌آنرابه کارمی بردکه‌گویی گل‌برگ‌طبیعی است،ازجمله‌کارها یش‌دوپیراهن خیلی‌مقبول که‌همه آن باگلا باتون به‌طورماهرانه د و خته شده بود که یکی لباس قره باغ بود و دیگری لباس عر و س منگل ، درضمن تشریح‌دربارهٔ لباس عروس منگل یکی از خاطرات خودرا قصه نمود:خیلی مریض بودم وشامل بستر گردیدم وقرار بود عملیات شوم .قبل ازعملیات‌مدت‌شش‌روزی که‌در شفاخانه بستر بودم کار خیاطی ام رانیز باخود برده بودم وبالای بستر مریضی سوزن دوزی می‌نمودم دریکی از شبها دوکتورتابلیتی رابرایم داد تا ساعت ده‌شب آنرا صرف کنم تافردایش برای عملیات آماده گردم. چون پیراهن روی دستم‌بود وکمی ازان نادوخته بود عوض آنکه دوارا ساعت ده شب بخورم ساعت دوازده شب خوردم ودر مدت دوساعت کارم‌را تکمیل نمودم ،چون‌علاقه‌زیاد به‌کارم داشتم گفته داکتر را فراموش وبه‌کارم ادامه دادم ومیخواستم‌کارم‌را خوبترو بهتر وبه موقع انجام بدهم.

خوانندگان ارجمند ! در پهلوی شعبه سوزن دوزی این موسسه شعبات دیگری هم می باشد که یکتعداد مصروف دوختن البسه طفلانه وعدهٔ هم‌مصروف بافتن‌جاکت می‌باشند.

بداخل شعبه چند خانم دور یك میز که بالای آن چند پایه ماشین بافت گذاشته‌شده مصروف بافتن جاکت هستند ، بعد از هردو ویاسه دقیقه که‌تار های‌هون را از دندانه های ماشین میگذرانند یکی به روی دیگر نگاهی می کنند وبا تبسم های بسیار نازك دو باره مشغول کار خود می‌شوند مصروف کارهستند که یك اخلال گر (من) نزدیك میز میشوم وسر صحبت رابااینان آغاز میکنم بی‌درنگ می‌گویم ، خبر نگار مجله ژوندون استم و میخواهم ازفعالیت وچگونگی کارشما معلوماتی مختصری به خوانند گان مجله تقدیم نمایم. من هم پشت میز کار می‌نشینم وصحبت رابا طیبه کارگر سابقه دار بافندگی شروع‌می‌کنم نامبرده می‌گوید : مدت ۱۸ سال می شود درین موسسه کار می‌کنم ، در ابتدای کارم به حیث اجیر درجه ۱۷ این شعبه قبول شدم ومعاشم ۳۳۰ افغانی بود به ناچار مدت چند سالی را بااین معاش ناچیز گذشتاندم تا **اینکه قرعه فال به نام‌اصابت‌نمودویك** درجه گرفتم. یعنی‌شدم‌درجه ۱۶ ومعاشم یك بته بالا رفت خلاصه اینکه ۱۸ سال از کارم

بقیه درصفحه ۳۵

به مناسبت روز بین‌المللی زن .

«...وزنان کشورما دیگرمطمئن وآزاد اند»

بیاد بیاوریم زمانی را که سیاهی برسپیدی چهره بود ناحق بر حق‌می‌چربید وصداهای حق خواهی و حقیقت گویی در گلو خفه ساخته می‌شد. امین این مبتذل ترین وسفاك ترین‌فرد تاریخ‌معاصرکشور متکبرانه براریکه قدرت تکیه زده بودو در تاریکی اعمال سیاه خویش هیچ صدایی جز کرنش وبلی گویی را تحمل نداشت و هر چه بودو هر کاری بود باید در جهت خدمت گذاری و ستایش خودش صورت می‌گرفت ورنه بابرخورد سیاه آن‌سیاهکار که ارواحش نارام باد،بابرخورد دژخیمانه بانداو- باش وبداخلاقش مواجه می‌گشت امین این‌چاکر گوش بفرمان وزرخرید امپریالیزم از جانب‌بادار خود ماموریت داشت که مردم بلا کشیده یی مارا بحدی بیازارد ورنج وشکنجه‌دهد که اصلا صدای حق طلبی و حق گویی برای همیش درگلوی شان بخشکد وحتی فراموش شان شود !؟

ولی همانطور یکه می‌دانیم مردم ، احساس، شعور و خواست های وطنپرستانه غیر قابل زوال اند ومرتجعین وظالمان هر قدر ناشیانه‌تر در جهت مخالفت بان عمل نمایند به‌همان اندازه زود تر خود نیست ونابود می شوند.

امادر گیرودارحکمروایی‌امین وباندجنایتکارش زن وطن مابه معنی کلی کلمه از همه بیشتر رنج بردو شکنجه دید. هیچ زنی درین کشور که‌حداقل احساس وطنپرستی‌وانسانی‌داشت ازیاد نخواهد برد که شب هارا تا صبح بیدار می‌ماند ند زیرا هیچ جایی و هیچ کسی ازیورش زاندارم بی باك امین احساس آرامی ومصونیت نمی‌کرد . هنگامیکه زن این موجود حساس و مهربان صدای پای دژخیمان امین رادر کوچه وسرك می‌شنیدند برخود می‌لرزیدند زیرا این آدم کشان وآدم خواران جزآنکه برای گرفتن وبردن طعمه ی بیایند دیگر هدفی نداشتند . زن عموطن ما می دانست که‌کوچکترین‌اشتباه وحتی اتفاق سبب می‌شدتا ژاندارم امینی ازدرو ودیوار بریزند و بعداز به اصطلاح تفتیش‌خانه که جز ویران کردن خانه چیزی نبود هر چه مرد وجوان در خانه می بود باخود می‌بردندودر تاریخ افغانستان برای اولین‌بار در دورهٔ سیاه امین محبوسین زیاد سیاسی را اطفال صغیر کمتر از هفت‌سال تشکیل می دادبه مصوونیت وقانونیت و عدالت فرمایشی و میان تهی امین این مردم فریب نامدارودر وغگوی‌سفاك وانسان کش دون همت .

ولی باوجود این همه سفاکی وبیرحمی‌وطن پرستان واقعی از پانشستند و نسبت اینکه اول تعداد زیادی وفریب به اتفاق‌مردان زنجیر شکن در زنجیر امین دست وپامی‌زدند وثانی اینکه پی گرد هاو کینه ورزی های امین ودارو دسته اش عرصه مبارزه را برمردان وطن‌پرست میهن ما تنگ‌وتنگتر ساخته بود این زنان و دختران مبارز میهن ما بودند که درفش‌مبارزه بر ضد امین راکه در عین حال مبارزه برضد ارتجاع وامپرالیزم ودرراس امپریالیزم امریکا بود بادلیری وشهامت‌بی‌نظیربلند نگهداشتند ودر حقیقت امر جای خالی وطن پرستانی را که یاز یرتیغ امین جاسوس شهید شده بودند ویادر باستیل امین در پلچرخی وسایر شکنجه گاهها بسر می‌بردند از طرف همین وطن پرستان یعنی زنان‌و دختران قهرمان وطن پرشد.

مردم رنجدیده‌ی افغانستان که باپیروزی انقلاب زنجیر شکن ثور بالهای شان بازشد وراه رهایی کامل و همه جانبه خودرا بسوی روشنایی های آتی یعنی رهایی از چنگال ظلم گرسنگی ، بیکاری ، وبی دوایی‌رادر روشنی انقلاب ثور می‌دیدندبا بمیان آمدن وبرسر قدرت رسیدن امین این همه امیدهابه یاس تبدیل شدند .

همانطوریکه می‌دانیم زن این نیمی ازپیکر جامعه ی ماو گردانندگان چرخ تاریخ در پروسه تولید نقش عمده وبارز دارند در پیاده ساختن همه آرمانهای انسانی نیز سهم مساوی بامرد دارد واز انحراف ودگرگونی سیر انقلاب ثور به اندازه ی مردان کشور و حتی بیشتر از آنها متاثر شدند (زیرا زنان فطرتا حساس ولطیف طبیعت اندو از نابسامانی وانحراف زود ترمتاثر می‌شوند). زنان کشور مابه نیکی دیدند که‌نه تنها از مزایای انقلاب نجات بخش ثور بهره‌ی نصیب شان نشد بلکه امین جاسوس درزیر نام همین انقلاب ، ددمنشانه ترین اعمال وفجایع‌را جامی زد. در مورد انحراف امین وبه بیراهه کشیده شدن سیر انقلاب ثور ببرك کارمل منشی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس‌شورای‌انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان طی بیانیه ی تاریخی وملی خویش بتاریخ ششم جدی عالمانه روشنی انداخته ودربخشی از ین بیانیه‌چنین می‌فرمایند :«هموطنان رنج‌کشیده وعذاب‌دیده‌ی کشور !

معلوم وآشکار است که‌بتاریخ۷ ثور۵۷ انقلاب ملی ودموکرا تیك مردم افغانستان آغاز نهاد . پیروزی انقلاب شکوهمند ثور، ضربه

بقیه درصفحه۵۸

تاو

روز همبستگی زنان سراسر جهان برای رسیدن به آزادی های بیشتر

از چشم انداز شبه فلیسوفان واسته به جهان سرمایه داری که غرور انسان را درهم می‌شکند واز اومجال هرشگفتنی را می گیرد زن عنصری کم بهای تعریف شده است که گویا نمی تواند در سازندگی وبرازندگی اجتماعات سهمی درخشان داشته باشد . این طرز تفکری طاعون زده و بیمار است . زن فرصت درخشیدن اگر بیابد توانایی آن را دارد که همگام وبرابر بامرد شالوده‌ی جهان دیگر را بریزد ، جهانی برتر وبهتر . تاریخ جوامع انسانی به صراحت نشان داده است‌که در نظام های منحط اجتماعی که بر بنیاده‌ای ظالمانه ای استوار است ومناسباتی بوسیده بر آن حکم می‌رانده زن مجال ظهور رانیافته است . فرصت آواز وپرواز را از او گرفته‌اند در چار دیوار خانه اش زندانی کرده اند وبدینسان نیمی از پیکر جامعه رادر تاریکی ونازایی فرو گذاشته اند ،

باری از آنجایی‌که کاروان بشریت‌درنگ پذیر نیست‌ولحظه های زندگی توقف نمی‌کند وانسان تامرز مرگ در پیکار وتلاش و جستجو به‌سر می‌برد . زن‌نیز که نیمی از پیکر بشریت است نمی تواند برای همیشه صدایش را در قفس سینه اسیر بدارد . نمی‌تواند برای همیشه محکوم به سکوت و توقف واسارت باشد. زن روز های سخت‌و ناهنجاری را در درازنای تاریخ پذیرا گشته است وشانه های لطیف او را بار اندوه‌ها وغم های بیکرانه خم کرده است . اما این ناهمواری ها وناهنجاری ها ورنجهای بیکران او را مانند پولادی استوار تر وآبدیده تر کرده است . زن مانند ققنوسی سر ازآغوش آتش رنجها بیرون آورده است . اگر شانه اش ازبار بیکران دردها ورنجها ضعیف گرفته است . شور مبارزه را وایمان به رهایی را هیچگاه وهرگز از دست نداده است . اگر نظام های ظالمانه‌ی اجتماعی حقوق او رالگد مال وسر کوب کرده است او دست از مبارزه نکشیده است . از هر شکستی نیرویی تازه یافته است وبا خود تجدید پیمان نموده‌است که «دست از طلب ندارد» همیشه جستجوگر بوده وپوینده ورهنورد ، رهنورد راه های نا هموار و دشوار وناهجار . زن هیچگاه توقف نکرده است ، چون کاروان بشریت درنگ پذیر نیست ، چون کاینات در حرکت است، اگر حرکت زن کند وبطی بوده است ، باری گناه او نتواند بود . او را نگذاشته اند ، از راه پیمایی او جلوگیری کرده اند .

اماشبه دانشمندانی که در هوای آلوده‌ی نظام های ارتجاعی نفس می‌کشند وقلم را در خدمت سیاهی قرار داده اند وبا سداران سکوت وخاموشی وفراموشی اند . این واقعیت را از یاد می برند. گپ هایی از سرپسی - مسوولیتی می زنند . زن را متهم به نادانی، راز نانگاهداری وناتوانی کرده اند . درسده های‌اخیر که خرافات، باطل پرستی ومناسبات فرتوت اجتماعی در بسیاری از گوشه های جهان جای خودرا به دانش، حقیقت جویی ونظام های مترقی اجتماعی داده است و زن اندك مجالی برای درخشیدن یافته است . مقولات شبه دانشمندان جهان سرمایه و سود رنگ باخته است و دروغ آمیزی وباطل بودن آن به اثبات رسیده است .

باری زن در درازنای تاریخ بر ضدمناسبات فرسوده ی اجتما عی ، کاستی ها وناراستی‌ها مبارزه کرده است ودرپی آن بوده که ا ز قفس تنگ رابطه ها وضابطه های توان شکن وطاقت سوز اجتماعی، به سوی فضاها و افق هابیکرانه‌ی آزادی ورهایی پرواز کند، اما پاسداران وکمانداران نظام های انسان شکن طبقاتی، به تیرش زده اند ، بال شکن و - مجرو حش کرده اند. به او این مجال را نداده اند که به آزادگی آواز بخواند . پرواز کند ، امازن، نا امید نگشته است از راهی که درپیش داشته برنگشته، عقب گرایی نکرده به پیش تاخته تابه اوج آزادی و شگفتگی برسد. تا بتواند همراه با مرد در امر سازندگی و برازندگی اجتماعی سهمی هستی آفرین بگیرد از چارچوب ضابطه ها و رابطه های ظالمانه رهایی یابد . پوسیدگی وکهنگی رادرهم شکند واز میان بردارد .

اما، این مبارزات ، این اعتراض ها ، عصیان ها، متشکل، یگانه وهم بسته نبوده، زن در درازنای تاریخ برای آزادی، برای رهایی وبرای سهم گیری در روند تکامل اجتماعی مبارزه کرده است .

صدای خودرا از چار دیوار های خانه بلند کرده است . اما صدای او خاموش گشته وتلاش ها وکوشش هایش بی نتیجه مانده است، چون مبارزه به‌گونه‌ی جداجدائی‌نتواند پیروزی آورد. زن‌که ازآن همه بیداد و ستم وتفاوت ها وناهمگونی های اجتماعی به ستوه آمده بود . هفتاد سال پیش ازین ، در سال (۱۹۱۰) راه رهایی نهایی خویش را یافت وآن راه اتحاد بود، هم پیوستگی وهم‌بستگی. واین گام را برای نخستین بار زن آزاده و انقلابی که به خانواده‌ی بزرگ زنان می - اندیشید وبه سرنوشت همه‌ی زنان جهان دل بسته بود ودرراه آزدی های سیاسی، اجتماعی واقتصادی شان مبارزات پر شور وبی امانی انجام داده بود، «کلارازتکین» برداشت . این زن فرزانه وآگاه که دردهمه‌ی زنان جهان، به روشنی دریافته بودوازرنج زنان، استثماری کی می شدند غمگنان بود روز هشت‌مارچ‌را به عنوان روز همبستگی جهانی زنان اعلام داشت .

روزی که در سراسر جهان سرودمقاومت زن در برابر بیداد واستثمار سر داده شود. همه‌ی زنان نفرت خویش را از جنگ های تخریبی وغارتگرانه اعلام بدارند ، همه‌ی‌زنان مبارزات خویش را برضد ارتجاع وامپریالیسم وتبعیض نژادی بسیج نمایند، ودر راه بدست آوردن حقوق لگد کوب شده وپایمال گشته‌ی زنان که سابقه‌ی دیرین تاریخی دارد تلاش نمایند . بر ضد گرسنگی ، بیماری، عقب‌افتادگی های اجتماعی که درد های روانکاه اجتماعی اند زنان فریاد های در گلوخفته‌ی خویش را بلند نمایند . باری نخستین گامی راکه «کلارازتکین» در این راه برداشت ونخستین فریادی راکه کرد رهروان وفریاد‌گران بیشماری اقدام اورا باسخی مثبت وبایسته دادند. چون همه‌ی زنان تحت‌استثمار که درشرایط توان شکن وملالت‌باری زندگی به سرمی بردند . منتظر چنین لحظه‌ی بودند. در انتظار روزی که هم بستگی واتحاد آنان را اعلام بدارد وآنان در یك صف مشترك درفش مبارزه را در دست گیرند و بر ضد ناروایی ها وظلم هایی که در حق زن نظام

گوشه‌یی از میتنگیکه بمناسبت تجلیل بزرگداشت از روز بین المللی همبستگی‌زن ازطرف کارکنان مطابع دولتی درتالار سینمای آریاست دایر گردیده بود.

های طاغوتی روا داشته اند اعتراض نمایند . حق های قلف شده ولگدکوب گشته‌ی خویش راباز ستانند . باری صدای «کلاراز تکین»را همه‌ی زنان درد رسیده در اسارت نگاه داشته شده یاری کردند. وبدینسان بودکه «مبارزات پراگنده ودیرین زنان جهان وارد مسیر معین مبارزه مشترك در سطح جهانی گردید .»

این فقط یك آغاز بود. هم پیوسته گشتن زنان در یك صف به مقیاس جهانی . کار زن فقط با اعلام هم بستگی به پایان نمی رسد. **باید او عملا یکجا در یك صف واحد همراه** بامردان درفش مبارزه‌ی طبقاتی را در دست گیرد، وبری بدست آوردن آخرین آرزوهای خویش تلاش نماید. آزادی اجتماعی وسیاسی زن وقتی می تواند به طور کلی تضمین‌شود که آزادی اقتصادی یافته باشد در روندتولید اجتماعی سهمی گرفته باشد. که در نظام های ناهنجار ولگام گسیخته‌ی سرمایه داری که بنیاد هایی ظالمانه دارد، این ممکن نیست ، زن در اسارت اقتصادی به سر می برد وبه گفته‌ی یکی از دانشمندان فلسفه‌ی نوین آزادی نهایی زن وقتی میسر است که : «تضادها وطبقات اجتماعی ازمیان رفته باشند.» در کشور های سرمایه داری این تضاد ها به اوج خود رسیده است، وازین روست که زن نمی تواند، آزادی کامل داشته باشد . اگر از سر تفنن ویا تظاهر در اداره‌ای کارمیکند وبه جایی گماشته میشود هنوز نتوانسته‌است که درهوایی سالم‌وصاف نفس بکشد، محکوم است، آزادی واقعی وراستین ندارد، هنوز مانند بازیچه ای با او برخورد می شود . نیروی سازندگی وآفرینندگی اورا به هیچ می انگارند . در کشور های دارای نظامی های منحط اجتماعی هنوز زن به آزادی های **نهایی خویش نرسیده است . در چار چوب** مناسبات فرسوده‌ی خانوادگی واجتماعی اسیر است . فرمان می برد وتحقیر می شود . محکوم به سکوت است وخاموشی، نمی تواند آنچه را حس می کند بیان نماید . آزادی هایی راکه کشور های دارای رژیم های منحط سوداگرانه به زن می دهد . آزادی ها ی قلابی ونیم بند است . نه آزادی های اساسی وانسانی . در کشور هایی چنین است که مبارزه‌ی زن به پایان نرسیده است و فقط اظهار یاری وهم بستگی او به جنبش رهایی‌بخش جهانی کافی و بسنده نیست. او باید عملا تفنگ به دوش بگیرد ودر صف مردان مبارز بایستاد صدای خودرا از دیواره های سیاه استبداد هرچه رساتر بلند نماید . بنیاد های کهن را فرو ریزد تابه رهایی و آزادی نهایی برسد. **باری فقط اعلام‌همبستگی** کافی نیست . باید مبارزه شود ، مبارزه‌ی پرشور وآگاهانه با ایمانی راستین وخلاق. سده های اخیرکه بیهودگی و باطل بودن نظریات شبه فیلسوفان وابسته به کشور های دارای نظام های سوداگرانه را ثابت کرد .

وزن توانست که دست به اختراعات شگفت **بزند . به ماهتاب دست یابد ، برای آزادی** ملتی به پا خاسته مبارزه نماید . رهبری **کشوری رابه دوش گیرد . کی** می تواند از پیروزی های اندراگاندی که د ر صحنه‌ی سیاست جهانی خوش درخشیده است ورهبری ملتی چارصدوپنجاه ملیونی را به عهده دارد ، افکار نماید . مگر جمیله بوپاشاآن دختر باشهامت الجزایری بر ضد ناروایی ها وناهنجاری وجهانخواری ها ی استعمار تاآخرین قطره های خون خود مبارزه نکرد ودرنش آزادی وآزادگی رادر اهتزاز نداشت وحماسه نیافرید ؟ لیلی خالد رابه یاد آوریم، آن دختر قهرمان دیگر عرب راکه کار نامه ی درخشان دارد ومی تواند سر مشقی باشدبرای زنان آزاده ی سراسر جهان. والنتینا تر شکوا رابه یاد آوریم که سینه‌ی کیهان را شکافت ودر بزم ستارگان راه یافت ومهمان ما هتاب گردید. باری سده های اخیر که سرای زن اندك مجال درخشیدنی داد مامی نگریم که زن شایستگی دارد، لیاقت وتوانایی دارد در همه‌ی زمینه های اجتماعی، ومی تواند خو ش بتابد ودنیایی راکه دور از مناسبات فرسوده وجان گداز باشد بیافریند ، همدست و هم صدا بامردان کار وپیکار صادقانه وشکوه - آفرین نماید، به‌یاد سروده یی از ژاله می افتم که خود زنی فرزانه وشاعری پیکارجو وانقلابی است ، زن خشم وعشق را یکجا در خود دارد . می تواند با عشق خود، با محبت های بی دریغ خویش وخشم خود سازنده باشد . زن با عشقی که به کودك دارد واو رامی پرورد ومرد میدانش می‌نماید از جمله ترین کار هارا انجام میدهد . او باکینه ی خود که برضد کاستی ها ومناسبات فرتوت می‌شورد نیز می‌تواند حماسه د لا و ر ی و شهامت ومقاومت را بسراید . زن سرچشمه‌ی زیبایی ها ودرخشندگی هاست و همچنان پویندگی اوکه از خشمی مایه می گیرد نیز می تواند اورا **سیمایی ارجمند وبرتر دهد .** ژاله که از زنان آزادی خواه و مبارز زمان ماست وشعر های او عصیان زن است د ر برابر بیداد وناهنجاری های اجتماع و چند سال پیش سرزمین خویش را ترك گفته و استبداد را وبیداد را گردن نه نهاد واکنون در کشور شورا ها به سرمی برد سر بارهی زن چنین سروده :

سلام ای زن !
سلام ای پیك زیبای آزاده
به‌یك دست تو جام باده
در دست دگر شمشیر ،
که‌گر آید به بزمت دوست
در بزمت شود سرمست .
وبر دشمن هجوم آور ،
برای رزم آماده ،
درود ای‌زن که‌بر صبر وفداکاری،
برای حفظ میهن ،
سرکوی بلند ایستاده
شب تا صبح بیداری .
سلام ای زن !
سلام ای زخمها مان را نیکو درمان .
درود ای زن !
شکوفان باش و جاودان .

زن به مقیاس جهانی از قدیم ترین روز گاران به اینسو در اسارت وعسرت و بدبختی نگاهداشته شده است ومورد بهره کشی و استثمار قرار گرفته ، برای آزادی از ستم طبقاتی او مبارزه‌ی بی‌امان لازم‌است . مقاومت ها وایستادگی های سامان ساز وهمبستگی های وهفتاد سال پیش ازین روزی تعین شده‌است که زنان با مبارزات خویش تجدید پیمان نمایند . در میهن ما که دارای سنن پرافتخار وفرهنگی گرانبار است زنان ما همیشه در برابر ستم بارگی ها وناروایی ها ،مقاومت کرده اند وبا آنکه در زیر شکنجه و آزار قرار داشته اند، ستم‌را نپذیرفته اند ، آزادی خود را خواسته اند ،وکار نامه های زنانی مانند، ملالی وزرغونه وزهرا، در خور یاد آوری است اما این مبارزات نیز به گونه‌غیر متشکل وپراگنده صورت گرفته است . منظم وبسیج شده نبوده است . در پانزده سال پیش ازین که حزب زنجیر شکن و مبارز دموکراتیك خلق افغانستان بنیاد گذاشته شد ضرورت این هم احساس گردید که زنان مبارز دوطن پرست نیز متشکل شوند .مبارزات وعصیان ها واعتراض های شان سامان بیابد. یك مشت محکم وپولادین گردند زیر دهان هرچه نا بکاری وناهنجاری است بکوبند. باری هم زمان باینبیاد گذاری حزب ظفرآفرین دموکراتیك خلق افغانستان ، به پیشوایی یگانه زن فرزانه ومبارز افغانستان دکتور اناهیتا سازمان دموکراتیك زنان افغانستان نیز بنیادگذاشته شدکه کوشش های‌خستگی ناپذیر وتلاش های سازنده وپیکار جویانه‌ی او در راه تشکل وسازمان دهی هرچه بیشتر زنان افغانستان در خور ستایش رقحسین است . دکتور اناهیتا که مبارزات دلیرانه و برخاش های سازنده‌ی او در جهت رهایی **راستین زنان حقیقتی آفتابی است‌باکارو پیکار انقلابی توانست که** زنان انقلابی ، دختران مبارز وعصیانی را در صفی واحد وسازمانی متشکل وهم بسته بسیج کند وبه نیروی شگفت ومادی مبدل **نمایدودر راه به دست آوردن حقوق پایمال** گشته‌ی زنان افغانستان مبارزه‌ی وسیع و گسترده انجام یافت از پانزده سال به اینسو سازمان دموکراتیك زنان افغانستان به‌پیروزی های بزرگی نایل آمده وصدای خفه در گلوی **زنان تحت ستم افغانستان رادر هرشرایطی** انعکاس داده است . سازمان دموکراتیك زنان افغانستان از پشتیبانی بی دریغ سازمان های مترقی زنان جهان بر خوردار است و همچنان با پیکار بی‌امان وپرشور خویش برای آزادی نهایی زنان ورهایی شان ازتحت سیطره‌ی ستم های طبقاتی وجنسی مبارزه می کند . روشنگری این سازمان وتلاش آن در بلند بردن سطح آگاهی سیاسی وشعور اجتماعی زنان ودختران افغانستان در خور **امتنان ویاد آوری فراوان است . به‌پیش‌به** سوی آزادی های نهایی زن در افغانستان. پایدار باد روز همبستگی بین‌المللی زنان در سراسر جهان .

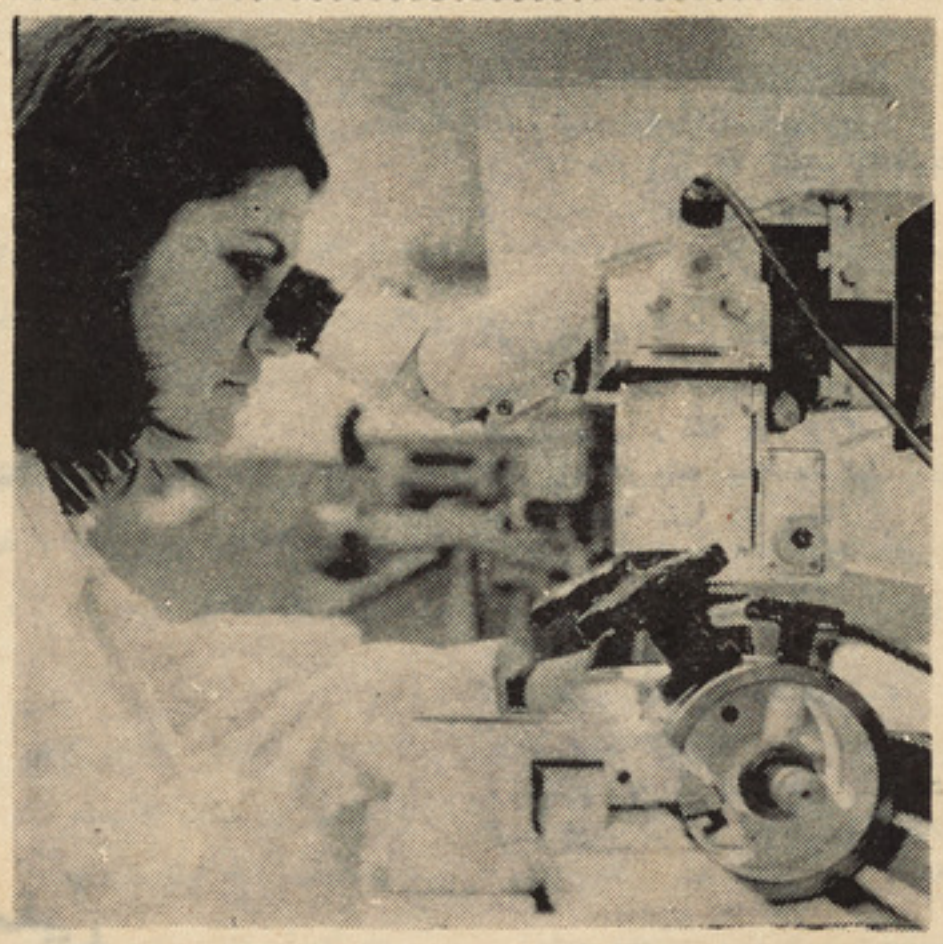

زن‌امروز این توانائی‌رادارد که‌مانندمرد:رامور تولید وکارهای پشت ماشین‌سهم‌فعال داشته" باشد.

داز میښت بټی

په بټی کی داز میښت می‌سول په کاردی
بشپړ شوی مـــی لانه دی چاندیوالـــی
لاخـا مـــی زما په لوښه کـــی ده‌پاتی
لامـــی کواپښی پښتونوالی پـــرکتوالی
ا‌مینی شکنجه خای‌ـ ۱۸ر۱۱ر۱۳۵۷

توبه

که‌دگناه خیری
په منگل مرګرلو پاکیدای
نو اوس به :
مجد شا نو مچی وای !!!
خرخی زندان ۸ـ۷ـ۱۳۵۸

پیښی

په تشو پیښو
نه وینا زده کیږی
اونه کا ر ...
که‌نه :
زنوتی به‌بل زبور نه وای
او تریږوبه بل کار یگر !!!
خرخی زندان ۲۸ـ۷ـ۱۳۵۸

انسان دوستی

نه‌به جنگ دوستی کی ده
او نه به پسه دوستی کی ...
که نه ،

نازیان به‌فاشیست کیدی نه

اویهودان به صهیونیست کیدای نه !!؟

۱۶ـ۸ـ۵۷

پوهاند او پیلسوب

نه‌له تشو خبرو خخه جوړیږی
اونه له تشو چرتو نو ...
که‌نه ،

توتی به هم پوها ند وای
او پیلمر غ به هم پیلسو ب !!!

دوکتور زیار ۱۴ـ۸ـ۱۳۵۷

ـ.فحه ۳۰

واپسین سرود

ای دختر هوس !
دیگر مرابه بستر شب‌های خود مخواه
دیگر مرا به صبح امید آرزو مده
دیگر لبان شعر مرا در سکوت شام
با آب اشتیاق لبت شستشو مده
دیگر ازین بعد مرا آشنای خودمخوان

ای دختر هوس !
دیگر نگاه لذت جا دوئی مرا
در پیکر سپید تنت خانمان مده
وآن خنده های مست‌دل انگیز خود دگر
در تنگی فضای شبم آشیان مده

آری دگر زباغ تپش های سینه ات
چون مرغ پیربال قفس دیده میپر م

واز گو نه های سر خ‌به‌آتش کشیده‌ات
داغی به‌سرزمین خزان خورده میبرم

آری ،منم فتاده در آغو ش تند باد
کزبزم توجو برگ خزان میبرد مرا
واین آه داغ شعر که گرداب ناله‌هاست
هر بامداد سر خ زخود میدرد مرا

آنجا روم که ظلمت شب آشنای فقـــر
چادر کشیده باز به‌سیمای مردمم،
غلطیده مست در نگه پاک کودکان .
آنجا روم که حلقه بیداد سا لها
در بر گرفته بازوی پای مردم

ای آفتاب عشق!
دیگر درون کلبهٔ من هرسپای سرد
بارقص مست گرده پاشان خود میا
بر بستری که یاد تنش تنش بسته‌است
گستا خ‌وبیهراس جو چشمان خود میا

زیرا که شعله های ترا مستی سکوت
دیر بست در اجاق تنم خاک‌کرده است
واز صفحه بریده رخم ، داله های اشک
«این گل عشیره هاکه ازآن .لحظه‌های‌سرد

شهدی زمن به کورهٔ کندوی زند گیت
تاراج‌کرده ای)
بادست مرمرین خو شش پاک کرده است.

فریاد توده هاکه «درون‌ساز» زندگیست
در بستر مواج رگم ریخت آتشش
دور از شرار توکه ازآن دختر سبو
ای آفتاب عشق ! نچید ست خوشه ای
در آه من دمید دم شور سر کشش

ای داس لبه تیز !
دیگر به لرزه های سر انگشت پیرمرد
ـگز آتش درون وی اکنون تپنده ای‌ـ
از برقه های تیغ لبت خنده ها مریز
بر آبگیر سر خ وی از پشت خو شه‌ها
دیگر نگاه شو خ‌بلند بر خود میز

زیرا ازین به‌بعد درآغوش پنجه‌هاش
دستان پرز شعلهٔ من نقش می زنند
وآن بال لرزه هاکه «نهان تاب‌رنجهاست
دیگر میان مشت گره خورده می خمند

ای‌چر خ کارگاه !
بر چهرهٔغمین کسی کز دو دست‌خویش
آتش به‌حلقه های خموشت کشیده‌است
وزآفت سکون که‌سخن گوی مرگ تست
مادر صفت همیش بدو شت کشیده است
یك لحظه از ورای نقا بت نظر بدوز
بنگر جسان جهان مرا میبرد به پیش

آری ازین به بعد جها نم جهان اوست
وین شعر پرز درد که همگام راهم است
زین پس نمای رنج وی و طفلکان‌اوست.
پاریس ـچهارم برج دسا مبر ۱۹۷۸

عبدالله نا نبی

از گلستان برچیده ایم

رستاخیز

از من سلام بر تو
ازماسلام‌برتو
ما در فصول این کتاب
ـبا هم شناختیم

تو چون خط درشت
بادست پرتوان وپتکی بسی گران
برشانه های ستبر کوهپیشه
ـحك شدی ۰

در قامتت رساله ی رستم
من ، از آنزمان که‌تو
ـتاراج می‌بردی
ـبرکام تلخ شب
ایماندار شدم
ایمان من به تست ۰
من، اینك ردای شب را
نابودمی‌کنم

باتو سرود زیستن
باتو نوری ماندن
آوخ چه خوش صداست ۰
تواز تبار نور ۰

بشیر «سخاورز زراب»

ای وطنه

ای وطنه ! کوهستانه
منظری دی آبشارونه
دایشیا دزړگی تاجه
ای زموږ ښکلی هیواده
کاڼی بوټی دی لعلونه

***

مینه مینه می ږودلی
ستا دښکلی سینی زړه کی
زه عاشق یم ستاپه غرونو
زه عاشق ستا په سیندونو
ستا فضا اوس نورانی دی
انقلابی دی اسمانی دی
په سروو ینودی گټمه ای زماگرانی، محبوبی

***

ماته زده دی غیرتونه
دپلرونو یادگارونه
ددښمن په ککریو
مودك کړی خند کونه
بیخی نه یم ویریدلی
نه دچانه شرمیدلی
زه‌هغه‌زانگوکی لوی‌یم‌چی‌لوستل می‌غیرتونه

***

مادزوړ دښمن برجونه
ددښمنو تور فوځونه
ددوی تور تور تاړاکونه
داناوړه یرغلونه
پوپناکړل زیارکښانو په‌سروتوروغیرهډونه

سنگروال «نیمگری»

دم فروبستن به‌وقت گفتن

کسی از متعلقان منش برحسب واقعه مطلع‌گردانید که فلان عزم کرده است ونیت جزم‌که بقیت عمر معتکف نشیند وخاموشی گزیند۰تونیز اگر توانی ، سر خویش گیر وراه مجانیت پیش ۰

گفتا: بعزت عظیم‌وصحبت‌قدیم که‌دم‌برنیارم‌وقدم بـر ندارم مگـر آنکه که سخن گفته شود بعادت مالوف وطریق معروف که آزردن‌دوستان جهلست وکفارت یمین سهل و خلاف راه صوابست ونقض رای اولوالالباب،ذوالفقارعلی درنیام وزبان سعدی درکام.

زبان دردهان ای خـردمند چیست ؟ — کلیـد در گـنـج صاحب هنـر
چودربسته باشد چـه دانـد کسی — که جو هر فرو شست یا پیلـه ور
اگر چه پیش خردمند خاموشی ادبست — بوقت مصلحت آن به که‌درسخن کوشی
دوچیز طیرهٔ عقلست ، دم فرو بستن — بوقت گفتن و گفتن بوقت خامـوشی

سیم دغل

زاهدی مهمان پادشاهی بود ۰ چون بطعام‌بنشستند ، کمتر از آن خورد که ارادت اوبودو چون به نماز برخاستند بیش ازآن کردکه عادت‌او، تا ظن صلاحیت در حق او زیادت کنند۰

ترسم ، نرسی به کعبه ای اعرابی — کین ره که تو میروی بترکستانست

چون بمقام خویش آمد، سفره خواست تـاتناولی کند۰ پسری صاحب فـراست دا شت گفت: ای پدر ، باری به‌مجلس سلطـان‌در،طعام نخوردی ؟گفت : درنظری ایشان چیزی نخوردم که بکار آید ۰ گفت : نماز راهم قضاکن که چیزی نکردی که بکار آید ۰

ای هنر هاگرفته بر کف دست — عیبها بر گرفته زیر بغـــل
تاچه خواهی خریدن ای مغرور — روز در مانـــدگی بسیم دغل

سعدی

سرمای بی‌مهر

تواز سردی بی مهر زمستان
چه میدانی که سر گرم از شرابی
به فرش‌را حت ودر کامرانی
دوبالا نشه‌ازبوی کبابی

***

غریوتند بادمردم آزاد
کسی داند که‌اندر روی جاده
بپااز صبح تاشام غریبان
به‌امید لب نانی ستاده

***

تن لرزان چو برگ‌بید بی‌بر
به فرق سر تنبگی را نهاده
به رگها خون اورا یخ‌گرفته
زبانش از سخن گفتن فتاده

***

چسان دعوت نماید مشتری
ندارد قوه نطق وبیانی
بهای آخرین نیم نانی است
بود گر درتن اونیم جانی

***

باین خوردی واین برگ وباری
تن اولحظه‌ای راحت ندیده
شب اندرخانه نمناك خفته
به‌فرش بوریا این رنجدیده

***

کمال خستگی آرد بخوابش
وگرنه منزل راحت ندارد
بروز وشب بغیر از رنج‌وزحمت
تن آسایی بخود عادت ندارد

***

بجای (توشك) وبالین راحت
بزیر سرنهد پاپوش وجامه
لحافی نیست اورا اندرانحال
بغیر ازتکهٔ ململ (عمامه)

***

سحرگه پیشتر ازمهر زرکش
زمحنت خانهٔ تاریك ونمناك
براید بی‌شکست آه سینه
زجانش دور باداچشم افلاك

***

فلك برهمت وبرطاقت او
هزاران آفرین از رشك خواند
بدست وبازوی کارآفرینش
ملك هابو سهٔ نور ی فشاند

***

چنین عزوچنین حرمت که‌دارد
بزیرآسمان لاجوردی
شرافت موج خیز ازدست وپایش
نصیبش جوهر ذاتی مردی

***

بدنیا شادزی ای مرد آزاد
که‌تاب زیر دستی رانداری
مکش نازمه ومهر وستاره
که‌خوی تن پرستی رانداری

حیدری پنجشیری

ترجمه :عبدالله سعیدی

از سپو تنیک

استعداد های اطفال در قسمت رسامی و نقاشی

طفل معصوم که هنوز از یک تا ده حساب کرده می توا ند به بسیار ذوق وعلا قه به کمک برس های در دست داشته با لای برف، تو سط تبا شیر با لای اسفا لت و تو سط پنسل در کا غذ رسم می کند . گرچه رستم کو چك هنو ز قانون دور نماریکی از قا نو نها (رسامی) را نمی داند ، انسان را نظر بیك تعمیر بلند بزر گتر رسم می کند ودر رسا می ها یش تفا وت بین خر گو ش وگر گ نمی باشد اما در هر یکی از آنها پرواز آزاد فا نتاز ،احسا سات نیك وحقیقتی را منعکس میسا زند که بصو رت عموم قصه های خوب ازآن بر خوردار می با شند .

نکته عمده در این جا این است که اطفال بکمك رسا می از بر تری های هنر رسامی بهره مند میشوند. کدام چیز ها را اطفال رسم می کنند؟

در اتحاد شو روی هر سال در صا لو نهای اکا دمی رسا می نما یشات زیاد دا یر می شود اما در هیچ نقطه آن به این اندا زه آفتاب نه می در خشد مثل اینکه نما یشات رسا می اطفال از آن بر خوردار می باشد . بطور مثال آفتاب را بعضی ها پشمی ما نند گل قا صدی یا نارنجی بادست های زیاد ما نند آفتاب پر ست، یا سرخ رنگ با شعا عات طو یل مانند انستن سفینه تصور کرده وآنرا در روی کا غذ رسم می کنند. شعاع آفتاب ، برفهای سفید، ابحار نیلگون ، ریگهای زرد ، جنگلهای درخشان می نمایند وهمه جا از آن مستفید می شو ند . بصورت عموم در تمام زبا نها یك لغت گرا نبها برای اطفال بطور مشا به طنین انداز می باشد این لغت (مادر است). بعضی اطفال پر ستا ری ما در را بشکل رنگه وقشنگ رسم می کنند . ما در به اطفال غذا های لذیز می پزد، سواد به ایشان می آموزد ، گاو ها را می دو شند .

البته در رسا می های شان نقا یص عجیب وغر یب وجود دارد بطور مثال سر ما در نظر به تنه بسیار بزر گ، دست را ست نظر به چپ کو تاه ، یك چشم نظر به چشم دیگر بلند تر رسم شده است . اما در مقا بل طفل در این مورد سعی بلیغ نموده وتقصیر از او نیست اگر بر سس انحراف بکند . این نکته مهم نیست زیرا مهم این است که طفل فکر می کند که ما در شس از همه خو بتر ومهر بان تر است. همه اطفال در مورد مادر خود این نظر را دارد اما برای اینکه ما در خو شبخت با شد ضرور است تاپدر نیز مو جود باشد. اطفال پدر را نیرو مند تصور کرده وخیال میکنند که در همه حالات از او دفاع کرده می تواند. او همه چیز ها را می دا ند وحتی اشیای بسیارمغلق رابه آسانی می سازد . اطفال سعی می کنند تا از برادر خود دور نمانند وسعی می کنند خود ورفقا یشس را رسم نمایند که جمعا با هم بازی می کنند ودر تحت آن می نویسند :« این من واین دو ستم» .

بصورت عموم در بعضی موا رد منها رت سا ده اطفال به قله اد بیات سیا سی واجتما عی نزدیك می شود. که بخا طر میهن خود میجنگند وغیره عنعنات ملی خود را در کا غذ به شکل رسامی انعکاس می دهند بطور مثال یك دختر دوا زده سا له مکتب سکنه لیننگراد زمان محاصره شهر خود را رسم نموده گر چه خود او دیر بعد بد نیا آمده ومزه های تلخ زمان محا صره لیننگراد را نه چشیده وزحما تی فرا وا نی را متحمل نشده است . در اینجا سوال طرح می شود که پس چطور می توا ند این خاطرات را رسا می کند ؟

علت این است که او را جع به شهر ومحا صره آن تو سط فاشیست ها، مطالعه کرده وبعضی از حوادث را از بز رگ سا لان شنیده است.

مثلا در یکی از رسا می های خود ما دررا با طفل اشس که ما نند عندلیب پر ها یش را راست می کند نشان داده شده است . اطاق خالی وسرد است . مواد سوخت تمام شده .فکر میشود که حتی دیوار ها منجمد شده اند . اطفال رسام های بدون تشکل اند اما برای اینکه در بز رگ سا لی اشخا ص با سواد بار آیند کوشش شود که از سن

دو سا لگی با آنها در این مورد کمك های همه جا نبه شود . بطور مثال در اتحاد شو روی اطفال فن رسا می را ازسن دو سا لگی‌می‌آمو زنـــد. محا فل رسا می‌به اندازه است که حتی شمار آنها مشکل است . بـا اطفال اشخا ص ما هر ومجرب کمـك می کنند . بطور مثال در یکـــی از قسمت های‌مسکو ستد یوی اطفال هجده سال قبل افتتناح گرد یده که تا حال در آنجا اطفال از سن سه‌الی پنـج سا لگی فن رسا می را می‌آمو- زند . یکی از رسام های مشهـور ریبچنسکی در این مورد میگوید : درو سس بعضی او قات در هوای‌آزاد تد ریس می شود وما سعی میکنیم تا اطفال زیبا یی های محیط پیرامون را ببینند واز پهلوی این‌همه‌نگذرند. هدف ما بطور مکمل این نیست که اطفال همه رسام بار آیند بلکه نکته عمده این است که درآن ها رو حیه زیبا شنا سی هر چه نیرو مندتـــر شود . بنا همه بدون امتحان وآزما- یش پذیر فته میشو ند . مـــا معتقد یم که اطفال بی استعدادوجود ندارد هدف ما فقط تقویه رو حـــی رسا می وزیبا شناا سی در آنهـــا می با شد . »

او لین نما یشگاه رسا می ونقا- شی اطفال در اتحاد شـــوروی در پا یتخت شو روی ار منستان شهر ایروان دایر شد .در دو هفته اول یکصدو بیست هزار نفر از آن دیدن بعمل آوردند . در حال حاضر تقریبا همه اطفال فن رسا می را می آمو زند ما دران وپدران همیشه در ایـــن مورد با دیگران گفتگو می کنند که چطور باید شود تا اطفال شان هر چه خو بتر وسر یعتر این فن را بیا- موزند .

نکته جا لب وعمده این‌است که این تاثیر ات بالای بز رگ سا لان نیز الـر گذاشت وحال اشخا صی به این فن عـلا قه مند شده انـــد که سا بـق فکر می شود آنها اصلا استعداد رسمی را ندا شتند .

بعد از دو سال همچنان در شهر تبلیسس پا یتخت گر جستان‌شوروی نما یشگاه نقا شی اطفال بر گزار شد که بعد از آن مردم در شهـــر کیشنوف پا یتخت جمهور یـــت مو لداوی مردم ازنما یشگاه استعداد های اطفال دیدن نمود ند .

در این زودی ها مو زیم هنـــر اطفال سرا سر اتحاد شو روی نیز دایر خوا هد شد . به این تر تیب در سنین بز رگ آنها نه تنهـــا با فن رسا می مها رت خواهندداشت بلکه زیبا شناسی درآنها هر چه بیشتر نیرو مند تر میشود .

ترجمه :ـ ع، س

گروه‌هنری دختران‌خوردسال

این گروه بنام مز یوری یـــاد میشود وزما نی به اوج شهـــر ت رسید ند که همسا لان این‌هنرمندان هنوز به با زی های زمان طفو لیت چون ریسمان باز ی ودو ختـــن لبا س گدی های شان مشغـــول بودند .

در یکی از روز های‌تا بستا نی به استرا حت گاه اطفال بنام«مزیا- نتی» که به لسان گر جی معنی شهر آفتاب را مید هد دو تن نا شنا س باگیتارهای‌شان‌آمدند اطفال‌استراحت گاه از آنها با شور وهلهله پذ یرایی کرده وفر یاد میکشید ند :

(هنر مندان ما خو شس آمد ید!).

هنوز این دو تن قصد اجرای‌کنسرت راندا شتند به جمـع اطفال پیو ستند ودر با زی ها وسر گر می ها حصـه می گر فتند . این دو تن ناشناس که‌یکی‌گورام جا نا نی ودیگری‌سخیر لادزه نا میده میشد ند بعد از سه‌روز تفر یـح وآشنا یی با اطفال استرا- حتگاه هدف آمدن خود را به اینجـا چنین‌اعـلام کرد ند : در شهرتبلیس در قصر اطفال گروه هنری استراد تشکیل میشود وتنها دختر ان خورد سال در آن جـذب شده میتوا نند. کسا نیکه خوا هشس شمول را درین گروه داشته با شند میتوا نندچانسی خود را بیاز ما یند .

بعد از ختم اعلان شا نزده نفـــر ثبت نام کرد ند . این شا نزده‌نفر همه به هنرمو سیقی وآواز خوا نی تا اندازه دستر سس داشته ودر مکا- تب‌مو سیقی درس می خوا ند نـد. بعد از ختم دوره استرا حت همـــه آنها به شمول چار نفر دیگر در قصر اطفال شهر تبلیس آمد ند . همه اینها در حدود سن هشت سا لگی بودند. رهبران با اعضا به مشوره پردا ختند تا نام گروه را انتخاب کنند. یکی از دختران به یاد روزهای خو شس استرا حت نام «مز یوزی» راپیشنهاد کرد که از طرف دیگران‌به بسیار خو شی تائید شد .

باالاخره زما نی فرا رسید کـــه گروه هنری مز یو ری او لین‌کنسرت خود را اجرا کرد. او لین آهنگـــك راکه بنام «نزد مادر کلان به قریـه میرو یم» یاد میشد تو سط ستا ره آینده این گروه ما یا ژا بوا سروده شد در تمام اتحاد شو روی پخشس گرد ید وبا استقبال بی نظـیرشنو- ند گان موا جه گرد ید .

بعد از خوا ندن پار چه آهنگـــك اولی‌که با کف زدن های ممتـــد تما شا چیان موا جه گرد ید از مایا تقا ضای اجرای دو باره آهنگ را کرد ند مایا در عقب پرده ستیـــج به مادر شس چنین گفت : آنقدرخراب میخوا نم که از من تقا ضای تکرار آنرا میکنند ؟ اما نمیدا نست چقدر زیبا خوا نده است . آر گن‌نوازگروه نوتسکی نام دارد .زما نی به نواختن آر گن شروع کردکه‌بزحمت میشد قا مت کو چك اورا از پشت آر گـن دید.گرچه حالادخترك‌بز رگترشده‌اما هنوزهم کم حرف وسا کت است .اما بر عکس جاز بند نواز گروه که‌لیا نام دارد شوخ، حا ضر جواب وبذله گو است . لیا به مها رت خا صی جاز بند مینوا زد واو را میتوان روح آر کستر خوا ند .زمان اجری آهنگ کو هنوردان پا های اوخود بخود می رقصند .

بقیه در صفحه ۵۲

نمایی ازیك کنسرت گروه هنری دختران خورد سال

دوستان عزیز !

با ما مکاتبه نمائید

شعر ، داستان و مطالب دلچسپ

و خواندنی بفرستید

در باستیل امین

در حصار دیوار های سنگی
بلاک ها ،
این جایگهٔ زنده بگوران
چون مرده های پس از جنگ
پهلوی هم خوابیده اند .
در میان این لانه ها
درپس میله ها وپنجره ها
اسیران !
این دلاوران زمان ،
این پرخاشگران وستیزه جویان ،
این ره آوردگان یك شب لذتبار ،
این قربانیان خدعه وبیداد ،
واین محکومین به نیستی
با پیکر های بی توان
آنچنان می‌نمودند .
که تو گویی همه مرده اند .

• • •

سیاهی شب برسپیدی روزچیره شد
قلب هادرسینه آدمیان تپید
قفل ها باز شد
نالهٔ درهای آهنین برخاست

صدای چکمه ها، دردل دهلیز هاپیچید
در نگاه های این موجودات بی پناه ،
هزاران امید با هزار خواست انسانی
موج میزد .

جلادان مکر رسیدند

هرکی خودرا از دید میر غضبان ،
نهان می کرد .
سرانجام
ازمیان سه تن را برگزیدند .
یکی پسر ،
دیگری پدر ،

وآن دیگری چند صباحی ،
از شب زفاف خودراپشت سرگذاشته بود

پس از اندك زمان
روح هرسه در آسمان
سرگردان شد .
اهریمنان خندیدند
فرشتگان اشك ریختند .

(شاهین)

یك داستان کوتاه

نوشته : فاروق (لعلی)

دو دها

تف شب های تابستان همه را ازخانه ها رانده‌بود ۰بیشتر مردم روی تخت بام شان غرق‌در آرزو های گوربه پهنای آسمان می نگریستندویا خواب های تلخ وشیرین می‌دیدند ۰ستاره ها خیلی زیاد بودند وبدون اینکه خسته‌شوندچشمك می زدند۰ مهتاب یکه‌وتنهانیم‌رخش را جلوه گر ساخته بود ۰ گاه گاهی بادخنکی‌ازلای درختان می‌آمد ۰

جعفر هم گردی ناتکمیل ماه را نگاه می‌کرد۰شاید صورت پیچیده به چادر کسی رادر آن می‌جست او مهتاب رادر میان دود هامی‌دید، دود های که خلق می‌شدند، می‌رفتند اما بر- نمی‌گشتند ۰ وقتی از دیدن آن ها دلش تنگ‌میشد ،نی چلم رابه‌طرف‌دهانش بردوبعدتانفس داشت به طرف سینه اش کش کردو پس ازچندلحظه‌یی حلقه آنرا از دهانش بیرون کشید۰ دودها بازهم بالامی رفتند وبعد ناپدیدمیشدندجعفر مثل گرگ خسته یی نالید : (دودها کجا می‌رین ؟مگه مه آدم بدی هستم ؟از آسمان‌چه‌دیدین ،اوشماره در درون خود غرق‌می‌کند لاکن باور کنین ، مه چرسی نبودم ، مره غم ها، دردهای دلم چرسی ساخت ، مره رنج ها گفت که شما ها رابه گلو یم داخل کنم وبعد به‌طرف‌آسمان پف تان کنم ۰

مادرش سرش رااز ملاق ارسی بیرون‌کردوآرام صدا کرد :(جعفر بچیم ! همرای چرس همه زندگیت ازدست رفت ، تره‌به حجت‌الـــی‌جات قسم ، بس کو ۰)

حرف های مادرش اسپ‌اندیشه اوراز طویله‌سرو خیالش بیرون راند ۰ خودش رابه طرف ملاق ها کمی خم کرد وگفت:ننه !هرکس‌جای‌مه می بود دیوانه می شد، سربه صحراوبیابان می‌زد ۰ اگه دود هاغم هایمه‌نسوزانه دلم‌می‌ترکدایشهابرای یك لحظه دوستم هستند اماهمدمی خوبی برایم هستند۰۰

شکست سکوت همه جا را سحر کرد۰جعفردوباره غرق اندیشه هایش‌شد۰ مثل هرشب می‌خواست خیال هایش ایجاد گرخاطره های‌آنروز گردد۰ روزی‌که آفتاب‌جعفر غروب وروی مهتاب قلبش را ابر ها گرفت ۰

بازهم لبانش رابه نی چلم تکیه داده‌قلقل‌چلم بلند شد۰ لحظه های بعد تر دودها حلقه حلقه از دهان‌جعفر بیرون‌شدند۰ قهرمانان خیال‌اوهمین حلقه های دودبودند او در میان دودها صورت روشنتر از صورت امام گلنار رامی‌دید۰درست مثل همانروز از میان‌دودها صدای گلنار را می‌شنید که با بغض گفت : (جعفر ! سوغاتی‌خوده بکی وبرای کسی دیگری بـــبـــر۰)

جعفر وقتی سرش را بلند کرد چشمان اشك‌آلود گلنار را دید ، چشمانش‌رابزمین دوخت وگفت (چرا؟عهدوقولت چه‌شد؟)گله‌اش‌می‌چرخید چشما نش د و د هـــا ی را مقابلش دیدند ۰ دود های حلقه حلقه ، دود های که‌مثل‌درخت های ناجو بودند وبالاخره دودهایی که بدون شکل از جلوش می‌گذشتند ۰اما گلنارباهق‌هق گریه اش اورابه دنیای چار طرفش‌آورد وآرام گفت : (به خدا گنایم نیس ، کارازکارتیر شده بود ۰
چرا که قندو دستمال داده بودند ۰)

پاهای جعفر پیش نمی‌رفتند اما برای اینکه‌صدای گریه گلنار را نشنود در پیچ و خـــم کو چه ها پیچید نمی‌دانست کجا می‌رود و چه‌می‌کند ۰ از آنروز به بعد صورتش را نتراشید، چشمانش به درون فرورفتند وزردی چـــهره‌اش بیشتر می‌شد ۰

بقیه‌درصفحه۴۹

نوید

شاد زی

شاد زی ای کـارگـر ای رنجبر
شاد زی ای پینه دوز ای پتره‌گر
شاد زی ای نـونهـال این وطـن
شاد زی پیروجوان ای مرد و زن
شاد زی ای یاردهقان خوشه چین
شاد زی ای مرد صحرا بعد ازاین
شاد زی ای بـاغبـان ای برزگر
شاد زی ای تودهٔ بی سیم و زر
زانکه صلح ویکدلی پیمان تست
صد نوید امروز درفـرمان تست

از: خـوشه چین

سوگند

به شرف والای مردم
به نیروی توانای کارگر
به کار دهقان ستمکش
به آوارگان کوه پایه ها
تاکشت ترا ـ زمین ترا

به ارمان های انسان رنجبر
مرا سوگند است ای وطن
تا دشت است ای وطن
دامن ترا سازم چو گلشن
به سوز قلب های سوزان
به اشك رود بار چشم یتیمان

به آه سینهٔ پاك مادران
به رنگ افسرده پدران
به آرزوی برباد رفته نو عروسان
به یاد عزای بزرگ شهیدان

به‌مزارع خونین قربانیان
مرا سوگند است ای وطن
دامن ترا پاك سازم از وجود دشمن
به کوه پایه های بلند تو
به رود های پر غریو

به همت فرزندان ارجمند تو
به زندگی گذشته وآینده
به کار وپیکار اردوی پیروزمند تو
مرا سوگند است ای وطن
آباد خواهی شد ای خانه مشترك وکهن

فیروز کوه

زینب‌شکوری : برهمه مادران وطن است‌تادراعمار جامعه خودسهم فعال داشته باشند.

سوزن دوزی یا این ...

گذشته وحالا می باشم درجه هفت ومعاش بنده هم ۱۶ صد افغانی شده البته با کوپون کوپراتیف .

از سیما یش چنین معلوم مـــی شود که چرخ‌روز گـارباوی ساز گاری نـکـیرده می گوید : تلخی های بی‌عدالتی وظلم دوران حکمروایی ظاهر- داود وبالاخره میرغضب‌شاه امین را چشیده رفـتیم که کام مارا چنان‌تلخ کـــرده‌وآزرده است کـــه سالـــهـــا به کاراست تا این تلخی هاشرین شود. حـال چند مدتی می‌شود که قطره های شرینی یکی پی دیگر به کام مامی ریزد. گفتنی هـا ز یاد است‌خو ..

نامبرده درباره بافت وکار این شعبه‌می‌گوید: درابتدا وقتیکه مادرین موسسه شروع به‌کار کردیم بافت جاکت با سیخ ودست بود که تولیدات مـــاهـــم کمتر ، بعد از دوســـه سال ماشین های بافت رسید وکار ماشینی شد البته در پهلوی آن واضح که تولید هم بالا رفت .

خانم دیگریکه خودرا (مکرمه) معرفی می کند می گوید : من هم مدت هجده سـال میشود درین موسسه مصروف کار هستم‌باید بگویم که شعبهٔ ما اصلا شعبهٔ بافت بـــرای اطفال است اگر بعضا فرمایشاتی بـه ادارهٔ ماداده که می شود جاکت های مردانه‌وزنانه‌هم می بافیم .

-روزانه چندجاکت بافته می‌توانید؟

- اگر جاکت ساده باشد روزانه هر نفریك جاکت واگر گلدار ونقش دار باشد وقت را زیـاد تر میگیرد، درقسمت فرمایشات با یـد بگویم که جاکت های زنانه عموما دوصدو - پنجاه افغانی اجرت دارد ومردانه یکصدوپنجاه افغانی وآنهم نظربه ساده بودن وغیر ساده بودن جاکت فرق می کند یعنی از جاکـت های ساده قیمت کم تر وجاکت های پرنقش وگلدار که بادست و سیخ کا ر مـــی شود اجرت زیادتر گرفته می شود در قسمت‌فروش باید بگویم که عموما برای فروش جاکـت های طفلانه ، پیراهن های طفلانه‌وخرسك های طفلانه‌می‌بافیم که‌قیمت یك پیراهن آن نظر به بافت یکصدوهفتاد ویکصدوهشتاد ا فغا نـی می باشد .

- کار های تولیدی شما به بازار عرضه می شود ویا چطور ؟

- نخیر خود موسسه غرفهٔ فروشات دارد که کار تولیدی مادر آنجا به فروش می‌رسد می‌پرسم چرا اجرت جـا کت های زنانه نسبت به مردانه زیاد تر است ؟

- بخاطر اینکه جاکت های مردانه آسان بافته میشود ووقت کم تر رادر برمی گیـرد، واکثرا ساده می باشد اما جاکت ها ی زنانه شما خود میدا نید که خا نم هـــا به گل وبرگ ، نقش ونگار و خم و پیچ علاقـــه زیاد نسبت بـــه مردها دارنـــد قسمی که‌دیگر البسه‌مردان‌نسبت به‌زنان‌ارزانتر است جاکت را هم درپهلوی همه ضرور یات حساب کنید به‌غیر از خورا که (!)

- چرا مگر دریشی مردانه نسبت به زنانه ارزا نتر است ؟

-نخیر ،به نظر من اکثر مردها اگر یك در یشی می سازند تا کهنه نشود از هما ن در یشی استفاده می کنند اما زنها اگـــر در ما ه یك پیراهن ، جا کت ، بو ت ، وغیره بد ست نیا رند مثلیکه گدا شده‌باشند نان شا ن در.... تر است .

این خود دلیل شده نمیتواند بـــه‌نظرمن دریشی مردانه نسبـــت به‌پیراهن زنـانـــه قیمت تر تمام می شود .

خوب به غیر از دریشی حساب کنیـــد که دیگر همه اسباب مورد ضرورت خا نم‌ها قیمت تراست البته این نظر من است دیگر شما می‌دانید.

-بر خورد آمرین و کار کنان موسسه باکار گران چطور است ؟

-طبیه که زیاد خوش صـــحبت اســـت چیز ها ی می گوید و همه کله شور مـــی دهند اما می گو ید شما رابه خدا درو غ گفـتم که نوشته نه کنید . باید بـگویـــم آمریـــن ما همان آمرین سابقه استندامابـــا پیروزی انقلاب شکوهمند ثور که یارومـدد- **کار کار گـــران می باشد بالای رویـــه** آنها تا ثیر بس عمیق گذاشته و حا لهمه بر خورد ها انسا نی و قا بل قدر است‌هنوز هم به انتظار خو بی های دیگر نیز مـــی باشیم بخصو ص که حفیظالله (جلاد) وباند کامی ها یش نیست و نابود شده و به‌گودال تاریخ سپرده شده اند .

-معا شی را که از موسسه بد ست می آرید کفا یت شما و فامیل تافرامی کند ؟

-طبیه می گوید بلی یك خودم هستم و برادر زاده ام که بامن زندگی می کند .

-چرا شما خود طفل ندارید ؟

-با مکر مه همکارش هر دو می گو یند **از ابتـــدا تاحـــال‌دچار جـــاروجنجـــال** خانوادگی نه شده ایم‌و همسر نه گر فتـــه ایم .

البته چرخ روز گار مارا به دام همسرحلقـه نه‌زده ویا بخت ...

باید بگو ییم که از زندگی را ضی بوده وبا بردران خود زندگی می کنیم .

-خوب از انواع بافت سخنی نه گفـــتید؟

-باید می گفتیم اما چون بافت ماماشینـی است‌مون را به‌ماشین‌می‌اندازیم وجاکت حاصل. اما قسمیکه قبلا گفتیم نظربه فرما یش‌اگر گل وبر گ دار با شد با سیخ ودست کار می کنیم که جالی با فی - چو تی با فی- خشت بافی وغیره می‌باشد.

خانم دیگری آنطرف میز بافت‌عقب میزدیگری قرار دارد ماشیـن خیـاطـی را پیش ر و ی مانده و لبا س طفانه می دوزد از بس‌مصروف است گرگر ماشین فضای اتاق را به‌صدا **آورده مـــزاحم کـــارش می شوم وصحبت** را ازسر میگیرم میگو یـد، نامـــم ز ینب مشکوری است و مدت هشت سال می شود درین مو سسه کار می کنم که در ابتدا در جه ۱۷و حال درجه هشت می با شم ، هفت ماه از عروسی ام گذشته بود که‌همسرم فوت شد چو ن طفلی در راه داشتم بـــه انتظار ش بودم که دختری به دنیا آورد م وزند گی را با دخترم از سر گرفتم ،چون عاید دیگری نداشتم لباس زنانـــه و طفلانه می دوختم واز اجر تش گذاره زندگی خودرا میکرد م تا اینکه درین مو سسه شا مـل **کورس خیاطـی شدم و دوختن لبـــاس‌را خوبتر آموختـــم بعدازختم کورس‌تصدیق‌درجه** اعلی بد ست آوردم و دوباره مرا جمه کار را درین مو سسه نمود م با وجود یکـــه تصد یق درجه اعلی بد ست داشتم به‌حیث اجیر درجه ۱۷ پذیرفته شد م .

چون نخـــواستم همسر دیگری بگـیرم به هما ن در جه قنا عت وبه کار خود ادامه دادم .

-خوب دختر شما چه شد ؟

-دختر بی پدر را تر بیه نمود م و بـه مکتب شا ملش کردم که اکنون صنف دهم لیسه سازمان مسلکی زنان می با شد ،بخاطر اینکه خود م در همین مو سسه کار می‌کنم **دخترم را هم نزدیـــك خودشامل‌مـــکتب ساختم تا گاه ناگاه از دیدارش ســـیـــراب** با شم .

-البته مادری‌قهر مـــانی استیدکه‌بخاطـــر تر بیه دختر خود دیگر همسر نگر فتید!

-با ید همه مادران در تر بیه اطفال شان تا پا ی جا ن بکو شند چرا همین مادران اند که آینده وطن بد ست اطفال شا ن‌می با شد حا ل بر مادران است که چه قسم **اولاد تـــربیه می کنند خوب ویا ...**

-خوب روزانه چند دست کالای طفلا نـه می دوزید ؟

-اگر کار کالا ساده با شد روزا نه یك **ویادوجوره اگر فیته کـــاری وفرمایـــشات** گو نا گون با شد کمتر از آن - نامبرده افزود : لبا س ها ییکه سوزن دوزی دا رند ماسون دوزها یی داریم که کالا را بـــه خانه هایشان‌می‌برندبعدازسوزن‌دوزی‌آن برش و دو خته می شود که تو لیدا ت ما در غرفـه فروش خـو د موسسه به فروش مـی رسد .

-می گویم شما که زندگی را وقف دختر خود کرده اید خدا کند دختر شما در آینده خد مت شما را هم بکند . در همین لحظـه که دخترش بلقیـــس هم حاضر است‌مـــی گوید ! مادرم که زندگی خود را وقف‌من کرده است این بر من است که چکو نـه خد مت مادر خود ودر پهلوی آن از همـه ما درا ن وطن را بنما یم .

-مو فقیت نصیب تا ن باد

میمون برای بازی

دختر یکه تا زه شو هر کرده بودحکا یت زند گا نی سا بق خود را برای شوهر خو یش نقل نمود ه ومیگفت:

از جمله حیوا نات که من در خانه‌پدردا شتم یکی هم میمون بود که خوب با زی میکرد ومرا هم بسیارسر گرم نگهمیدا شت . ولی افسو- سی‌که بسیار عمری نکردو بمرد. شوهر گفت : اگر حالاهم‌میل داشته باشی ممکن است من یك شا دی قشنگی رابرای تو بخرم .

زن جواب داد : نه لازم نیست زیرا حالا که ترا دارم به میمـــو ن احتیاجی ندارم .

زن‌ودرویش

زن دور یشی بخا نه همسا یـــه اش‌که بر او مصیبتی وارد شده‌بود میر فت . درو یشس به زن خـــود گفت : کجا میروی ؟زنش جواب‌داد: برای تعز یت وابراز تسلیت بخانـــه همسا یه میروم .

درو یشس گفت: در خا نه برای اطفال خوراك چیزی سا خته‌ای ؟

زن گفت : درخانه نه‌آرداست و نه نمك ونه هیزم ، چه بسا زم ؟

درویش گفت : پس مصیبـــت حقیقی در خا نه ما است، تـــو کجا میروی ؟

بدون‌شرح

سلمانی ومرکب

مرد دهاتی میخواست سرش رابتراشد ولی‌دردهٔ خودشان سلمانی نبود ، ناچالار بسواری خرخود بده مجاور خودرفت وافسار خرخـودرابدرخت بسته کرد وزیر دست سلمانی نشست ولی مرد سلمانی موقع تراشیدن سراو مرتب‌سرش را خون میکرد و دهاتی بیچاره ازشدت سوزش ، اشك در چشمش حلقه زده بود:دراین‌اثناء خر رم‌کرد وافسارخودراکندوسر به‌بیابان زد .

سلمانی باسادگی از دهاتی پرسید : چراالاغ شما رم کرد وفرار نمود ؟

مرد دهاتی جواب داد بیچاره خرمن خیال‌کردکه‌شما بعد ازمن میخواهیدسر اوراهم بتراشید!

چرابه بیلر تنظیفات اندازم- ازاین طریق سهلتر است

سوال

مر یضی برای عمل جرا حی پیش داکتر جراح رفت واز او سوال‌کرد که:چرا جرا حان در مو قعیکه‌عملیات میکنند ،صو رت خود را با پا ر چه سفیدی میبند ند ؟

داکتر جراح بلافا صله جواب‌داد: برای اینکه اگر در عمل جراحی‌موفق نشدند ، بیمار آنانرا نشناسد .

شاعر کم‌حرف

شخصی به شا عری گفت :شعر بخوان !

-گفت : از متقد مان با شد یـــااز متا خران ؟

-گفت :از متا خران .

گفت :از افکار خودم بخوا نم یااز

گفت : از خودت

گفت : قصیده بخوا نم یا غزل، ربا عی یا مثنوی ؟

- گفت : مثنوی .

-گفت : رزمی با شد یا بز می؟

-گفت : بزمی .

-گفت :عار فا نه با شد یـــا عا شقا نه ؟

-گفت عا شقانه .

- گفت :حقیقی با شد یامجازی؟ بیچا ره که از تقا ضای خودبیزار شده وکا مـــلا به ستوه آمده بود گفت : تشکر برای امروز همینقدر کا فیست !

یتیم

ملیو نری سوار تکسی شد ،وقت پیاده شدن بیست افغا نی به‌تکسی- ران داد. تکسیران گفت : اما دیروز دختر تان که سوار تکسی شد، بمن سی افغانی داد.

ملیو نر گفت : آخر او پدر دارد ولی من یتیم هستم .

چراقرت کرده‌اید؟

روزی احمد از مادرش پرسید :

-مادرجان علت بلندی شکم شما چیست ؟

مادرش جواب داد :

- درشکم من یك طفل است .

- مادر جان آیا اورا دوست دارید ؟

-بلی ، چرا دوست ندارم ؟

-چقدر او را دوست دارید ؟

مادرش گفت

-مثلی که ترا دوست دارم .

احمد باز سوال کرد:

- پس چرا او را قرت کرده اید ؟

ازدواج بازن همسایه

کریم روزی نزد مادرش آمد وگفت :

- مادر جان ، برادرم محمود را دیدم کـــه روی دختر کاکایم را بوسید .

مادرش گفت:

-فرقی نمیکند او نامزدش می‌باشد . وچند روز بعد باهم ازدواج می‌نمایند .

کریم گفت :

- پس پدرم چه‌وقت بازن همسایه ازدواج می‌کند ؟

ارسالی روح‌الامین (همدم)متعلم‌صنف‌یازدهم بغلان صنعتی

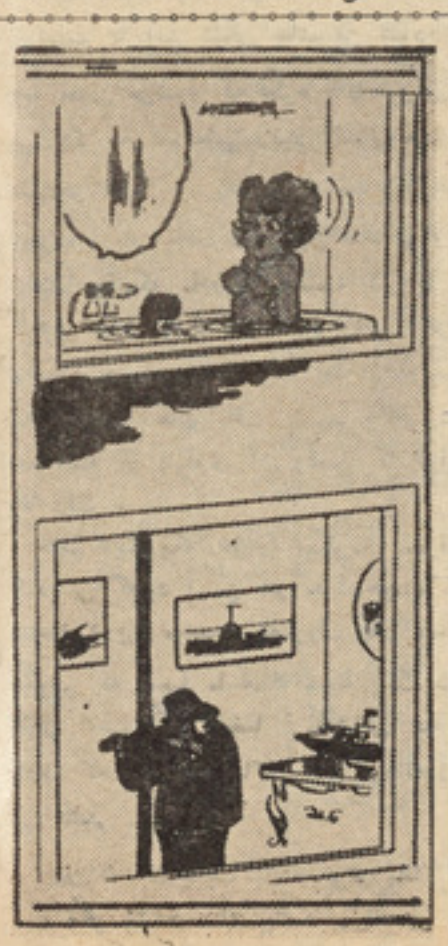

بدون شرح

دروغ پردازان امپریالیزم

شاعر ورفیق

شاعر مهمل گو یی قصیده نا-
ر بوطودور از مفهوم وقوا عدشعری
سا خته وبرای رفیقش خوا ند وازاو
پرسید که : چگو نه است ؟رفیقش
گفت که : بسیا ر بی مزه و
بی ربط سا خته ای!

در ینو قت شا عر به خشم شده‌و
اورا دشنام داد.

رفیقش مودبانه گفت : الحق که
نثرت بمراتب از شعرت بهتر
است !؟

انتخاب وار سا لی احمد طارق

آرزوهای بشر

چهار نفر دوست در گوشه یی نشسته بودند و هر کدام شان از آرزو های خوددم میزدند وسخنانی میگفتند • نا گهان یکی‌از آنمیان‌گفت: اگر قرار شود ، امشب هر فرد بشری هر چه بخواست به آن نایل آید هریك از شما چه خواهید خواست ؟؟ اولی گفت:پول‌نقد بقدر ستار گان آسمان !

دومی گفت : خمی از مشروب کهنه که هیچگاه تمام نشود !

سومی گفت : حرمسرایی مانند حرمسرایی هارون الرشید!

چهار می‌خاموش بود ، اماوقتی ازاو پرسیدند که توچه آرزویی داری ؟ وی جواب داد:

آرزو دارم که همهٔ تان چشم از دنیا بپوشید ومن وارث (مصیبت زدهٔ) هر سه نفر تان باشم.

اشتباه در مشک است

درزمانه های قدیم شخصی میخواست‌تادر شهری قاضی مقرر شود ، ولی میدانست تاریش وبروت وزیر مربوطه را چرب نکند،به‌آرزوی خود نخواهد رسید • پس مشك یاخیکی راپرا زماست کردو دهان آنرا باتکه کهنه‌محکم‌بست وقدری روغن روی آن تکه کهنه مالید و بخانهٔ وزیر مورد نظرش فرستاد . وزیر وقت‌دستور داد تافورا فرمان تقرران مردرا صادر کرده باو بدهند•

قاضی به محل ماموریت خود رفت و مشغول‌کارشد • هنگامیکه خانواده وزیر خواستندتااز مشك روغن استفاده کنند وذخیرهٔروغنهای قبلی‌شان به اتمام رسیده بو، دیدند که‌مشك از ماست گندیده پر است •وزیر به قاضی‌نوشت‌که‌درفرمان تقرر قضاوت شما اشتباهی رخداده است لذا فورا آنرا بفرست تا اصلاح شود!!

قاضی زود متوجه اصل واقعیت موضوع شده‌وجواب داد که : خدا سایهٔ بندگان عاجزرا از سر جان نثار تان کم وکوتاه نکند ، در ابلاغ‌حکم هیچگونه غلطی واشتباهی رخ‌نداده، بلکه اگر اشتباهی باشد در مشك است •

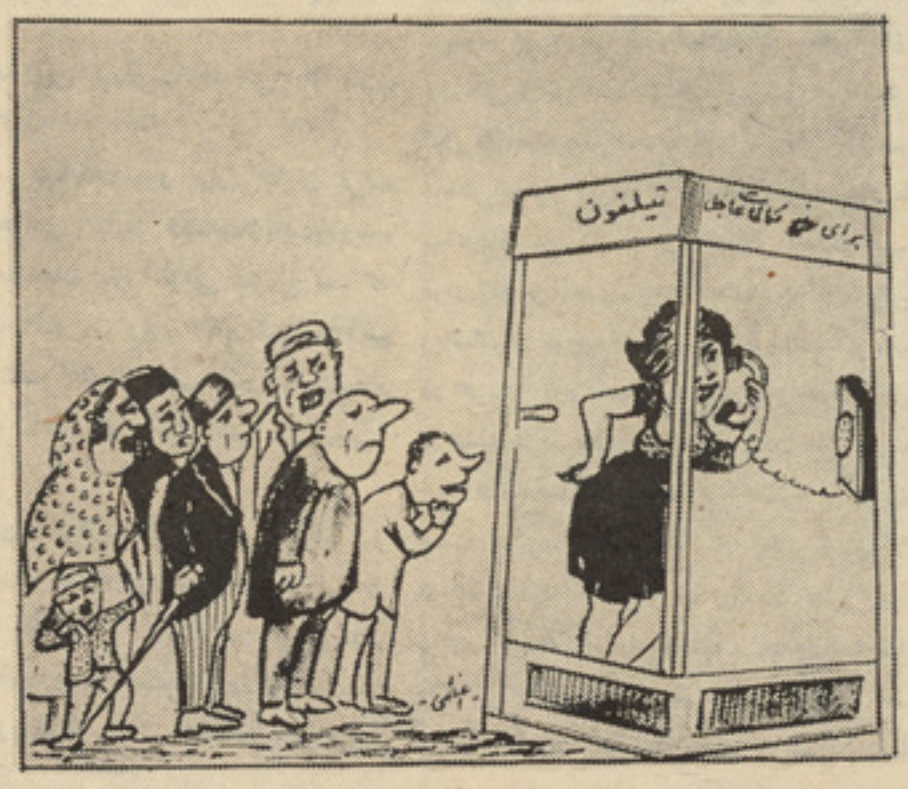

نه‌خواهر جان، تودرست داستان فلم رانفهمیدی ، خیر بشنو که ازسربرایت‌قصه‌کنم•

وارث‌ها

تاجر متمولیکه فقط یکدختر داشت واورا به‌شوهر داده بود تمام مایملك ودارایی خودرا از روی ثبت وسیاهه بدختر خود بخشید • دختر وداماد چون ازاین رهگذر آسوده خاطر شدند با آن پیرمرد بنای بدسلوکی راگذاشتندوبه او اعتنای نمیکردند• درین‌میان‌تاجر تدبیری سنجید وبرای مدت کمی مبلغ زیاد پول راازیکی از دوستان خود به صورت خفیه ومحرمانه امانت گرفت ودر اتاق خواب خویش مشغول‌شمردن آن پول هابود که دخترش از سوراخ کلیددروازه منظره رانگاه کرد• آنگاه داماد ودختر نزدیك او آمده پرسیدند که این پولها چقدر استو متعلق به کیست ؟ پدر گفت:این‌صندوق آهنی که‌درگوشه‌اتاق ازاین پولها مملو میباشد واین مبالغ رادر هبه نامه‌وسیاههٔ خویش‌درج نکرده ام وبرای روز مبادا ذخیره نموده‌ام از آنروز ببعد دختر وداماد بر احترامات پدر افزودند وگذشته ازخوش آمدها بکمال‌جانفشانی بخدمت گذاری اش میپر داختند تاو قتیکه مردواز دنیا برفت . چون پس‌از مرگ صندوقش را گشودند دیدند که پراز سنگ وچغله استودر روی آن سنگها یادداشتی به این مضمون نوشته وگذاشته شده است : این‌سنگها برای سنگسار کردن کسانی است که بی احتیاطی کرده و قبل از مرگ ، دارایی ومایملك خودرا بدیگران میبخشند•

ملك ده

در گذشتهاملك دهی‌بسواری اسپ ازصحرا-
یی میگذشت ،یکی از باشند گان ده را دیدکه
بادو دست خودگوساله راکه‌گریخته بودچسپیده
وکشان‌کشان جانب ده میاورد• ملك از برابر
او گذشت وچون دید آن دهاتی باو عتنایی نکرد
روبر گردانیده و با خشونت گفت که:ای بی‌ادب
چرابابا لا کردن دستت بمن سلام ندادی ؟
جوان دهاتی باشهامت گفت : حاضرم اینکاررا
بکنم اماشما مرحمت فرموده واز اسپ پیاده
شوید وگوسالهٔ مرانگاه دارید تامن‌به تکلیف
خود رفتار نمایم•

وصیت پینه‌دوز

دریکی ازدهات اروپای غربی پیر مردی که بسیار متمول بود بدون وصیت‌مرد• زنش که چشم طماع را به‌تمام مال‌او داشت ، تدبیری بخاطر راه داد که توسط آن تمام اموال میراثی باو برسد • لذا قبل‌از آنکه مردم خبر فوت شوهرش رابشنوند پیرمردی راکه در همسایگی اش دکان پینه دوزی داشته وبه شوهرش‌بسیار شباهت داشت نزد خود خواند وقرار برآن‌داد تاآن پیرمرد دربستر نزع بخوابد وبطور یکه مقصوداوست وصیت نماید یعنی تمام اموال ودارایی رابزن هبه‌کند وببخشد•

وقتیکه شاهد وکشیش برای شنیدن آخرین کلمات حاضر شدند•پینه دوز در بستر مرگش بخود پیچید وآهی از جگر کشیده وبا صدای نحیفی گفت : چون زنم رابسیار دوست دارم وهمه وقت کمال رضایت رااز او داشته ودارم، لهذا نصف دولتم رابه اوهبه کرده وبخشیدم

نصف دیگر را به آن مرد پینه دوز بدهید که‌در همسایگی ماست و خیلی نانخور واولاد دارد و چیزی هم ندارد • امیدوارم که خداوند ازاین وصیت من خشنود شده ومرا بیامرزد• درینحال زن از ترس آنکه مبادا از آن یك نیمه میراث هم محروم بماند ابدا حرفی نزده وگریه کنان اظهار تشکر کرد•

انتخاب وارسالی احمد طارق (محب حیرت)

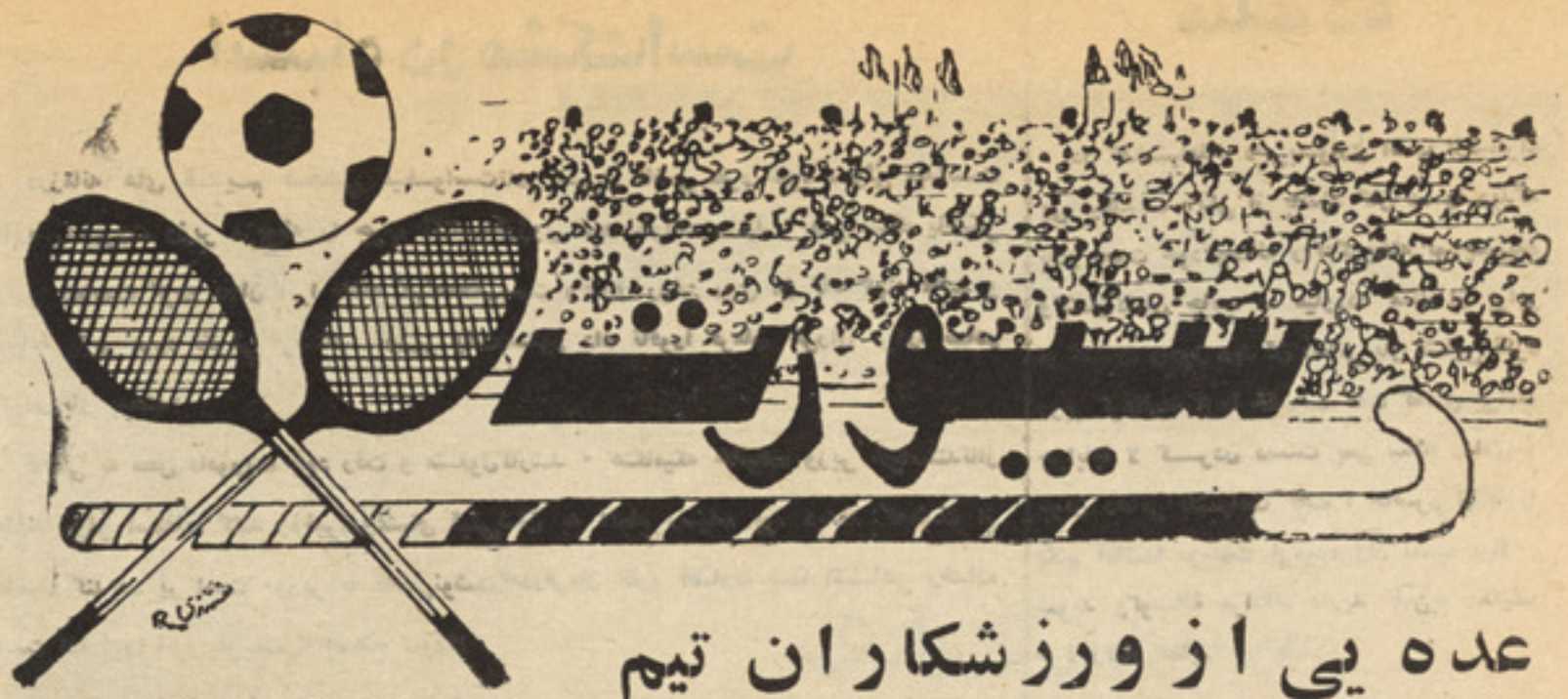

عده یی از ورزشکاران تیم منتخب اناث تعلیم و تربیه به تیم‌ملی والیبال برگزیده شدند

علاقمندان محترم ورزش! خبرنگار مجله‌جهت آگاهی بیشتر وتشویق زیـادتر ورزشکا ران معلومات مختصری را کـه در بارهٔ نتیجه برگزاری تورنمنت های ورزشی تعلیم وتربیه درطول سال‌جاری از مسئولین ریاست تربیت بدنی تهیه نموده بدست چاپ می‌سپاریم .

سپس مصاحبه داریم باتیم منتخب والیبال تعلیم وتربیه که‌درمسابقات آخیریکه طـور آزاد درجمنازیوم پوهنتون برگزار گردید ودر نتیجه آن اعضای تیم‌ملی‌والیبال اناث انتـخاب گردید حصه داشتند.

عبدالحبیب غفوری مدیر فنی تربیت بدنی به پاسخ سوالی‌گفت : مسابقات ورزشی وزارت تعلیم وتربیه ازتاریخ دوم جوزا آغاز یا فت وبدون وقفه این تورنمنت ها الی ۲۰ عقرب ادامه پیداکرد.

طوریکه ، مسابقات دور بهاری پایان گرفت مسابقات انفرادی اتلتیك خفیفه‌آغازیافت‌ودوباره باختم آن مسابقات دور خزانی شروع شد که در مسابقات ۹تیم در گروپ الف فتبال و۱۳تیم در گروپ الف والیبال وهم چنان ۸ لیسه‌در گروپ الف باسکتبال مقابل هم صف‌آرایی نمودند .

در پهلوی پسران ، لیسه های دختران نیز شرکت داشتند که درین مسابقات ۱۰ تیم در گروپ الف والیبال و ۱۰ تیم در گروپ الف باسکتبال باهم دست وپنجه نرم کردند

غفوری در پاسخ سوالی که‌هدف ازبرگزاری این مسابقات چه‌بود، چنین گفت:

هدف از دایر نمودن همچو مسابقات انکشاف هرچه بهتر ورزش درجامعه مـامـی باشد و هم چنان آمادگی در تخنیك وتکتیك های جدید روز بین ورزش کاران ذکور واناث‌می‌باشد در پهلوی آن هدف عمده‌انتخاب‌چهره های برازنده ورزشی وتیم های منتخب ورزشی می‌باشد که قبل از انقلاب شکوهمند ثور تورنمنت ها صرف بخاطر معلوم نمودن بردو باخت واستعداد های شاگردان بود اما بعداز پیروزی انقلاب ثـور برای اولین بارتیم های منتخب‌فوتبال،والیبال وباسکتبال بوجودآمده‌که درین‌تیم‌ها شاگردانیکه در هر دو دور مسابقات بهاری و خزانی خوب درخشیدند انتخاب ودر تیم منتخب به تمرینات خود ادامیدهندچنـانچه‌به همه معلوم و هویدا است که تیم منتخب فوتبال تعلیم وتربیه در مسابقات آزادیکه از طرف ریاست عالی ورزش برگزر گردید خودرا درصد ر جدول‌مسابقـات جازدند که ریاست تربیت بدنی وزارت تعلیم وتربیه بعد از ختم مسابقات به همه‌تیم هـاو ورزشکار انیکه‌خوب‌درخشیدند کپ‌های‌قهرمانی سال انعام دادکه از جمله ۱۲٤کـب ورزشی ٤٤آن انفرادی یعنی برای ورزشکارانیکـه‌در مسابقات اتلتیك اشتراك نموده بودند توزیع گردید .

عبدالحبیب غفوری مدیر فنی تربیت بدنی همچنان افزود : ازجمله تیم های منتخب‌وزارت تعلیم وتربیه تیم منتخب والیبال لیسه های اناث در مسابقات آزادیکه از طرف ریاست عالی ورزش به منظورانتخاب‌تیم‌ملی درجمنازیوم پوهنتون کابل دایر گردیده بود شرکت نموده که در مسابقات مذکور نتیجه خوبی بدست آوردند ودرنتیجه هشت‌نفرآن عضویت تیم‌ملی را کمایی کردند . حال سرصحبت رابا گلالـی کپتان تیم لیسه عایشه درانی باز می کنیم که اعضای تیم خودرا چنین معرفی می کند .

اوری ازلیسه عایشه درانی ، زهره ازلیسـه زرغونه ، هماوراحل ازلیسه مـلالـی فروزان‌از لیسه سوریا وهمچنان اناهیتا از لیسه عایشه‌ـ درانی عضویت این تیم را نصیب‌شده‌اندکه‌در اولین مسابقات آزاد والیبال اشتراك نمودیم‌و نتایج خوبی نصیب ما گردید .

اعضای تیم ضمن صحبت گفتند : دایر نمودن هرچه بیشتر وزیادتر مسابقات باعث رشد استعداد های نهفته ورزشی در کشور مامیگردد چنانچه از دایر نمودن مسابقات سال جاری نتایج سودمندی گرفته شد . در جریان صحبت فروزان شحیمی عضو تیم میگوید :

تمرینات مداوم ، خوراك خوب ،تشویق وتر- غیب‌علاقمندان وموجودیت‌ترینران‌ورزیده‌وچیز فهم باعث رشد استعدادهای‌ورزشی میگردد .

چنانچه بعداز پیروزی انقلاب شکوهمند ثور ترینران‌ورزیده ایکه از انستیتوت تربیت بدنی فارغ گردیده وهمه مسلکی‌اند همکار مامی‌باشند بخصوص درین اواخر که ترینران ورزیده وبا استعداد کشور دوست اتحاد شوروی نیز به کابل آمده‌ودرتمرینات‌باماهمکاری می‌نمایند.

اوری عضو دیگرتیم‌میگوید:بعداز پیر وزی مرحلهٔ نوین انقلاب شکوهمند ثور افکارهمهٔ ماجمع گردید ودیگرازتعقیب وشکنجه گاه های امین‌خلاصی‌یافتم، آزادودلشاد به‌تمرینات خودادامه میدهیم‌وحاضروآماده‌ایم که‌به‌مسابقه باورزشکاران کشور های دیگر بپردازیم. وی می‌گوید باندجنایتکار امین‌حتی ورزشکاران‌را نیز آرام نگذاشته بودند ودر باستیل پلچرخی انداخته بودند .

در جریان مسابقاتیکه در جمنازیوم پوهنتون گذشتاندید کدام یك از ورزشکاران به نظرشما ورزیده بودند ؟.

پلیرانیکه که‌خوب مسابقه دادند و قابـل ستایش می‌باشند عبارت اند از رنا از پوهنځی ادبیات پلوشه ازتربیه معلم ترینا، مهوش و نظیفه ازتیم کابورا . باید گفت که‌اعضای‌تیم کابورا در جریان مسابقات‌نسبت به همه‌ورزیده بودند درهمین اثنا اوری عضو تیم‌می‌گوید که مراهم بگوئید چرامگر من ورزیده نیستم ؟

درباره تسهیلاتیکه وزارت تعلیم‌وتربیه برای ورزشکاران تیم های منتخب فراهم آورده چیزی بگویید .

پابندی به‌تمرینات مداوم،وبه‌کاربردن‌تکتیك‌های خوب درجریان مسابقه باعث شدتاعضویت‌تیم منتخبه راحاصل نماییم

اعضای تیم منتخب میگویند: حاضر هستیم باتیم های ورزشی کشور های دوست مسابقه دهیم واز تکنیك های ورزش آنها نیزاستفاده نموده وزیادتر ورزیده شویم

در جواب باید بگوییم که همه پروگرام هااز طرف ریاست تربیت بدنی به صورت درست ترتیب گردیده و منظم می‌باشد و در پهلوی آن گام‌های وسیعی برای انکشاف ورزش برداشته شده است .

آیا بعداز ختم تمرینات ورزشی عصریه هم برایتان داده می‌شود ؟

در همین اثنا ترینر تیم که از ریاست تربیت بدنی می‌باشد می‌گوید بلی . ولی شاگردان بانگاههای استفهام آمیز بیکدیگر مینگرند ودر گوش یکدیگر چیزی میگویند .

وعلاوه میکنند که تسهیلاتی درحمل و نقل ورزشکاران واسباب ووسایلی سپورتی مدنظر گرفته شود تاورزشکاران از مشکلات نا شی ازاین وسایل مصون ودر امان بـــا شد به صورت عموم رول ورزشی وورزشکاران رادر جامعه چگونه توجیه می‌کنید ؟

به صورت عموم کسانیکه ورزش می‌کنندهمه دارای صحت کامل بوده واز جاروجنجال دوا ودکتور بدور می‌باشند در پهلوی آن ورشکاران وباصحت خوب بهتر زندگی میکنند.

تنظیم وبرگردا نی از نصیرابوی

آیاورزش باآنهمه مفیدیت زیانی هم دارد

آیا هیچفکر کرده اید که ور زش در پهلوی آنهمه مفید یت وسازندگی اش نقص های داشته باشد .

دانشمندان طب امرو زی قادر گشته اند سری زیانها وصد مه های که از اثر خشو نت در ور زش پد یـدار میگردند گروه بندی نما یند . وبـــه در مان ومدا وای آن بپردازند .

تحقیـق زیر در یکی از انستیتوت های علمی دست اندر کار مسا یـل علمی ور زشی در مورد خشو نت در بازی های راکتی، (تینس ، بدمنتن، سکاش، ریکت بال) که‌چه عواقبی‌در قبال دارند صورت گرفته است .

امید واریم بتوانید هنوز که دیر نشده وفصل بهار وور زش درپیش است ازین تحقیق‌استفا ده‌ببرید.

درین پژو هش که تقر یبا وقـت یکسال را در بر گـر فته اســـت بیش از هشتاد در صد جرا حـــت ناشی از خشو نت در ور زش هـا خصو صاً تینس ضبط شده است.

• • •

امروز بازی های نظیر تینس بیشر فت زیا دی کرده ودر کشور مانیز قدم های ابتدا یی اش را می پیماید وبزو دی این ور زش‌همه‌گیر خواهد شد . اما تینس باز جوان‌از خطرات ناشی از آن که زیا ده چشم را می آزارد نباید خودش را گول بز ند .

آقایان نسبت به‌خا نمها جدی‌ترو بیشتر با توپ ورا کت به چشم‌شان صد مه می بینند اما جرا حات‌وارده گفته میشود که به سن ومها رت باز یکن ار تباط ندا رد . پس‌بایستی در جریان بازی تینس باید از چشم ورو محافظت کا ملی صورت بگیرد. دریك آمار سال ۱۹۷٦، ۳۲۲۰حادثه جرا حت چشم در طول یکسال ضبط شده است .

اما ضر به ناشی از با زی‌بدمنتن به چشم بیماری هایفاما (خونـر — یزی‌در اطاقك جلویی چشم) رابمیان میاورد وشدت این جرا حت درچشم مر بوط به شدت بر خورد توپ یـا پر بد منتن به چشم میبا شد .

وقا یـع جرا حی در هر دو با زی دو نفری وچهار نفری دیده میشود اما بیشتر دربا زی های‌چهارنفری‌می باشد زیرا در یك سا حه محدوددو نفر به‌مبا رزه می پردا زند. در ضمن حادثات بالا حلقه های طبی برای تحقیـق بیشتر ، سن، جنسیت و سطـح مهارت باز یکنان را تثبیت می نماید . حادثات بالا در تینس‌باز های که عینك به چشم می زنندکمتر میباشند . در تینس باز گبارمسلسل توپ زیان وارده در قر نیه چشم‌بوده وپارچه ی‌از آن بهم تنیده میشود.در بازی سکاش قرنیه بیشتر آسیب می بیند در ینصو رت قر نیه احتیاج به عمل جرا حی دارد . در را کت‌بال باعمل را کت طرف مقا بل ها یفاما در چشم وجرا حت بینی با بر خورد توپ‌ورا کت صو رت می گیرد. مرد هانسبت به زنان بیشتر صد مه‌می بینند .واین حا دثات در باز یکـن خیلی جوان کمتر ، درجوا نان‌زیادتر ودر افراد پا به سن گذاشته باز هم کمتر دیده میشود .

در تینس با مو قعیت‌با زیکـــن در میدان جرا حت عا دی ویا جدی‌می توا ند بمیان آید . مو قعیت هـــای چون نزد یك بودن به جال وقـرار گرفتن در کورت ویا خط اخیرمیدان متفا وت میبا شد .واین حدوده ها زخمه های متفا وتی ببارمیاور د.

با طرز بمیان آمدن جرا حـت، ور زش را کتی بدو گروه تقسیـم می گردد . گروپ او لی که در آن میدان ورزش بوسیله جال نصـف میشود گروه دو می که باز یکنـان در یك میدان مقا بل هم می ایستند، وامادر اولی توان شد ید تر ین‌جرا- حت‌نظر به خا صه پر تا بی با زی زیاد تر میبا شد .

در بازی های چهار نفری خطر این حا دثات زیاد میگردد . دردو بازی راکت بال وسکاش خطر تماس راکت وتما س بد نی با زیکنـان بیشتر میبا شد .اگر باز یکنان‌خود هارا باوسا یلی چون عینك‌حفا ظت نمایند خطر بی نها یت کم میشود. ویا روش های در نو عیت بازی‌پدید آیدکه خطراین تما س ها را کاهش بدهد. همراه باآن ور زشکار بایـــد از خشو نت در جریان بازی کناره گیری کند . چه خشو نت‌وهیجان بیش از حد در جر یان ور زشـــ با عث‌ترا و شی زیاد اور نا لین‌شده وباعث در گیری وبا لاخره با خت وی میگردد .اینکه‌میگو یند ورزشکار در جریان بازی باید خو نسردباشد ارتباط به مو ضوع‌فوق دارد .

همچنان اضافه توپ‌و رگبار حملات در جریان با زی روی میدان‌بازیکن را می‌آزا رد .وبا عث یك جراحت‌گرم میگردد . چشمان بر هنه در جر یان تینس زخم پذیری چشم را زیـــاد میسازد . بدین روال عدسیه هـــای

بقیه‌درصفحه ٥٤

هغوی چی ژوندی دی

ژان لافایت

اته‌ورځی کیږی چی‌زه دروغتون څخه و تلی یم • په جیل خانه کی می‌زیاتی ملګری بیاولید د۱۷ بلاك پخوانی قرنطینه ملګری دخپل قرنطین دوره یی‌تیرکړی‌دی او اوس هغوی‌ټـــول‌د تیږوپه کان‌کی‌کار کوی•

دپټ سازمان دپیاوړتیا اودبهرڅخه‌دمر ستو له‌امله ، دفرانسوی بند یانو وضع چی ورځ په ورځ ډیر یږی لږ ښه شوی دی • زموږ ځنی مینه وال ښی دندی یی تر لاسه کړی دی •

زه بیرته کان ته ستون شوی وم او دتیږو دتر اشولوپه کوماندو کی می کار کوله• «کاپو» امیل چی یو آلمانی کمونیست وزه‌یی دساتنی لاندی نیولی وم اوپه دی توګه نور دلګدونو او کوتکو ګواښ نه وو • او دالوی نعمت وو •تونی راته نوی کالی جوړ کړی وو، اودغه ټول‌امتیاز ونه دجیل خانی په‌سلسله مراتب کی زمامقام یوه درجه جګه کړی وه • (دغه سلسله مراتب په لاندی ډول وو •

۱ـ دخو کسونه‌جوړشوی‌یوه طبقه‌چی اردوګاه کی دننه مسوولیتونه یی په غاړه در لوده لکه داردوګاه رییس ، دراردوګاه منشی ، دپخلنځی رییس او نور • دوی د جیل خانی باداران‌او خاوندان دی او شمیر یی‌یوپه زرو کسوکی‌وو•

۲ـ هغه طبقه چی هیڅ کاریی نه کول لکه دبلاك رییس ، دبلاك منشی ، ډم ، یو شمیـــر کاپو ګان اونور، دغه‌کسان ځنی‌امتیازونه در ـ لودل ددوی شمیر یو یا دوه په سلو کی‌وو•

۳ـ منځنی طبقه دهغو کسانو څخه تشکیلیدل چی مسوو لیتونه یی درلودل او کار هم• کول• ځنی کاپو ګان ، داکتران سندرغاړی اونور•دوی تل خوندی وواو شمیر یی دری یا څلور په سلو کی وو •

٤ـټیټ‌طبقه چی‌دهغوکسانـــــو څـــخه شمیرل کیدل چی دځینو وړودندوله له امله کولای شوای چی ژوندی پاتی شی او دنوروپه پرتله زیاته خواړه تر لاسه کړی •دوی په‌شاقه اعمالو محکوم وواو شمیر یی یو په لسوکی‌وو•

٥ـپه مرګ‌محکوم بندیان ، دوی مرییانوته ورته و اود بندیانو ٥٨په سلو کی وو•

خو پرون شپه یوپه‌یو وضع‌بدله شوه•دویده کیدوپه‌وخت کی «شربیر»کوتی‌ته راغی او ځنی نمری یی‌چی دپانوپرمخ‌لیکلی شوی وی‌ولوستل داهماغه عادی چال چلند دی چی دجیل خانی څخه دځینو کسانو دویستلو لپاره سرته‌رسیده •زه هم په همدغه ډله کی وم •

موږ یی دشپی د۱۸ نمبر بلاك دقرنطینه برخی ته‌بوتلو • آندره ، سیمون ، پل ، ژول ،پتی لویی او ویلی هم هلته وو •

«ویلی» یویو ګوسلاوی ځوان دی چی پـــه دری کلنی کی فرانسی ته راغلی دی اودخپل پلار په څیریی دلمړنی زده کړی څخه وروسته په کانو کی په کار پیل وکړ • دی او ټولنی‌په یوه وخت او یوځای نیول شوی دی • «ویلی» اته لس کلن وو او اوس دپخوانیو بند یانوڅخه شمیرل کیږی • ډیر ښه فرانسوی غږیږی او همداسی هم په نورو سلاوی ژبو• په آلمانی ژبه‌هم‌غږیدلای شی• زه‌له دغه ځوان سره‌دتیږ وپه کان کی آشنا شوم اوله‌هماغی ورځی‌نه ورته علاقمند شوم داځکه چی ډیر محبوب او محجوب وو او همدارنګه دنورو سره تل مرسته کوله زما مینه له هغه سره زمادهغی مینی په اندازه ده چی د «شارلو»او «تونی» سره یی لرم • «ویلی»هم زما دکشر ورور په څـــیردی •

ټوله شپه هیڅوك ویده نه‌شول• څـــوواری حاضری ونیول شو•زموږسرونه یی‌وخریل•نوی کالی یی راوستل تر څو چی نوی نمری ورباندی وتمبوی پدی ترڅ کی‌روسانو اوهسپانویانـــو بدلی ویلی • موږ هم بدلی وویلی •بشری سر شت همداسی ده •هغه کسان‌چی په یوسر نوشت محکوم دی • کله چـــــــــــــی

یوی نامعلومی خواته ځی دهری جا مـــی په‌منځ کـــــی چـــی وی، بـــدلی وایی •دغی سندری هغوی دیو نواختی څخه باسی که هر څومره بده راتلونکی دهغوی په انتظار کی وی . دغه کسان که دمرګ په لورهم روان وی، د «زولا» دسر تیرو په څیر چی‌په یوه نا معلومه اورګاډی کی یوی نا معلومی خواته تلل ، سندری به ووایی .

سبا سهار کله چی دو یښیدو ترم وغږول شو ، مو ږیی دقر نطینه بلاك دغولی په اوږدوکی سره‌راټول کړل .هلته و چـــی «روبر» وکولای شو چی دځو شیبی لپاره‌ماته نږدی شی .

• • •

اوس زموږ کاروان دقر نطینه چا پیریال پریږدی اوځی .ښایی چی زموږ شمیر دځلورو سو وکسا نوپه شا وخواکی وی. یو ځل بیا خپل مخ شاته ګرځوم او «روبر» دلاس په اشاری سره زما سره خدای پاما نـــی کوی اوزه دهغه موسکا دوروستی ځل لپاره ګورم .

اوس موږ په «آپل‌پلاتز» یعنی داردو ګاه دحاضری په سترانګړ کی یـــو • زموږ لیـــك د کالی پر یمنځلو ساختما ن ته مخامخ‌دریږی زه او «ویلی» ددغه ساختما ن کړ کیو ته ګورو چی ښایی تونی هلته‌وګو رو، خـــو هیڅو ك هلته نه ښکاری .

موږ پرون شپه ونشو کـــړای چی دملګـــرو سره خدای پامانی وکړو . ما یواځی وکړای شو چی خپل دوست «سربر» سره وګورم، خپل نوی پطلون می ورته ورکړ او دهغـــه زوړ پطلون می واخیست .نورکسان‌یاویده‌وو اویا زموږدتګ څخه‌خبرنه‌وو ،اوس هم ښایی چی خپلو کارونو ته تللی وی‌له همدی امله موږ دځو بیګانه کسانو څـــخه‌پرته‌چـــی موږ ته ګوری نور هیڅوك نه وینو•

نا ګهان یو آشنا غږ زما غو ږته نږدی جګیږیږی ، اوه «شارلوده» دی نن کان ته ندی‌تللی دا ځکه چی دطبی کتنی ته دتګ په پلمه رسخت اخیستی و اوسره له دی‌چی پنځه ویشت متروکه یی زغملی‌دی ځان‌یـــی موږ ته دخـــدای پامانی لپاره رسولی‌دی،زه شارلو په غیږکی نیسم او ښکلو م .

ـخدای پامان شارلو ، زړه ور واوسه.

ـچرت‌دی مه‌خرا بوه ، زه به مقاومـــت وکړم . ماته دتا سو تګ خوا شینی‌کوونکی دی . دبیا لیدلو په هیله ، ملګرو !

دشارلو په شنو سترګوکی دومره‌مینه نغښتی ده چی زړه می غو ښتل هغه له ځانه سره یو سم خو دغه کار نشم‌کولای .ښایی ښه به داوی چی هما لته پاتی شی ،

ددی لپاره چی هغه یو ځل بیا و ګورم خپل مخ‌ګرځوم‌او هغه په موسکا سره زموږ کار وان ته ګوری . ویلی په غوږ کی مـــی وایی .خو لی‌دی پورته کړه!

زه فرمان ته متوجه شوی نه وم ، دهغو آس ـآس ډلو لپاره چی د دروازی په دواړو خواو کی ولاړ دی په بیړه سره خپل خو لی با سم . خو ډیر ځنډ شوی دی اوپه همدغه شیبه کی یو دروند سوك خوله تـــــه مـــی حواله‌کیږی ، دپوزی څـــخه می وینی بهیږی خپل سر پورته نیسم او هغی دروازی‌ته‌چی مخامخ ته می پرا نستی دی، ګورم .

• • •

موږ دهماغی لاری نـــه خوچـــی هـــره‌ورځ تلو خو داځلی ددی پـــه‌ځای چی دکان خواته لاړ شو ، کینی خواته ګرځو . دورو ستی ور څخه تیریږو او عمومی وات‌تـــه‌رسیږو ، هما غه وات دی چی یو کال مخکی په ځغا سته ور باندی تیر شوی وو .

نن دواټ‌پرمخ واوره پرته ده‌موږ پرمـــخ څو او داردو ګاه توره څیره له ورایه ښکاری تر څو چی ستر ګی لیدلای شی سپین‌او ستربیدیا موپه مخ‌کی ښکاری • څـــو دانی ونی خپل بربنډ ځان‌دآسمان خواته نیو لـــی دی . دیو وات په څنډه کی، کو چنی‌کورونه دتیره با مونو سره ولاړدی ، دانوپ لکـــه نری اوشین خط په څـــیرلـــه ورایه ښکاری موږ پداسی حال کی چی ددواړو خواوو څـــخه داس ـاس لیکونو په واسطـــــه چاپیرشوی

یو دوات دپیچو می څخه تیر یږو ،او پـــه حیرا نتیا سره هغو مناظرو ته چی اغزی لرونکی مزی اوس زموږ دلیدلـــو څنـــډنشی کید لای ، ګورو ،ته‌به وایی چی دهوا خوری او قدم وهلو لپاره راغلی یو. زه هغه ځای چی د «ریموند» بکس می واخیسته ، پیژ نم یعنی هغه سیمه‌چی لومړی فرانسوی هلتـــه مړ شو. تیر یا دونه را ژوندی کیږی .

د«ویلی»ستر ګی نور ډیر شیان لیدلی دی .

هغه یوه ونه راته ښیئی چی دهغی لاند ی دری کسه نور وژل شوی و . خو دغسی ټولی خا طری مو ږ ته ډیری لیری اولمرغونی بر یښی ، پداسی یوه ورځ کی چی بادوریځی تیت او پرك کوی او دلمر مـــخ‌ښکاره کوی، نشو کولای دغه وات چی وربا ند ی روان‌یو دمر ګ دوات په توګه وپیژنو، بر سیره پردی اوس موږ دمرګ‌اردو ګاه‌تـــه‌شا اړولی یواوپه ډاډه‌زړه مخ‌په وړاندی څـــو وروسته د هغه څه څخه چی موتر اوسه‌پوری زغملی دی له بلی هری پیښی سره هم‌مقابله کولای شو .

په ښار کی دننه زه‌هماغی‌مغازه،ویترینونه او کورونه ګورم . دیوی میخا نی علا می‌ته چی د بیر یو ګیلاس دی په خو شحا لـــی سره ګورم ، ته به وایی چی همداپرون‌لـــه همدی لاری نه تیر شوی وم . هغه سپا هی چی دخپلی نا مزدی سره لاس په لاس ـ

ګرځیده چیرته دی ؟ښایی مړه شوی وی ؟ خلك په بی اعتنایی ســـره موږته ګـــوری دوی هرو مرو دومره کار لری چی زموږ دتورسر نوشت‌پـــه هکله سوچ‌نشی کولای

آها ! هغه کا فه چی په هغی کی می یوه ګشتاپو دمیز تر شا لیدلی واس‌تـــړی‌لی دی ، او بالاخره اوس تم ځای ته‌ورسیدو.په دری کسیز و ډلو ویشل کیږو ، موږ یـــی شمیر ی او دتل په‌شان یو ځل بیا شمیری دلته هم یو شمیر زیات زاړه خلك ولاړدی.

پل ، چی تل ملنډی وهی یو زوړ سړی ته اشاره کوی او وایی .

ـآهـا ، دغـــه یـــو پـــه «اوسترلـــیز» هرو مرو«ایلو»لـــــیدلـــی وی•

ریمو ن ځوا ب ور کوی .

ـغږ دی ورو کړه ، دوی د ۱۸۷۰ کا ل دجګړی وروستی کسان دی .

ـمو تزن آب .

دغه‌فرمان هغو مره بی وخته‌وه چی خندا مو را ځی . اوس اوس‌وضعه

دومره خرابه نده ، دسل کسیزو ډلو مخصوص اور گاډی ته پورته کیږو بایدزیاروباسو چی یو دبل څخه بیل نشو، یو بل ټیل وهو، دتو جه وړخبره داده چی موظف‌مامورین چی وهی‌خو کوتك نه وهی.

زموږ ډله هر راز چی‌وخیل‌تغریی داوبو څخه وایستل اوټول په یو واگون‌کی مو ځای ونیو ل . یواځی سیمون او ژول راڅخه بیل شول ، دتوجه وړ بله خبره دا چی مو ږ داخلی په یوه دریمه درجه اورگاډی کی مسا فرت کو ل اودغه ټکی هم دوضعی دښه‌والی نښه‌نښانه دهزه‌د«آندره» او «ویلی» په څنگ کی کښینم پنځه کسه یو گوسلاو- یا نوهم مو ږ سره په همدغه واگون‌کی دی .

داور گاډی دهلیز دوا گون دمنځنی‌بر خی څخه تیر یږی . یواځی دوی دروازی هغه هم دوا گون په دوو ورو ستیو برخو کی‌شته دی . دواگون دکړکی شیشی نه ښکته کیږی نوله همدی امله دوی او سپنیزی میلی میخ شوی دی ، پنځه کسه ساتو نکی دتیارسی په حال کی زموږ څارنه کوی ،ددغو ساتو- نکو یوتن چی رښایی تورنی رتبه ولری موږ ته یوه لنډه بیا نیه را کوی او«ویلی» وروسته له‌دی چی‌خو خلی «یا، یا، گوت»وایی په‌ژبا ړه پیل کوی!

«موږ هیڅکله حق نلرو چی دخپلوځایونو څخه ټکان وخورو اوپه تیره بیا نه‌ښایی‌چی کړ کیو نه لاس وروړو .ساتو نکی‌اجا زه لری‌چی دکو می کو چنی سر غړونی په صورت کی اورو کړی . که‌څوك وغواړی ساراناستی ته لاړ شی باید اجازه واخلی او یو تن سا تونکی ورسره لاړ شی .

دالو مړی ځل دی چی دداسی ښوعباراتو سره مخامخ کیږو . داسی ښکا ری چی وضع مخ په‌ښه کیدو ده .

له ډیرحیرا نتیا سره گورو چی اور گاډی ډیرنه تم کیږی اوډیر ژرحرکت کوی‌ډیری منظری زموږ دستر گوپه وړاند ی تیر یږی هر څوك پخپل سو چ کی‌ډو ب دی. زه‌خپله پدی هکله سو چ‌کوم چی دلو مړی ځل لپاره‌می په شیږ کلنی کی په اور گاډی باندی سپور شوی وم ، په هغه و خت کی دوه مو ضوع زماپه وړاندی عجیب ښکاریده هغه ځمکه چی تر پښو لاندی می څرخیده‌او دتلفون هغه‌مزی چی پورته ښکته کیدل. ددغه یاد گار یادونه ما دخپل هیواد په‌فکر اچوی او تیر یادونه را ژوندی کو ی. خو ښا یی چی دداسی مو ضو عاتو په هکله سو چ ونکړو . له نیکه مرغه ویلی خپل سر زما غو ږ ته نږدی کو ی او وایی .

-زه تا ته یو شی لرم

-څه شی ؟

-یو دانه سگرت .

-اوه څومره ښه .

د«آندره»خیره بریښی او وایی.

-څه فائده لری ، موږ نه خود سگر ت څکولو اجازه نه را کوی .

-ولی نه ، وگوره چی زموږ په څنگ‌کی یو روسی سگرت څکوی او هیڅو ك ورته څه نه وایی .

-ښه ده ، نو شروع وکړی .

«ویلی» یو پیشنهاد کوی .

-صبرو کړی زه داسی عقیده لرم‌چی لومړی با ید یو څه وخورو .

په حیرا نتیا سره ورته گورم . دا سمه‌ده چی نن سبا ئی موږته دډوډی اوسو سیس جیره را کړی وو . خودغه خواړه اوس‌لا دو څته هضم شوی ده، سره له دی «ویلی» یو خوراك همدا سی خواړه دخپل جیب څخه را با سی.

-وگورم ، دادی‌له کومه...؟.

-داد یوه یوگو سلاوی ملگری بر خه ده چی پرون شپه یی ما ته را کړی ده.یوپڅ چاقوله خپل جیب څخه‌راباسی‌اودغه‌ډوډی یی په دریومساوی برخو ویشی . دډو ډی ټوټی په آرامی سره خورو اوپس‌له‌هغه‌نه زه او«آندره» دیوسگرت‌نیمایی‌برخه څکوو . «ویلی» سگرت نه څکوی .

پدغه وخت کی «ده ،ده» زما نه غواړی.

-اوس به ډیرښه وی موږ ته‌یوه کیسه وکړی .

-ښه دی وبه وایم .

ډیری کیسی کوو ،وخت تیریږی.رو سان زموږ په څیر مه کوټه کی‌یوغمجن کو نکی سند ری وایی ،ټول په چرت کی یو .

• • •

شپه را نږدی کیږی . دیوی پرتمینی‌منظری په وړاندی تیریږو . داور گا ډی دپټلی دیوی پیچومی څخه وروسته یولوی‌سیند زموږ مخی ته راځی‌چی دیو لوی غر په لمن کی خپور شوی دی . دیوه تو نل څخه تیر یږو او ورو سته بیاد سیند په څنډوکی لاروهواو دسیند څخه گرد چاپیر گرځو. اور گاډی خپل گړ ندیتوب کموی‌اووروسته بیا تم کیږی . باید همد لته وی ، هوابیخی تاریکه شوی ده ، موږیویو دسا تو نکی‌د کتا رونو په منځ کی ښکته کیږو ، حاضری اخستل کیږی شمیر پوره‌ده ،پدا سی حا ل کی‌چی په ټینکه سره زمو ږ گرد چا پیر یی نیولی دی دتم ځای څخه خا رج کیږو سیمون چی دلیکو نو دتر تیب په وخت کی بریالی شوی دی زموږ دډلی سره یو ځای‌شی وایی .«موږدجنوب لویدیځی خواته راغلی یو. فکر کوم چی په تیرول کی‌یو .دغه مسافرت داوه گړیوپه شا وخوا کی اوږد شوی‌دی، دغرمی‌په شا و خوا کی پداسی یوه سیمه کی چی گوا کی مر کزی تم ځای ؤ دمعمو ل څخه زیا ته تم شوی یو ، خو په هر صور ت‌نه ښایی چی د یو سلو پنځسوکلیو مترونه زیات لامووهلی وی. هغه تم ځای چی‌موږیی پکی ښکته کړی یو «انبسی» نو میږی .

دښار د منځ‌څخه ژر تیریږو اودوروستی کو رونو څخه تیر یږو پر یوه پیچو می لرونکی واټ با ندی‌تیریږو . د شپی په‌تورتم کی یو ستر شی زموږ ترسترگو کیږی ، نږدی کیږو . دغر سیوری ده،ددغه غره په لمن کی څنی څراغونه‌ځلیږی‌او یوگونگوسی اوریدل کیږی . ویلی وایی .

-هرو مرو همدلته دی چی موږ به‌پکی کار وکړو .

-هوکی ، باید تونل ته ورته‌یوځای وی... په هر صورت وبه یی‌گورو. ددوکلیو مترو په‌واټن دلوړوژوروڅخه تیریږو ، ددغه لاروپه اوږدوکی‌په‌ښی‌خوا کی ډیر کو رونه چی یوبل ته نږدی پرتی دی ، لید ل کیږی . دتیر یدو په تر څ‌یو ډوډی پلو رو نکی چی څرا غونه یی‌بلیږی‌هم لید ل کیږی ، آندره چیغه کوی .

-اوه ، هلکانو دغه ده سپینه ډوډی !

یوی تپی با ند ی جگیږو . بیرته راښکته کیږو او کینی خوا ته گر ځو . ددغه تپی په لمن کی دبر یښنا څراغو نه دلسو مترو په واټن ایښودل شوی دی‌ددغو څرا غونو په منځ کی دکا ج و نی ایښودل شوی دی او دهغو وا ورو سره چی پرځانگو با ند ی یی اوریدلی د «نوئل» دونو ښه یی غوره کړی دی .

دیوی بلی تپی څخه تیریږو پدغه وخت کی دلیك سرتم کیږی . ښا یی چی ور سیدو . هو کی همد لته دی بیا هم په یو لیك کی او یودبل‌پسی‌دریږو، موږیی بیا هم شمیری ، وروسته بیاپه پنځه کسیزه‌توگه داسی یو ی غو لی ته ننوځو

چی‌دا غزی‌سرو نکو مرزو سره چاپیرشوی دی . ددر وازی په خوله کی بند یا ن د مخصو صو جا مو سره داس -آس دډلو په ملگر تیا څارنه کوی . داسی ښکاری چی دوی دارد وگاه صاحب منصبان‌وی.

• • •

کله چی دغی نوی ار دوگاه ته راځو، داسی ښکاری چی یوه څنگله ته‌ننوتلی یوپه‌رښتیا سره هم زموږ گرد چاپیر دکاج‌دونوسره پت شوی دی او ډیرلیری څوودانی لیدل کیږی موږیی‌هم دهدغو ودانیو په لور بیایی.

سا ختما ن تش دی خو داسی ښکا ری‌چی موږ ته یی انتظار ایستل . بلوك چی‌ددوو- سترو کو ټو څخه‌عبارت دی‌ددری‌پوړیزو چپر کټو نو څخه ډك دی نو پد ی تو گه

موږ هریو کولای‌شو چی په ځا نگړی توگه دیو پوړ څخه گټه واخلو دا خبره دتو جه وړده او موږ هم نشو کو لای چی دغه مو ضو ع باور کړو . دبلاك رئیس چی یو پو لند ی دی خپل ځان موږ ته معر فی کوی خو کو مه مترو که یی په لاس کی نشته او هن بی له دی نه‌چی بو غا ری‌ووهی غږ یږی او وا یی چی که دنظم او دسپلین مرا عا ت و کړو موږ به څوك ونه و هی آندره په مو سکا سره ما ته وا یی .

-زه خو اصلاددغی‌وضعی په‌هکله‌څه‌نه‌پوهیږم

-یعنی با ید دمترو کی‌په واسطه درته وویل شی تر څو چی‌پوه شی ؟.

-هیڅکله !خو وضعه داسی حیرا نو نکی ده چی سړی حق لری تعجب و کړی . آندره دیوی حیرا نتیا څخه بلی حیرا نتیا سره مخامخ‌کیږی داځکه‌چی دلته‌موږته نوی قا شق او پنجی را کوی او هر یوه ته یوه کاسه آش راکوی چی دموږوزن دورځنی آش څخه ټینگه او ښه هم ده.

کله چی آش خوړل پای ته ورسیدد اردوگاه رئیس‌زموږ لید نی ته را ځی‌داسړی یو غت او ډارونکی سړی دی . سو ر رنگ او دما شومانو په څیر بڼی سره مو سکی کیږی آلمانیان له ډیرشوراوزوږسره دهغه هر کلی کوی .

ماینوس ! ماینوس ! وای گتز ؟

(ماینوس، ماینوس څنگه یی؟)

«ماینوس» دخپلو مینه والو سره لا س ور کوی . دیو تن دپو ښتنی په مقا بل‌کی په پسته ژبه ځواب ورکوی‌او هن ور ته ستر گکی هم وهی . دغه سوال او ځوا ب او په تیره بیاد ار دوگاه درئیس سترگکی ټول حیرا ن کړی دی . «آندره» چی‌د ټولو ځایونو څخه بی خبر دی ، څو شیبی‌وروسته ماته وایی -دلته به په موږ ښه تیرشی.

زه احسا س کو م چی با ید هغه ددغه بی ځایه شور او زوز څخه و با سم له‌همدی امله په ډیره جدی توگه ورته وایم .- ډیره خوشحا لیږه مه،ودی نه لید چی داردوگاه رئیس څه وویل ؟

-نه

-داسی وویل «دای‌دوچن سیندگوت‌هی بر»

-یعنی څه ؟

-یعنی دلته به آلما نیانو باندی ښه تیر شی .

(نوربیا)

یک صبح آفتابی

الکسی تولستوی

قسمت دوم

مترجم :دکتور خدا یداد بشرمل

در کنار چاه ....

چاه وسط خیابان را، جاییکه برف زردولگد شده بود از اثر سر مایخ زده بود- نیکتیابا میشکا کوریا شونوك ملاقی گردید- میشکابر دیوارچاه نشست‌ودستکش‌های چرمی‌اش رادر آب‌فرومی‌برد. نیکیتاازوپرسید که چرا چنین می‌کند ؟

-تمام بچه های کونچان دستکش ها یش رادرآب فرومی بردند وماهم چنین می‌کنیم.»

میشکاکوریا شونوکی جواب داد: «آنهاسخت می‌شوند وبرای جنگ بسیار مساعد می‌گردند. آیا به ده می‌روی ؟.»

«چه وقت ؟»

«نان چاشت راخواهیم‌خورد وبعد بده‌می‌رویم. اما به مادرت نگویی .»

«مامی بمن گفت که بیرون رفته می‌توانم اما جنگ باید نکنم .»

«جنگ نکنم . یعنی چه ؟ اگر دیگر ی‌تعرض کند؟ من‌میگویم که‌تعرض‌خواهد کرد؟ سیتوپکا کارنو شکین ؟»

«آه، من‌چاره‌سیتوپکا- رامی‌توانم بکنم.» نیکتیا گفت ، من با انگشت کوچکم چاره اش راکرده می‌توانم .» و انگشت خودرابه میشکان نشان داد .

کوریا شونوك بطرف آن‌دید ، تف کردوباواز خشن گفت :

«مشت سیتو پکا جا دوشده ، هفته گذشته اوباپدرش به یوتیوفکا پشت نمك و ماهی‌رفت، در آنجا او مشتش راجا دو کرد . چشمانم خواهد کفید اگر دروغی بگویم. »

نیکتیا راجع باین فکری کرد . البته خوبتر خواهد بود که هرگز بده نرود اماباز میشکا او رایك نامرد خواهد نامید .

«مشتش چطور جادو شده بود؟ » اوپرسید.

میشکا دوباره تف انداخت .

«بسیار آسان است . اول دوده را گرفته وبالای دست‌هایت می‌مالی‌وبعدا سه بارمیگویی، تنی ،بنی ، در تحت ماچه است ، تحت پوست های آهنی - و همین کافی است ....»

نیکتیا بطرف کوریا شونوك نگاه دوست داشتنی کرد . ناگهان دروازه خیابان‌بازشد وگوسفندان بشکل یك کتله خاکی جامد خارج شدند، سم‌های شان مانندآواز کانستا نت * صدامی کرد ، دم های‌شان بهر طرف درحرکت بود، گله گوسفندان دور چاه هجوم آوردند، بع‌بع کنان یکدیگر را کنار می‌زدند وبسوی چاه تلاش می‌کردند ، یخ های نازك‌را با پوزهای شان شکستند ، نوشیدند وسرفه کردند، یك قچ کثیف ، دراز وپشمی جانب میشکا باچشمان سفید وخالدارش خیره گردید وپا یش رابزمین کوفت .

میشکابرایش گفت: «آدم های تنبل» قچ بسویش دوید ومیشکا ناگهان از عرض چاه جست .

نیکتیا و میشکا بامتد اد خیابان دویدند وبه قچ طعنه می‌زدند، قچ هم بدویدن سریع تر آغاز نمود -بع‌بع می‌کرد . گویی‌آنها رامی‌گوید: خود تان آدم های تنبل هستید» وقتیکه ازدالان عقبی نیکتیا صدا زده شد تابه نان چاشت بیاید میشکا گفت :

-«ببین که‌مارا مایوس‌نکنی-مابده‌می رویم.»

جنگ .....

نیکتیا و میشکا کوریا شونوك از طریق باغ وحوض: راه کوتاه را بسوی ده در پیش گرفتند ، جائیکه باد برف های روی یخ رابرده بود میشکابرای لحظه ایستاده - چاقوی قلمی وبکس گوگرد خودرا بیرون آورد، نشست واطرافش رابرای مدتی بویید وبعداً به‌قطع کردن یخ آبی رنگ شروع کرد جایی راکه یك حباب سفید در آن بنظر می‌خورد . حباب هابنام (پشك‌ها) یاد می‌شدند ، آنها از گازهای‌باطلاقی که از قسمت تحتانی تالاب بالامی‌شدند ودریخ بسته می‌شد بوجودمی آمدند. میشکایخ‌راتاحدی قطع کرد که به حباب رسید ، بعدا گوگردی‌را افروخت وبچاه گازنزدیك کرد. یك‌اشعهٔ زرد- رنگ که خاموشانه می‌سوخت بالای یخ نمودار گردید .

-«هیچکس را راجع باین چیزی نگو.»میشکا گفت .«وهفته آینده به تالاب پائین خواهیم رفت و«پشك ها» را خواهیم افروخت در آنجا هم خبر دارم یکی وجود داردباندازهٔ یك خانه‌بزرگ یك روز کامل خواهد سوخت .»

بچه هااز امتداد حوض دویدند واز کنار گیاهان زرد باعجله به ده رسیدند .

درین زمستان برف زیاد بارید -در جائیکه باد آزادانه جریان داشت در میان خا نه ها برف اندك بود امادر پهلوی خانه ها جائیکه باد جریان نداشت تا-سقف خانه انباشته شده بود .

کلبه (ساوسکا) دهقان بی زمین دیوانه کاملا دربرف گوربود ،تنهادودرو آن معلوم‌می‌شد میشکا گفت سه‌روز قبل‌تمام ده‌آمدند تاساوسکا- را ازبرف بکشند، اماآن احمق و قتیکه برف می‌بارید بخاری را روشن نموده بود ، برای‌خود کمی شوربای ترکاری بدون گوشت پخت ، ووقتیکه آن راخورد بربخاری‌برای خواب بالاشد، آنها اورا در حال استراحت روی بخاری دیدند ،اورا بیدار کردند وبه حماقتش خند یدند و گوش هایش را بعنوان جزا کش کردند .

ده‌خالی و خاموش بود ، از بعضی دودروها دود به آهستگی بالا می‌شد. یك آفتاب خیره بالای جلگه‌سفیدوبالای انبارهای‌کاه خشك‌که‌از برف پوشیده بود می‌تابید .

میشکا و نیکیتا به‌کلبهٔ (ارتامون‌تایور ین) دهقان قوی هیکل که‌همهٔ کس ازاومی ترسید، زیرا بسیار قوی‌وبد خلق وعصبی بود، رفت. نیکیتا از دریچهٔ کوچك بداخل نگاه کردوریش درشت ارتامون رادید- مانند یك جاروی‌منجی او روی میز نشسته بودوچیزی رااز کاسه چوبی می‌خورد .در کلکین دیگر سه طفل کوچکی، پسران ارتامون (سیومکا، لیونکا وارتاموشکای صغیر) در حالیکه بینی های شان را در شیشهٔ کلکین فشار داده بودند ایستاده بنظر می رسیدند ..

وقتیکه (موشکا) به کلبه نزدیك شد سوت زد و(ارتامون) دور خورد ، الاشه های‌کلانش مصروف جویدن بود وبایك قاشق‌آنهاراتهدید می کرد . سه پسر از کلکین ناپدیدشدند وناگهان در دالان بنظر رسیدند آنجا کمربندهای خودرا می‌بستند ....

«آخ، شما،» در حالیکه کلاهش را بریك گوش خود می‌برد ، میشکا گفت : «آه، شما، دختران ..... در خانه نشسته .... ترسیده یکی از قیافه های طفلانه - سیومکار جواب داد، «مااز هیچ‌چیز نمی‌ترسیم.»

لیونکا گفت :«پدرمیگوید ماباید بوت های نمدی رادر بیرون نپوشیم.»

ارتاموشکای صیغر گفت :« پیشتر بیرون شدم وبدستهٔ کونچان صدازدم اما آنها وقعی نمی گذارند .»

میشکا کلاهش رابرگوش‌دیگرش برد، صدای زبانش را برآورد وبا واز بلندی گفت :

-«بیائید ما آنها را آزارمی دهیم ، آنها را اذیت خواهیم کرد .»چهره های طفلانه جواب دادند :

-«بالکل درست است .» و همه آنهابرتپه برفی که پهلوی جاده ساخته شده بود برآمدند، از همینجا آنطرف‌کلبه (ارتامون)،«نهایت دیگر» ..... آنارده بمشاهده رسید .

نیکتیا فکر کرد که آنسوی توده برف بطرف کونچان ، جمعیت بچه ها خواهند بود اما در آنجا دودختر وجود داشتند که خودرا در شال ها پیچیده بودند ویك تختهٔ برفی رابر تودهٔ برف می‌کشیدند -برآن بالا شدند وپاهای شان راکه بابوت های نمدی آنها راپوشانیده بودبه پیش کشیدند ، ریسمان را گرفته بافریاد به مسابقه پرداختند به امتداد جاده حرکت نموده از توده گیاه گذشتند وازساحل‌سرا سیب‌برفراز یخ‌دریارسیدند.

میشکا وهمراهان شان ونیکتیا ، بالای‌تپهٔ برف از موضع شان بفریاد زدن آغاز نمودند:

«هی، کونچان!»

«مابی شماآمده ایم .»

«تمام شما ترسیده وپنهان شده اید.»

«بیائید ماشمارا خواهیم کوبید.»

«مابا یکدست باشما خواهیم جنگید .» هی، کونچان!» میشکا فریاد می‌زد ودستکش های چرمی اش راباهم می‌کوبید .

بطرف دیگر تپهٔ برف چاربچهٔ کو نچان پدیدار گشتند، دستکش‌های شان رامی کوبیدند وباآنکه آنها را یکی بردیگری می‌مالیدند ملایم ترمی‌ساختند ، اوشان کلاه های شان را درست کرده بفریاد کردن آغاز نمودند .

«ابدا پروای شما را نداریم.»

«فکرمی کنید که مارا می‌ترسانید.»

«بقه ها ، بقه ها، کوا ، کوا! »

دستهٔ از آنطرف تپهٔ برف که نیکتیا در آنجا قرار داشت آمدند ، الیوشا، نیل ،و وانکای سیاه گوش،برادر زاده ساوسکا که‌پتروشکانام داشت و یك پسرك لاغر دیگر باشکم کلان،

*کانستانت: آلهٔ موسیقی است که دو پله دارد و هر پله اش شکل قاشق‌رادارد وباآلات دیگردرتولید آواز استعمال میشود- مترجم .

شال مادرش را بر سرداشت ، بطرف کونچان ها یا ٦ نفر بچهٔ دیگر نیز وجود داشتند •

«هی، شما ، پك پوزها! » آنها فریاد زدند، «انمك های تان رااز یادتان خواهیم برد•»

ـ«نعل بندان خروس چشم ، موش ها رانعل کنید•» از طرف خود میشکا فریاد زد •

«قورباغه گك ها، قور باغه گك ها»

در حدود چهل پسر بهر دوطرف جمع شده بودند اما هیچکس علاقه مند جنگ و مجادله نبود •همه می‌ترسیدند، توپ‌های برفی راپرتاپ میکردند وبینی های شان رامی مالیدند • از دور فریاد می‌زدند• «قورباغه‌گك‌ها، بقه گك‌ها»،از جانب نیکتیا» نعل بندان خروس چشم»،«اینها همه توهین هابودند که‌بیکدیگردو بدل‌می‌کردند ناگهان یك پسر کوچك ،با شانه عریض وبینی سگ‌مانند •میان‌دسته کونچان پدیدار شد•

«هی ، قورباغه ها، بیائید ،تن به‌تن بجنگیم•»

این همان ستیوپکا کارنو شکین بود بامشت های جادو شده اش •••

پسران کونچان کلاه های‌شان را انداختندو باتندی سوت زدند بچه های‌جانب نیکیتا خاموش شدند ـ نیکیتا دقیق شد• پسران کمك کن باتر شرویی ساکت ایستاده بودند•

الیوشکا ووانکای سیاه گوش ـ بعقب حرکت کرد ، پسرك کوچك در شال مادرش چشم‌های کلان ومدورش رابطرف کارنو شکین گرداندو آماده گریه بنظر می‌خورد•میشکا کوریا، کمربند وطنی اش راپائین می‌زدومی غرید :

«ازینحالت‌حالت مشکل‌تری‌راداشتم•واین‌بار اول نخواهدبود • من نمی‌خواهم آغاز کنم‌اما وقتیکه خواستم حمله کنم براو حمله خواهم کرد وکلاهش راده‌متر دورترخواهم انداخت•••»

ستیوپکا دید که هیچکس به جنگ وپرخاش بااو علاقه ندارد ، بادستکش اشاره کرد:

«بچه ها ! حمله کنید،»

ودسته کونچان بافریاد هاو سوت‌هابطرف تپهٔ برفی بمسابقه شروع کردند •

بچه ها نیکه بمنظور کمك آمده بودند ازین وضع ترسیده فرار نمودند ،از عقب آنها میشکا، وانکای سیاه گوش وبعدا تمام پسران دیگر دویدند : نیکیتا هم فرار کرد ، پسر کوچك که خودرا در شال مادر پیچیده بود در برف نشسته ومی گریست •

همراهان از راه خیابان ارتامون وچیرنوخوف دویدند وبرتپه دیگر برفی جمع شدند نیکیتا بعقب دید ، الیوشا، نیل وپنج تن همراهان برروی برف افتاده بودند •

بعضی ها افتادند • بعضی هااز ترس فرار نمودند ویا دراز کشیدند وی گفتند:

ـ«شما کسی را که دراز کشیده باشد زده نمی‌توانید •»

نیکیتا ایستاده شد • او از خجالت نزدیك بود گریه کند • تمام شان نامرد بودندوازجنگ می‌ترسیدند •• اوساکت ایستادهو مشتش‌راگره کرده بود ودید که ستیوپکا ـآن بچهٔ سگ بینی ودهن کشاد که کلاه پوست گوسفندی برـ سر داشت بطرف اومی دوید •

نیکیتا سرش را فرود آورده وبطرف او مارش نمود وبا تمام قوتی که داشت‌بر سینه اش‌کوفت ستیوپکا سرش را تکان داد• کلاهش راانداخت وبرروی برف نشست •••

«اخ،اخ ، تو همین کافی است،» او گفت •

پسران کونچان فورا توقف کردند نیکیتا بطرف آنها رفت وآنها فرار کردند ، نیکیتا میدوید وفریاد می‌زد • « مابرنده‌ایم » بچه‌ها بردسته کونچان مانند دیوار ریختند، د ستهٔ کونچان فرار کردند آنها را ٥ تاشش‌خیابان تعقیب کردند تا همه آنها تسلیم شدند •

نیکیتا دوباره باهیجان وحرارت بده خودرفت ودر جستجوی جنگ‌باشخص دیگری بود•کسی اورا صدازد ـ در عقب یك تودهٔ گاه ،ستیوپکا ایستاده بود ، نیکیتا بسوی اورفت وستیوپکا به اوتر شرویی کرد •

«برایم یك جواب درست بده ،» اوگفت:» آیا میخواهی رفیق داشته باشی ؟»

«البته که می خواهم ،» نیکیتا باعجله‌جواب داد •

بچه ها یکی بدیگر دیده می‌خندیدند •

«بیائید باهم چیزی عوض کنیم ،» نیکتیا گفت •

«بیائید•»

نیکیتا برای لحظهٔ فکر کرد که چه چیزی‌خوبی رابه ستیو پکاعرضه‌کند ،وبعدا چاقوی کوچکش رابا چار تیغ باواهدا نمود ـ ستیوپکا دستش رابه جیب بردو یك انگشت بند سربی رابر آورد :

ـ«بگیرآنراگم‌نکنی ، بسیارقیمت دارد،»

چطور یك شب تار باخر رسید ؟

دراین شب نیکیتا نشست وبدیدن تصاویر وخواندن داستان های آن درمجله (نیوا)پرداخت ولی کمتر مورد دلچسپی اش قرار گرفت •

یکی ازآن تصویر هازنی رانشان میداد که برپله دروازه ایستاده وباز وهایش تا آرنج برهنه بود• گلی رابموهای خود زده بود• بالای شانه ها ودور پاهایش کبوتران نشسته بودند،

مردی که تفنگی‌برشانه‌داشت از عقب‌یك‌حصار بسویش می خندید• چیزی بسیار خسته کن راجع به تصویر این بود که او نمی‌دانست چرا کشیده شده برای توضیحاتش چنین می‌گفت، «کدام یك از شما کبوتر های اهلی راندیده است ، این رفیق های حقیقی‌انسان را؟» (نیکتیا قسمت باقی مانده رادر مورد کبوتران ناخوانده گذاشت) «چه کسی لذت انداختن دانه رادر صبحگاهان‌باین پرنده هانه‌چشیده‌است؟»هنرمند بااستعداد آلمانی(هانزورست)چنین‌لحظه راثبت نموده است ـایلسیای جوان (دخترپیشوای روحانی) از خانه برآمده ـکبوتران معلم دوست داشتنی شان رادیده اند وبا مسرت به پاهایش پرواز می‌کنند ـ ببین که چطور یکی از آنها برشانه اش نشسته ودیگری از دستش دانه می‌خورد ـیك همسایه جوان ، یك سپورت‌مین مخفیانه از صحنه خوشش می‌آید•»

نیکیتا تصور می‌کرد که ایلسا جزاینکه به کبوتران دانه دهد چیز دیگری نمی‌کرد•چه خسته کن ، پدراو، پیشوای روحانی ـ کدام جایی دریك اطاق بالای یك چوکی نشسته‌خواهد بود وازخستگی فازه خواهد کشید، وهمسایه جوان طوری ناله می‌کشد که گویی دردمعده دارد ، اودر سرك بطرف پائین می‌رفت وهمچنین نیشخند می‌زدـ والبته تفنگش فیرنمی کرد، آسمان ونور آفتاب به خاکی‌رنگ بنظرمی‌رسیدـ نیکتیا نوك پنسلش را مکیدو در چهرهٔ دختر پیشوای روحانی بروت رسم کرد• • تصویر دیگر منظره شهر بوزولوك»بود•••

تصویر دیگر منظره شهر «بوزولوك» بود، یك عرابهٔ شکسته در کنار جاده ودر حوالی تلبه های چوبی‌یك کلیسای‌کوچك بنظرمی‌خورد وباران به صورت مایل ازمابرهای تیره سراز یرمی‌شد•

نیکتیا فازه کشید «نیوا» رابست ، برمیزخم شد وگوش داد •

ازاطاق بالا آواز های‌سوت مانندوضربه دوام دار تنظیم شده بگوش می‌رسید بعدا صدای‌بم ثقیل شنیده شد، صدای کشیده،آهسته وپف مانند •

بالای میز مدور چراغی‌در زیریك شیت‌شیشه ای آویخته‌بود، کسی بطرف‌دیگردیوار بمتا نت قدمی‌زد•••• کله‌مامی بالای کتاب خم‌شده‌بود، موهایش خاکستری‌نرم وزیبابودو بالای شقیقه‌ـ اش حلقه شده بود ، وقتا فوقتا مادر بایك سوزن بافت ورق می‌زد ـالماری کتاب مطالعهٔ پاپا از چنین کتاب ها پربود ، کتاب هائیکه پوش نصواری داشتند وحاوی خبرهای اروپا بودند • او متعجب بودکه چطور بزرگان اینگونه کتاب های خسته کن را دوست دارند •

اخیلکا در دامن‌مادر خوابیده بودـ خارپشت اهلی، بینی مرطوب خوك مانندش رابالای‌پنجه اش گذاشته بود • وقتیکه شب هنگام، مردم به بستر می‌رفتند او خوابش را قبلا تکمیل نموده بود وتمام شب در اطراف خانه گردیش می‌کرد ، پاهایش را بزمین میکوفت ، •

درتمام کنج های خانه خرخرمی‌کردومی‌بوییدـ وسوراخ های موش راجستجومی‌نمود•

بطرف دیگر خانه ، تانك بخاری بایك دروازه آهنی دیده می‌شد وآنها می‌دیدند که چطورآتش رابرافروختند •اطاق‌بوی پلسترگرم‌شده‌وزمین مرطوب رامی‌داد • آنجا دراطاق بالا کسی‌اشپلاق می‌زد •

ـ«مادر ! این کیست که سوت می‌زند ؟»

مادر ابروهایش رابالازد امانگاهش راازکتاب برنداشت ـارکادی ایوانوویچ که در کتابش خط می‌کشید ، معلوم می‌شد انتظار همین سوال راداشت •

«وقتیکه مااز یك چیز بیجان حرف می‌زنیم» اوبا سرعتی که کسی چیزی را حفظ کرده باشد گفت: ضمیر «چه» را استخدام میکنیم •••

«بوـ ـو وـ ـو»، صدای بوم از اطاق بالا آمد •

مادر سرش رابالاکرد، گوش‌داد ، شانه‌هایش را تکان داده وشال پشمین رابدور خود پیچاند درین اثنا (اخیلکا) یاخارپشت بیدار شدو باـ غضب خرخر کرد •

نیکتیا باریدن برف را از کلکین بی شیشهٔ اطاق سردو تاریك می‌توانست تماشاکند•

اوبالای چوکی خاموش نشسته بود •••• نزدیك مادر خود آمد • مادر بامحبت بسویش دیدونیکیتا را بطرف خود کش کرد وجبین اورا بوسید •

ـ«آیاوقت خوابت نیست؟»

«اوه ، نیم ساعت‌دیگرهم ، لطفااجازه دهید•»

نیکیتا دستش رابر شانه مادر خم کرد• در وسطی اطاق بازشده‌واسکا» پشك نمایان گردید دمش رابلند نگهداشته بود، قباقه اش بیانگر عاجزی وخوبی وی بود• آنقدر به نرمی (میو) کردکه بمشکل شنیده می‌شد بدون اینکه ارکادی چشمش رااز کتابچه تمرین بردارد پرسید :

«وازیلی وازیلیویچ، خودت‌به‌چه‌منظورآمدی؟»

واسکا بسوی مادر قدم زدوبا چشمان سبزش که‌نیمه باز بود بطرف مادر دیدو (میو) کرد •

خارپشت دوباره خرزد، نیکیتا تصور کرد که واسکا از چیزی خبر بود ومی خواست‌آن را باوشان بگوید . در اطاق باشدت چیغ‌زد وبعد ازآن آواز ملایمی ازخارج کلکین ها شنیده شد ، آواز باریدن برف وصدای اشخاص بگوش می‌رسید• مادر بسر عت‌بر خاست . اخیلکا خرخر کرد واز دامنش لولید ، ارکادی ایوانوویچ بطرف کلکین دوید وبیرون را ملاحظه نمود .

ـ«آنها آمدند .» او گفت .

ـ خدای بزرگ !» مادر باهیجان گفت •» یقیناً این انا پو لوسوفنا نخواهد بود ؟ دراین طوفان برف ... »

چند لحظه بعد ، نیکیتا که در راهروایستاده بود ، دروازهٔ بزرگ نمد پوش را دید که باز شد ، یك ابر بخاریخ بداخل هجوم‌آورد به تعقیب آن یك زن بلند قامت وتنومندی که دو پوستین ویك شال‌بر تن دشت وکاملا از برف پوشیده شده بود داخل شد ، آن‌زن یك بچه را که کرتی خاکی با تکمه های درخشان بر تن وکلاه گوش پوشك‌عسکری بر سر داشت باخود آورد . در عقب آنها ، گا دی ران با ریش وبروت برفی وابرو های سفید پندیده اش در حرکت بود و هردم بوت های نمدی یخ زدهٔ خود را بر زمین می کوفت ونیز در بغل دختر کی را گرفته بود که ازسیاهش شیطنت وشوخی بمشاهده می رسید . آن دخترك سر را پرشانهٔ گادی ران گذاشته وبخواب رفته بود .

زن قد دراز وقتیکه بخانه داخل شد باآواز رعد مانند فریاد زد :

ـ «الکزاند رالیوتیفنا ، مهمانت آمده ! » دستهایش‌را بالا کرد وبدور کردن شال پرداخت .

ناتمام

تصحیح ویاد آوری

باعرض پوزش یاد آوری میشود که عنوان اصلی اثریکه‌تحت‌عنوان‌یك صبح آفتابی نشر شده «طفولیت نیکیتا» بوده وصبح آفتابی هم عنوان یکی از عناوین فرعی آن میباشد نه اصلی •

از : داکتر کاهلرت
ترجمه :صدف

آب سرچشمه زندگی

آیا میدانستید که انسان روزانه‌به زیاد تر از دو لیتر آب ضرورت دارد ؟

یا اینکه جسم ما دو بر سه ازآب تشکیل شده است ؟

یا اینکه راه های ترا نسپور تی‌که از آنها آب در خون حجره های جسم را تغذیه می کند ۹۰۰۰۰کیلو متر طول دارد (یعنی زیاد تر از دو مرتبه دور کره زمین را می‌پیماید ؟

و یا اینکه بدون غذا انسان‌هفته‌ها می تواند زنده بماند و بدون‌آب صرف چند روز ؟

آب صرف برای شستن نیست، بلکه وظیفهٔ اصلی آن زنده نگه داشتن انسان است . آب نه تنها مهمترین وسیله غذایی ما (ازنقطهٔ نظر قانون غذایی) می باشد بلکه‌به صورت عمو می مهمتر ین وسیله حیات ما را تشکیل مید هد، واگر خو بتر تشریح بد هیم مهمتر ین وسیلهٔ زندگی برای تمام مو جودات و زندگی ها .

ما انسان ها زمان قبل از تولد خود را در آب بسر می بریم و همچنان در زندگی بعد از تولید که از ٦٠ الی ٨٠ سال دوام می کند به این ماده کیمیاوی بی رنگ و بو وبی مزه که از آکسیجن وهایدروژن تر کیب شده است و ماآن را (آب) می نامیم ، نیاز مطلق داریم .

بدون غذا می توا نیم در صورت ضرورت تقریبا دوماه بهر صور ت زنده بما نیم. اما بدون‌آب وما یع حد اقل تا یک هفته دیگر زنده نیستیم . یك انسان وقتی می میرد که زیاد تر از دوازده فیصد آ ب وجود خود را از دست بد هد . او برای زند گی به یک اندازه اقلی روزانه یک الی۱٫۵ لیتر آب‌ضررت دارد. اما یک انسان سالم وجوان باید روزانه حد اقل ۲الی ۲٫۵ لیتر آب بخود بیگرد .

بعضی اشخا ص شا ید تعجب نمایند که هیچو قت اینقدر آب‌نمی خورند . اما نباید تعجب کردز یرا در آنصو رت اگر ما روزانه ۲ الی ٤ پیاله چای و یا قهوه می نوشیم و یا بصورت وافر میوه میخو ریم باز هم خوب تغذیه میشویم .

میوه و سبزی جات چهل فیصد آب مورد ضرورت رابرای ما ایجاد می نمایند . ذریعه مشرو بات مختلف انسان می تواند تا ٤٧ فیصد آب مورد احتیاج خود راتهیه کند . بر علاوه تقر یبا ۲٫۲ لیتر آب که یك انسان جوان ذریعه نو شیدن و خوردن بخود می گیرد، ۰٫۳ لیتر آب دیگر در حجره های بدن بحیث مواد اضافگی تنفس حجرات تو لید می شود .

تقر یبا همان اندازه آبی را که یك جسم سالم جذب می کند، به همان اندازه آب را دوباره پس مید هد .

تانیم لیتر آب (پانزده الی بیست فیصد) بصورت بخار آب ذریعهٔ تنفس آزاد می شود . غده های عرق در صورت حرارت عادی روزانه زیاده از نیم لیتر آب را (بیست فیصد) تبخیر می کند . تا سطح پوست را سرد نگه دارد . علاوه بر آن مواد غایطه عبارت از ٦٠ فیصد آب‌است .

اما زیاد ترین مقدار آب ذریعهٔ ادرار از بین می رود، (١٫٤ لیتر) .

جسم ما ٦٥ فیصد ازآب تشکیل شده است . این آب ، دو برسه حصهٔ آن در حجرات و یك برسه حصهٔ آن خارج از حجرات وجود دارد ووظیفه های مختلف دارند .

– این آب ها مواد محلولی برای نمك، تیزاب ها ومواد غذا ئی می باشند . مواد مورد ضرورت جسم ما هنگا می که در آن حل شوند آنوقت مورد استفا ده قرار گرفته ومفید می باشد .

–آب وسیلهٔ انتقال است :

مثلانمك و مواد معدنی و اجزای مواد غذایی که برای جسم ما مفید و قابل ارزش می باشند ، بصورت محلول به آنجا های انتقال می یابند که در آنجا از آن استفاده می شود و لازمی می باشد .

خون که ۸۳ فیصد آن عبارت از آب است ، آکسیژن را از شش‌به اعضا انتقال مید هد و کاربن د آکساید را دو باره می آورد .آب تمام مواد غیر ضروری و بیکاره مختلف را از بدن انسان خارج می کند . مثلا بصو رت ادرار .

–آب مواد سا ختمانی بدن است و انسان را بصو رت صحیح به حر کت و فعالیت می آورد .

این وظیفه آب را پوست بدن برای ما بصو رت صحیح و واضح نما یان می سازد . جسم یك طفل که آب زیاد دارد همیشه یك پوست صاف وگلابی رنگ می داشته باشد . اما جسمی که روبه پیری می رود بر خلاف آن چون نسج حجرات کمتر آب ذخیره کرده می توانند ، پوست آن چروك دار و قابلیت انحنای آن کمتر می باشد .

از آنجا یی که آب برای جسم انسان ضرو رت حیاتی داود ،اگر آب وجود ، کم می باشد ، یك دستگاه اخطار دهنده به ما خبر مید هد ، مقدار آب و جود صورت نور مال ندارد . پنج فیصد کا هش آب در بدن ، مارا دچار تخیلات عجیب و یاد فرا موشی می سازد ده فیصد کم بودن آب خلل دوران خون را به وجود می آورد . اگر دوازده فیصد آب وجود انسان کم می شود ، در آن وقت مرگ بسراغ ما می آید .

در صورت خطر کم شدن آب وجود که ذریعهٔ عرق کردن مبالغه آمیز و یا کم گر فتن ما یعات ویا ذریعهٔ مشکلات معده و یا روده که همواره دو چار استفراغ ، تهوع ویا اسهال می گردد ، غلظت نمك در خون زیاد می شود . در آن صورت مرکز قر ما ندهی (مغز

بقیه در صفحه ٥٣

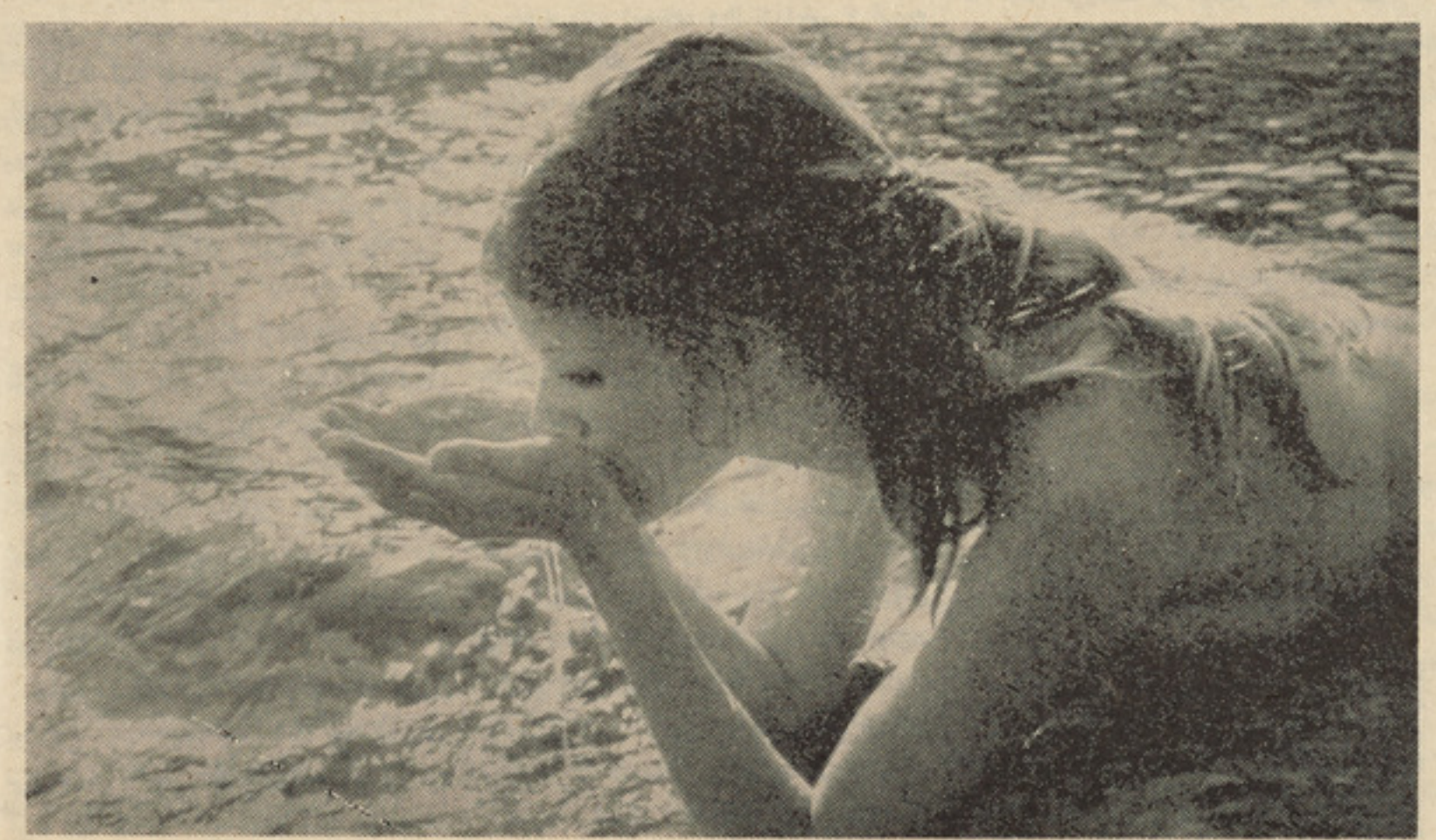

بدون آب ادامهٔ حیات برای انسان‌وهرموجود حیه غیر ممکن است

ترجمه: بریالی علی زاد

الکول والکولیزم

همین حالا در ایالات متحده امریکا در حدود هفت تا ده میلیون نفر مبتلا به الکولیزم (استفاده از الکول درمواقع معین بطوروافر و به شکل اجباری)اند . باید گفت که الکول بالای کلیه ساحات زندگی با لخاصه ار تباطات اجتماعی، برخوردبا دیگران، فعالیتهای اجتماعی وهم وظایف عادی روزمره شخص معتاد به الکول تاثیرات بس سؤ دارد .

از زمانهای خیلی قدیم جهانیان به این حقیقت پی برده بودند که الکول بالای کلبد تاثیرات سؤ داشته وباعث مرضی شدن این عضو حیاتی میگردد . مگر بعد از کاوشهای پیهم دانشمندان طب حال این حقیقت به اثبات رسیده که الکول بالای دیگر اعضای عضویت نیز دارای تاثیرات سوء میباشد . والکول باعث تخریبات وخیم ومداوم درنسج دماغ ،قلب عضلات اسکلتی واعصاب میگردد. حقیقت بس ارزنده که تاحال ازنظر جهانیان پوشیده مانده بودودرین اواخر کشف گردیده عبارت ازتاثیرات سوء الکول بالای آن عده اطفال نوزاد است که مادران شان در حین حاملگی مشروبات الکولی صرف می کنند. در طی تحقیقات اخیردانشمندان طب [illegible]

عده اطفالیکه مادران شان الکولیک اند تا خر عقلی میداشته باشند . که البته سبب این تاخر عقلی را دانشمندان طب تاثیرات تخریبی الکول بالای نسج دماغ ذکر کرده اند. همچنان یک در سه این اطفال ابنورمالیستی فزیکی از باعث تاثیرات سوء الکول بالای نسج دماغ ،قلب ومفاصل بظهور می رسد .واز همین باعث است که داکتران طب ماداران حامله را از صرف مشروبات الکولی(بالخاصه در سه ماه اول حاملگی) مانع میشوند .

باید گفت که الکول از نظر کیمیاوی دارای انواع مختلف بوده مگر الکول که بطور مشروب رواج دارد عبارت از ایتایل الکول می باشد. وهم باید دانست که مشروبات الکولی به فیصدیهای مختلف تهیه وآماده صرف میگردند . گرچه استفاده از الکول اغلبا با صرف نمودن از طریق فمی صورت می گیرد مگر میتوان توسط انشاق بخارات آن نیز ازآن استفاده نمود. چنانچه مرگ ومیرهای متعدد ناگهانی در فابریکات تولیدی الکول از اثر انشاق آن نیز گزارش شده است .

زمانیکه الکول از طریق فمی گرفته شد بعد از رسیدن به معده و قسمت ابتدایی امعا به بسیارسرعت جذب میگردد . وشصت در صد الکول گرفته شده فقط در یک ساعت اول درین نواحی جهاز هضمی جذب میگردد . وبعد از مدت یک تایک ونیم ساعت تمامی الکول گرفته شده جذب میگردد .البته بعد ازینکه الکول گرفته شده جذب گردید داخل جریان خون می شود . وبه اینترتیب در تمامی نقاط عضویت تقسیم میگردد. مگر اینرا هم باید بخاطر داشت که در صورت موجودیت مواد غذایی(بالخاصه شیر)در معده در میزان جذب الکول کاهش رخ میدهد .

باید گفت که نود در صد الکول جذب شده توسط حجرات کبدی تخریب میشود . وده در صد باقیمانده آن بدون کدام تغییر و به حال اولی اش توسط ادرار، عرق وتنفس بخارج اطراح میگردد. الکول هرگز در عضویت ذخیره شده واز همین باعث صرف مقدار زیاد الکول چون بار اضافی بالای کبد پندا شته میشود .

اینرا هم باید دانست که میزان صعود فوری الکول درخون وتخریب سریع آن توسط کبد واطراح آن توسط ادرار ، عرق ، تنفس نظر به اشخاص انفرادی وگروه های مختلف فرق میکند چنانچه در اثر تحقیقاتیکه در ینمورد صورت گرفته در یافت گردیده که عضویت یک اسکیموقا در به تخریب واطراح نصف آنمقدارالکولیست که عضویت یک شخص غیر اسکیموقا در به تخریب آنست .

شاید نزدتان سوالی پیدا شود که الکول چگونه توسط کبدتخریب می شود؟و الکول چگونه باعث بروز امراض کبدی میشود ؟

هرمالیکول الکول به گاز هایدروجن و یک ماده کیمیاوی دیگر که اسید الدیهاید نامیده می شود تجزیه میشود، بعد اسید الدیهای حاصله بیک تیزاب عضوی که استیک اسید نام دارد مبدل میشود .بالاخره تیزاب عضوی اخیر به گاز کاربن دای اکساید وآب مبدل می گردد . که البته کاربن دای اکساید وآب که محصولات نهایی اند باتر تیب از طرق تنفسی وبولی بخارج عضویت اطراح میگردند.

برای عضویت خیلی ساده می نماید تا استیک اسید را بعد از تبدلات کیمیاوی بدون آنکه به عضویت زیانی برساند اطراح نماید . در حالیکه در صورت موجودیت اسید الدیهاید و هایدروجن چنین نیست . زیرا اگرعضویت برای مدت مدیدی به اسید الدیهاید و هایدروجن مواجه باشد یک سلسله تخریبات غیر قابل ارجاع در حجرات کبدی رخ میدهد. همچنان موجودیت ها یدروجن اضافی در عضویت باعث یک سلسله تبدلات کیمیاوی در کلبد میگردد که در نتیجه این تبدلات کیمیاوی حجرات کبدی معروض استحاله شحمی میشوند وتجمع شحم در حجرات کبدی مانع آزاد شدن پروتین مورد ضرورت عضویت که در حال عادی درین حجرات ساخته میشود میگردد همچنان الکول این استعداد کبد را که اسید الدیهاید رابه اسیتک اسید مبدل می نماید نیز سلب نموده وبه اینترتیب امکان تخریب حجرات کبدی را بیشتر میسازد . وهم امکان آن موجود است که اسید الدیهاید بر علاوه بروز امراض کبدی تخریب حجرات عصبی وحجرات عضلی قلبی را نیز باعث میشود .

باید گفت که تخریب حجرات کبدی ازاثر اسید الدیهاید استحاله شحمی وحبس پروتین از اثر استحاله شحمی حجرات کبدی باعث مرگ این حجرات وتخریبات وسیع درین عضو حیاتی (کبد) میگردد. وبه اینترتیب آهسته آهسته تخریبات نسجی ومرگ حجرات کبدی انکشاف یافته تا بالاخره باعث مرگ شخص معتاد به الکول می گردد. گرچه عده فکرمیکنند که باوجود آنکه در صرف الکول سابقه چندین ساله دارند ، اعراض مرضی نزد شان بروز نکرده مگر باید بدانند که تاثیرات سؤ این ماده نظر بمقاومت عضویت شخص و نظر بمقدار الکول که روزمره توسط شخص گرفته میشود فرق میکند ولی حتمیست که دیر یازود اعراض مرضی نزد شان تظاهر کرده بلایی را بر سر ایشان خواهد آورد که چاره جز فنا و تسلیم بمرگ نخواهد داشتند .

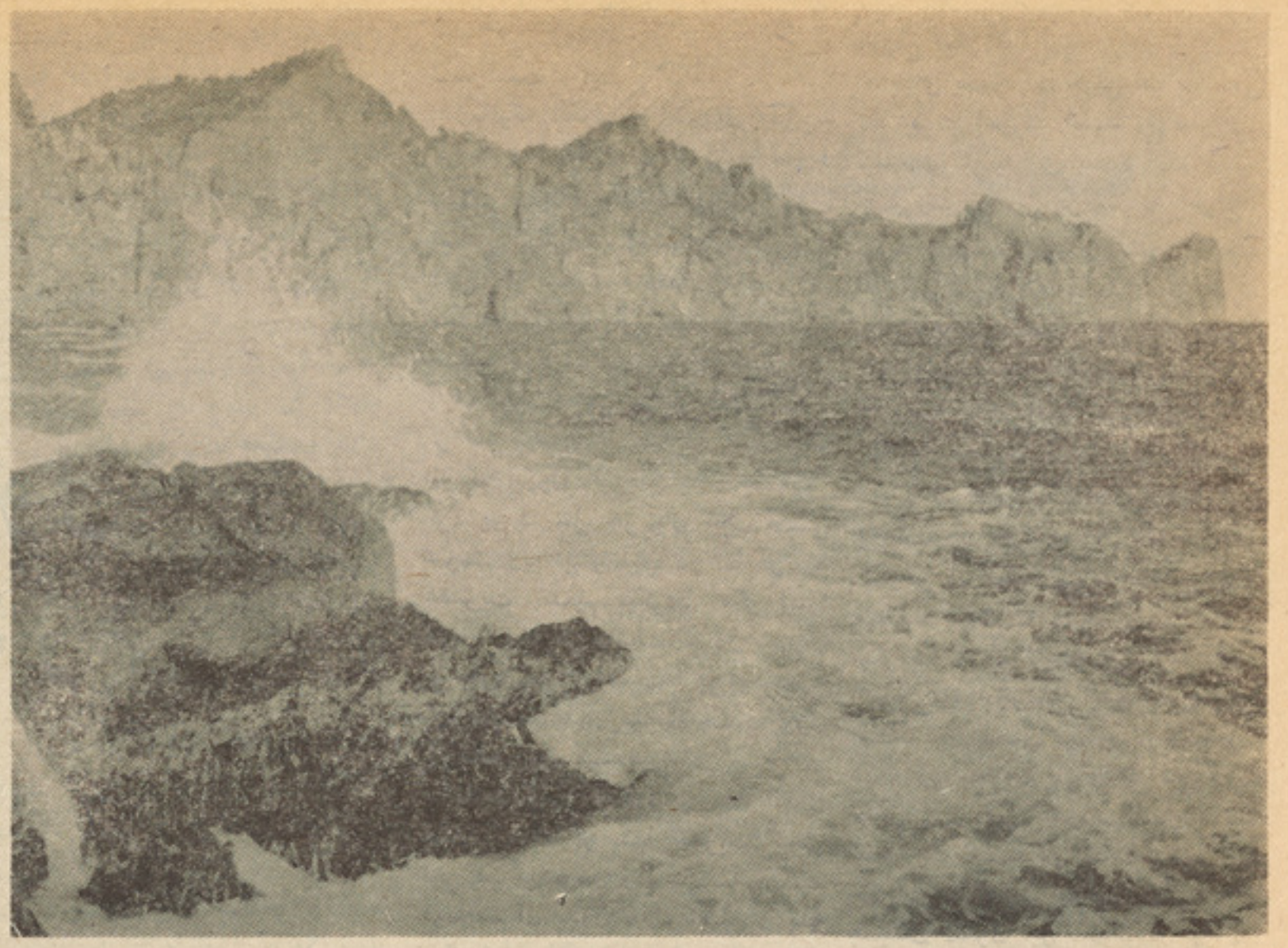

کوه های زیبای سواحل چلیو

ترجمه‌ی :زهدی

نویسنده :لی‌ون جی

استفاده از طبیعت به‌نفع مردم

طبیعت ذخایر وثروت های سرشاری ، به معمول منابع طبیعی را ، برای انسانها درروی زمین بود یعه گذاشته‌است• اما طبیعت نمیتواند ثروت بیکران خودرا ، طبق میـــل و آرزوی انسانها مفت ورایگان در اختیار آنان قراربدهد این مربوط ومنوط به شیوه اندیشه ومعیارکار وکوشش ، انسانهاست که‌چطوروچگونه میتوانند از گنج های که‌درسینه‌زمین‌نهفته است، استفاده نمایند •

هر گاه ذخایر طبیعت‌به‌صورت‌صحیح ودرست حمایه و کنترول گردند بشر میتواند به ثروت بی کران دست یابد واز آن استفاده نماید در غیر آن ، از طبیعت نه بلکه باید از نارسایی وناتوانی خویش بنالد •

باشه کوریایی درحال خوردن یك‌موش

در طول تاریخ فرمانروایی، امپریالیست‌های مستعمره جوکوریایی ها، ازطرز استفاده‌ازمنابع طبیعی اطلاع نداشتند •

مهاجمین جنگلات کوریا را قطع نمودند،کوه هادر پای مردم کوریا را ، مواجه به خساره بیشماری گردانیدند واراضی مزرعی آنها راخاره و بی ثمر ساختند و حتی محلی مناســـب برای حیوانات وحشی وطیور باقی نگذاشتند تا آنها به‌تکثیر بپردازند وباآنکه منابع‌تمـــام ناشدنی طبیعی در اکثر حصص آن کشور وجود داشت ساکنان آن از پوست درختان و ریشه حبوبات استفاده می‌کردند •

استعمار چیان ثروتمند ، با استفاده زیاد، منابع طبیعی ، کوریایی هارا ، تباه کردند،آنها بهانه جویی میکردند که‌طبیعت را قـا بـــل استفاده می‌سازند اما حقیقت این بود که منابع طبیعی را ازبین بردند •

استفاده سالم ودرست از طبیعت عبارت از نگهداری طبیعت به صورت اساسی میباشد •

لذا مردم کوریا مجبور بودند که بعداز استقلال طبیعت رامجددا بسازند واز آن‌به‌صورت درست ومعقول استفاده نمایند تا برای مردم شان ، سعادت‌وخوشبختی بارآورند•

این گونه اعمار مجددطبیعت در هیچ جای دیگر امکان پذیر نیست • مگر در کشور ویا سرزمینی که ، در آن هر چیز در جهت بهبود جمعیت ومردم مورد استفاده قرارمیگیرد•

بعداز آنکه کوریایی ها، استقلال شان را،از امپریالست هابدست آوردندپروژه‌های ساختمان مجدد طبیعت‌رابه‌شدت آغاز کردندوتحت‌رهنمایی های عاقلانه وپلانهای معقول که توسط رهبر خردمند شان رفیق کیم ال سونگ طرح گردید بمعرض اجرا قرار دادند •

دیگر، زمین های خشك وبایر، قلبه‌گردید واز آن مزارع سبز وپرحاصل بوجودآمد، غرس اشجار به‌پیمانه زیاد صورت گـــرفت واز آبهای زیر زمینی استفاده بعمل آمد• جریان‌آب دریا ها بهبود یافت ، بندهای آب گردان وسد- های ذخیره آب، جدیدا اعمار واحداث گردیدو ساحات وسیع اراضی تحت آبیاری قرار گرفت وحاصلات زراعتی روبا فزایش گذاشت •

در مدت سه تا چهار سال ، بعداز آزادی کشور کوریا از نگاه مواد خوراکه ، متکی‌بخود شد • اگر چه که قبل از آن مردم آن سرزمین مشکلات غذایی فراوانی داشتند • همچنان در همان سالهای نخست آزاد شدن‌کوریا از چنگال استعمار ،سطح زندگی مردم بلندرفت وپسمانی اکثر مردم کوریا را ، شادی‌وسرور فرا گرفت•

بعداز سال ۱۹۵۸ کار ساختمان طبیعت به سرعت وبه صورت موثرتروی دست گرفته‌شد وبکار گران و زحمتکشان،نسبت به کاری پرثمر وخلاق شان، ارج وارزش فراوان گـــذ اشته شد وبدین صورت سوسیالیزم در آن کشور تقویه گردید •

بنابر مجلس عمومی حزب کارگر کوریا که‌در ماه سپتمبر ۱۹۵۸ منعقد گردیدرهـــبر کشور پلان بزرگی را ، غرض گسترش آبیاری ، یك میلیون جریب زمین زراعتی طرح کرد• به‌تحقق پیوستن این پلان روح تازه ای به تمام ارگان های حزبی ومردمان سراسر کوریا ، دمیدو همه بااتحاد وهم آهنگی زیاد ، بخاطرساختمان مجدد کشور شان قدعلم کردند •

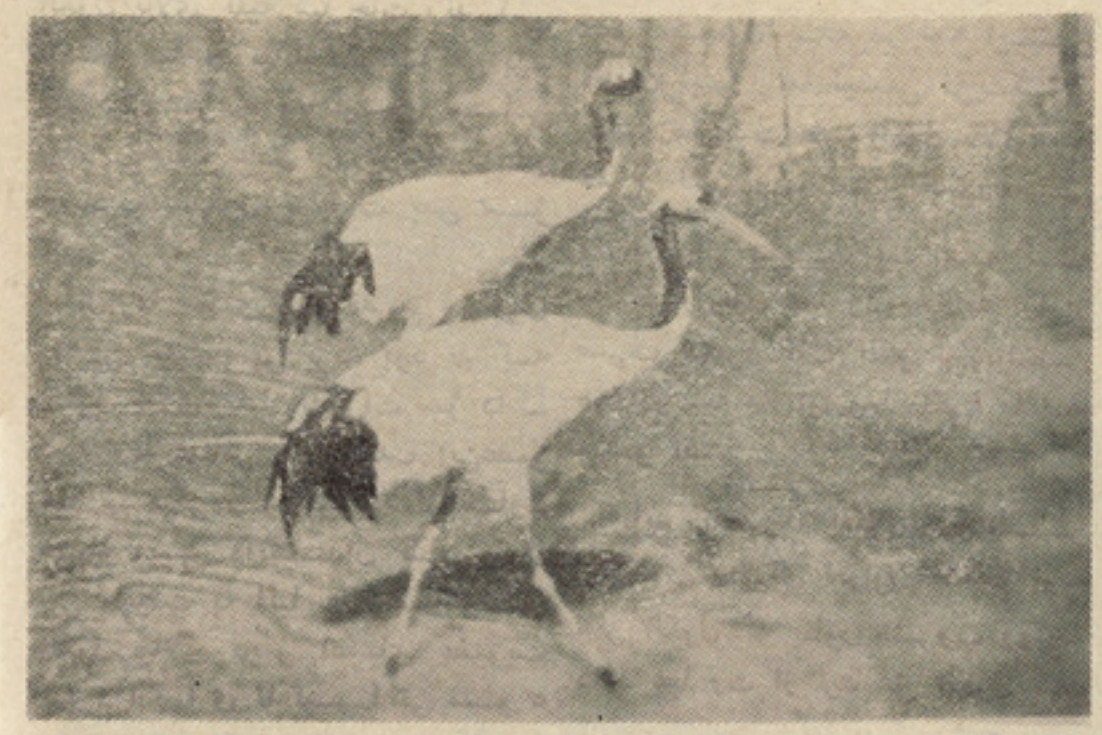

این یکنوع پرنده زیبااست ودرکشورکوریامورد حمایه قرار دارد زیرا ازآن‌در تحقیقات علمی استفاده به‌عمل می‌آید•

بلی !

تمامی ساکنین سرزمین کوریا، درین‌مبارزه شرکت کرده شب‌و روزمصروف خدمت گردیدند زیرا درك نموده بودند که نوسازی کشور شان و استفاده بهتر و معقولانه تر ، از منابع طبیعی از آرما نهای دیرینه ای آنهامی‌باشد وبرآورده شدن ایـــن آرمـــان ، در حقیقت کشور شان را،برثروت‌وقدرتمند می‌سازدوآنهارا،به‌خوشبختی

باشه ای که‌به تنه درخت‌نشسته‌است

وآرامش میرساند •

درین مبارزه کار های دسته جمعی خیلـــی سودمند واقع گردیدوبه جهانیان‌وانمود گردانید که کوریایی ها ، ازروح سرشار مبارزه جویی واستفاده کردن طبیعت به نفع کشور و مردم‌خود بر خوردار بوده اند •

در کشور کوریا ، در مدت خیلی کوتاهی، طبیعت شکل دیگری بخود گرفت وبند های آب گردان جدید، سدهای خرد وکوچك که شمار شان به هزار ها میرسد • کانال های آبیاری بطول ده ها هزار کیلو مترو صدها هزار ،اعمار واحداث گردیدند وهمرای‌ساحات اراضی‌زراعتی تحت شبکه آبیاری قرار گرفت • در پهلوی‌این ساختمان‌های‌آبیاری، کارهای اصلاح در یا ها به پیمانه وسیعی‌صورت‌گرفت‌واشجاریکه ارزش اقتصادی داشتند توسط اکثریت مردم ، در همه جا غرس گردید وسیستم آبیاری ، به شیوه عصری و علمی به پایه تکمیل رسانیده شد و شالی کاری آغاز گردید وزیر بنای مستحکم تولیدات زراعتی گذاشته شد• همزمان بانجام این کار هادر اطراف واکناف کوریا ، مناظر زیبا ودل فریب بوجود آمد وگلها وبوته هاو اشجار قشنگ وزینتی روئیدند وقدافراشتند•

امروز اکثر کشورهای‌جهان ،دربحران غذایی که ناشی از خشك سالی ویا سرازیر گردیدن سیلاب هااست مواجه میباشند • اما در کشور کوریا بر علاوه خشك سالی وسیلابها حتی از سرمای شدید نیز موفقانه جلو گیری بعمل آمده لذا همه ساله حاصل فراوان بدست می آید• چنانچه درسال گذشته آن چنان پیروزی بزرگ در زراعت نصیب کوریا یی ها گردیدکه در نتیجه آن بیش از هشت میلیون تن حبوبات بدست آوردند •

باثر اینوع کارهای ثمربخش وعرق ریزی های ارزنده ، وضع زندگانی مردمان کوریا ، بطور مستدام بهبود می‌یابد وبیش از پیش‌حیات آنها با خوشی وآرامش توام میگردد •

حزب وحکومت کوریا ، در کلیه فعالیت های شان در قسمت بهبود وضع زندگی مردم ارزش واهمیت زیادی قایل می‌باشند • چنانچه درین اواخر پروژه های زیادی را طرح ریزی‌نموده‌اند که تطبیق پروژه‌های مذکوربیش از پیش‌بمردم کوریا افتخار و سعادت خواهد بخشید •

رهبر بزرگ کوریایی ، کیم ال سونگ‌چنین اظهار میدارد:

(زراعت عموما منحصر به طبیعت و موقیعت جغرافیایی است واقلیم روی آن تاثیر کلی‌دارد واین یکی از وظایف کمونیست ها می‌باشد که طبیعت را تحت کنترول خود در آورند واز آن در اثر روی کار آوردن اساسات معقول تولیدی که‌اقلیم نتواند آنرا متاثـــر سازد، استفاده معقول وفراوان بنماید وبرای مردم همه شرایط مساعد زندگی راتامین نمایند•)

حزب کارگر کوریا ، در جلسات عمومی‌کمیته مرکزی ماه اکتوبر ۱۹۷۶ پالیسی پنج فقره‌ای، استفاده معقول و همه جانبه‌از طبیعت را ، طرح ریزی وشیوه های رسیدن باین هدف را، در آن تعیین نمود • طبق این طرح ، آب برای زراعت در تمامی اراضی بایر وحتی سطوح مرتفع وکوه ها باید رسانیده شود • اراضی

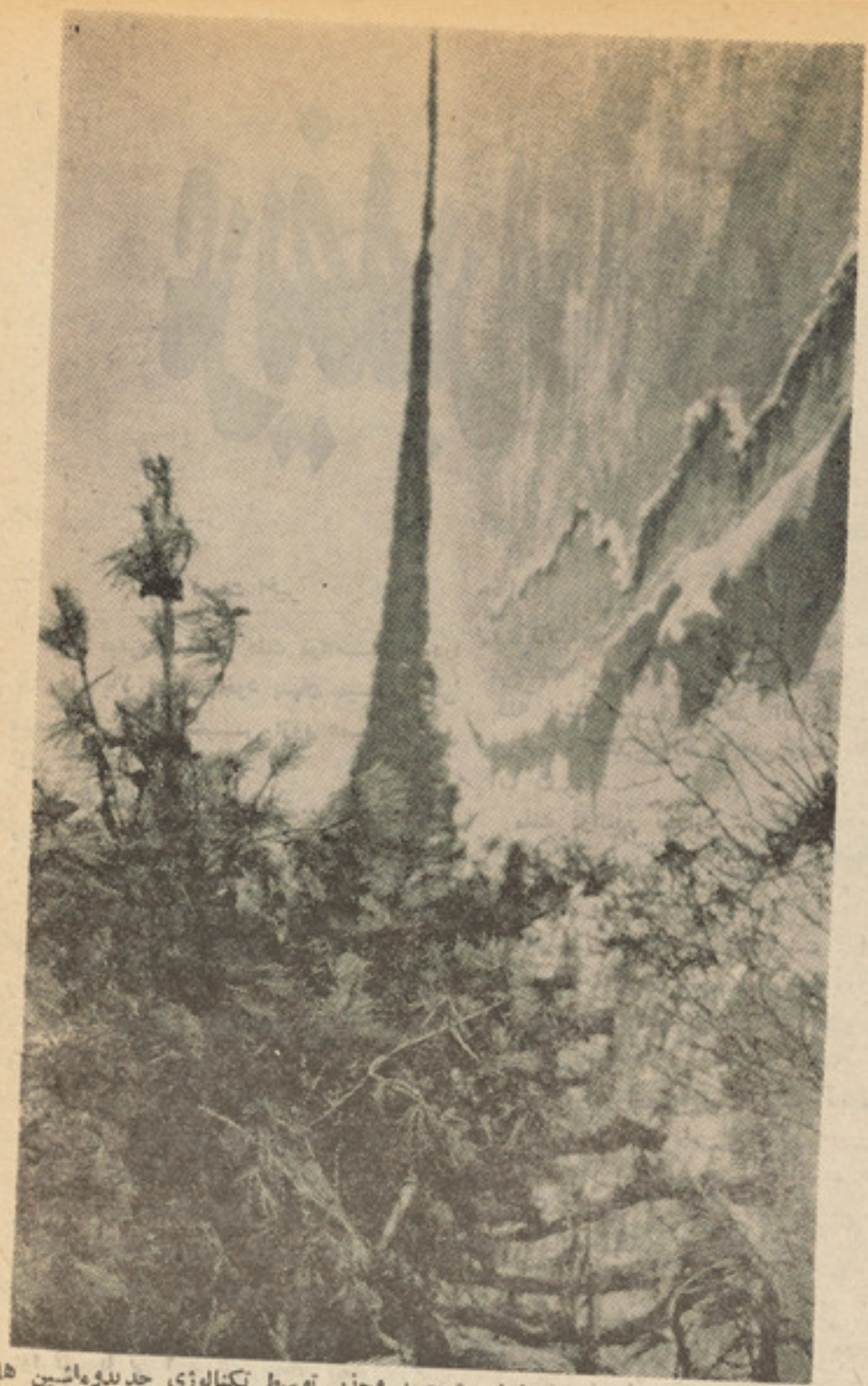

پدید آوردن اراضی مزرعی ازساحات تحت‌مد وجذر توسط تکنالوژی جدیدوماشین های عصری در کوریا صورت گیرد

کوهستانی باید به صورت مرتبه دار ساخته شود وشالی کاری باید منظم وبه شیوه نوین صورت گیرد • زمین‌های‌که حاصل‌خوب‌نمیدهند اصلاح و تقویه شوند • جنگلات احداث و آب هاذخیره گردد • کار های صورت گیرد که از سیلاب ها وباران های شدید وخسارات آن جلو گیری بعمل آید •

اراضی ساحلی ، به‌پیمانه زیادی تحت‌زراعت قرار گیرد • هر گاه این پالیسی جامه عمل بپوشد ، زیر بنای تولیدات زراعتی ما بهتر و مستحکمتر گردیده وتوان کافی پیدا خواهدکرد که سالانه ده میلیون تن غله تولید کند ودرعین حال ازآسیب گزندسرمادرامان باشد تازندگی مردم بهتر وقدرت اقتصادی کشور قوی تـــر شود •

این همه فعالیت های معقول و موثر درجهت تقویت ودگر گونی طبیعت ، مناظر کشور کوریا را نیز دل انگیز تر وشاداب تر گردانید ونهرها ودریاها ،بدل انگیزی جریان پیدانمودنـــد و جنگلات انبوه و گسترده بوجود آمدند •

بارویکار آمدن نظم وترتیب درست و عملی در کار زراعت ، در کلیه اراضی شالی کاری ازماشینری ومواد کیمیاوی استفاده بعمل آمد وتربیه مواشی به صورت اساسی صورت‌گرفت وباپدید آمدن صنایع مربوط بزراعت بسرعت پیشرفت کرد وکارهای شاقه ازدوش زارعان دور گردید •

مبارزه‌باطبیعت یکی از اهداف مهم کوریایی هادر جهت ایجادیك جامعه‌مرفه وشادمان‌می‌باشد وجای شك نیست که‌بگونه ای که‌کور یایـــی هادر کار نوسازی کشور شان موفـق شده اند در ین آرزوی شان نیز پیروزی حاصل خواهند نمود •

تطبیق شعار ازدیاد حاصلات در سراسر خاك پدروطن :

هوای گوارای فضای کشور کوریا را، فرا گرفته ودر مزارع طلایی ، که سراسر کوریارا، از ساحل غربی تا قسمت های‌شرقی ، فراگرفته خوشه های برنج‌و میوه‌های رسیده خیلی‌فراوان نگریسته میشود •

تزیید حاصلات درشهر هاودهات، گسترش خطوط آهن عبور ومرور کشتی های ماهیگیری درابحار آزاد ، خوشی و مسرت فوق‌العاده ۵ برای هر کوریا یی با ر آورده است •

بقیه‌در صفحه ۵۰

آهوهای کوه‌های چلیوسان کوریا که‌روز به‌روز بیشتر میشوند

عریضه برای آب

قسمت اخیر

هردو میلر زیدند . ملك ذوالقدر خودرا بدا خل بالا پو ش خود پنهان مینمود .حتی مویهای پشت دستش ازوا همه وترس بلند شد .

-میگو یم آنرا باز کن ... من میگویم باز کن و بخوان .

-نخیر صاحب ... خود تا ن با زکنید.

ملك ذوالقدر پا کت را گر فت . کا تب گردن خود را پیش کشید .

وگفت :

-تار را همرای چاقو قطع کنید و با ز مهر لاك را پس کنید .

-چرا مهر را پس کنم !

-بدون آن مکتوب باز نمیشود .

-وباز چکنم ؟

-باز پاکت راباز کنید .

ملك ذوالقدر چانب پولیس که خود را نزدیك آتش گرم میکرد دیدو پرسید:

-بمن بگوی که این مکتوب را با ز میتوا نیم یا نی ؟

-باز کنید .لتر سید . این پولیس مثل این مکتو ب بسیار مکتو بها را برده ودیده بود که گیر ند گا ن مکتو ب ، آنرا باز میکنند پولیس از بس خنك خورده بود دستها ی خود را بهم میما لید .

کاتب دفتر ملك بیك گوشه نشسته بود ملك ذوالقدر اندکی لرزید پاکت رابد ست گرفت واز بین آن یك کاغذکشید.

وبابی میلی جانب کاتب دیده پرسید:

میتوا نی اینرا بخوا نی ؟

کا تب آن را بد ست گرفت ونظرانداخت و چهره اش تغییر نمود .

و اظهار داشت :

-یك شکا یت است . عریضه است .

-از کجا و از کی ؟

-از قد یم عظیم او غلی . واز جا نب‌خود بادشاه بزرگ است که به نایب الحکومگی ارسا ل شده تا اجرا آت لازم بعمل‌آید .

میر آب از جای خود بالا پریدو پرسید

-چه نو شته است ؟

-نو شته که پنبه ها سو خت . آ ب میخوا هد .

-چیز دیگر نیست ؟

-نی

-در باره اینکه ما اورا به نهر انداخته‌ایم نو شته نکرده ؟

-نی . تنها آب خواسته است .

کاتب به یك سطر نو شته که در کنج عر یضه بصورت ار یب یعنی کج و یك بغله نوشته شده بود نظر انداخت . بعداز غور زیاد بلند خواند : این رعیت با ید آب بگیرد .

ملك ذوالقدر صدازد :

-وبا دشاه بزرگ اینرا نوشته است... آنهم بنام من

-نمیدا نم . امضا واضح نیست . اما ... اینجا ... ازطرف نائب الحکومه ... و بعد امر نایب الحکو مه را بلند خوا نده وبرای میر آب ترجمه کرد .

-پس من برای زمینها ی پنبه قدیم بابد آب بد هم ؟

-در اینجا همینطور نو شته اند و بلا وه شده که با ید در با ره اجرا ی امر و از خود محل اطمینا ن هم داده شود .

-پس ما با ید چکنیم ؟

کا تب به جدیت جواب داد : امر با ید تعمیل شود !

-در زمستان !

-زمستان یا تابستان فرق نمیکند . امرامر است .

-مگر

-من صرف یك کا تب استم . من‌در مقابل این قسم امر ها فقط همین قدر حیثیت کوچك دارم . وقتی اینرا میگفت کف دست خود را از سطح زمین فقط یك انگشت بلند گرفته بود و افزود :من وظیفه مشخص دارم. فقط خوا ند ن و نو شتن .. خوا ند ن و نوشتن صلاحیت من خیلی کو چك است .شما میدا نید و کار تا ن .

ملك روبه پولیس که‌پاکت را آورده‌بودکرد وپرسید:

-ممکن است پولیس به‌ما درین راه کمك نما ید .

-وظیفه من تما م شد . امر را اجرا و ار اجرای آن اطمینا ن بدهید . صرف ببینید که وقت ضایع نشود. من با ید بر گردم .

-پس چه باید بنو یسیم ؟

-ملك صاحب ! چیزی ننو یسید . امر مقا ما ت عالیه ر ا اجرا کنید .

-وکدام گپ دیگر پیدا نمیشود . اگر درباره زمستا ن کدا م عریضه بدهد وشکایت کند یا کدام مطلب دیگر را پیش کند باز چه خوا هد شد ؟

-اگر وقت آب دادن است یا نیست شما باید امر را اجرا نما یید مقصد زمین اوآب بخورد.

-بسیار خو ب ... اجرا میکنیم . ملك یك چپرا سی را صدا زد و گفت :

-ما همین حا لا بد شت کلان میرو یم برو و قد یم را بیا ر .

چپراسی بچشم گفته بسرعت روان شد پولیس پهلوی بخاری ایستاده بود .ملك ذوالقدر کا تب وچپرا سی دیگر بطرف زمینها بیرون رفتند . رفتند که زمین‌نا رض را آب بد هند . عریضه در تا بستا ن‌داده شده بود و امر اجرای آن در زمستا ن‌رسید وباید امر اجرا می شد .

آفتاب دروسط آسمان بود. بر فها ی روی زمین چنا ن میدر خشید که چشم از روشنی آن کور میشد . باد سرد زمستا ن مثل کارد روی و دست آدم را می بر ید اینهانی‌که روان بودند دست های خودرا بد هن نزدیك گر فته و کف می کردند هنوز از نهر دور بودند . ملك جانب‌زمین های قدیم روان بود. بته های پنبه‌خشك وپژمرده از زیر لحاف بر ف‌معلوم میشدند یك کمی دور یك بیل بزمین کو بیده‌شده بود .

هر سه نفر ایستاد ند . گو ش و بینی شان از شدت باد سرد زمستان سرخ شده بود. کا تب بیچاره از خنك دست ها ی خود را دندا ن میگر فت . ملك ذوالقدر به یك چپراسی امر کرد که آتش بکند .بیچاره رفت و بته ها ی تر راجمع کرد و با هزار دود وچف وپف آتش را در داد. اینطورمعلوم میشود که کا تب بیچاره از خنك زیاد میخواهد در بین آتش درآید .هی‌میگفت چه زمستان سنگ‌وسخت -آدم را می کشد . همه گرد آتش ایستاده‌ودست های خود را گرم میکردند . تا که از دور قدیم همرای نفر دیگر پیدا شدندملك ذوالقدر به کاتب اداره خود گفت .

-تا بستا ن گذشته ما قد یم را بسارآب دادیم .

-پس چرا عریضه کرد؟ واین‌سوال کاتب بود که دست خود را بجیب کرتی خود برده وعر یضه قد یم را می پا لید .

-خودش را در آب غوطه دادیم . حا لا زمینش در آب غوطه میدهیم .همه همه.. بلی ... همینطور میشود .

قدیم نزدیك شده میر فت کا تب بنظر دقت جا نب او مید ید و گفت :

-قسمی معلو م میشود که بیچاره از یك مر یضی طو لانی بر خا سته با شد .

-بلی ... بعد از ینکه کدام چیزی سرش آمد مد ت طو لانی در بستر ما ند .

قد یم پیش آمد و جانب ملك ذوالقدر تند تند دید . کا تب کا غذ را ار جیب خود کشید و پر سید .

-این عر یضه تست ؟

-بلی کاغذش همینطور بود خط کشی داشت.

-بکی عرض کردی ؟

-به پادشاه بزرگ !

-چه میخوا ستی

-آب

دهن کاتب به‌یك خنده استهزا آمیز باز شد و علاوه نمود .

-حالا یك جواب آمد ه .از طریق دفتر نائب الحکو مگی .

-جواب عر یضه من ؟ از جانب شاه‌بزرگ از خود حکمفر ما . چه نو شته ؟

-نو شته که بر عیت او آب باید داده شود.

-چه وقت آب داده شود ؟

-وقتش را نگفته . که در تابستان یا همین زمستا ن !!

-حالا ازمن چه میخواهید ؟خودم‌مریض استم و روی زمینم بر ف افتاده !

-میخواهیم امر بادشاه را اطاعت کنید قدیم نزد ذوالقدر رفت وبه کراهت از او پر سید ؟

-ملك صاحب ... چه میخوا هی ؟

-باید اطاعت کنم . پولیس منتظر است من نمی خواهم از خاطر تو مدال وزنجیری خود را از دست بدهم.

-پس مرا چرا زجر مید هی .چرا اذ یتم میکنی ؟

-من نمیکنم .

-از من چه میخوا هی ؟

-هیچ . تو هستی که چیزی میخو ا هی ... آب

-نه ... تو ... همین تواز من چه‌می خوا هی .

-وقتی که میر آب بودم نو کر آب‌بودم اکنون که ملك دو هستم نو کر حکمفرما هستم .

-حالا چه میخوا هی ؟ کجا میروی ؟ چه میکنی ؟

-زمینت را آب میدهم

-درین زمستا ن

-بلی ... در همین زمستا ن. امر آب برای ما همین حا لا رسیده و در حکم تا بستان وزمستا ن ذکر نرفته .

قدیم به دست های خود تف زده‌و بیل‌را از زمین کشید و گفت :

-برای اینکه بر تو تف کرده با شم‌حتی در همین زمستا ن حاضر هستم که زمین‌خود را آب بد هم . بعد سر خود را شورداده وگفت : تو عجیب حیوا نی هستی گا هی میر آب میشوی و گاهی‌ملك ودر هر دوحال ما دهقا نها را اذیت میکنی .

چپرا سی سرش صدا زد: حالا چه ضرور که درین خنك اینقدر پر میگو نی. برا ی آب عریضه کردی ، حالاآب میگیری‌در تا بستا ن ندادند چه پروا میکند حالا در زمستا ن مید هند .

ملك صا حب درین حصه چه میتو اند اگر امر را اجرا نکند تو فردا شکا یت دیگر روانه میکنی .

کا تب هم موا فقه خود را اعلان کرده گفت :

-ما امر را اطا عت میکنیم و زود اجرا می کنیم .

بقیه صفحه ۱۳

حمله قلبی ...

بیما ری‌های قلبی در امر یکاوکانادا ازاثرمصرف بیشتر بیر وخورا کی ـــای بریان شده گراف بیما ری های قلبی نیز تز ئید یا فته است زیرا این منرال می تو ند بر بار مینو اسید هادستبرد بز ند .ومعاـ وضه موادی آنراتنبل بسازد.بیماری های قلبی ناشی از انواع ناجوری روما نتیزم در کشور های کمتر دارا عمومیت زیاد دارد و به حمله قلبی‌و بالاخره مرگ منجر میشود.

بیماری اسکملیك قلبی همراه با افزایش فشار خون زیاد ترین رقم بیما ری مخوف قرن را می سا زند.

در ین‌بیما ری بعد هاار تیمای قلبی نیز ظاهرمیشود . امرا ض‌اسکمیك قلب خیلی درد ناك‌است وحس می شود نوا ری با فشار هرچه تمام تر قلب را به‌تنگنا می گیرد. که بالا خره به اثـر نر سیدن هوا در قلب بـــه انفار کتو سس می کشا ند ومر گـك ناگها نی وزود رس بد نبال دارد.

واقعات انفار کتو سی بعد ازدو سا عت‌از ظهور عـلا یم آن آنقدر خطر ناك است که به مر گ مـی کشا ند .

بصو رت خـلا صه :

عدم تعادل در گر فت موادخوراکی اعتیاد به سگرت ومشرو بات الکولی عدم فعا لیت های فز یکی ،ناهنجاری وهرج مرج رو حی‌وعصبی همه‌بیمارـ گراند وهمچنان اضا فه وزن،پرـ خوری، افزا یشس چر بی وکلسترول در خون ومواد خو را کی (گو شت چرب)فعالیت بیشس از حد فز یکـی عوامل بیما ری زای ردیف دوم‌اند.

وضد حمایه قلبی ...

۱ـاینکه بیمار باید بدا ند که‌بدـ رستی درمان میشو د.

۲ـ از اضا فه وزن باید جلوگیری کرد.

۳ ـفشار خون تا نراهمیشـــه کنترول کنید .

٤ـ از همین الحال سگرت رادور بیا ندازید ، حد اقل مصرف آنـرا کم‌بسا زید .

٥ـ همیشه از ور زشس های نظیر یوگا طرفدا ری کنیدو به آن تن در دهید .

٦ـ اینکه باید زنده بما نید !خوـ شس‌وسر حال باشید وغم‌واندوه را از خود دور کنید .

۷ـ از مواد خورا کی متعـــا دل استفا د ببر ید . ازگر فت غـذاهای (حســاسیـت دار) انـر ژ ی زا چرب وبر یان‌شده حـذر کنیدو از ببر هیزید .

۸ـ استرا حت وخواب‌کافی دریك ذخیره نمای انر ژی رول خوب‌دارد.

۹ـ بو تل مشروب را دور بیـاـ ندازید تا خورد شود .بیشتر ازین نخوا هیـــد این سم سر تا سری سلول های تانرا فرا گیرد .

۱۰ـ از رو شس های‌ترد اعصاب اخصه روا نی و(آمو زشس‌خودآفرین) استفاده نمایید .

۱۱ـ از کار زیاد جسمی‌ودما غی بپرهیز ید .

۱۲ ـبر ترسس چیره شو یـدو ویرو سس نا امید وهرج مرج رو حی راسر کوب کنید .

۱۳ـ آز مایش ما هواره فشـار خون تان نبا ید فرا مو شس‌گردد .

۱٤ـ از قلت تان محافظت کاملی کنید وهفته وار در زیر معا ینه‌داکتر قرار گیرید . بادا کتر فا میلی در تماس باشید از بلعیدن خود سرانه حتی‌قرص های مسکن جدا بپـرـ هیز ید .

۱٥ـ وبالاخره یقین‌واعتماد کامل به روشس های وقا یه یی داشتـــه باشید ، به امید سلامتی جسمی ، روحی وقلب بز رگ شما.

بقیه صفحه ٤۸

عریضه‌برای آب

قدیم تازه از مریضی بر خا سته بود. فقط اسکلیت بود که راه میر فت بو ستی برد ستخوا ن کشیده . معهذا با بیل خودنهر را بر ید و آب یخ ده را جا نب زمین خود راه داد . آب با لای بر ف جا ری شدـ قدیم بر بیل خود تکیه زده و جر یا ن آب را تما شا میکرد . بعد روی خود را جا نب ملك گشتانده گفت :ـ حالا میتوا نی بروی

ـنخیر ... من هستم تازمین آب بخورد

ـکا تب هم گفت : امر همینطور است، وراپور هم باید داده شود که امـر تعمیـل شد .

قد یم با ز بیل خود را گر فته و آب را طوری جا ری سا خت که به هر قسمت زمین بر سد .

ذوالقدر باز چپراسی را امر داد که بته‌ها را جمع و آتش کند آتش رو شن شده آفتا ب در عقب ابر پنها ن گردید و آخرین گر می خود را از قد یم در یغ‌نمود.پاهایش تر شد .در دگر فت اما جا نب ذوالقدر نر فت که از آتش او گرم شود . او آدم ظا لم بود .

آفتا ب بر فراز کو ها رسید . ذو القدر به کا تب گفت که را پور بنو یسید ومهر کند . او دهقا نا ن را اذیت میکرد . اما زمین دارا ن بزرگ ، پو لیس ، حاکم ، نا ئب الحکو مه و تزار را سجده مینمود، نفع او در همین بود .

ذوالقدر و کاتب وچپراسی به قر یه‌آمدند قد یم بعد از چند کا ر خرد وریزه دیگـر از زمین بخانه بر گشت . میلر زید . بیل را هم در هما ن گو شه اندا خت که زنجیر را اندا خته بود. تو کینر را صدا زد .

ـآخر جواب عر یضه آب رسید .

ـخوب شد .

ـزمین من آب خورد .

ـدیوانه شده ای . درین زمستا ن زمین را آب دادی . برف روی بته ها ی پنبـــه است .

ـدیوا نه ... یا هرچه میخوا هی همانطور فکر کن .امر باید اجرا میشد .

ـچرا ترا چه شد ه؟ چرا میلرزی

ـچیزی نشده ... من میمیر م .

ازدیك آتش نشست .اما گرم نشد. بسرعت حال خودرا خرابتر می‌یافت.

بعد سه روز پیهم بیحال و بیهو ش افتاد هیچ چیز مفید واقع نشد . نه شربت آلو با لو و گیلا س که تو کیز تیار کرد و خـون گرفتن راهم تو کیز، خانمش انجـام داد. کسی دیگر نداشتند . شب ســـوم اندك بهوش آمدم اما خیلی ضعیف‌بـود. در حالیکه بچراغ کنار بستر خود خیره شده بود ،به آهستگی گفت :

ـتو کینر، او تو کینر بـــرو نزدمیرزاو برایش بگو کـــه باز به پادشاه بنویسند.

ـچه بنو یسد قدیم ؟

ـبگو بنو یسد ... عظیم او غلی ... از زبان یك عا رض ...

بگو. بنویسد کـــه امر اجـرای آبدر زمستا ن رسید ، من عر یضه را در تابستان داده بود م .

ـچه گفتی قدیم ...؟؟

نفس قدیم به سختی میبر آمد . به‌شماره افتاد به مشکل گفتار خود را توام داد وتا گها ن با نالهٔ بلند اضا فه کرد ، .

ـبگو که بنویسد ... هر چیز را بنویسد و بعد ... نا له اش خا مو ش شد .آوازش بر آمد .

میخواست‌دست‌خودرابلند کند . توا نش را ندا شت .

چشمش از تو کینر جدا می شد . تو کینر با زوی خود را روی زانوی خویش‌مانـــده و طرف شوهر بیچاره خود مید ید .

نا گهان از جای خود جهید و از اطا ق بیرو ن دو یده با آه وناله به همسا یه ها صدا کرد :

ـاوه همسا یه ها ... اوه رفیقا ن ... دوستا ن ...

قد یم دیگر نفس نمیکشید ، مثلیکه‌نفس آخر ین خود را کشیده بود . چشمش به‌یك نقطـه دوختـــه شد. شاید درگـوشه چت اطاق انتظار که‌عریضه آب راباآن جوا بهای بی پروا و بی اعتنا نی که با و میداد ند، به نظر ش جلوه میکرد .

عر یضه که در تا بستان تقد یم شده‌بود و امرا جرای آن در زمستا ن رسید . و میر آب ظالم ، که ملك قریه شده بود آب راروی برف ها رها کرد تا امـر مقامات‌عالیه اجرا شده با شد .

(خاتمه)

بقیه صفحه ۳٤

دودها

سر خانه چلم را خالی کرد . دستش رابه طرف دستمال گل سیب دراز کرد . آنرا گرفت گره‌اش راباز نمود . چشمان خسته اش باتنفر به طرف دستمال (عید مبارك) انگشتر یا قوت ونامه یی چار لایش می‌دیدند. اینها سوغاتی یك نوروز بودند . نو روزی که خیلی زود قصه های دوستی ، تحفه هاو هدیه دادن ها راپایان دادو برآمدگی رخسار وگردی چشمان رابا دود های گونه گونه به جا گذاشت.

انگشتانش بی اراده به طرف خطش دویدند وآنرا باز کردند . چشمان اوروی خطها خزیدند تا خاطرهٔ های خوشی برای‌جعفر باشند. ناگهان حدقه‌ها درزیر نورچراغ تیلی روی این جملـه ایستادند :اگر دوستم نداشتی شاید آنقدر اراده داشته باشم که جز به‌خیالت به چیزی دیگری پناه برم» . (الف) ها، (ر)ها (دال) ها همراه با (هر) های گرد به هم آمیختند ودر برابر چشمان جعفر روح گرفتند ورقصیدند . ناگهان صدای شکستن سرخانه چلم باچار خانه اش سکوت شب را شکست . حرف های که ترکیب (اراده) را داده بودند مرتب شدند.

از آن روزبه بعد دود هابه طرف آسمان رفته ناپدید نمی شدند . دیگر چشمان جعفر هرروز به درون فرونمی‌رفت وزردی چهره اش فزون تر نمی گشت .

بقیه صفحه ٤٦

استفاده از طبیعت

فصل خزان که برای کوریایی ها موسوم پر ثمراست قیافه اطفال و کودکان کوریایی را، شاداب وگلگون گردانیده وباعث گردیده که تبسم زنان وشادی کنان ، بطرف مکاتب شان میروند خلاصه از دیاد حاصلات فراوان وسعادتمندی ، روح تازه‌ای به ساکنین سرزمین کوریا دمیده است •

درسال جاری ، معیار حاصلات ، از اندازه خوب هم خیلی ها بلند رفته ومقیاس آن بقدری میباشد که در تاریخ کوریا نظیری ندارد •

سال ۱۹۷٦ که یکی ازسالهای فراوانی کشور کوریا محسوب گردیده است

اما فکر می‌شود که سال‌جاری حاصلات کوریا بیش از سال ۱۹۷٦ باشد زیرا خوشه های مملواز دانه حبوبات ، درسراسر کوریا نوید حاصلات بیشترازسال‌مذکور را میدهد•واحتمال میرود سال کنونی از پر ثمر ترین سال، تاریخ کوریا می‌باشد •

درسال ۱۹۷٦حاصلات حبوبات‌کوریا افزایش قابل ملاحظه ای نموده بود وسا لها قبل ازآن سال مقیاس محصولات زراعتی کوریا از مقیاس جهانی پیشی گرفته است •

درسال بعد ۱۹۷٦ حاصلات برنج ازصفر اعشاریه فیصد تایک تن ، جواری‌از صفر اعشاریه شش تن تایک‌اعشاریه دو تن بلند رفت • حقیقت این است که رشد حبوبات در کوریا در تاریخ زراعت آن کشور بی مثل است •

امروز هر گوشه کشور از خیر کوریا وعده افزایش حاصلات همه ساله‌رامیدهد زیرانباتات در آن سر زمین همه ساله رشد بهتر و بیشتر میکندو دارای ریشه های قوی تر ونیرومند تر می‌گردد و حاصل خوبتر وفراوان تر میدهد •

چنانچه امروز از سراسر آن سر زمین ،آواز افزایش محصولات برمیخیزد •

همه حاصلات زراعتی بخصوص محصول‌برنج سال قبل کشور کوریا ، به صورت تعجب‌آوری بلند رفت زیرا همانطوری که زراعت برنج در سطوح هموار رشد کامل وحاصل فراوان داشت حاصلات جواری در نواحی کوهستانی ونیمه کوهستانی خیلی فراوان بود • زیرا کارگران وزحمتکشان حزبی روی زمین های زراعتی‌زحمت زیاد کشیده وعرق بسیار ریخته بودند •

سطوح مرتفع (پاکدو) از نگاه حاصل فراوان کچالو وسایر محصولات زراعتی خود ، شهرت فوق العاده یافت وحتی بلند ترین حصص‌کوه های (رنگ‌ریم) بقدری جوار ی و (سویا بین) وبادنجان رومی حاصل داد که هرگز در گذشته ها چنان حاصل نداده بودند •

فضای باغستانهای کشور کوریا همیشه معطروخوشبو بوده ودر شاخه های درختان آنها میوه های گوناگون بچشم میخورد •

اکنون چون تمام اراضی کشور کوریا ، در بحر ی از میوه باب غوطه وراست لذا همه مردم آن سر زمین از خوشی وشادمانی ، در لباس نمی‌گنجند •

هنگامیکه پدر وطن کوریا یی ها ، بعد از استقلال تقسیم گردید دشمنان آنان میگفتند:

(کوریای شمالی که محصولات زراعتی‌خودرا از کف داده است • دیگر نمیتواند خویش را سیر نگهدارد •)

هنگامیکه ما بعداز جنگ به ساختمان یک کشورسوسیالیستی پرداختیم‌کار های‌مان رااز صفرآغاز نمودیم ، درین زمان امپریالست‌های امریکا چنین تصور می‌کردند که هرگز این‌امکان برای مامیسر نخواهد بود که درطول یک‌قرن بتوانیم به پای خود ایستاده شویم • اما ما باعزم و متانت پیش رفتیم و خیلی زیاد بجلو قدم برداشتیم ومشکلاتی‌را که ازناحیه‌جنگ باآن مواجه بودیم ازسرراه خویش برداشتیم وباسرعت هرچه بیشتر پیش رفتیم‌وخاک‌پدر-

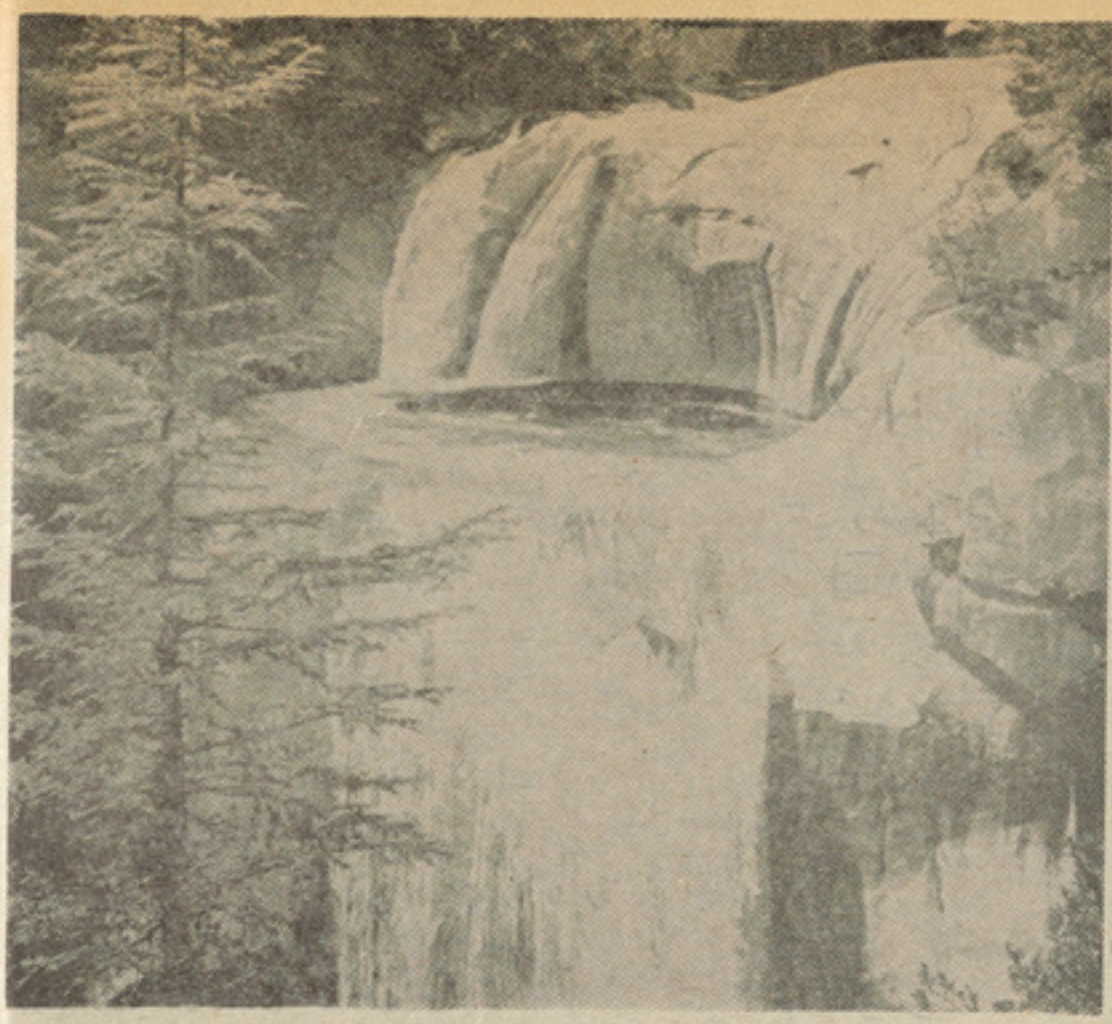

کاسه بزرگ‌بند ذخیره آب ، باآب‌زندگی‌بخش خود ، روحی به‌مزارع میدهد وکشتزارهارا، زنده وپرثمر میگرداند•

رهنمایی عاقلانه چنان موجب افزایش‌حاصلات‌گردیده که درتاریخ زراعت و با غداری کوریا نظیری ندارد•

وطن خویش را، درتحت شعار افزایش‌محصولات بهدف تعیین شده یعنی سالانه‌هشت میلیون‌تن غله رسانیدیم •

آفتاب شعاع گرم وزندگی بخش خودرا مانند همیشه بروی خا کهای سر زمین ما می افشاند•

آسمان چون گذشته ها، مغرور وکهن است و زمین کهن تر اماباید ناگفته نگذاشت که جبهات سرد اوضاع جوی در خاک ما(کوریا) نیز تاثیر ناگواری بجا میگذارد • چنانچه درسال گذشته یک قسمت از حاصلات زراعتی بخصوص برنج مااز ناحیه اوضاع جوی متضر ر گردید •

کیم ال سونگ ، رهبرمحبوب کوریایی‌هادر این مورد گفته است :

(علت این همه فراوانی غلات‌در کشور مااین است که حزب ما مطابق به خط مشی طرح شده، در جهت بهبود وضع زندگی روستاییان ،آبیاری موثر زمین ها ی‌زراعتی‌تلاش ها وکارهای‌سود-مندی را انجام‌داده وزمینه‌هر چه‌بیشتر حاصلات

منظره زیبای ناحیه چلبو، محلی که طبیعت‌موردحمایت قرار داده وباعث روئیدن گل های رنگا رنگ واشجارقشنگ‌وپر ثمر گردیده‌است

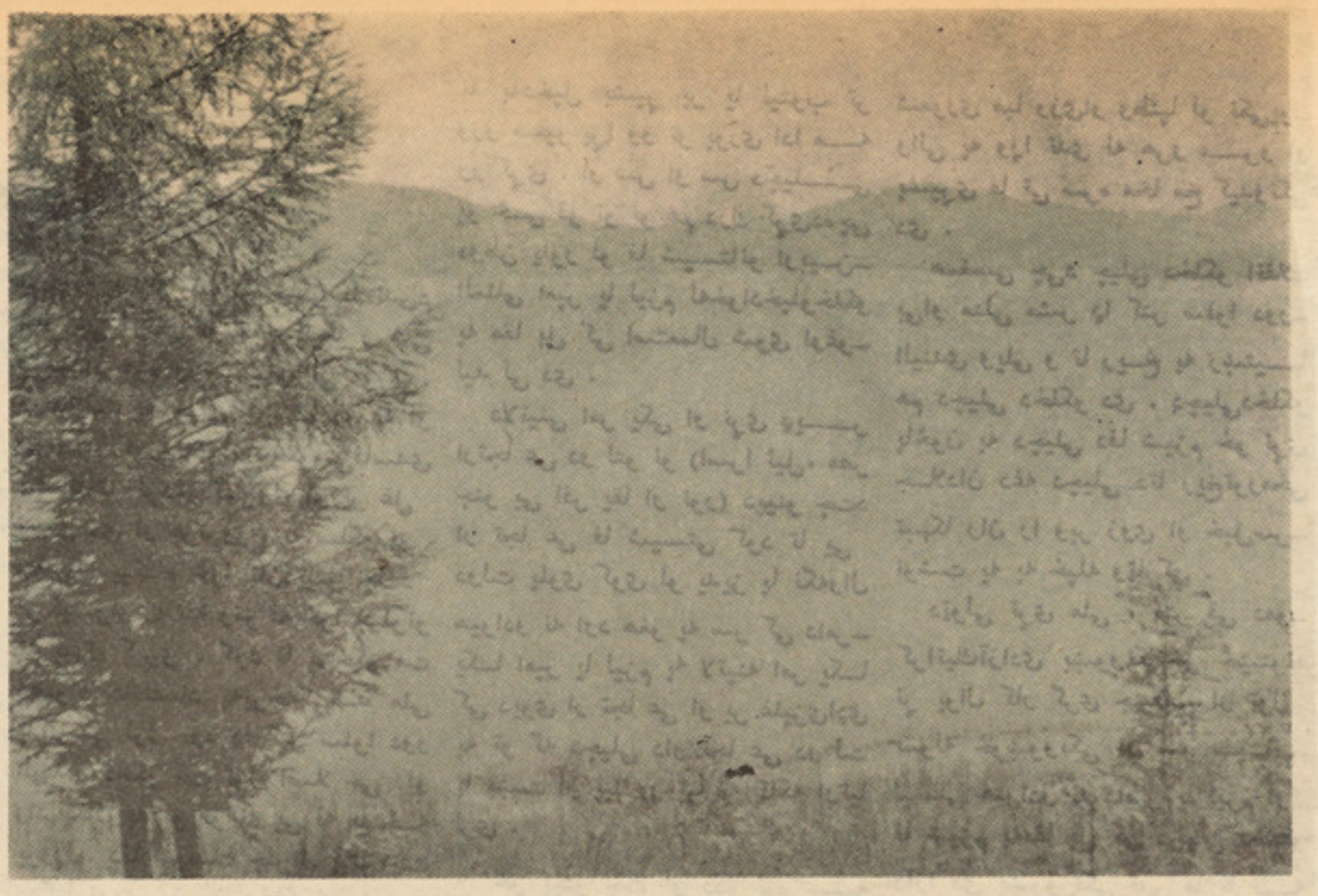

یکی از بندهای بزرگ ذخیرهٔ آب که‌صدهـاهزار جریب زمین را سیرآب‌میسازد

وسرسبزی کشور محبوب شان را فراهـــم گردانیدند •

خزان زیبا وپر حاصلی که ، امسال بکشور کوریا ، بال گسترده از زحمات وعرق ریزی های بزرگران و کار گران‌کوریا قدردانی وتشکر می‌نماید •

امروز در نقاط مختلف بخصوص در قسمت های غربی و حصص وسطی ونواحی شرقی کشور کوریا بند های بزرگ ذخیره آب احداث گردیده وشبکه های منظم آبیاری وکانال های که طول آن بیش از مسافه دورادور کره زمین میباشد وآب های شفاف وزندگی‌بخش درآنها روان است واز آنها توسط پمپ ها، مزارعی که‌درسطوح مرتفع قرار دارند،آبیاری میگردند، کشیده شده است •

همچنان ، در کشور کوریا ، از سیلاب‌هاو وآبهای ایستاده استفاده کلی بعمل‌می‌آید ویا می‌آید وبا تکمیل برخی دیگر از شبکه هـــای آبیاری ، حاصل‌فراوان همیشگی،تضمین می‌گردد وهراس خشك سالی و سراز یرگردیدن سیلاب هااز میان میرود وکوریا سر سبز تراز همیشه ودارای مناظر زیبا و قشنگ تراز سالهای‌قبل میشود •

رهبر کوریا یی ها ، سکتور زراعت ، بحیث یکی ازسکتور های عمده درساخـــتمان کشور سوسیالیستی دانسته ودر انکشاف آن سعی وتلاش زیادی را بخرج داده کنفرانس ملی را ، در مورد فعالیت‌های زراعتی دایر و هدایات مناسب درتنظیم پروگرام ماموران وکار کنـان زراعتی داده است • وفضای مملو از سرورو شادمانی را ، برای مردم کوریا پدید آورده است •

ازشادی ورفاه مردم کوریا این نتیجه بدست می‌آید که نیروی خلاق خلق کوریا ، چون‌دیوار آهنین ، دور ادور ، رهبر ملی آنان راکه ،هسته مرکزی حزب‌پر افتخار زحمتکشان کوریامیباشد فرا گرفته است•

هر اندازه که پیشرفت‌وترقی وشادی‌وسرور، باثر مبارزه مردم ، پدید آید بهمان اندازه‌بلکه بیشتر از آن مردم کوریا رهبر دلسوز شان‌را دوست وگرامی میدارند وازخط مشی انقلا بی زعیم خود پیروی کرده باروح سر شار وعـزم راسخ در راه رسیدن بمقصود بجلو میروند•

با تعقیب سیاست پنج فقره‌ای ،رهبر بزرگ خود کوریایی ها بخاطر بدست آوردن ده‌میلیون تن ، غله در تلاش هستند که بارسیدن باین هدف جنبش بس بزرگی ، در کوریا برپاخواهد گردید •

رهنمایی عاقلانه رهبر کوریا چنان موجب افزایش زیاد حاصلات در هرفارم ومزرعه‌گردید که‌در تاریخ زراعت آن کشور نظیری ندارد •

که این همه فعالیت هاودستور ها،موجب گردید تا کارهای دسته جمعی منجربافزایش محصولات زراعتی شود•

همچنان رهبر کوریایی ها،بغرض ترقی سطح تولیدات زراعتی ، و بجریان انداختن موثـــر فعالیت های زراعتی و مشاهده کوپراتیف های زراعتی ، در هر فصل مسافرت های را انجام داد •

رهبر کوریایی ها چون همیشه دربین مردم بود ودر مواقـــع مختلف از کشت و کار مردم باز دید بعمل می‌آورد وهدایات موثـــر وبه موقـــع بمردم میداد، پروگرام زراعتی به صورت مکمل تطبیق گردید وحتی سرمای شدید هم نتوانست در مقابل‌محبت گرم‌وپدرانه ،زعیم ملی کوریا ، صدمه‌ای بر حاصلات زراعتی مردم آن کشور برساند •

بلی !

حاصلات حبوبات کوریاکه‌زاید ازهشت‌ملیون‌تن آمد و مانند امواج بحر با خوشه های طلایی سراسر کوریا رادر بر گرفت•

حاصلات حبوبات‌کوریا که‌زایداز هشت‌ملیون درسال است• باآواز های خدمت‌بخاطر پدروطن توام گردیده •

اراضی راکه‌مدو جذر بوجودآورده حاصل خیز شده است

رهبر کوریا یی چنین گفته :

(اصلاحات اراضی را که ، مدو جذر دریا ها بوجود آورده است نیز باید طرف توجه قرار گیردتاساحه‌اراضی زراعتی‌کشور گسترش یابد

امروز در سر زمین کوریا اصلاحات اراضی مذکور مـورد توجه زیادی قرار گرفته وپالیسی پنج فقره ای استفاده از طبیعت که از طرف، جبهه واحد پدر وطن طرح شده بمعرض تطبیق قرار دارد تا این نتیجه که قبل از وقت معینه باید ده ملیون تن غله بدست آید تحقق یابد•

درساحل غربی کوریا در حدود صدها هزار ایکرزمین بدون استفاده وجود دارد • در نواحی آبی دور وپیش جزیره«تسادو» واقـــع‌درشمال ولایت (پیانگ گان) صرف اراضی که توسط مدو جذز پدید آمده بیش از هفتاد وشش هزار ایکرزمین رادر بر می‌گیرد •

رهبر کوریایی ها ، استفاده موثر از طبیعت را حینی که‌در ۲۲ جون ۱۹۵۸ ، از ناحیه‌تسادو وباز دید بعمل می‌آورد طرح پروژه های مهم واستفاده موثر از طبیعت را ، ریخت • هدف از تطبیق این پروژه بزرگ پیوست کردن زمین های مدو جذزی ، بزمین های‌زراعتی وتحت کشت می‌باشد •

پیشاهنگ های این طرح سود مند ، در پیشبرد اهداف بزرگ شان ، سدها وبند های بزرگ پر ثمری را احداث نموده اند کـه یك ساحه بزرگ اراضی خشك وبی حاصل‌را مشروب وپر ثمر می‌گردانددراین اراضی اصلاح شده ، فارم های ماهی گیری وتربیه انواع ماهی نیز بوجود آمده که سالانه حاصل زیادی از آن بر داشته میشود •

بادر نظرداشت سیاست‌پنج فقره ای،استفاده از طبیعت یك تعداد زیادمردم درکوریا مصروف کارند تایك ساحه ده‌هزارایکرزمین تازه اصلاح شده بدست آوردند •

قطار های طولانی موتر های خردو کوچك مملواز سنگ و خاك بطرف بند آب گردانی‌که احداث می‌گردد رهسپار میشوند • تا طول این سدرا بطرف غرب امتداد بدهند •

قرار است کار اصلاح این ساحه که در «تسادو» موقعیت دارد قبل‌از وقت معین خاتمه پیدا کند در صورت انجام این عمل ،سواحل غربی وطن پدری کوریا یی ها، تغییر شکل خواهد داد وشکل دندانه‌ای، ساحل کشورکوریا به‌صورت یك ساحل مستقیم مبدل‌خواهد گردید وزیبایی خاصی را بخود خواهد گرفت •

«جوجو با» بونگ سان

منطقه بونگ سان درشمال ولایت هوانگـی وبفاصله یکصدو پنجاه کیلومتری‌جنوب‌پیانگ‌ـ یانگ ، ناحیه مرکزی کوریا قرار دارد •این سر زمین از مناظر زیبا ودل انگیز روستایی برخوردار است • کوه های کوچك وبزرگ سرسبز آن ارزش زیاد اقتصادی دارد ودامنه های این کوه ها که دارای باغها یست مملواز انواع واقسام میوه باب، بزیبایی و قشنگـی شهر های عصری‌وعمارات مدرن‌اطرافش میفزاید وآنچه که‌این زیبایی و قشنگی را ، دو چندان میسازد همانا ، اشجار مثمر «جوجوبا» که میوه های مقبول وقرمز بار می‌آورند ودر کنار دهکده هاو بنا های روستایی قد کشیده اند می‌باشد•

میوه جوجوبا، دارای سه عنصر مهم بوده‌که عناصر مذکور عبارت اند از پروتین ، شحمیات وکار بوهاید ریت • البته بر علاوه سه مواد فوق الذکر ، کلسیم فاسفورس ، آهن ،ویتامین ای ، ویتامین سی و ویتامین پی‌نیز در جوجوبا، وجود دارد •

در زمـــانه های قدیم جـــوجو بـــا ی بونگ سان از طرف‌فیودالهای بیوکرات‌مونوپول می‌گردید ودرزمان سلطه امپریالیست‌های‌جاپانی سرمایه داران ومالکین اراضی بزرگ ، آنرادر مونوپول یاانحصار خود قرار داده بودند•

اما امروز دیگر آن روز گاران سپری گردیده وقسمت عمده میوه جوجوبای بونگ سان را ، در اختیار طبقه کارگر و دهقان گذاشته اندو باغداران ، چون از حاصل کارشان سودومنفعت خوبی بدست می‌آورند در گسترش ، تقویـــه وحاصل دهی بیشتر اشجار موصوف میکوشند•

بقیه صفحه ۱۸

قهرمانه‌چیلی...

اقدا ما تو او متر قی در یخ پـــه امپر یا لیزم درا نده گو زا رو نه‌وارد کړل او امپر یا لیزم هم په خپل ټول قد رت دالیندی دحکو مت‌درانسکو- رو لو له پاره متی را ونغښتلی .د امر یکا دامپ ریا لیزم دغه تو ره هیله دچیلی دفا شیزم له خوا عملی اود ډا کتر سلوا درو الیندی حکو مـت د۱۹۷۳ کال دسپتمبردیوولسمه‌نیټی دخو نړی کود تا له امله‌راونړ یداود چیلی دخلکو دهیلو او امیدو نو ټول نوی غوړ ید لی‌گـلان وژر یدل اوله خاورو سره یو شان شول .

فا شیزم دخپل طبیعت له مخی له چیلی څخه هم دوینو حمام جوړ او له یوه عا دی کار گر څخه نیو لی تر جمهور رئیس الیندی پوری دیرش زره هیواد پا لو نکی انسا نان‌ووژل شول. دفا شیستا نو تر وا کمنی ورو سته په ټول هیواد کی دبـــی- قا نو نی ،ترور ، اختناق او ویری فضاایجاد او دفاشیستی کود تـــا دمشر جنرال پینو چت په هدا یـت سل زره زیار ایستو نکی انسا- نان جیلو نو ته وا چول شول .

پو خـی فا شیستی کود تا چیانو په ډیره سپین ستر گی‌وو یل چی «په‌چیلی کی‌دجگړی حالت روان دی» کومه جگړه؟ دچیلی‌دخلکو په‌مقابل‌کی دکور نی ار تجاع او امپر یا لیـزم جگړه! دا جگړه دهمغه ار تجا عی فا شیستی کود تا ادا مـــه وه چی امپر یا لیزم دچیلی دقا نو نـــی حکومت په مقا بل کی دورو ستنی حر بـی په تو گه په‌کار وا چو له‌او په ټول هیواد کی یی دخلکو له وینو څخه سری ویا لی وبهو لی .

په چیلی کی فا شیستا نواوامپر- یا لستا نو څکه یوی خو نړی کودتا ته زړه ښه کړ چی نوری ټو لـــی دسیسی او تو طیی (ورا نکا ری- ترورغیر قا نو نی اعتصاب-پارلمانی خنډوانه‌او زهر جن امپر یا لیستی تبلیغات)یی له نا کا می سره مخامخ شوی وی .

نظـا می-فا شیستی کودتادچیلی دخلکو ټول دری‌کلن بر یا لیتوبونه فسـخ کړل ملی‌شوی موسسی‌بیرته پخوا نیو ما لکا نو او ویشل شوی مخکی بیر ته لاتیفو ند ستا نو تـه ور وسپا رل شوی . او سس ،اوسس په دغه هیواد کی پر خلکو با ندی‌د خار جی‌پا نگی اومحلی الیگا ر شی استبداد هره ورځ زیاتوا لی مو می. سمدلاسه په چیلی کی ښا رو نه او شخصی کورونه‌ټول دحکومتی‌فاسدی دستگاه‌تر نژدی کنترول او یر غل لاندی دی او هره ورځ په سلگو نو وطنپال بیگناه خوا ناندپینو چت‌د پو لیسواو ژا ندا رمو له خوا جیلونو ته بیول کیږی . کود تا یی‌حکو مت دهیواد داقتصاد په‌برخه‌کی‌ضد ملی پا لیسی لری اود ډا کتر سلوا دور الیندی دحکو مت ټول اصلا حی او راد یکال بد لو نو نه یی له مینځـه یوړل. دفا شیست جنرال پینو چت ددکتا توری مضمون دخلکو دپرا خـه پر گنو تر مینځ دویری او بی اتفاقی اچول او په ټو لنیزو چا رو کی‌له زوراو وسلی څخه کار اخستـــل تشکیلوی .

اوسس -اوسس دفا شیستی ترو- ریزم اودکتا توری له بر کته دچیلـی اقتصا دی وضـع ډیره خرا به او صنعتی او زرا عتی تو لیدات مـخ په کمیدو دی دفا بر یکو او تو لیدی مو سسو دروا زی تړ لی او بندرو نه تش دی . دزیار ایستو نکو ما دی ژند ټیت او بیکا ری فوق العاده‌زیاته ده. داقتصا دی عمو می بحران او انفلاسیون ساحه په سلو کـــی ٤٠پرا خه شوی او لو ږی فقر او بیکا ری دملیون ها وانسا نا نوژوند له خطر سره مخا مـخ کړی دی.

د کار گرانو د مزد کموالی او د - پینو چت دفا شیستی با ندواوامپر- یالیستی انحصا را تو له خوا دچیلی دما دی شتمنی لوت او سس هم‌دوام لری .

دچیلی دفا شیستی دکتا تو ری له جنا یت څخه ډکو اعما لو چی ټول دامر یکا دخو نړی امپر یا لیزم پـه مر سته او مـلا تړ تر سره کیږی‌د چیلی خلکو دوطنپا لنی ،ملی‌حاکمیت او خپلوا کی احسا سات یو په سله پیا وړی کړی دی .دچیلی خلک‌دفا- شیستی ترور ، اختناق او وژنو په شرا یطو کی دپینو چت دمزدورصفته او وطن پلو ری ډلی ټپلی په وړاندی په ډیره میړا نه جنگیږی او خپلـــی دغه‌قهر ما نا نه او عا دلانه مبارزی ته به‌دخپل بشپړ بر یا لیتوب تر ورو ستیو پړا وو نو پوری ادا مـــه ور کړی . او سس او سس دچیلـــی پو خـی قو تو نو هم درك کړی‌ده‌چی دوطن پلور لو فا شیستانو اوبیـن- المللی امپر یا لیزم له‌خوادخپلوخلکو په مقا بل کی استعمال شوی اوغو- لید لی دی .

دلاتینی امر یکی او نړی ډیـــر ارتجا عی دو لتو نو (اسرا ئیل، مصر جنو بی افر یقا او نور) دپینو چت‌د ار تجا عی فا شیستی کود تا یی دولت پلوی کوی لو یدیز پا نگه‌وال هیوادو نه اود هغو په سر کی دامر- یکـا امپر یا لیزم په لاتینه امر یکـا کی دیوی ار تجا عی او یر غلیزی‌اډی په تو گه دچیلی دار تجا عی دو لت پا یښت او پیا وړ تیا ته کلکه اړتیا لری .

خو پینو چت او دده نور سیمه ایز او امپر یا لیستی حا میان دخلکو دارا دی - دخلکو دغرور - شهامت او پاڅون په وړا ندی اود خلکو د شعوری مبا رزی‌او وطنپا لو نکی‌یو- والی په وړا ندی له هرو مـــرو او بشپړی ما تی سره مخا مخ کیدونکی دی .

همغسی چی‌د چیلی دخلکو انقلا- بی‌او منلی مشر ډا کتر سلوا دور- الیندی ویلی و تا ریـخ په رښتیـــا هم دچیلی دخلکو دی . دچیلی‌دخلکو پاڅون به دچیلی دفا شیزم خو نړی جـلادان دغه دچیلی دتا ریخ‌تورمخی تبهکا ران را وپر زوی او خپل‌سر- نوشت به په خپله وټا کی .

دټولی نړی ملی ، متر قی دمو- کراتیك‌آزادی ښښوونکی‌خو خښتونه نړ یوال کار گری جنبشس او ټول سوله خوښوونکی او سو سیـا - لیستی هیوادو نه دامپر یا لیزم او فا شیزم په‌مقا بل کی دچیلی دخلکو دآزا دی ښښوو نکی قهر ما نا نـــه مبارزی ننگه کوی .

-بر یا لیتوب دچیلی دخلکوپه‌برخه دی .

بقیه صفحه ۳۳

گروه‌هنری ...

عضو دیگر تا مر یکو دختـــــر حسا س وزود رنـج است . امـــا زما نی که در مقا بل میکرو فون می ایستد وآهنگ «صلـح جهانی» رامی سرا ید گیرا یی صدا یش شنو نده را به شگفت می اندازد . تا مر یکو خود آرزود دارد مو سیقی بنو یسد. در حال حا ضر تحت رهبری کمپو- زیتور معروف گر جستان میـــری- داوپتوشو یلی توانسته‌است قسمتی ازین آرزوی خود رابر آورده‌سا زد. ایبا عضو دیگر گروه نیز به شکـل عجیبی در گروه حق شمول را در- یافت کرد . روزی در یکی ازکنسرت های(مز یوری) باپدر شس آمده بود. دخترك کو چك مید ید که‌همسالانش چقدر به مها رت آلات‌مو سیقی می نوا زند . بسیار مسرور میشد .زما- نیکه پدر شس به او نگاه کرد دیـــد دخترك اشك میر یزد وبه پد ر شس گفت : میخوا هی مرا به حو ضـــــ آببا زی، به جمنا ستیك ببری امامن میخوا هم در ین گروه هنری شا مل شوم .پد شس باوی موا فقـــه‌کرد زیرا دخترك بسیار به مها رت‌پیانو وگیتار مینوا خت زما نی‌که‌به‌رهبران گروه «مز یوری» مرا جعه کرد ازآنها چنین شنید : پیا نو نوا زان وگیتار نوازان بقدر کا فی دار یم(پـــدر دخترك گفت : دخترم میخوا هدنوا- ختن ترو مپت رابیا موزد . در طول چند ماه‌دخترك به بسیار مشکلات نوا ختن ترو مپت را آمو خت بعد از آن منحیث ترو مپت نواز«مز یوری» قبول شد .

گروه هنری مز یری در حال حاضر از شهرت زیاد بر خوردار است. گروه مـذ کور به چند ین مملکت منجمله به دنما رك ،جمهو ریت‌دمو- کرا تیك‌آلمان ، فنلیند ،رو ما نیاو هنگری سفر نموده اند که در ینجاهم کسرت هادادند با استقبال گرم در هشت فلم تلو یز یو نـــی سهم گر فته واز آواز های آنهـــا چند ین ریکارد ثبت گرد یده که در بازار فرو شس خوب دارد .

گروه هنری مز یوری از روز اول خود تا حال تقر یبا در حدود پنـــج صد کنسرت‌در نقاط مختلف کشور اتحاد شو روی وجهان داده است که تکت های کسرت هر بنار بطورمکمل به فرو شس میر سید . این گروه‌در حال حا ضر به فعا لیت های هنری خود ادامه مید هد که همه ازشنیدن آهنگهای مقبول آنها حظمیبرند .

بقیه صفحه ۱۰

جهان خواهان...

گران . در دنیای دیوانه لگام گسیخته یی استعما ری و سرمایه داری همهٔ ارزش هارا پول تعیین می نماید . پول معیار است و محك برای ارز یابی همهٔ ارزش ها بسیاری از منابع دنیای سر مایه برای همه ارزش ها راپول تعیین کننده داران بوده ، منابع طبیعی و مادی رو به اتمام رفته است .معدن ها و کان ها خالی شده است و تقسیم غیر عادلانه اجتما عی باعث این همه بحران شده است وسر - سیمگی دنیای سر مایه داری . یك نفر همهٔ زمین ها را قباله کرده است و کار خانه هارا تصرف و ملیو نها نفر از عسرت و فاقه و گر سنگی جان داده اند . چون ثروت های طبیعی دنیای سر مایه و سود رو به کاهش و نا بودی نهاده است و از طرف انبار های اسلحه تولید کرده است می خواهد برای اسلحه خویش بازار بیا بد و بشریت را نا بود کند تا خود امیال تسلط جویانه خویش را ارضاکند. دنیای دیوانه و افسار گسیخته یی سر مایه داری همیشه از ثمره یی کار دیگران تغذیه کرده است واین یکی از تا کتیك ها و سیاست های شنا خته شده یی اوست که در میان توده ها تخم نفاق بپاشد از مقد سات و اعتقا دات آنها سوء استفا ده نماید . زیرا پرا گندگی مردم به سود دنیای سرمایه و سود تمام می شود در حالی که خود به هیچ صراط المستقیمی اعتقاد وباور نیستند دم از دین و مذهب وعقیده می زنند ، دفاع آنان از دین وآیین ومذهب صور ی است وقلابی ،اینان از باور ها وعقا ید مردم بر ضد خود شان استفا ده یی سوء می نمایند و این حربه ها را در جهت منافع آز مندانه یی خویش به‌کار می اندازند . استعمار گران و سود خوا ران پروای دین را ندارندآنان از هر شکافی از هر رخنه ای و از هر وسیله ای برای رسیدن به اهداف شوم و پلید خویش استفا ده می نمایند و این پدیده‌ای تازه هم نیست این خصلت دولت های کذایی و قدرت های تجاوزگر و اهر یمنی است که از مقد سات انسان ها بر ضد آنها استفاده ها کرده‌اند در حدود هزار سا ل پیش ازین حکیم طوس ابوا لقا سم فر دوسی گفته بود :

زیان کسان از پی سود خویش
بجو یند و دین اندر آرند پیش

این درد زمانه یی ما نیست واین لطایف الحیلی تازه نیست که سود خواران دشمنان واقعی دین و اسلامیت برای پرده پوشی اعما ل خویش دین را دست‌آویز و وسیله قرار داده اند . جنا یات و آدم‌کشی ها ، ویرا نگری ها و کتاب سوزی هایی که در چند روز اخیر در کابل گا هواره یی انقلاب ، شهر صلح محبت ، و صفا روی داد ، یك بار دیگر ماهیت دشمنان اسلام زانشان داد . امپر یا لیسم جنایت کار ، تفوق‌جوو سیطره‌طلب اجیران‌خودرا وا داشت که توطئه ای را در سر زمین ما به مرحله یی اجرا در آورند و این آخرین ، تیر امپر یا لیسم‌که در واقعیت امر دشمنان اسلام‌است نیز به هدف نخورد و به خاك نشست و نقشه های شوم او رسوا و خنثی گردید . توده های مادیگر بیدار شده اند و بیدا ران را نمی توان به آسانی فریب داد . دیگر صدا های قلابی دشمنان را می شناسند وهیچ نیازی نمی بینند که صدا های اهر یمن دشمنان را یاری نمایند . در میهن ما پس از انقلاب شکو همند ثور (به استثنای دوران سیاه امین وامینی ها که با اعتقا دات مردم ، مقد سات شان‌از سر وظیفه ای که داشتند به‌دشمنی بر خاستند و بسیاری از رو حانیان وطن پرست را روانه یی زندان ها و کشتار گاه ها کردند) و به ویژه مرحله دوم انقلاب ثور ، حزب و دولت مردمی ما برای لمحه ای‌اجازه نداده است که به اعتقا دات ، مقد سات و عقاید و باور های‌مردم خدای نا خواسته کو چك ترین تحقیری صورت بگیرد . و پس‌از سر نگونی دولت غیر قانونی و آدم کشی امین و امینی ها بود که مردم ما توا نستند با فراغت خاطر به عبادات و اطا عات بپر دازند و کوچك ترین دلهره ای را به خودراه ندهند . در حوادث اخیر اعمال و مزدوران خارجی دست وسیعی داشت و بلوای کابل ریشه در واشنگتن و اسلام آباد داشت .آدم کشان حرفه ای در خاك ما واردشده بودند و آن هم آشفتگی را پدید آوردند . اما به خاطر بسیارند. این دشمنان واقعی خاك ما ـومردم ما که دیگر مجال آن وحشی گری ها را نمی یابند و آرزو های پلیدی که در سر دارند تحقق نمی یابد .

بقیه صفحه ٤٤

آب سرچشمه زندگی...

مختل می گردد و ذریعهٔ یك‌هورمن (مواد تا ثیری در غده ها) به‌ساحه های مختلف بدن علا ماتی‌صادر می کند . مثلا به گرده که مواد ادرار را تصفیه می نماید . همچنان لعاب دهن کم می شود که در آن‌صورت دهن و گلو خشك می شود . نتیجه آن : انسان خود را تشنه حس می کند .

صرف دو فیصد کم شدن مقدار آب در بدن، انسان احساس‌خستگی و یا درد نماید . اگر تشنگی فرو نشانده می شود ، در آنصورت مایع حد اقل بعد از ۱۵ دقیقه بحیث ادرار مثانه ظاهر می‌شود . در ضمن آن این مایع به اقسام مختلف دستگاه های مشکل بدنی را طی می نماید که ما می توانیم این دستگاه ها را فابریکهٔ های بدن و جسم خود بنا میم .

به این صورت آب در خون ما ۹۰۰۰۰۰ کیلو متر (نه هزار کیلو متر) رگ های بزرگ و کوچك را می گذراند . این آب ذریعهٔ یك پمپ بحر کت می آید که هیچ‌وقت نباید ساکت باشد :

قلب ما :

قلب تقر یبا هفت هزار لیتر مایع را (در هفتاد ضربه دریك دقیقه) در یك روز در بدن ماپمپ می‌کند .مخصو صا گرده های ما بحیث دستگاه های تصفیه کننده این وظیفه را دارند . پانزده مرتبه دریك ساعت تما م خو ن ما تاپنج لیتردردو گرده مسا فرت می نمایند . به این صورت روزانه ۱۸۰۰ لیتر خون شسته می شود. مواد غیر قابل استفا ده آن به شکل یك عشاریه چهار لیتر ادرار خارج می شود .

اگر ما می فهمیم که آب برای زندگی و جسم ما چقدر مهم می باشد و از طرف دیگر ملاحظه کنیم که چقدر استعمال آب‌در شستشوی وظایف فامیلی ، زراعت و صنعت زیاد می باشد ، در آن صو رت سوال پیدا می شود که آیا ماهنوز همیشه آب کافی داریم ؟ و در صورتی که یك روز آب کافی نداشته باشیم چه خوا هیم کرد ؟

هر شخص روزانه دوصدو پنجاه لیتر آب لازم دارد . اگر ضرورت آب برای زراعت و صنعت را باآن یکجا بسنجیم در آن صورت روزانه شش هزار لیتر می شود . صرف برای یك تپ دو صد لیتر آب‌بکار داریم . برای هر توالت هر مرتبه ده لیتر . در صنعت طبیعی است که مقادیر زیاد و غیر قابل تصور آب بکار می رود . در این صورت مثلا یك دستگاه لبنی برا ی پرو تین کردن صد لیتر شیر در بین چهار صد وهفت صد لیتر آب و یك فابریکهٔ کاغذ سازی برای تولید صد کیلو کاغذ ده‌هزار الی پنجاه هزار لیتر آب ضرورت دارد .برای ساخت یك مو تر زیاده از صد هزار لیتر آب به مصرف می رسد .

آیا زمین آب کافی دارد که این احتیا جات راکه هر روز ز یا د تر می شود تکافو نماید ؟

جواب این سوال را می توان چنین ارائه نمود :

بلی ، اما ... هنگا می که زمین بوجود آمد در بالای آن ۹ بیلیون تن آب وجود داشت و امروز هنوز هم زیاده از ۹ بیلیارد تن آب در روی آن وجود دارد . نه تنها آب تبخیر شده ، بلکه هر قطره ای‌که بمصرف می رسد ، بالاخره در جریان آب دو باره مرا جعت‌می‌کند.

مقدار آب البته هنوز کا فی است. اماجنسیت آن‌خراب تر شده می رود . استعما ل تا سف - آوری که امروز انسا ن ها با آب می‌کنند روز به‌روز کمترمی گر دد وبه‌این‌صورت سطح آب اساسی بصورت مر غوب کننده ای پائین می‌رود ، وآب کثیف وچتل و غیر قابل آشا میدن می گردد . دریا های که یك وقت خیلی ما هی داشتندو آب تازه وطبیعی در آن جریان داشت امراز خشك شده‌اند .

بقیه صفحه۱۳

سرزمین طلا

مردم سرزمین طلا، درحالیکه لباس های چندطبقه‌یی دربر میداشته باشند بروی سرکها وگوشه هاوبیشه های زیبا وسرسبز به‌رقص میپر دازندومردم را خوش نگـــه‌میدارنـــد

لاپاز صورت می گیرد .

لاپاز دریك دره باریـك موقعیت داشته و همواره از ناحیه سیل وتوفان مورد خطرقرار می گیرد .

باشندگان لاپاز اظهار میدارند :

مابلند ترین نقطهٔ گیتی را بـــرای پیشبرد امور زندگانی خویش برگزیده ایم وناحیه‌ما (۱۱۹۰۰) فت از سطح بحرارتفاع دارد.»

همچنان بر خی ازمردم منطقهٔ مـــد کـــور می گویند :

«ماجایی را برای زیستن انتخاب کرده ایم که برفراز «گرندگنیان» موقعیت دارد.»

در لاپاز هوای تند همیشه در جریان بـوده وتندباد ها همواره این سرزمین را تهدید و برگاو ها وحیوانات مردم آنجا شلاق میزنند.

امامردم لاپاز امروز باین هوا وباد هـای سرکش وحیوانات آنهابه شلاق های تند باد ها خوگرفته وعادت پیدا نموده اند .

مالداران لاپاز مصروف تربیه «هایمارا» نیز نگریسته میشوند ودرایام تعطیلات ر قاصان ودانسر های «بولیوا» در حالیکه لباس ها ی چند طبقه ای در بر میداشته باشند بـــروی سرکها وگوشه ها وبیشه های زیبا وسرسبز برقص ودانس می پردازند ومردم را خـوش ومسرور نگهمیدارند .

در هنگام رقص وپایکوبی آنها، دسته های کثیری از موزیك نوازان ماهر در حالیکـه نواختن آلات موسیقی دیده میشوند. د ستـه های موزیك نوازان، بعد از هر ساعت عو ض میشوند وجایشان ر ا برای سایر هنرمندان میگذارند . وخود مشغول هنر نمایی دیگران میگردند .

درین ساعات دختران وپسران ، زنـان و مردان وعاشقان ومعشوقان ، همه سر گـــرم تماشا وصحبت ها وملاقات های دوستانه و صمیمانه میباشند وبانی این روز های مملو از مسرت رابه نیکی یاد مینمایند .

این رقصها وشادمانی ها از سال ۱۵٤۰ ازسالیکه مکتشفین اسپانیوی، از این منطقه صندوق های مملو از طلای سفید را، که‌ارزش آنها بالغ به دوبلیون دالر میگردید در یافتند تاامروز برگزار میگردد .

بعد ازآنکه از منطقهٔ مذکور طلاها، بدست آمد، یکی از پرثروت ترین نواحی جهـــان شناخته شد .

پیرامون مدنیت سابق این سرزمین مطالب ثقه وجود ندارد وباشندگان آن اهل هنـــود هستند وبه لسانی تکلم می کنند که لسان سرخ پوستان است .

ارباب علم ودانش وآثاری که آرزوی بهبود زندگی مردمان این سرزمین را، بدل مـی پرورانند امروز سعی وتلاش زیادی بخر چ میدهند تا بتوانند تحول عمیق وثمر بخشی‌را، در همه ساحات وامور زندگانی خلقهای آنجا بوجود آورند زیرا خلقهای این نواحی بشمول مردمان سرخپوست «بولیوا» اضافه تر ازنصف نفوس کشور موصوف را تشکیل میدهند .

بالر تلاشها وکوششها ی پیهم و متواتـر خردمندان ونوآوران ، آنجا امروز اطفال آن گوشه زیبا ودل انگیز جهان، بمکتب میروند وبکسب علم ودانش می‌پردازند از غذا ها ی صحی وپرویتامین استفاده مینمایند .

امروز بعضی مردم آن سرزمین شکل خانه مسکن ولباس سابق خودراتغییرداده واکثریت مردم در جستجوی معادن برآمده اند تا از ثروت های دست نخورده، کشورشان «بولیوا» استفاده اعظمی بنمایند .

همچنان طبق پلانهای که طرح گردید ه، سرکهای نواحی مذکور اصلاح وترمیم می شود تا برای انتقال کافی، غله جات ومیوه‌جات مساعد گردد .

سیستم تجارت نیز امروزدربولیوادگرگون گردیده وبشیوه سایرممالك صورت می‌گیرد.

سرزمین که وصفش را نمودیم، گوشه ای از کشوریست که بطول ، گوشت وغله‌جات مورد ضرورت شان را خود شان در کشور شان تهیه میدارند واز این نگاه مشکلی ندارند .

بقیه صفحه ۳۹

آیا ورزش با آنهمه...

تماسی مقا ومت خو بی بروزرزشکار مید هد. این را باید دا نست که در بازی های سکاش وراکت بال زخم پذ یری زیاد تر میباشد . در تینس وبد منتن خطرات تا حدو دی کمترمی باشد. امکان دارد با ضر به های‌چند عینك محا فظی بشکند اما باز هم نسبت به نبو دن عینك بهتر است. تنها یك پلیر خوب می توا ند یـــك رگبار توپ وحمله سر یع را ازطرف مقا بل مهار نماید .

معیا رات پیشیگری از ین‌جراحات چشم ورو در یك تقلیل در اما تیك در باز یکنان ها کی ار زش مهمتر دارد .

برخی از جرا حات وا رده چشم‌در جریان تینس :

۱ـ هایفا مای‌ترا مایی (تجمع‌خون در اطا قك جلوی چشم) .

۲ـ کبودی چشم .

۳ـ تغییر شکل زا ویه دا خلی چشم .

٤ـ جدانما یی عد سیه از چشم .

٥ـ شکستگی حلقه استخوا نـی چشم .

٦ـ جدا یی ،کبو دی شد یـدو رتینای التهابی .

۷ـ خو نر یزی در ما یع لز جی چشم .

۸ـ جرا حت سر تا سری‌چشم.

۹ـ مـذ به گر فتن مو قتی قرنیه.

۱۰ـ پیدا شدن در زدر قر نیه.

۱۱ـ التهاب ترا ما یی ایرس.

۱۲ـ درد با زخم بسته .

۱۳ ـ فرسا یشس باز گشتـــن قرنیه .

۱٤ـ خو نر یزی وتورم رتنا .

پس دیده شد که زیاد تر ین اثر جرا حت را روی قر نیه کار مـــی گـذار ند. ودر نتیجه جرا حات‌رتنا به ردیف دوم می آید. پس برای محا فظت بد نی در جر یان با زی برای‌رد خطر تامیتوا نید خو نسرد باشید واز خشو نت ودر گیری‌کناره جویید . فقط اگر اند کی عصبـــی شدید میتو انید مد تی میدان‌راترك کنید وبعداز تمدداعصاب واردمیدان شوید زیرا ورزش خودش بـــرای روسا زی وتجد ید قوای رو حی‌و جسمی عمل میکند . هر گز اجا زه ندهید در موقعیتی که استیدبدن‌گرم ومستعد تان از ین کشید گی آزار بکشد. مخصو صامردهاکه بیشترین حا دثات جدی آنها متعلق‌است باید به سلامت خود بکو شند. از عینك های محا فظتی استفاده کنیدتااندازه از صد مه های تما سی توپ ورا کت به چشم جلو گیری می کند .چنانچه امروز عد سیه های محا فظی پـلا ستیکی برای مما نعت ازین صد مه بکار میرود .

در سکا شـ و را کـــت بـــال باید وسا یل مخصو صی وقوی‌تری برای محا فظه چشم بکار برو د.

عدسیه های تما سی در وا قعات‌نادر مفید تلقی می شو ند. با وسا یل پیشگیری ومحافظتی همیشه‌ازچشمان تان که یگا نه تر ین نعمت هااست برای سلامت بد نی تان استفا ده ببرید .

بااشتراك در روزنامه‌ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

اطلا عات وکلتوربا فرو ریختن‌مرز تفاوت وجه اشتراك شهر وده در خدمت بیشتر علاقمندان روز نا مه‌ها جراید ومجلات است .

بخا طر اینکه در سال نو کلیه روزنا مه ها، جرا یدومجلات بتوانند در وازه های‌تمام مشتر کین راصرف نظر از شهری ورو ستا یی یکسان بکوبد ، مد یر یت عمو تو زیع روزنامه ها ومجلات وجه اشتراك علاقمندان را در کلیه نقاط کشور یکسان میپذ یرد .

دستدا ران روزنا مه‌ها ،جرا یدو مجلات :

شما که بر قلل شا مخ وپر برف زند گی میکنید ویا در دشت های گسترده وو سیع حیات بسر می برید ....

شما که در کابل هستید ویا در دره های پر خم وپیچ میتوا نید با پردا خت وجه اشتراك یکسان در جمله مشتر کین روز نا مه ها،جراید ومجلات مابا شید از داغ تر ین رویداد ها، خبر ها ، حوا دث آگاهی بیابید وسا عت هاسر گرم شو ید.

روزنامه‌حقیقت‌انقلاب‌ثور:

اگر خواهان روز نا مه حقیقت انقلاب‌ثور میبا شید در هر جای کشور که هستید در بدل دو صد افغا نی واگر شا گرد ویا محصل **باشید با ارا ئه تصد یق در بدل** یکصدو پنجاه افغا نی یکسال بشما روزنامه میفر ستیم .

انیس:

اگر انیس میخواهید در هر گو شه میهن‌که با شیدباپرداخت دو صد وبیست افغا نی واگر شا گرد ومحصل هستید باپردا خت **یکصدو پنجاه وپنج افغانی‌یکسال روزنامه‌رسان درب منزل شمارا** میکو بد .

هیواد :

اگر روز نا مه هیواد را بخوا هید در هر کنار وطن که‌هستید دربدل یکصد افغا نی واگر شا گرد ومحصل باشید در بدل هفتاو پنج افغا نی یکسال روز نا مه درخدمت شمااست .

کابل نیو تایم :

اگر روز نا مه کابل نیو تا یمز را انتخا ب کنید در هر نقطه کشور که با شید با پردا خت یکهزارو ششصد افغا نی واگر شاگرد ومحصل هستید با ارائه تصدیق‌و پردا خت دو صدو پنجاه افغا نی یکسال شما مشترك ما هستید .

مجلات وجرا ید ما نیز حسب زیر یکسال درخد مت شما خوا هد بود.

مجله ژوندون :

سا لانه پنجصد افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارئه تصدیق چهار صد افغا نی .

کمکیانو انیس :

سالانه یکصدو بیست وپنج‌افغا نی.

مجلات پکتیا ، کندهار ، ننگرهار، بلخ ،کهول ،آواز ، فرهنگ خلق هنر، کتاب ،کو شا نی وجرا ید یو لدوز ، گورا ش وسوب دردا خل کشور سالانه شصت افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارا ئه‌تصد یق چهل‌و پنج افغا نی .

مجله آر یانا بز بان انگلیسی:

سا لانه یکصدو شصت افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارائه تصد یق یکصدو سی افغا نی. شمامیتوا نید در مر کز همه روزه از اول‌تا اخیر حوت بمد یریت عمو می توزیع روز نامه هاو مجلات در جوار عمارت مطا بع دو لتی ، انصا ری‌وات مراجعه واشتراك نمایید ویا وجه اشتراك تا نرااز مر کز وو لایات به حساب (٦٠٠١) وا ردات دولت تحو یل و آو یز آنرا مستقیما عنوانی مد یریت عمو می تو زیع روزنا مه هاو مجلات انصا ری وات کابل بفر ستید .

شرح اشتراك روز نامه ها: ومجله درخارج کشور :

وجه اشتراك روز نامه حقیقت‌ـ انقلاب ثور ، انیس ، هیواد وکابل‌ـ نیوتایمز در خارج کشور ،هوا یی صد دالر وزمینی سی دالر .

برای محصلین ،هوا یی هفتاوپنج دالر زمینی بیست‌و سه دالر .

وجه اشتراك مجله ژو ندون در خارج کشور هوایی صددالر ، زمینی سی دالر برای محصلین ، هوا یی هفتا وپنج دا لر ، زمینی بیست‌و سه دالروجه اشتراك مجله کمکیا نوانیس درخارج کشور ، هوا یی پنجاه‌دالر، زمینی بیست وپنج دالر .

وجه اشتراك مجلات‌پکتیا،کندهار، ننگرهار ، بلخ ،کهول،آواز ،فرهنگ خلق ، هنر ،کتاب ، کو شا نی‌و جراید یو لد وز ، گو را ش وسوب درخارج کشور هوا یی پا نزده دالر، زمینی پنج دالر ،برای محصلین، هوایی دوا زده دا لر وزمینی چهار دالر .

وجه اشتراك مجله آر یانا درخارج کشور، هوا یی دوا زده دا لر،زمینی پنج‌دالر برای محصلین ، هوا یی نه دالر زمینی چهار دالر .

مد یر یت عمو می توزیع رو زنامه هاومجلات‌از آغاز سال نو با وسایل بیشتر وجدی تردرخد مت‌علاقمندان روزنامه هاو مجلات است تا آخر ین اطلاعات روز وداغ تر ین حوا دث‌روز رابشما برسا ند ومجلات وجرا ید محبوب خانوا ده ها را در مو قعش برای‌آگا هی‌وسر گر می تان تقد یم کند .

وقت گرا نبها ست ، از زود ترین فرصت استفا ده نمایید تا کلکسیون تان از آغاز مر تب باشد . زیراباختم سال جاری میعاد اشتراك پا یان میبا بد .

مرجع اشتراك :

مدیر یت عمو می‌تو زیع‌روزنامه‌ها ومجلات .

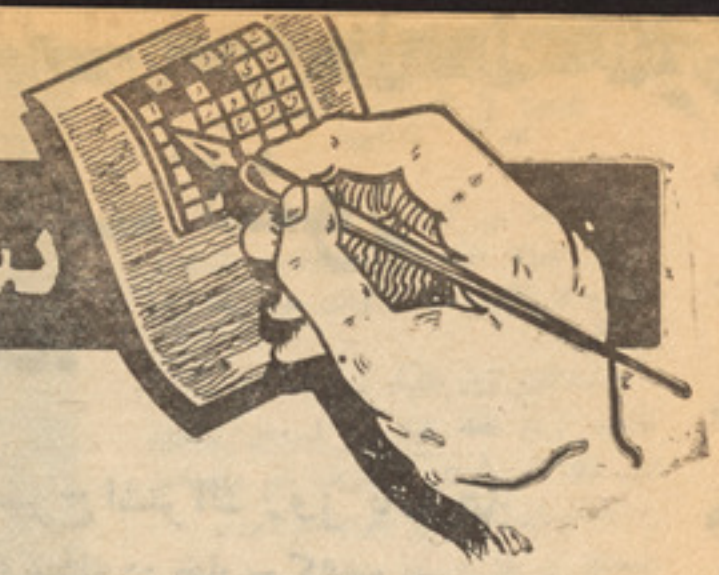

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱- یکی از بزرگترین آبشار های جهان ،از جمله کوه های مشهور کشور ما ، ۲- خار است اما آخرش را شکستاندند ، حاصل دوعنصر مهم که‌از آن ماده حیاتی بدست‌می‌آید- ۳- رام میشد اگر حرف بین آن تکمیل میبود ، هفته که تمام نشده ، از آنطرف کوه به پښتو ، ٤- برای زیبائی چشمان آنرا زنان‌استعمال میکنند ، برادری که از مادرنباشد- ٥- حرف‌ربط، یك حرف ودو خانه ، دیوار،دو پنج راجمع سازید ، ٦- ضمیر اشاره ، ولد سرش قطع شد ، آغاز اعداد به پښتو ،خود ما است ، ۷- منظم آن یاری است ، اگر منظم گردد از ستاره های فلم ایست‌که‌در بسیاری فلمها او را دیده اید ، ۸- منظم بی پا، صد سانتی است، بید نارسیده ۹- روزاول آن به‌نام کارگر مسمی‌گردیده است ، عکس خوب ، ۱۰- منسوب به‌بدخشان‌است ، این منطقه کوهستانی بوده وشاهرای بزرگ کشور ماست

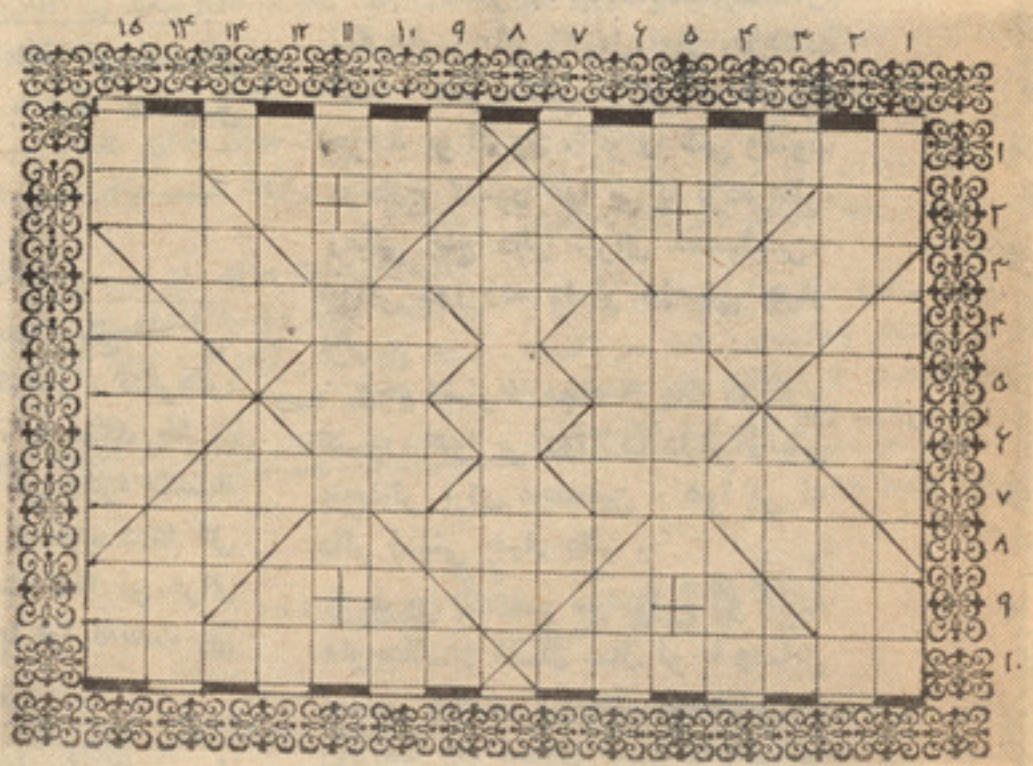

طرح کننده : محبوبه تیموری ازلیسه مهری هرات

عمودی :-

۱- رفیق سوزن است ، فصل گل وبلبل‌است ، از حروف مربا انتخاب کنید ، ۲- رفیق ومددگار ، خودم میباشم ، وظیفه صیاداست ، ۳- معدن بزرگ آن در عینك لوگر بدست آمده است ، رند نشده ، ٤- اسم‌سابق یکی از کشور های اروپائی ، ازخوراکه باب است که بسیار مزه دار میباشد ، ٥-یکی ازبلندترین کوه های جهان بشمار میرود، ٦- از دانه‌های شطرنج، هدایت کننده،در ردیف دوم عمودی قرار دارد -۷- ۸- اگر آخرش را تکمیل سازید کشوری میشودکه‌عرفرد آن قهرمان است ، ۹-۱۰- نون بی سر ، کسیکه آزادی نداشته باشد ، ضمیر اشاره به پښتو ، ۱۱- یکی از کوه های کشور ما که دایماً پراز برف میباشد ، ۱۲-عطر وگل میدهد ، ردیف پری است ، ۱۳- یك حرف ودو خانه ، ماده حیاتی -۱٤- جای گل وبلبل است ، آخرین حصه حیوانات ، منظم آن یکی ازمیوه جات خزانی‌است، ۱٥-ابر نا تمام، بعد ازچند روزوقت آن میرسد ، داغ نشده -

این ستاره کیست ؟

ستاره های زیادی است که برای شهرت خود زیاد تر تلاش میورزند در فلمها ، در مانکن ها ، وهزاران راهی دیگری را انتخاب میکنند تابه شهرت برسند مادرین جاعکس‌یکی ازستارگا ن‌بسیار مشهور را برای تان چاپ نمودیم اگر به شناختن ا سم او موفق شدید بایك قطعه فوتوی خویشتن برای ما ارسال دارید .

کدام دو ؟

به‌تابلوی فوق خوب متوجه شوید اجناس رنگارنگ ومختلف را مشاهده مینمایید د ر همین تابلو اجناس یکی بادیگر رابطه دارد آن دو جوره راکه باهم رابطه دارند اسمای شان را برای ما ارسال دارید .

این شخص کیست ؟

ما بیو گرافی یکی از شخصیت های راکه در طب خد مت زیادی نموده است مینویسیم

حالا اگر از زوی بیوگرافی ووظیفه او اسمش را میدانید تنها اسم او را برای ما بنویسید واز ماجایزه بگیرید .

«در هشتم نوامبر ۱۹۲۰ در یکی ازنزدیکی های برن در سویس بدنیاآمد اودرخانواده‌ای متولد شد که همه زارع بودند ولی برخلاف عقیده پدر ومادرش از همان اول مایل بود که به جزکار وحرفه‌ی آنان کاری دیگر و حرفه ای دیگر داشته باشد از همین ر و زمانی که دوران کودکی را پشت سر نهاد وتحصیلات ابتدائیش راپایان دادبه طب روی آورد وتحصیلات خودرا در دانشگاههای (برن) و (ژنو) بپایان رساند اوکه جوانی بیست و هفت ساله بود به فرانسه آمد وباراهنمایی استادانی چون «پاستور» «والری» «رادو» و «لدرو» اطلاعات وتجربیات کلینیکی وآماتو- موپاتولوژیکی خودرا تکمیل کرد و سپس وارد مرکز پژوهشی فرانسه گردید در آنجا باهمکاری «شاول ابرلینك»رئیس انستیتو ت سرطان شناسی اقدام به ایجاد یك‌آزمایشگاه پژوهشی مجهز به میکروسکپ های‌الکترونی نمود کار های او ازیك طرف مربوط است به تکمیل میکروسکپ الکترونی وکار برد آن در سرطان شناسی واز طرف دیگر بر رسی ومطالعه سلول های سرطانی وپیدا کردن ویروسهای موجود وراه مبارزه با آنهاست وی اکنون یکی از معروفترین اطبای سرطان شناسی دنیاست اطلاعات وتجربیات وسیع وی همواره عده ای از دکتوران وسرطان - شناسان خارجی را بدورش جمع کرده است او برای اولین بار توانست نشانه هایی از وجود یك نوع ویروس دریك سری غده های آزمایش سرطانی پیدا کند هم چنین ویروس سرطانی پستان موش وویروس مولد گلبول سفید در خون مرغ راوی کشف کرده است. کارهای دیگری که توسط اعضای تیم و ی انجام شده کشف ویروس سرطانی مربوط به یك نوع خرگوش و آرنوویروس مربوط به انسان است که مطالعه در باره‌ی آن هنوز ادامه دارد حتی اگر قطعی نشود که بسیاری ازسرطا نهای انسانی منشاء ویروسی دارد بازهم کار های وی وهمکارانش نقش مهم وباارزشی در شناسایی سرطان دارد او با قبول تابعیت فرانسه در سال ۱۹٦۲ وابستگی خودرا باین کشور اعلام کرد واز آن تاریخ کلیه پیشنهادات وسمت هایی که از طرف امریکا وسایر کشور های امریکایی به وی عرضه شده است رد نموده او موفق بدریافت جایزه های علمی ارزنده ای شده است مانند جایزه لویس دراسی از اکادمی علوم درسال ۱۹٥۷ جایزه انجمن لیگوضد سرطان سویس در سال ۱۹٦۰ جایزه بزرگ علمی شهر پاریس درسال ۱۹٦٤ جایزه بنیا دار کیش درسال ۱۹٦٦ اوقات محدود فراغت خودرا به موسیقی وشعر می پردازد ودر اینراه نیز پیشرفت فراوانی نموده است .»

مافوتوی یکی از ستارگان سینمایی غربرا درین جا چاپ نمودیم وازشما می‌خواهیم
رای مابنویسید که این‌ستاره سینماکیست‌وسه صحنه که اورا نشان میدهد کدام صحنه
ی فلم بوده واز اثر کدام نویسنده هـای‌جهان این فلم ها تهیه گردیده است .

این چهره کیست ؟

این عکس یکی از قهرمانان جهان است اوبودکه در مسلك خود درجهان رقیب نداشت وباقدرت بازوان خویش هزاران حریف خودرا برزمین کوبیده است . او در بسا فلمها ی مهم رول های عمده واساسی را داشته‌است. جهت کمك بشمایك نقل نیزبشمامیدهیم که: یکی از مشهورترین فلمهایش در سیما های کابل به معرض نمایش گذاشته شده است. ازشما می خواهیم اسم فلم واسم خودش و مسلکش را برای ما بنویسید.

حل جدول شماره (۴۹)

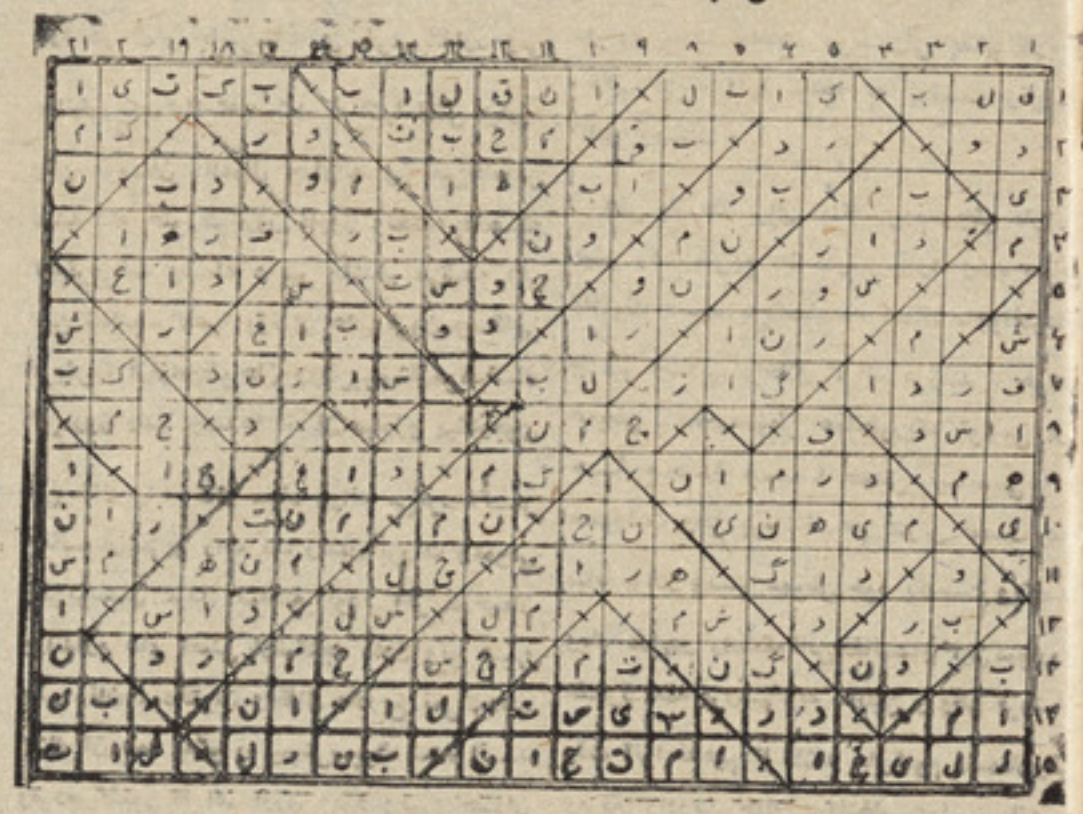

این اثر از کیست.

مافسمتی از اثریك نو یسنده شهیر را درین جاچاپ نمودیم از شما میخواهیم که فقط اسم نویسنده آنرا با اسم کتابش برای ما ارسال دارید این هم اثر او :-

«ازجانب شما جز سخنانی کـه دال بـر انتقامجویی وپیروزی است سخنی دیگرشنیده نشده من اطمینان دارم که‌شما ازاسرار باطن وسخنان نا گفته آگاهید آیا می بایست به یك غرور بیهوده وپست قانع وخوشنودمیشدم آیا شما خوشنود وراضی نیستید؟ بیش‌ازاین باید توضیح دهم‌وپرده ازروی مسایل آشکار بر گیرم باشد اگر شما تا این حد اشتیاق دارید که مرا شرمسار وخجلت زده ببینید بازهم توضیح می‌دهیم من هیچ حقی نـدارم هرگونه ماموریتی غیر ممکنست . لیزاو تا- نیکلایونا هیچ چیز نمی داند نامزدش کاملا عقل خود را از دست داده او دیگـر بـدرد دارالمجانین میخورد وعلاوه بر آن با پـای خودش آمده وشما را از جریان آگاه کرده شما در دنیا تنها مردی هستید که می توانید او را خوشبخت کنید ومن تنها مردی هستم که او را بد بخت می‌کنم شما او را می‌جوئید شکنجه وآزارش می‌دهید اما با او ازدواج نمی‌کنید علتش رانمیدانم اگر علت ، فقـط یك گفتگو وکشمکش عاشقانه است کـه در خارج اتفاق افتاده واگر برای پایان دادن به آن یك قربانی لازمست مرا فدا کنید ادبسیار بدبخت ومن نمیتوانم این موضوع را تحمل کنم سخنان من نه‌اجازه ای در بردارد و نه القاء ووسوسه ای دراین سخنان هیچ نکتـه ای وجود ندارد که عزت نفس شما را لکـه دار کند اگر شما خواستید در برابر محراب کلیسا جای مرا بگیرید بی اینکه از من‌اجازه بگیرید می‌توانید ومن هیچ دلیلی نمی یابم که دیوانگی خود را برملا کنم وانگهی بعد از این رفتار واقدام من ازدواج ما کاملا غیر ممکنست با این بیچارگی آیا میتوانم اورا به‌کلیسا ببرم عملی راکه الان دراینجا انجام میدهم باعلم باینکه او را بشما که شایـد بزرگترین دشمنش هستید واگذار می کنـم بعقیدهٔ من چنان رذیلانه است که من هرگز نمیتوانم آنرا تحمل کنـم. شماروز ازدواج ما خود کشی می‌کنید . نه مدت زمانی بعد چه‌فایده دارد که‌باخون خود جـامه عـروسی اش را بیالایم حتی امکان دارد که من هرگز خود کشی نکنم نه کنون نه بعد بی شـك برای اینکه خاطرم را آسوده کنید چنین‌می گوئید خاطر شما را چند قطره خون بـرای شماچه اهمیت دارد. رنگش پرید چشمانش درخشید یك لحظه هردو خاموش ماندنـد استاوروگین گفت: ازاین چنـدسوالی کـه من کنم معذورم دارید من حق ندارم که از شما سوال کنم اما بنظرم میرسد که حق دارم این موضوع را از شما بپرسم چه‌دلایلی باعث شده که احساسات مرا نسبت بـه لیزاوانا نیکلایونا» چنین تعبیر وتفسیر کنید منظور من آن احساسات تندوحاد است کـه تحقق آن بشما جرأت داده تانزد من بیائید وچنین پیشنهاد خطر ناکی را مطرح کنید . «ماوریکی نیکلایویچ» از جاپرید . چطورآیا شما او را نمیخواهید ونمی‌جوئید ابداً طالب او نیستید ونمیخواهید با او ازدواج کنیـد بطور کلی نمی توانم از احساسات خودنسبت باین یاآن زن باشخص ثالث یابا هر کس دیگر جز خود آن زن سخن گویم معذورم دارید این اخلاق خاص منست اما در عوض بقیه مطالب را بشما می‌گویم من ازدواج کرده ام وبرایم امکان ندارد که دو باره ازدواج کنم یا طالب ازدواج باشم ماوریکی نیکلایویچ چنان متعجب وحیران شد که خود را به‌عقب صندلی انداخت بیحرکت به استاوروگیـن خیره شد ویك دقیقه بهمین وضع باقی ماند بالکنت زبان گفت فکرش را بکنید . مـن هیچ تصور نمی کردم شما آن روز گفتیدکه ازدواج نکرده اید من آنرا باور کردم رنگش کاملا پریده بود ناگهان بامشت روی میز کوبید . اگر پس از ایـن چنین اقـر ار «لیزاوتا نیکلایونا» را آسوده نگذارید اگـر او را ناراحت کنید با ضرب چماق شما رامانند یك سگ هار می کشم او باشتاب بر خاست واتاق را ترك کرد پتراستپا نوویچ صاحبخانه را در یك وضع روحی کاملا غیر منتظره‌یافت استاوروگین نیشخند زد وگفت آه شمائید .

او قهقهه میزد وبنظر میرسید که از حالـت چهرهٔ پتر استپا نوویچ که باشتاب باتاق‌داخل شده بود وکنجکاوانه با بر زمین می کوبید لذت میبرد شما پشت در گوش میدادیـد انتظار دارید که بازهم بـرای شماتو ضیـح دهم چیزی را بشما قول داده بودم آه بله‌یادم آمد برویم وافراد خودمان را ملا قات کنیـم برویم بسیار خوشحالم چیزی مناسب تروبهتر از این نمیتوانستید بیابید او کـلاهش را برداشت وبیدرنگ هردو خارج شدند پترا- ستپا نوویچ که با نگرانی به گرد خود می نگریست گفت: چون به‌ملاقات افراد مـامی روید از بیش تفریح می کنید وشادید گاهی او می کوشید در پیاده رو باریك آجری کنار همراهش قدم بردارد گاهی توی گـل راه میرفت زیرا نیکلای وسولودوویچ گویی پی نمیبرد که وسط پیاده رو را اشغال کرده و برای پتراستپا نوویچ جایی نگذاشته اسـت استاوروگین با صدایی بلند وشاد جواب داد من تفریح نمی کنم بر عکس اطمینان دارم که شما در آنجا افرادی کاملا جدی دارید .

چنانکه روزی توصیف کردید مردمانـی کله شق وفکور هیچ چیز لذت بخش تـر از دیدار بعضی این افراد خشن ومنر سخت وفکور نیست .

نگرشی بر کتاب نور و ظلمت

پیوسته به گذشته

از گفتار بعدی فر دوسی نیز پیداست که قباد در البرز کوه در سبزه زار و چشمه ساری زندگی میکرده واز نحوه کلام فر دوسی در محتوای داستان در جریان حرکت رستم بر میاید که جای قباد دروسط البرز کوه بوده است . و البرز شا هنامه هم با حتمال نزدیك به یقین و با ستناد مدارك و اسناد معتبر همان البرز کوه بلخ است که در جنوب بلخ با ستانی ما موقعیت دارد ، نه البرز کوه ایران. فردوسی میگو ید :

تهمتن ز رخشس اندر آمد چوباد
جو بشنید زیشان نشان قباد
بیامد دمان تالب رود بار
نشستند در زیر آن سایه سار

(شا هنا مه ج ۱ ص ۲۶۱ بکوشش دبیر سیاقی)

کیقباد گذشته از آنکه برادر آخرین پادشاه پیشدادی « زو پسر طهماسب» نیست ، بلکه حتی درسه نسل متوالی هم با او پیوند ندارد از روایت طبری چنین مستفاد میشود که (زو)و (کیقباد) درمسو پسربوذر پسر منو چهر ، پیوند نژادی پیدا میکنند. (رك تاریخ طبری ج ۲ص ۳۶۷ و ۳۶۹ تر جمه ابو القاسم پاینده طبع تهران ۱۳۵۲) وثعالبی هردو را از اولاد فریدون ذکر کرده است (رك ، شا هنامه ثعالبی تر جمه محمود هدایت طبع تهران ۱۳۲۸ ه ش ص ۵۹ و ۶۲)

و از یك روایتی که در نسخه پهلوی بند هشن بجا مانده معلوم میگردد که کیقباد را (اوزد) آخرین پاد شاه سلسله پیشدادی بفر زندی پذیر فته بود . نظر به گفتهٔ (کر ستن سن) این داستان بیشتر مبتنی است بروجه تسمیه کیقباد (کیانیان ص ۱۰۶ تر جمهٔ دکتور صفا طبع تهران ۱۳۵۰) با در نظر گرفتن موارد بالا نمیتوان کیقبادرا برادر «زو» پندا شت .

در ص ۷۳ چنین میخوا نیم:

(به کیکا ووس نیر نك باز چنین پیام میدهد !)

که گفتت برو دست رستم ببند
نبندد مرا دست چرخ بلند
این لغز شیست سخت مشهود ،
ز یرا این گفته رستم
پیا م نیست بلکه گفتار رویار-
وی اوبا اسفندیار روئین تن است
که بقول اسلامی ندوشن «این
شا هزاده که از صفای روح بی
بهره نیست ، از بزرگی روح بی
بهره هست ، بنا برین اسیر جاه
طلبی است و قدمی بر نمی دارد
مگر آنکه گامی به تاج و تخت
نزدیك ترش کند .» (ص ۲۱۵
داستان دا ستا نها طبع تهران
۱۳۵۱) این گفتار نه تنها با
کاووس نیست بلکه تقریبا درنسل
سلطنتی از کاووس عین جر یان
فاصله دارد ، حتی ارتباط دود مانی
تاحدی بین روال داستان رستم و
اسفند یار و کاووس وجود ندارد .
تا آنجا که از نحوه بیان فردوسی
برمی‌آید. رستم‌این گفته‌را درمناظره
میگوید که بین او واسفند یار در
نبرد گاه صورت میگیرد نخست
اسفند یار نژاد خویش را میستاید
سپس رستم از مر دانگی ها و
پهلوانی و درایت و مناعت خود
سخن میراند و در جریان بحث
میگو ید :

وگر بستن من همی بایدت
ازین بستگی هیچ نگشا یدت
که من از گشاد کمان روز کین
بدوزم همی آسمان بر زمین
مرا بود این مردی و نام و کام
که لهراسب بود یك سواره بشام
مرا بود این گنج و آباد بوم
که گشتاسب آهنگری بود بروم
چه نازی بدین تاج گشتا سپی
بدین باره وتخت لهر اسپی
که گوید برو دست رستم ببند
نبند د مرا دست چرخ بلند

(شا هنامه ج ۳ ص ۱۴۷۲ بکو شش دبیر سیاقی)

(ادامه دارد)

وزنان کشور ما...

شدید وتکان دهنده برپیکر ارتجاع‌فیودالی، ارتجاع منطقه وامپر یالیزم جهانی واردآورد ودورنمای درخشانی رابرای رهایی‌خلق‌زحمتکش وطن کشو د ... و لی باکمال تاسف بنابر اشتباهاتی بخصوصی بنابر رهبری توطئه‌آمیز وجنا یتکارا نه‌ضد حزبی، ضدانقلابی وضدانسانی‌حفیظ الله‌امین‌دربسیاری جهات، حزب ودولت درانحراف وگمراهی‌ها،در کوره راههای مهلك ومدهش ، مطابق‌به‌خواست ارتجاع وامپریالیزم . سوق داده شدکه هرگاه اکنون نیروهای‌اصیل‌انقلابی‌ووطن‌پرست ،ابتکار خلاق انقلابی رابه تاسی‌از اندیشه‌های مترقی انقلاب پرشکوه ثور در دست نمی‌گرفتند امکان آن برده می‌شد که حاکمیت ملی ،استقلال وتمامیت ارضی وطن پرافتخار مان افغانستان محبوب و صلح منطقه درخطرجدی قرار می‌گرفت وافغانستان به یك کشتار گاه میلون ها فرزند خودتبدیل می‌گردید . بدین جهت شورای جدید انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان خود را ادامه دهنده وتکامل دهنده ی آرمان های‌والای انقلاب شکوهمندثور اعلام‌میدارد ووظیفه‌ی اولی خود می‌داند که انقلاب رهایی بخش ثور را در صراط المستقیم سوق دهد،اشتباهات‌وخطاهای مهلك وغم انگیز راتصحیح واصلاح‌نمایدفجایع راجبران کند وبحران رارفع نماید ....»

آری امین این‌نوکر زرخریدامپریالیزم‌باتبانی ارتجاع منطقه وامپریالیزم امریکا این‌آئینه‌ی امیدمردم مایعنی دورنمای انقلاب شکوهمندثور راتوسط اعمال سیاه خود مکدرساخت و در گیر ودار این خیانت های خود خیانت بزرگتر یعنی سازش‌باگروه‌های‌اوباش وچپاولگرومرتجع رادرعمل پیاده نماید ووطن گرانبها و محبوب مارا در قمار جاسوسانه ی خود بگذارد ولی همانطوریکه قبلا گفته شد نه تنها آتش مبارزه وطن پرستان بااعمال جبارانه ی امین‌خاموش نه‌شدبلکه هنوزهم روز تاروز ولحظه به‌لحظه گرم‌ترمی‌شد وشعله هایش بلندتر می‌شد. اگر امین شکنجه گاهها وزندان های قرون وسطایی خویش‌را ازآزادیخواهان ووطن‌پرستان‌می‌انباشت اگر روز دهها وصدها انسان مبارزو پیکارجوی این خاك رابه خاك سیاه روانه می‌کرد اگر افغانستان عزیز رابه یك زندان بزرگ وعمومی وطن‌پرستان مبدل ساخته بود. اگر دژخیمان وژاندارم های امینی ازشکنجه دادن وتو هین حتی زنان ، دختران واطفال مادریغ نمی‌کردند، اینك آن همه به‌گو ر نیستی‌سپرده شده اند ومردم کشور ما اعم اززن ومرد وپیرو جوان وسیاه وسپید وشیعه‌وسنی وازبك و هزاره و... دریك‌صف واحدبسوی یك‌جبهه‌ی وسیع پدروطن باحقوق وامتیازات مساوی جا نب روشنایی وبهروزیها آرامی های وا قعی و آبادی های سازنده روان اند فجایع را که استعمار وامپریالیزم توسطامین بروطن ماومردم ماروا‌داشته وتحمیل کرده برشمریم کتاب هااز آن‌ساخته می شود وهم چنان سر بازی‌هاواز خود گذری های هموطنان خودرا اگر رقم نمائیم کتب قطوری را بوجود خواهد آورد ولی اگر خلاصه‌نمائیم گفته می توانیم که امین بحکم امپریالیزم وارتجاع وبفرمایش آن ها حکومت کردولی بنابر اراده ی آهنین مردم ونیروهای مترقی ووطن پرست معدوم گردید در انعدام این جاسوس ودارو دسته اش همه مردم وطن پرست وآزادیخواه افغانستان ز نان ودختران قهرمان کشورسهم خودرا اداکرده‌اند.

قیام ملی وتاریخی ششم جدی باپیروزی خود همه اوهام وبلایاراازهن‌وسرراه هموطنان مانابود ساخت این قیام ظفر مندو شکوه آفرین وآزادی‌بخش بخصوص زنان کشور مارا ازدلهره هاو ناآرامی هاو توهین ها وشکنجه هارها نید. حال دیگر زنان هموطن‌مادرین‌اندیشه نیستندکه شب پسرش یاشوهرش یابرادرش‌را عمال امین از پهلویش خواهد برد ویا زن هموطن ما دیگر عریضه بدست بدنبال گمشده‌ی خود بگردد و دیگرآن سفاکان وفرو مایگان نیستندکه‌بر جان ومال وحتی ناموس شان تجاوز نمایند.آری‌ای خواهر هموطن دیگر بند ها گسست وتوآزادی.

ولی هر گزغافل‌نباشی‌که‌ارتجاع وامپریالیزم درین کشور همه نقشه ها وامیالش نقش برآب شده است وپیوسته در صدد احیاء ! آنست آنها نمی توانند ازره انسانی ودرست‌امیال شانرا برآورده سازند زیرا سرشت شان چنین نیست آنها بابراه انداختن دسیسه وتوطئه‌وا- صدار عمال خویش بوطن‌و جامعه ی مامی‌خواهند دوباره قدرت بدست گیرند ولی بحکم تاریخ‌و بحکم تجربه آنها مواجه به شکست ونابودی کامل هستند .

ولی باز هم برای اینکه مردم ووطن مارا از پیش رفت سریع باز دارندوسدراه رشد سریع ماشوند دست به‌یکسلسله اعمال ناجوانمردانه و غیر انسانی واخلال گرانه می‌زنند ، خواهر هموطن ، مادرهموطن همانطوریکه تونیمی از جا معهٔ ما هستی نیمی ا ز مسوولیت وطن پرستانه هم بدوش توست پس بیابا برادر وپسر هموطن خود یکدست ویکصدا ویك عمل‌در راه‌شگوفانی‌افغانستان این‌گهواره‌ی مشترك همه برزمیم وبه خائنین و وطن فروشان وقت آنرا ندهیم تا نقشه های‌شوم دشمنان‌وطن ومردم رادرین خاك پرافتخار عملی سازد . به‌پیش درراه شگوفانی افغانستان قهر مان .

سلام علیکم همکاران و خوانندگان عزیز:

دوست عزیز عبدالقیوم از ولایت ننگرهار

متقابلا سلام میگوییم ومو فقیت شماهمکار ارجمند را آرزو میبریم ۰ پاسخ به‌سوالات‌صفحه مسابقات وسر گرمیها را گرفتیم وبرای صحت وسقم آن، سپردیمش به متصدی صفحه‌سر- گرمیها ، وعلاوه نمودیم که اگر حل سوالات صحیح باشد ، شمارا از جایزه یی وعده شده بهره ور گرداند ۰۰۰ به امید همکاری تان۰

دوست مهربان امان‌پتنگ۰

از نظر مبارك شما ممنونیم وبه تایید نظر شما، می‌کوشیم که بر هوا خواهان این مجله بیافزاییم، پارچه شعر ارسالی شماراخواندیم ودریکی از شماره‌های مجله‌به نشر می‌سپاریم، ولی در خاطر بگیرید که صفحه سرود جاودانی دیر گاهیست که جاودانه رخت بربسته وجای به گلهای سرخ داده ، که‌نمیدانیم چطور ازاین تعویض اسم آگاه نیستید ۰۰۰ موفق باشید۰

دوست ارجمند سوریان ۰

ماهم سلام میگوییم ۰ پارچه شعر شمارا مطالعه کردیم و توصیه میداریم که آثار بزرگان را بخوانید که‌آثاربزرگان شعروادب «متکلمان را بکار آید ومتر سلان را بلاغت افزاید) ۰۰۰ آنچه‌بنام داستان فرستاده بودید ، هیچی از داستان نداشت ونمیشود از کم وکسری صحبت کرد که‌بایست مراعات میگردید ۰۰. خداحافظ ۰

دوست گرانقدر میرمن ماری از وزارت فواید عامه ۰

بپذیر ید سلام مارا نیز۰ خرسندیم که‌به مجله ژوندون وروز نامه انیس علاقمندید ۰ آنچه نوشته بودید از آن،معنای مطلوب‌استخراج نمی‌شد ، از اینرو صمیمانه تقاضا میکنیم که اگر مسیر باشد نامه را تایپ شده ، بفرستید، در غیر خوانا وزیبا بنویسید که هر کی نامه بگشاید ، بداند که در نامه چیست ؟۰ کامروا باشید ۰

دوست مهربان بسم الله حریف آمر کشف قوماندانی امنیه ولایت ننگرهار ۰

دو پارچه شعر شمارا گرفتیم وبه ترتیب نوبت در صفحه دوستان به چاپ میسپاریم۰۰ همکاری تانرا آرزومیبریم ، موفق باشید ۰

دوست‌گرامی محمد عاطف عثمانی متعلم‌لیسه انصاری ۰

سلام همکار عزیز!ازنظر صمیمانه‌ومهربانانه شمانسبت به مجله ژوندون تشکر ۰مضمون و فوتوی شمابه‌اداره رسید ومطلب‌شماراسپردیم‌به متصدی صفحه جوانان که به آن زیور ونگینی بیاراید وبه حلیه طبع آراسته گرداند ۰۰۰ به انتظار نامه های دیگر شما ۰

رفیق محترم محمدیاسین محصل پو هنځی انجنیری !

ارارت و احترام مارا نیز بپذیرید ۰ داستان ارسالی شما از نظر داستان نویسی عیب ونقص بسیار دارد که با خواندن داستانهای بزرگان داستان مرفوع خواهد گردید۰ در چند شماره قبل جواب به نامه های شما دراین باب نکاتی چند گفته ایم که پرهیز از دوباره گویی‌واطناب کلام شمارا به خواندنش زحمت میدهیم ویکبار ازنظر بگذرانید۰۰۰ به‌امید همکاری د یگر شما ۰

دوست گرامی احمدالله‌رهین (داغ) ازکندز۰

سلام علیکم ۰ پارچه شعر شما به اداره رسید نظری به آن افکندیم وسپرد یمش به متصدی صفحه دوستان که اگر جایی مناسبی برای آن تدارك دید ،از نشرآن دریغ نورزد خداحافظ همکار عزیز :

دوست مهربان احمد فواد دامع !

سلام برادر عزیز ! پاسخ به سوالات صفحه مسابقات وسر گرمیها را گرفتیم وآنرا به متصدی صفحه مسابقات وسر گرمیها واگذار شدیم که‌به‌محك بزند وصحیح وغلط بودن آنرا واضح سازد ۰ در صورت درست بودن پاسخ ها، نام شمارابه جدول حل کنندگان درج کند که اگر اقبال دولت تان در خشیدن گیرد، جایزه یی نصیب شماگردد۰ و السلام ۰

دوست بزرگوار میر حبیب الله شفق !

سلام صمیمانه ودوستانه‌مارا نیزقبول‌فرمایید پارچه شعر (چه کردند؟) شمارا خواندیم ودر شماره آینده به چاپ‌میسپاریم وانتظار همکاری شمارا میبریم ۰

دوست عزیز معروفه علی‌زاد ازیکه‌توت!

سلام علیکم ۰ جواب پر سشهای صفحه مسابقات وسر گرمیها را گرفتیم وعلی الحساب آنرا به متصدی صفحه مسابقات وسر گرمیها سپردیم که‌غربال رابگیرد ودرست‌را ازنادرست یکطرف بزند وبه شماهم پاسخ ارایه فرماید که آیا مستحق جایزه شناخته شده اید یاخیر؟ ۰۰۰امید همکار یتانرا داریم۰۰۰۰

دوست ارجمند نادره شریفی متعلم لیسه رابعه بلخی!

ماهم سلام‌میگوییم ۰ جوابات‌شمارا خواندیم وآنرا به متصدی صفحه مسابقات وسر گرمیها سپردیم که از زیر ذره بین انتقاد ، دقیقانه بگذراند و صحیح و غلط آنرا از هم جدا بسازد واگر پاسخ های درستی ارایه نموده باشید، قرعه فال را بنام شمابزنند وجایزه به نامتان به‌امید همکارهای بیشتر تان ۰۰۰

دوست عزیز محمد نادر ننگیالی علی زاد!

سلام برادر ! جوابات شمارسید . برای ارزیابی ، آنرا به متصدی صفحه مسابقات و سرگرمیها حوالت داشتم که‌در صورت لا زم هر گاه موفق به حل صحیح آن گردیده باشید از جایزه هم مستحق شوید ۰ موفق باشید۰

دوست مهربان حمیده ثمر متعلم لیسه زرغونه ۰

سلام میگوییم: پاسخی که‌به پاره‌یی از سوالات صفحه مسابقات وسرگرمیها داده اید، بمارسید وآنرا به‌متصدی صفحه سپردیم و سرانش را ازهمان صفحه بگیرید ۰ به امید همکاری تان ۰

دوست ارجمند محمد کبیر از کارته چهار!

نامهٔ تان به اداره مواصلت کردو آنرا برای متصدی صفحه واگذار شدیم که دقیقانه‌جوابات شمارا ارزیابی کندو آنگاه اگر پاسخهای شما صحیح ودرست بود، اسم مبارك شمارادرزمرهٔ حل‌کنندگان بگیرد ۰ به امید همکاری‌تان۰

دوست مهربان نفیسه محبوب متعلم لیسه مسلکی جمهوریت !

جواب به‌سوالات صفحه مسابقات وسرگرمیها را گرفتیم وسپردیم آنرابه متصدی صفحه‌جهت صحت وسقم آن ، که هر گاه موفق به‌حل‌درست سوالات شده باشید ، از جایزه مورد نظر هم نصیبی ببرید ۰ به امید همکاری تان ۰

دوست عزیزشفیق احمد !

سلام میگوییم :ازجانب شمادوست عزیز، به همه کسانیکه تیلفون دارند ، این چند نکته راتذکر میدهیم ویا اگر لازم می‌بینید که‌به همه تیلفون داران تیلفون بزنیم که‌برادر گوشی‌را که برمیدارید ، چرا خودرا به معرفی نمی‌نشانید وطرف رابه پرسیدن بیشتر وامیدارید ، که کیستی ؟ شما کیستند ؟کی ره کار داری؟ کجا- زنگ زدی ؟ آخر از برای چه ؟ چرا یك طرف خودرا معرفی نمی‌کند وجارو جنجال بی جا براه می‌اندازد و مدتی از وقت گرانبهارا به ثمن‌خس ازدست میدهد وچیزی بدست نمی‌آورد اخر انصاف داشته باشید که‌وقت‌به مفت‌ازکف‌میرود ولی مطلوب بدست نمی‌آید ۰فریادازاین حال که تیلفون داریم لیکن نحوه استفاده وطرز صحبت آنرا یاد نداریم ۰۰۰

برادر ! شماافسوس نابجانخورید ازدیریست که‌دراین کشورتیلفون‌وموتر و۰۰۰(ماشین)همین سونوشت راداشته است که درست استفاده آنرابعضی هانیاموخته اند وبقولی‌کالبدتیلفون وموتر(ماشین)... برای‌آنهاواردشده، اماهنوز روح (ماشین) درآنهاندمیده است وحال صبر کنیدکه روحش بدمدوآنگاه ببینیدکه‌کالبدش چگونه است ؟

بهر صورت توصیه‌یی شما اینست که یکی ازدوطرف خودرا زودتر معرفی کند واز اضافه گویی و فوت‌وقت جلوگیری کنند ۰ نوشتیم ببینم که‌کی زودتر خودرا معرفی‌میکند، آنکه تیلفون میکند یاآنکه به تیلفون جواب میدهد؟!

برادر ! کار آسان دیگر ش اینستکه ۰ موقعیکه تیلفون میکنید۰ حضور مبارك را معرفی دارید وشخص منظور نظر را خواستار گردید به‌نحویکه بگویید من فلان ستم وبهمان‌راکار دارم واگر هست بگوییدبه‌بهمان ،که‌فلان باشما سرو سری (!) دارد ۰

انیس
ژوندون

مدیر مسوول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری وات،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه